

جلد دوم



ویژه نامه

وبسایت خبری، تحلیلی

تئاتر فستیوال

فخر بن
الکلاشنا
...
سی محمد حسن سوار
35th Fajr
International
Theater
Festival

۱۰امی تا ۱۲ بهمن ۱۳۹۵
تهران و استان های
آذربایجان شرقی، مازندران
بوشر، خراسان رضوی
خوزستان، فارس و یزد

TF

فهرست مطالب

- مصاحبه / استاد محمدعلی کشاورز : امیدوارم نقد های زیبا بنویسید..... ۱۰
- نقدی بر نمایش « همسرایی یتیمان » به کارگردانی یژی ژون از کشور لهستان /
هم سرایی جهان شمول یتیمان ۱۱
- مصاحبه / افسانه زمانی : جشنواره ها فرصتی برای تبادل اثر هنری و اندیشه است ۱۳
- یادداشتی بر نمایش "ناسور" به کارگردانی افسانه زمانی / افسانه ای از زمان قدیم ، در جدیدترین اثر افسانه زمانی.. ۱۵
- مصاحبه / سامان ارسطو : امیدوارم سال آینده در تئاتر شهر اجرا بروم..... ۱۷
- حاشیه های روز هشتم جشنواره تئاتر فجر / جشن تولد یک بازیگر بعد از " رویای نیمه شب تابستان " ۱۹
- مصاحبه / محسن قصابیان : جشنواره یعنی تاثیر بگذاریم و تاثیر بگیریم ۲۲
- مصاحبه / کریستینا گالبیاتی : تماشاچی تئاتر بر اساس فرهنگ کشورش ، متفاوت است..... ۲۴
- مصاحبه / کارگردان " شاخص " از فرانسه : از تماشاگران ایرانی شگفت زده شدیم..... ۲۶
- گزارش تصویری نمایش خیابانی " از بس که جان ندارد "..... ۲۷
- نقدی بر نمایش « باغبان مرگ » به کارگردانی آروند دشت آرای / باغبانی که عاقبت به خیر نشد ۲۸
- مصاحبه / امین رضایی : جشنواره تئاتر فجر تنها جشنواره ی معتبر در داخل ایران است ۳۰
- مصاحبه / سجاد طهماسبی : تصمیم گیری برای هیئت داوران جشنواره تئاتر فجر سخت است ۳۱
- نقدی بر « آشپزخانه » به کارگردانی محمدرضا رادمند / آشپزخانه ؛ طعم تلخ توهین..... ۳۳
- مصاحبه / امیر دژاکام : در کمیسیون فرهنگی مجلس نسبت به ردیف بودجه تئاتر کم لطفی می شود ۳۵



- یادداشتی بر نمایش « یک مساوی چهار » به نویسندگی و کارگردانی یاور دره زمی / « یک مساوی چهار »
 قربانی نمایشنامه ای بی هویت ۳۸
- یادداشتی بر « رادیو تئاتر شین » به کارگردانی محمدرضا جمال / رادیو در قابی شکسته ۴۰
- حاشیه های روز نهم جشنواره تئاتر فجر / تهرانی ها تئاتر نبینند تا فرصت به شهرستانی ها داده شود ! ۴۲
- نقدی بر نمایش « قاقمان » به نویسندگی حامد مکملی و کارگردانی مرتضی نجفی / « قاقمان » ترسناک اما
 دوست داشتنی ۴۵
- یادداشتی بر نمایش «چهل گیس و حسن کچل» به کارگردانی پوران مرادی / حسن کچل ادای دینی مدرن.
 ۴۶
- گزارش تصویری نمایش خیابانی « سکوت رنگها » ۴۸
- مصاحبه / بختیار پنجه ای : تئاتر مهاباد در محرومیت قرار دارد . / مهاباد یک سالن تخصصی تئاتر هم ندارد ۴۹
- مصاحبه / پیام لاریان : امیدوارم سعید اسدی دبیر جشنواره تئاتر فجر باقی بماند ۵۱
- مصاحبه / پوران مرادی : « مسابقه تئاتر جوان » به جوان های با استعداد فرصت دیده شدن می دهد ۵۲
- نقدی بر نمایش « دال » به نویسندگی و کارگردانی مسلم خراسانی / جای خالی تأمل و تجربه ۵۴
- یادداشتی بر نمایش « زندگی من و موریس » به کارگردانی محمد جواد سجادی / « زندگی من و
 موریس » مونولوگی همه چیز تمام..... ۵۶
- حاشیه های روز دهم جشنواره تئاتر فجر / پایان اجرای طولانی ترین نمایش جشنواره تئاتر فجر / آبادان در
 زیر ریز گردها مدفون شده است ۵۷
- مصاحبه / مسعود براهیمی : دکتر سعید اسدی شهرستان ها را درگیر تئاتر کرده اند ۶۰
- گزارش تصویری نمایش خیابانی « دی زنگرو » ۶۲



- ۶۳ مصاحبه / ندا شاهرخی : باید کم کم بخش خصوصی زمام امور جشنواره فجر را در دست بگیرد.....
- ۶۵ مصاحبه / ستاره تبریز زاده : در جشنواره تئاتر فجر ایده های نو در یک رقابت سالم قرار می گیرند
- ۶۶ نقدی بر نمایش « صوراسرافیل » به کارگردانی عامر مسافر آستانه / پناهجویان سرزمین نیکبختی های گمشده
- ۶۹ مصاحبه / پیام عزیزی : وضعیت تئاتر شازند خوب نیست / از روند برنامه ریزی و مدیریت جشنواره رضایت دارم
- ۷۰ مصاحبه / ابوالفضل طبسی : متأسفانه اکثر آیین های شادمانه رو به فراموشی است
- ۷۲ نقدی بر نمایش « از زیرزمین تا پشت بام» به کارگردانی افسانه ماهیان / مستند ، هنرمندانه ، امیدبخش
- ۷۵ مصاحبه / محمد کاسبی : تئاتر ، ابزار درمان و با روح و روان انسان عجین است
- ۷۶ مصاحبه / علیرضا اجلی : اضافه شدن مسابقه به بخش “به علاوه فجر” سبب انگیزه گروه ها خواهد شد
- حاشیه های روز یازدهم جشنواره تئاتر فجر / چهره های سینمایی روی صحنه تئاتر در آخرین روز جشنواره فجر
- ۷۷ گزارش / تماشاخانه مشایخی شبی خاطره انگیز را در “به علاوه فجر” رقم زد
- ۸۰ مصاحبه / شاهین چگینی : معلولین نشان دادند که توان جسمی و ذهنی بالایی دارند
- ۸۳ گزارش تصویری اختتامیه تماشاخانه مشایخی در بخش به علاوه فجر.....
- ۸۴ یادداشتی بر نمایش « بیستون می تازد » به کارگردانی امین رضایی / بیستونی بلند قامت اما نحیف.....
- ۸۵ یادداشتی بر نمایش « گاهی » به کارگردانی محمدرضا درند و سعید زندی / دو راهی سینما و تئاتر.....
- ۸۷ یادداشتی بر نمایش «چریکه ی چپای هالوز» به کارگردانی بختیار پنجه ای / آوای پریشانی از گذشته های دور
- ۸۸ گزارش تصویری نمایش خیابانی “ کوری ” (۱)
- ۸۹



- نقدی بر نمایش «خوشبختی های کوچک سوسک شدن» به کارگردانی آزاده انصاری /
۹۰ بدبختی های بزرگ آدم شدن !
- یادداشتی بر نمایش دستاری که بر پیکر اسب پیک در راه... به کارگردانی جواد صداقت /
۹۲ نمایش ، ضرب در صفر
- یادداشتی بر نمایش «مجلس مچاله خوانی» از تویسرکان به کارگردانی سجاد طهماسبی /
۹۳ “مجلس مچاله خوانی” یک نمایش ایرانی خوب
- مصاحبه /مجید کاظم زاده مزده ای : احترام ستاد برگزاری جشنواره بسیار راضی کننده بود /
۹۴ تغییر هر ساله دبیر به جشنواره آسیب می زند
- مصاحبه / هیام احمدی : از مسئولین آبادان توقع حمایت از گروه های تئاتری را دارم.....
۹۶ مصاحبه / دیوید دویشویلی : تئاتر پیامی از آزادی و دموکراسی برای مردم است
۹۸ یادداشتی بر «بادکنک» از کشور هلند به کارگردانی بوکیه شووگمن / “بادکنک” موجودی عجیب در تئاتر
۹۹ یادداشتی بر نمایش «نگاهمان می کنند» به کارگردانی محمدرضا اصلی /
..... ۱۰۱ مخاطب ؛ پرسوناژ اصلی “نگاهمان می کنند”
- مصاحبه / مصطفی حمیدی فر : امکان اسکان گروه های شهرستانی باید دو روز قبل از اجرایشان باشد
۱۰۳ مصاحبه /حامد صنمی : نمایش خیابانی ما پا به عرصه مدرن بودن گذاشته است
۱۰۵ مصاحبه / پاو پالاسیوس : امیدوارم در دنیا همه بتواند بدون هیچ محدودیت و سانسوری تئاتر کار کنند
۱۰۶ مصاحبه / امید مصطفایی : “در بازی آخر ...” به شیوه های نوین تئاتر خیابانی نزدیک شده است.....
۱۰۸ یادداشتی بر نمایش «شیشه» به نویسندگی و کارگردانی امیر دژاکام / دغدغه مند، جذاب، دوست داشتنی.....
۱۱۰

- یادداشتی بر نمایش « پنجاه و چهارمین سالگرد خسرو مرادی » از شیراز به کارگردانی آرمین حمدی پور /
قابی از زندگی امروز ۱۱۲
- مصاحبه / اصغر همت : جشنواره تئاتر فجر بدون هیچ مشورتی با خانه تئاتر برگزار می شود ۱۱۴
- مصاحبه / سامان خلیلیان : تئاتر خیابانی ، چراغ تئاتر را در روزهای شنبه روشن نگه خواهد داشت ۱۱۷
- مصاحبه / لیزا وربلن ، کارگردان نمایش «یک» : برایم جالب است بازخورد مردم از اجرایم را بدانم ۱۱۹
- یادداشتی بر نمایش «یتیم خانه فونیکس» به کارگردانی محمد نیازی / یتیم خانه ای دوست داشتنی و
فراموش نشدنی ۱۲۱
- مصاحبه / محمد نیازی : تئاتر در مشهد تبدیل به یک شغل و حرفه و منبع درآمد شده است ۱۲۲
- مصاحبه / تینا لوند : واکنش ها نسبت به نمایش «آنجا» در کشورهای مختلف مشابه بود ۱۲۴
- یادداشتی بر نمایش « دامپزشکی » به کارگردانی شیرین جروقی / دامپزشکی اثری ناقص و فروریخته ۱۲۵
- نقدی بر نمایش «پرواز شماره ۷۴۵» به کارگردانی مرجان پورغلامحسین / یک نمایش خوب ، منهای بدیهایش
..... ۱۲۶
- یادداشتی بر نمایش « مهرآه عشق » به کارگردانی راشین امامی / جسارتی پیشبرنده در خلق مذهبی صحنه ۱۲۸
- مصاحبه / مصطفی کوشکی : بخش مرور تئاتر ایران در جشنواره تئاتر فجر ، منطقی تر است ۱۲۹
- مصاحبه / احمد صمیمی : تئاتر خیابانی از دغدغه های روزمره شکل می گیرد ۱۳۰
- مصاحبه / یاور دره زمی : بخش « به علاوه فجر » ، سبب دوگانگی و دو قطبی شدن جشنواره شده است ۱۳۲
- گزارش تصویری نمایش خیابانی « کوری » (۲) ۱۳۴



- یادداشتی بر نمایش « آکواریوم کانگورو » به کارگردانی مجید کاظم زاده مژدهی / آکواریوم پر رنگ و لعاب اما خالی کانگورو ها ۱۳۵
- یادداشتی بر نمایش « افراسیاب » به کارگردانی مصطفی حمیدی فر / افراسیاب ، اسطوره ای بی مانند ۱۳۶
- مصاحبه / کیومرث مرادی : امیدوارم آثار بخش معرفی جوانان تئاتر فجر هر سال پربارتر باشد ۱۳۸
- مصاحبه / محسن اردشیر : آرزویم این است روزی بتوانیم جنگ را متوقف کنیم ۱۴۰
- مصاحبه / علی پویان : برای اجرای “ دکتر استوکمان ” همانند ایبسن مقاومت کردم ۱۴۲
- مصاحبه / وحید نفر : تجربه ی کار در کنار نسل جوان ، بسیار خوب و شیرین بود ۱۴۳
- گزارش تصویری نمایش خیابانی “ داستان مردم ” ۱۴۴
- گزارش تصویری نمایش خیابانی “ در بازی آخر هیچ راهی برای خروج نیست ” ۱۴۵
- نقدی بر نمایش « رسوب » از مشهد به کارگردانی مسعود عقلی / فاصله بعید ایده تا نمایش ۱۴۶
- یادداشتی بر نمایش « چرخه سودایی » به کارگردانی محمد جواد صرامی / اوفلیای سردرگم در چرخه سودایی ۱۴۷
- به بهانه برپایی نمایشگاه عکس خیابانی از اساتید و پیشکسوتان تئاتر ، در سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر /
- خاطرات فجر از تالار وحدت تا تئاتر شهر (۱) ۱۴۹
- اهدای جوایز بخش طراحی نور ، گریم و موسیقی / گزارش تصویری ۱ ۱۶۰
- تقدیر از بخش آثار موضوعی / گزارش تصویری ۲ ۱۶۱
- حاشیه های اختتامیه / گزارش تصویری ۱ ۱۶۲
- حاشیه های اختتامیه / گزارش تصویری ۲ ۱۶۳
- به بهانه برپایی نمایشگاه عکس خیابانی از اساتید و پیشکسوتان تئاتر ، در سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر /
- خاطرات فجر از تالار وحدت تا تئاتر شهر (۲) ۱۶۴



- گزارش /** علی رفیعی در بزرگداشتش در جشنواره تئاتر فجر : مهمترین وظیفه تئاتر ، انتقال شعف به بازیگر و تماشاگر است ۱۷۱
- گزارش** تصویری بزرگداشت دکتر علی رفیعی ۱۷۲
- گزارش /** وزیر ارشاد در اختتامیه سی و پنجمین جشنواره بینالمللی تئاتر فجر عنوان کرد :
تئاتر نمایش انسانیت در جامعه بزرگ ایران است ۱۷۳
- مصاحبه /** علی مراد خانی : در سطح شهر مکان هایی برای اجرای تئاتر خیابانی ایجاد خواهیم کرد ۱۷۵
- مصاحبه /** مهدی شفیعی : حفظ ساختار فعلی جشنواره تئاتر فجر را می پسندم ۱۷۷
- مصاحبه /** سعید اسدی : احترام به دیگران ، بزرگترین دستاورد من از جشنواره تئاتر فجر است . /
با سربلندی از جشنواره خداحافظی می کنم ۱۷۹
- حاشیه های اختتامیه سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر /** اختتامیه ای پر از ناگفته ها ، اما بی صدا ۱۸۱
- اهدای جوایز بخش طراحی صحنه و لباس / گزارش تصویری ۳** ۱۸۶
- اهدای جوایز بخش بازیگری زن و مرد / گزارش تصویری ۴** ۱۸۷
- اهدای جوایز بخش نمایشنامه نویسی و کارگردانی / گزارش تصویری ۵** ۱۸۸
- برترین های بخش مسابقه مرور تئاتر ایران از نگاه منتقدین تئاتر فستیوال** ۱۸۹
- برترین های بخش مسابقه جوانان از نگاه منتقدین تئاتر فستیوال** ۱۹۴
- برترین های بخش مسابقه بین الملل از نگاه منتقدین تئاتر فستیوال** ۱۹۹



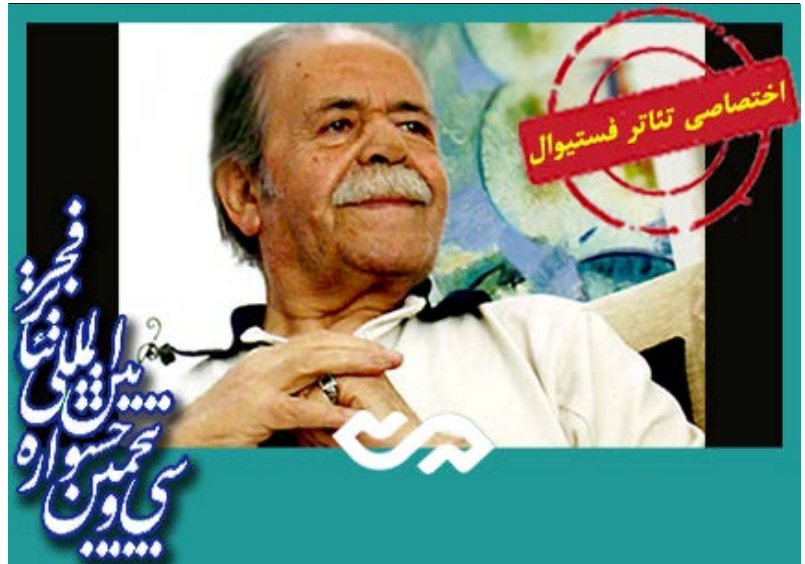
- ۲۰۴ حاشیه های اختتامیه / گزارش تصویری ۳
- ۲۰۵ برگزیدگان بخش مسابقه مرور تئاتر ایران جشنواره تئاتر فجر
- ۲۰۶ برگزیدگان بخش مسابقه جوانان جشنواره تئاتر فجر
- ۲۰۷ برگزیدگان بخش مسابقه بین الملل جشنواره تئاتر فجر
- ۲۰۸ برگزیدگان بخش مسابقه نمایش های محیطی جشنواره تئاتر فجر
- ۲۰۹ برگزیدگان بخش مسابقه نمایش های محیطی جشنواره تئاتر فجر
- ۲۱۰ دریافت جلد اول ویژه نامه ی سی و پنجمین جشنواره ی تئاتر فجر



استاد محمد علی کشاورز : امیدوارم نقد های زیبا بنویسید .

به مناسبت سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر، عکس هایی از اساتید و پیشکسوتان عرصه ی تئاتر، توسط ستاد برگزاری این دوره از جشنواره تئاتر فجر، در حد فاصل بین تالار وحدت و مجموعه تئاتر شهر نصب شده است. همین بهانه ای شد تا ما با تعدادی از این اساتید تماس گرفته و بخواهیم از این سی و پنج دوره ای که از جشنواره تئاتر فجر گذشته است، خاطره ای تلخ یا شیرین برایمان تعریف کنند.

گفتگوی ما با استاد محمد علی کشاورز بسیار شیرین و خواندنی بود. به همین دلیل بر آن شدیم تا این مصاحبه را به صورت مجزا نیز منتشر کنیم.



استاد محمد علی کشاورز، بازیگر پیشکسوت تئاتر، سینما و تلویزیون، در پاسخ به خبرنگار **تئاتر فستیوال** در مورد خاطراتشان از جشنواره تئاتر فجر گفتند: به علت مشکلی که برای پیم در سال ها قبل پیش آمد، سی سال است که خبری از ماجراهای تئاتری ندارم و نمی دانم بر تئاتر چه گذشته است.

استاد کشاورز درباره ی دورانی که خود بر صحنه ی تئاتر آثار ماندگاری چون “مرده های بی کفن و دفن” و “بازی استریندبرگ” را ایفا کرده اند، عنوان کردند: در دوره ای که من تئاتر کار می کردم، با افراد کار کرده ی بسیار خوبی مثل مرحوم حمید سمندریان، آقای علی نصیریان، آقای عزت الله انتظامی و آقای داوود رشیدی آثار زیادی را اجرا کرده ایم که اغلب مرحوم سمندریان کارگردان بود و ما بازی می کردیم. خدا او را رحمت کند. این راهی است که در حال حاضر جوان های ما باید شرافت، نجابت و انسانیت را از آقای حمید سمندریان یاد بگیرند. و امیدوارم خداوند به علی نصیریان طول عمر بدهد.

وی با ابراز امیدواری برای اهالی تئاتر اذعان داشتند: امیدوارم در راه تئاتری که گذشتگان زحمت بسیاری برای آن کشیده اند تا به اینجا رسیده است، همه جوان هایی که کار، کوشش و تلاش می کنند، موفق و زنده باشند. نقد های زیبا بنویسید تا من که نمی توانم از خانه برای دیدن آثار بروم، حداقل آن ها را بخوانم.

استاد محمد علی کشاورز در پایان گفتند: امیدوارم که شما جوان ها در راه اعتلای تئاتر این مملکت موفق و پیروز باشید.

نقدی بر نمایش «همسرایی یتیمان» به کارگردانی یژی ژون از کشور لهستان:

هم سرایی جهان شمول یتیمان

«هم سرایی یتیمان» گرچه توقع مسبوق به سابقه تماشاچی را از تئاتر لهستان برآورده نمی کند، اما در میان اجراهای نجسب و حتی بد سایر کشورها در این دوره از جشنواره فجر، دلگرم کننده است و دوست داشتنی.

مایرهودیسم ساری و جاری در «همسرایی یتیمان» چنان خالص است و چنان از افزودن شاخ و برگ های اضافه به این شیوه و مثلاً خلق گونه های نئومایرهودیسم و یا حتی پسامایرهودیسم، دوری شده است که نمی شود از تجربه ی تماشای صحنه این نمایش همراه با میزانشن فعال و دکور مبتنی بر فرم و سوژه و بازی های درست و به اندازه مبتنی بر سبک اجرایی نمایش لذت نبرد.



در اجرای «همسرایی یتیمان» کلام از اثر حذف شده است و جایگزین آن موسیقی (در مقام اول) و زبان بدن بازیگران (در مقام دوم) قرار گرفته است. این اولویت بندی به این علت است که در این اجرا آنچه زبان بدن بازیگران را تعیین می کند و به آن هویت می بخشد؛ موسیقی است. در واقع «همسرایی یتیمان» اجرایی فیزیکی است که روی یک سمفونی سوار شده است و لاجرم با آن سمفونی همراه گردیده، از آن تاثیر گرفته و منطبق با آن آغاز شده، ادامه یافته و دقیقاً همراه با آن پایان می پذیرد و این همراهی موسیقی و بدن (چیزی شبیه به رقص، نه دقیقاً رقص) به شکلی هنرمندانه و البته برخاسته از دغدغه ی صاحب اثر، با قصه (نوعی روایت گری که ممکن است بر قصه از نوع کلاسیک صد در صد منطبق نباشد) همراه شده است و این قصه و روایت است که جلوی از هم پاشیدگی سایر عناصر و نیز حفظ ریتم سمعی و حتی بصری می شود، در واقع «همسرایی یتیمان» نمونه ای خوب است برای اثبات اهمیت روایت گری و حتی قصه گویی در یک پرفورمنس و یا یک اثر فیزیکی.

«همسرایی یتیمان» در سوژه بیش از آنچه که نامش به مخاطب القا می کند؛ ارجاع دهنده حافظه بصری و تاریخی

مخاطب است به تصاویری که از جنگ جهانی دوم و تجربیات لهستانی ها در دوران آن جنگ، می باشد. ارجاعی که گویا صاحب اثر خواسته است با این نامگذاری از آن دوری جوید، اما نهایتاً به آن سمت و سو میل می کند و آنچه ما در اثر «همسرایی یتیمان» شاهد هستیم بیشتر از یک یتیم خانه، یک اردوگاه کار اجباری است که در فرم و نحوه ی اجرا به خوبی احساسات مخاطب را با خود همراه کرده و به جایی که می خواهد، به زمان و مکانی که می خواهد، می برد.

در این اثر طراحی صحنه، با استفاده از متریال فلزی، کارکردی درست و منطبق بر فرم دارد. یک طراحی صحنه هوشمندانه، دقیق که به شکلی فعال و دقیق با لحظات این اجرا، موسیقی آن و روایتش قابل تطبیق است.

مطابقتی که تا پایان اجرا ادامه داشته و لحظه لحظه بر دوش پرسوناژها سنگین و سنگین تر می شود ، احاطه فضای بسته زندان (یا یتیم خانه و یا اردوگاه کار اجباری) را به خوبی به مخاطب القا می کند .

“همسرایی یتیمان” شاید اثری متوسط از کشور لهستان باشد ، اما اثری است آموزنده برای اهالی تئاتر (به ویژه جوانان ما که به این سبک های اجرایی علاقه دارند) و هم رضایت بخش برای مخاطب جشنواره که احیاناً هزینه بلیت را پرداخت کرده است .

اثری علمی ، دغدغه مند ، دارای فرم منطبق بر سوژه و دارای سوژه ای که توسط صاحب اثر زیست شده است و زبانی بین المللی دارد و دارای سوژه ای جهان شمول که امتیاز بالایی است برای تئاتر .

المیرا نداف – نویسنده میهمان



افسانه زمانی : جشنواره ها فرصتی برای تبادل اثر هنری و اندیشه است .

نمایش "ناسور" نوشته خیرالله تقیانی پور و به کارگردانی افسانه زمانی یک از نمایش هایی است که در بخش مسابقه مرور تئاتر ایران در سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر به روی صحنه رفته است . به همین بهانه خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت و گویی با این کارگردان تئاتر داشته است که می توانید آن را در ادامه بخوانید .



افسانه زمانی با بیان اینکه نمایش "ناسور" یک نمایش ایرانی با داستانی ایرانی است ، در مورد شیوه ی اجرایی این نمایش گفت : شیوه ی اجرایی این نمایش براساس شیوه ی نمایش های ایرانی طراحی شده است یعنی از نمایش هایی مثل تعزیه ، نمایش های شادی آور زنانه و... برای اجرا استفاده کرده ایم و نمایش ، نسبت به اجرای عموم هیچ تغییری نکرده است .

وی با اشاره به اینکه هر جشنواره ای سیاست های خودش را دارد ، در مورد آثار شرکت کننده در جشنواره تئاتر فجر گفت : فکر می کنم که من نباید بگویم در جشنواره فجر چه آثاری باید اجرا شود ، اما بهر حال یک سری قاعده هایی وجود دارد و فرصتی است برای اینکه کارهایی به روی صحنه بیایند که از نظر مخاطبان و هنرمندان ویژگی های خاصی داشته باشد ، یعنی کاری که برای دیدن آن می آیند ، شاخصه اش ویژگی های خاص اجرایی اش باشد و یا اینکه به گونه ای باشد که دانشجویان تئاتر بتوانند از آن استفاده کنند .

زمانی ادامه داد : من کارهای ایرانی را ندیدم و قضاوتی راجع به آن ها نمی توانم بکنم . ولی بخشی از آثار بخش بین الملل را دیدم و می توانم بگویم که متأسفانه امسال بخش بین الملل جشنواره به لحاظ کیفی خوب عمل نکرده است . کارهایی که در بخش بین الملل می توانست نمایندگی تئاتر یک کشور باشد ، پایین تر از سطح تئاتر آن کشور بود . به طور مثال نمایشی که از فرانسه آمده است . من نمایش هایی از فرانسه دیده ام که خیلی بالاتر از چیزی است که متأسفانه در بخش بین الملل جشنواره می بینیم .

این کارگردان تئاتر با ذکر این نکته که در حضور برخی کارها در جشنواره محدودیت ها ، خط قرمز ها و مشکلاتی مانند هزینه ی بالای برخی گروه ها وجود دارد ، گفت : همه ی این ها وجود دارد اما باز هم معتقدم که بخش بین الملل جشنواره تئاتر فجر می توانست خیلی بهتر از این عمل کند و شاهد کارهایی باشیم که برای جامعه ی تئاتری و مخاطب مان قابل استفاده باشد . یعنی

مخاطب کاری را ببیند که به عنوان نماینده ی آن کشور ، آن اثر را بپذیرد نه اینکه آثاری در بخش بین الملل داشته باشیم که نمایش های ایرانی یک سر و گردن از آن بالاتر هستند .

کارگردان نمایش ”حسن کچل“ با بیان اینکه هر فستیوالی جایی برای تبادل آثار هنری است ، در مورد تاثیر آثار بر نسل جوان تئاتر گفت : در فستیوال ها فرصت دیدن آثار و شیوه های مختلف از ملل گوناگون را پیدا می کنیم . جایی است برای تبادل اثر هنری ، اندیشه و به نمایش گذاشتن آثارمان . اینکه برای نسل جوان چقدر قابل استفاده است بحث بسیار مهمی است . چون به هر حال راه های تازه ای پیش پایشان می گذارد و می تواند نگاه تازه ای به این نسل بدهد . اما به نظر من این تاثیر را تنها بر نسل جوان ندارد .

او در ادامه افزود : اثر و کار هنری پویا است و همیشه باید در حال یادگیری باشیم . اینکه من فکر کنم در کاری استاد شده ام و نیازی به یادگیری ندارم ، اشکال بزرگی است که متأسفانه گریبانگیر بسیاری از هنرمندان ما در شاخه های مختلف هنری است . کار هنری یک تلاش و تکاپوی مدام است . اینکه مدام یاد بگیری ، مدام تلاش کنی و مدام تجربه های تازه داشته باشی . به نظر من هر کار تازه ای که شروع می کنی ، یک چالش تازه است . این فرصت برای همه ی هنرمندان ما وجود دارد که بخواهند از آن استفاده کنند و این فستیوال می تواند شرایط را برای دیدن آثار فاخر فراهم کند ، آثاری که واقعا به روند رو به جلو برای تئاتر کشورمان کمک کند نه چیزهای تکراری که همیشه بوده است .

افسانه زمانی در پایان در مورد کمرنگ بودن حضور بزرگان تئاتر در جشنواره تئاتر فجر گفت : اینکه چرا بزرگان در جشنواره شرکت نمی کنند ، بخشی ممکن است به تمایلات شخصی خودشان مربوط باشد که بخواهند در فستیوالی شرکت کنند یا نکنند ، یعنی یک امر اجباری نیست . شاید برخی از بزرگان کشور ما اصلا تمایلی به اینکه در فستیوالی حضور داشته باشند ، ندارند . من به بزرگان تئاتر کشورمان احترام می گذارم ، آن ها سرمایه های هنری مملکت ما هستند . امان بین کارگردان های نسل میانی کارگردان های صاحب نامی داریم که شیوه های خاص خودشان را دارند و حرف های تازه ای برای گفتن دارند و در این سال ها ثابت کرده اند . من فکر می کنم که این عرصه جایی برای این باشد که این نسل بخواهند کارهایشان را به معرض نمایش بگذارند . بزرگان تئاتر کشورمان شاید خیلی نیاز نداشته باشند که اثرشان را در فستیوالی به معرض نمایش بگذارند و بهر حال هنرمندان ثابت شده ای هستند . اینکه در فستیوالی حضور داشته باشند بسیار عالی است ولی فکر می کنم یک امر شخصی است و شاید خیلی از بزرگان تمایل نداشته باشند که سختی ها و مشکلاتی که اجرای فستیوال دارد را قبول کنند .



یادداشتی بر نمایش "ناسور" به کارگردانی افسانه زمانی :

افسانه ای از زمان قدیم ، در جدیدترین اثر افسانه زمانی

شنیدیم که در تماشاخانه حافظ ، تئاتری در نمایش است با نام ناسور- که معنی زخمی کهنه و چرکین می دهد - . با دیدن پرتره های آکتورهای این تئاتر که در فضای - به اقوال امروزی ها - مجاز گونه که تلگرامش نامیدند ولی همان کارکرد تلگراف خودمان را دارد ، پخش شده است ، بر آن شدیم که عزم جزم نموده و به تماشای این تئاتر برویم. متوجه شدیم که رهبری آکتورهای این تئاتر به عهده بانویی بوده است "افسانه" نام و "زمانی" شهرت که جماعت هنرمند و هنر پیشه ، کسوت ایشان را ، کارگردانی می خوانند.



در مسائی از روزهای ماضیه ، در نشیمن جلویی روبروی صحنه که ردیف B نام داشت، تئاتر ایشان را به تماشا نشستیم.

تئاتری با سرشت عشق و عاشقی ، که روایت گر قصه ای زیبا و بس دلفریب از دفتر دوران قجر و مشروطه و حال و هوای تهرون آن روز و سراها و اندرونی های آن بود . با پیسی در بند قصه . قصه ای جذاب و زیبا ، و آوردن ساز مزقون و مطرب در فضای تماشاخانه ، و نیز بهره جستن از آکتورهای حرفه ای که بازیشان بس بی نظیر و بی نقص بود و فضایی مفرح و طرب انگیز ، یادآور خاطرات و سرگرم کننده ، که مضحکه هایش مسرت بخش و خنده آور بود و سوگواره هایش خزن انگیز و دلنواز.

کارگردان محترم در این نمایش مجرب ، از سبک و سیاق شبیه خوانی و تعزیه سود جسته بودند . دکور ساده ولی گویایی که طراحان صحنه در این نمایش طرح زده بودند و صحنه سه سویه ، منبب همین مهم و جهت رعایت ساختار شبیه خوانی بود، که کاری درست و تکنیکی و نشان دهنده دانش ایشان در این زمینه بود . فلسفه وجودی صحنه های سه سویه در کلام بزرگان فن تئاتر ، این است که بدانیم این اتفاقاتی که در تماشاخانه و در روی صحنه میافتد ، همه نمایش است و ما تماشاچی . که این همان روح درون شبیه خوانی است (که بعد ها برتولد خان برشت در فرنگ ، بر این اساس شیوه ای را ساخت "فاصله گذاری" نام) از نقاط قوت کارگردانی ، بی آرایش بودن رفت

آمد و حرکات بازیگران و نحوه قرارگیری آنان و ادوات صحنه و اجزای نمایش در مقابل و کنار هم بود که فرنگیان بلاد فرانس و انگلیس، آن را میزانشن و کمپوزیسیون مینامند. البته در بعضی موارد میبایست رفت و آمد اکتورها در سه سوی صحنه بیشتر می بود، چرا که بعضا از دو سوی سالن ، تماشاچیان به دلیل سکون اکتورها، قادر به دیدن رخسار و بدن اکتورها نبودند.

تئاتر ناسور قصه گو بود و این از امتیازات مهم این اثر بود. قصه ای هم که روایت میشد زیبا بود. اما در مواردی قصه نویس ، قصه را الکن گذاشته بود. مثل ماجرای ورود ذبیح به خانه که کشمکش بیشتری را طلب میکرد. درست جا نیفتاده بود. منطقی و باور پذیر نبود.

تعویض صحنه ها و تفاوت زمان ها به گونه ای عالی، خلاق و بی نقص اجرا شده بود ؛ و آکتورها برای نشان دادن تفاوت زمان ها سعی کرده بودند از لباس و صدایشان بهره ببرند که بسیار خوب از پس آن برآمده بودند. صحنه ، لباس ، نور و موسیقی هم بسیار خوب پرداخت شده و در خدمت اثر بودند . اما باید گفت که موسیقی در مواردی بیجا و زیادی بود.مثل قبل از آغاز نمایش و چند دقیقه ابتدای کار که نه فضا سازی میکرد و نه زیبای سمعی داشت.همچنین انتخاب قطعات و تصنیف ها بسیار هوشمندانه ، مرتبط و نیز از سر تسلط به فضای نمایش و موسیقی ایرانی بود ، بجز قطعه آخر که به فضای صحنه نمی آمد و حال و هوای نمایش را بعد از خروج ذبیح خراب میکرد. قطعه آخر هم زود اجرا شد و نگذاشت تا صحنه جا بیفتد و تماشایی با اندوه صحنه اندوهگین شود و نیز مرتبط با حال و هوای صحنه نبود.

در صحنه بعد از اعتراف ملک هم این اتفاق افتاد. ملک بعد از اینکه اعتراف کرد ، نباید انقدر زود شروع به خواندن میکرد. شاید لحظاتی سکوت باعث میشد تماشایی بیشتر درگیر فضا شود. پانزده دقیقه آغاز کار خوب نبود. به دلیل گنگ بودن بیش از اندازه قصه ، خالی بودن جای اتفاقی مهم و چشم گیر یا غافلگیر کننده و نبود ریتم مناسب.

و نکته آخرین اینکه در ابتدای نمایش میبینیم که ملک با نوازندگان و مطربان که در بالای انتهای سمت راست صحنه اند ارتباط میگیرد، این در فرم نمایش اشتباه بود ، چرا که نوازندگان جای اکتورها مینوازند و جایی که مثلاً ملک دایره میزند در واقع نوازنده گروه مطربان مینوازد و ملک ادای نواختن را در میآورد.پس ارتباط ملک با آنان دیگر معنایی ندارد. یا باید جور دیگری از ارتباط گرفتن آکتورهای مطرب ، با مطربان واقعی را در غالب فاصله گذاری میدیدم و یا تکرار این ارتباط گیری ما را قانع میکرد و یا اینکه مطربان نیز در طول نمایش پرسوناژهای نمایش میشدند و بازی میکردند. در این صورت ارتباط ملک با آنان منطقی می بود.

”ناسور“ عالی بود و مایه نشاط و سرخوشی ، و اسباب لذت را برای تماشاچیان به جهت ساختار خوب ، فراهم آورد. نکاتی هم که ذکر شد از باب کمک ، هرچند ناچیز و در حد وسع بود ، و گر نه که اثر انقدر زیبا بود که شاید ذکر نکات منفی خیلی جایی نداشت، اما قرض این است که با بیان این نقاط ضعف در کنار قوت های کار در حد توانمان به کارگردان و در کل به تئاتر این مرز و بوم کمک کنیم .

محمدجواد حبیبی – دپارتمان نقد تئاتر فستیوال



سامان ارسطو : امیدوارم سال آینده در تئاتر شهر اجرا بروم .

در سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر ، سامان ارسطو نمایش “ همان باش که نیستی ” را در تماشاخانه فانوس به روی صحنه برد . خبرنگار **تئاتر فستیوال** ، به همین بهانه گفت و گوی کوتاهی با او انجام داده است که می توانید در ادامه بخوانید :



سامان ارسطو درباره ی علت حضور خود در سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر به خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت : اگر در بخش به علاوه فجر حضور پیدا کرده ام فقط به خاطر تماشاخانه فانوس بوده است چرا که یکی از بهترین سالن هایی است که من دیده ام و دو آدم خوب و فرهیخته خانم دکتر شاهرخی و آقای یونس زاده آن را مدیریت می کنند .

او در خصوص عدم حضور این نمایش در بخش اصلی جشنواره توضیح داد : به خاطر کم لطفی آقای سعید اسدی که پارسال ما را در بخش مرور تئاتر ایران جا نداد ، در بخش اصلی جشنواره حضور ندارم . این پیغامی به آقای سعید اسدی است که مدعی هستند استاد دانشگاه تربیت مدرس و حامی تئاتری ها هستند ولی متأسفانه فقط تئاتر های کلیشه ای را می پسندند . چون آقای اسدی اهل نیشگون گرفتن نیستند . تئاترهایی که از متن و بطن اجتماع می آید و حرفی برای گفتن دارند و به قول معروف یک نیشگون می گیرند ، را دوست ندارند .

وی با تأکید بر اینکه حضور او در این دوره از جشنواره تئاتر فجر فقط به خاطر تماشاخانه فانوس بود ، اذعان داشت : سال گذشته هم به من گفتند در بخش “ به علاوه فجر ” و در تماشاخانه سه نقطه اجرا بروم ولی من انصراف دادم چون نمایش مرا در بخش مرور تئاتر فجر ایران رد کرده بودند . امسال هم اصلاً در این بخش شرکت نکرده ام و کارم را ارائه ندادم . فقط چون تماشاخانه فانوس در بخش به علاوه فجر حضور داشت من هم نمایش “ همان باش که نیستی ” را به روی صحنه برده ام .

ارسطو با ابراز امیدواری به اجرای نمایشی در مجموعه تئاتر شهر در سال آینده ، در خصوص مشکلات خود گفت : امیدوارم که در سال ۹۶ در تئاتر شهر اجرا بروم . می خواهم این پیغام را به وزیر جدید فرهنگ و ارشاد اسلامی بدهم که حق من است که در تئاتر شهر اجرا بروم . حق بچه های من است از آن پولی که بعضی ها می گیرند و بیلبوردهای میلیونی دارند ، از بودجه ای که می گیرند من هم حق دارم که فقط یک سالن خالی در تئاتر شهر داشته باشم . همانطور که سال گذشته

وقتی سالنی در اختیار من قرار دادند ، نمایش من با استقبال بسیار خوبی رو به رو شد و سالن پر از تماشاگر بود .

او راجع به اضافه شدن بخش به علاوه فجر به جشنواره افزود : نظر خاصی در این رابطه ندارم چرا که بچه ها دارند به صورت خودجوش بخش به علاوه فجر را اجرا می کنند و تفاوتی با شرایط عادی ندارد . اگر قرار است عدالتی وجود داشته باشد که تساوی اتفاق بیفتد ، قرار نیست این کلان بودجه ها فقط در جیب کسانی برود که در ایرانشهر ، تئاتر شهر و تالار وحدت اجرا می روند . قرار است این بودجه های کلان بین همه تقسیم بشود .

در پایان کارگردان نمایش “ همان باش که نیستی ” ادامه داد : شما می توانید در مورد نمایش من حرف بزنید و نقد کنید که زحمتی که این کار دارد و جنس تمریناتی که انجام می دهیم چقدر سخت تر است تا یک کاری که کپی است و آقایان بودجه های آنچنانی می گیرند . البته بعضی وقت ها می گویم که چرا باید گله کنم . جای گله ای نیست همین است یا باید با همین وضعیت کار کنیم یا نه .



حاشیه های روز هشتم جشنواره تئاتر فجر :

جشن تولد یک بازیگر بعد از “ رویای نیمه شب تابستان ”

در هشتمین روز از جشنواره تئاتر فجر ، همه چیز تا حدودی طبق روال پیش رفت . به غیر از سالن اصلی تئاتر شهر که اجرا نداشت ، سایر سالن ها تقریباً پر بودند . البته گویا تاخیر در اجرای نمایش ها را باید کم کم جزو همین روال عادی بگذاریم ! حاشیه های امروز را همچون روزهای گذشته در چند بخش اجراهای صحنه ای ، به علاوه فجر و خیابانی آماده کرده ایم که می توانید در ادامه بخوانید :



- نمایش “همسرایی یتیمان” از لهستان یکی از سه نمایش غیر ایرانی اجرا شده در هشتمین شب جشنواره تئاتر فجر بود که روز گذشته به دلیل استقبال تماشاگران اعلام شد یک سانس دیگر نیز به تک اجرای امروز خود اضافه خواهد شد . بنابر این برخلاف جدول اجرا ها در دو نوبت ۱۸ و ۲۰:۳۰ در تالار حافظ به روی صحنه رفت .

- تالار حافظ شب فوق العاده با نظم و ترتیبی را پشت سر گذاشت و بدون هیچ تاخیری به روی صحنه رفت و مسئولین سالن به خوبی همه چیز را مدیریت کردند ، استقبال هم از این نمایش بسیار خوب بود . مسئولان حافظ که پیش بینی می کردند امشب نیز به شلوغی شب گذشته باشد ، صندلی های پلاستیکی را همچون شب قبل چیده و آماده کرده بودند ولی جمعیت در سانس دوم به قدری نبود که لازم شود از آنها استفاده کنند .

- دیگر نمایش خارجی زبان در این روز ، اجرای نمایش “بادکنک” از کشور هلند بود . این نمایش شیوه ی اجرایی خاص دارد . پیش از اجرا ضمن خاموش کردن موبایل ، وسایل تماشاگران خارج از سالن نمایش تحویل و پاپوش های مخصوص به آنها داده می شود !

- با وجود اینکه اعلام شد این نمایش مناسب سنی کودکان نیست و برخی از صحنه های اجرا و موسیقی در آن ممکن است باعث وحشت آنها شود . با این حال خانواده ای با کودک خود وارد سالن شد .

- در یکی از صحنه های استرس زا در نمایش ، ناگهان یکی از تماشاگران از ترس شروع به سکسکه کرد که این باعث خنده ی دیگران شد .

- تماشاگران دیگری هم که از تاریکی می ترسیدند ، در حین اجرا از سالن خارج شدند و بار دیگر بازگشتند .



- تالار هنر بر خلاف روزهای پیش ، روز شلوغی را پشت سر گذاشت . نمایش “ مرگ آنجل ها ” به کارگردانی محسن اردشیری از آمل در این تالار اجرای موفقى داشت و با استقبال رو به رو شد .

- مسعود فروتن هم این نمایش را برای دیدن انتخاب کرده بود .

- شاید همین شلوغی غیر منتظره باعث شده بود که کنترل از دست مسئولان سالن خارج شود و تا نیم ساعت بعد از اجرا همچنان تماشاگران را به سالن راه می دادند و تماشاچیان تازه وارد هم با هم حرف میزدند و هیچ نظارتی در این باره وجود نداشت .

- نمایش “ دامپزشکی ” به کارگردانی شیرین جروقی به ۱۰ دقیقه تاخیر در تماشاخانه استاد انتظامی خانه هنرمندان برگزار شد .

- فریندخت زاهدی داور بخش بین الملل دوره پیشین جشنواره تئاتر فجر نیز برای دیدن این نمایش رفته بود .

- نمایش “ تو را از من گرفتی ” به کارگردانی اکبر صادقی در تالار قشقایی اجرا شد . این نمایش از شهر بيله سوار استان اردبیل در جشنواره حضور داشت .

- اتابک نادری ، امیر کربلایی زاده و محمد ساریان این نمایش را دیدند .

- نمایش “ زمستان بود ” به نویسندگی و کارگردانی امین ابراهیمی از کوهدشت هم در تالار چهارسو اجرا شد .

- در این اثر که یک نمایش پر دیالوگ بود تعداد زیادی مهمان بین الملل حضور داشتند که نمایش را متوجه نمی شدند و چند نفری مدام نمایش را توضیح می دادند و این کار باعث اذیت و آزار تماشاگران دیگر شده بود .

- امشب شب شلوغی در سالن های خصوصی هم بود . نمایش “ رویای نیمه شب تابستان ” به نویسندگی باقر سروش و کارگردانی مصطفی کوشکی تنها اجرای تماشاخانه تئاتر مستقل تهران در جشنواره تئاتر فجر بود که به روی صحنه رفت و با استقبال زیادی رو به رو شد . این نمایش در بخش مرور تئاتر ایران و مسابقه بین الملل حضور داشت و داوری شد . در پایان تماشاگران از نمایش بسیار راضی بودند و آن را به شدت تشویق می کردند .

- تعدادی از میهمانان گروه های بین الملل هم برای دیدن این نمایش آمده بودند و این بار با بالانویسی منظم ، خوانا و در جایی درست ، به راحتی نمایش را دیدند و از این بابت اذیت نشدند .

- از حاشیه های جالب این اجرا ، تولد شهروز دل افکار از بازیگران این نمایش بود که در پایان به همین مناسبت بچه های گروه کیک تولدی برای او خریدند و آهنگ “ تولدت مبارک ” را برایش خواندند .
ما هم تولد او را تبریک می گوئیم و آرزوی بهترین ها را برایش داریم .



- نمایش "بلند بگو آخ" به کارگردانی ندا شاهرخی هم در تماشخانه فانوس با سالن پر اجرا شد .

- نمایش "قیطریه" به نویسندگی و کارگردانی نازیبار عمرانی فقط با ۵ دقیقه تاخیر به روی صحنه رفت که با تاخیر های طولانی مدت اجراهای جشنواره می توان گفت که به موقع اجرا شده است .

- هنرمندان زیادی برای دیدن این نمایش رفته بودند از جمله مریم بوبانی ، امین زندگانی ، الیکا عبدالرزاقی ، سپند امیرسلیمانی ، نسیم ادبی و مهتاب نصیرپور که در آخر هم اجرا به مهتاب نصیرپور تقدیم شد .

- برای دیدن نمایش "آیس لند" به کارگردانی آیدا کیخایی هم افسانه بایگان و امیر جعفری رفته بودند .

- از نکات قابل توجه این اجرا خانمی در بین تماشاگران بود که تقریبا بیش از دو سوم نمایش را با موبایل خود فیلمبرداری و عکسبرداری کرد ، با این حال هیچ کس از مسئولان سالن متوجه این موضوع نشدند و تذکری به او ندادند . او این کار خود را تا پایان رورانس نمایش نیز ادامه داد و حتی در آخر با فلاش هم عکاسی می کرد !!

- در پایان احسان کرمی ، از بازیگران نمایش "آیس لند" که متوجه عکاسی با فلاش این خانم در رورانس شد ، گفت : چرا عکاسی می کنید ؟ این یک اجرای زنده است و حواس بازیگر پرت می شود ؟! نمایش ما یک ساعت است و در این مدت چرا باید موبایل در دست تان باشد ؟!

- با این تذکر هم آن خانم در عین حال که داشت همچنان فیلمبرداری و عکاسی می کرد ، باز هم منکر این قضیه می شد و در آخر هم کسی برای چک کردن موبایل او نرفت . تنها تذکر مسئولان سالن اشاره به فیلمبرداری او در حین رورانس بود .

- و در نهایت می توان گفت این خانم تقریبا با یک فیلم تئاتر کامل از سالن خارج شد !!!

- نمایش های خیابانی جشنواره هم امروز به دلیل بارش باران یا اجرا نشد یا جمع و جور به روی صحنه رفت . مثلا نمایش خیابانی "از بس که جان ندارد" از لاهیجان به خاطر بارش باران در جایگاه همیشگی اجراهای خیابانی اجرا نشد و محل اجرای خود را به روی درب اصلی سالن تئاتر شهر تغییر داد . ولی مشکل آنجا بود که این قسمت از مجموعه ، از نور مناسب و کافی بهره مند نبود .

- در پایان هشتمین روز از جشنواره تئاتر فجر به این نتیجه رسیده ایم که گویا همه ی هنرمندان بعد از اجراهای جشنواره ای خود خسته اند و فقط این خبرنگاران تئاتری هستند که خسته نیستند !! بعد از هر اجرا ، در پاسیخ به درخواست خبرنگار برای مصاحبه می گویند : "خسته ایم !! " در صورتی که این خبرنگار است که تازه بعد از اجراهای هر روز مجبور است تا صبح فردا اخبار و مصاحبه ها و گزارش های خود را نوشته و برای روز بعد آماده کند !

- بازیگران نمایش "بادکنک" گویا از فرط خستگی! ، به مترجم خود گفتند که نمی خواهند مصاحبه کنند !

- به هر حال چند روز دیگر تا بسته شدن پرونده ی این دوره از جشنواره باقی است .

ضمن عرض خسته نباشید !! به همه ی دوستان ، بهتر است بیشتر هوای هم را داشته باشیم .



محسن قصابیان : جشنواره یعنی تاثیر بگذاریم و تاثیر بگیریم .

نمایش " خرمهره " نوشته فرهاد نقدعلی و به کارگردانی محسن قصابیان یک از نمایش هایی است که در بخش مسابقه مرور تئاتر ایران در سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر به روی صحنه رفته است . به همین بهانه خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت و گویی با این کارگردان تئاتر داشته است که می توانید آن را در ادامه بخوانید .



محسن قصابیان در رابطه با دلیل انتخاب نمایشنامه خرمهره گفت : " این انتخاب به سال ها قبل بر میگردد ، فرهاد نقدعلی طرحی را حدود پانزده سال پیش مطرح کرد روی آن برای فیلمنامه کار کردیم . ولی بنا به دلایلی نشد . سپس در سال ۸۲ فرهاد نقد علی متنی را به من داد که براساس همان قصه بود و از داستان " خطاکار " خوف استفاده شده بود ، او فضای متن را به کل عوض کرده بود و خیلی برایم جذاب بود و تصمیم گرفتم که این متن را اجرا کنم . برای اجرای آن تلاش کردیم ولی شرایط مساعد نبود و مشغول به فیلم و سریال بودم . "

وی افزود : " در نهایت دوسال قبل بعد از سالها من تصمیم گرفتم دوباره کارگردانی تئاتر کنم ، پیش از این بازیگری کرده بودم ، اما کارگردانی نه و این متن گرفتارم کرد . "

قصابیان در خصوص اینکه خودش در این نمایش به عنوان بازیگر نیز حضور دارد گفت : " به علت وقت کم مجبور شدم خودم بازی کنم. البته من بازیگری را خیلی دوست دارم و با بازیگری فعالیتیم را شروعم کردم حتی در " کبودان و اسفندیار " هر سه پرسوناژ نمایش را خودم بازی می کردم . و یا در نمایش " بین چه برفی می آید " نیز خودم بازی می کردم و هر کدام دلایلی داشت . دلیل این کار به طور مشخص زمان بود من باید در زمانی کوتاه به آن خواسته ای که داشتم می رسیدم. و نمی خواستم که شش ماه طول بکشد. می خواستم در یک ماه و نیم با روزی شش ساعت تمرین بدنی سخت به نتیجه برسم . به همین خاطر تصمیم گرفتم خودم با یکی از بچه ها بازی کنیم و بتوانیم این بده بستان ها را برقرار کنیم و اندازه ها را پیدا کنیم . فکر می کنم در نهایت این بده بستان ها نتیجه داد . "

فجر
ایران
سی و پنجمین
جشنواره
تئاتر

قصابیان در خصوص ایجاد تغییراتی در اجرای جشنواره نسبت به اجرای عمومی “خرمهر” گفت: “هر اجرایی برای من یک اجرای جدید است، اصلاً امکان ندارد تغییر نکرده باشد، سالن عوض می شود، زمان عوض می شود، مکان عوض می شود و اجرا یک اجرای دیگر می شود. اجرای سال ۹۴ چیز دیگری بود. در اجرای دوم در سال ۹۵ بازیگری به نام بنیامین اضافه شد که جوکر بود و بین صحنه ها می آمد و کارهایی انجام می داد و در این اجرا نیز یک بازیگر نوازنده اضافه شد که دو قطعه را حین اجرا می نواخت و گیتار الکترونیک به کار اضافه شد.”

وی در خصوص استقبال مخاطب و نقش مخاطب در پیشبرد این نمایش گفت: “در اجرای دومی که در سال ۹۵ داشتیم استقبال خیلی بهتر بود. این کار خیلی وابسته به تماشاگر است به همین خاطر ما روزهایی داشتیم که ارتباط خیلی تنگاتنگ بود و اساساً تماشاچی با عکس العمل هایش به ما اجازه اجرا نمی داد. روزهایی هم داشتیم که تماشاگر خیلی به نمایش نزدیک نمی شد.”

این کارگردان و بازیگر با بیان اینکه ارتباط مخاطب در اجرای جشنواره نسبت به اجرای عموم کمتر بود گفت: “در اجرای اول جشنواره به حدی می خندیدند که نمی گذاشتند ما اجرا کنیم و مشارکت بالایی داشتند اما در اجرای دوم تماشاگران اصلاً مشارکت نداشتند و به نوعی واکنش هایشان را پنهان نشان می دادند. ولی به عنوان بازیگر تلاش می کنیم تا بر هر مخاطبی تاثیر بگذاریم. در این نوع اجراها در مفهوم گروتسک تلخی بر مفرح بودن می چربد. ولی در اجراهای دیگر مفرح بودن می چرخد. هرچند تلخی آخر آن بسیار درست است و مخاطب را گرفتار می کند.”

محسن قصابیان در رابطه حضور در بخش رقابتی جشنواره تئاتر فجر گفت: “سن من از مسابقه گذشته است. اگر حضور پیدا می کنیم فقط به این خاطر است که معتقد هستم مسابقه چیز خوبی است و باعث قیاس بین آثار و رقابت مثبت بین آثار و ارتقا سطح تئاتر می شود در نتیجه هر چه تعداد آن ها زیاد شود عالی است. فقط باید مراقب باشیم که اتفاقی بیافتد که الان در جشنواره ما در حال رخ دادن است، اینکه کارهایی که اجرای عموم میروند به جشنواره بیایند و برای جشنواره کار تولید نکنیم. بخش مرور همین است. این اتفاق خوشایندی است و هر چه قدر نسل نو تئاتر بین الملل و مرور تئاتر ایران شکل بگیرد مثبت است و باعث می شود که گروه ها بتوانند خود را قیاس کنند و ببینند داوران چه نظری داشتند. قطعاً این باعث می شود که بعد از جشنواره به این فکر کنند که کارشان چه ضعف هایی داشته است. جشنواره همین است که ما تاثیر بگذاریم و تاثیر بگیریم.”



کریستینا گالبیاتی : تماشاچی تئاتر بر اساس فرهنگ کشورش ، متفاوت است.

نمایش "گرگ و میش" به نویسندگی و کارگردانی کریستینا گالبیاتی و ایلانو گینبوهل از کشور سوئیس یکی از نمایش هایی است که در بخش بین الملل سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر به روی صحنه رفت . به همین بهانه خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت و گویی با کریستینا گالبیاتی داشته است که می توانید آن را در ادامه بخوانید .



کریستینا گالبیاتی با بیان اینکه هدف اصلی او در نمایش "گرگ و میش" ایجاد تجربه ای تازه برای تماشاچی بود ، در مورد این نمایش توضیح داد : ما در این نمایش خط داستانی مشخصی نداریم ، در واقع تجسمی از خوابی است که هر فردی می تواند داشته باشد . خیلی از ما این تجربه را داشته ایم که می خوابیم ، خواب یا رویایی می بینیم و صبح وقتی از خواب بیدار می شویم ، آن خواب را ذهن داریم ولی اصلا نمی توانیم آن را بیان کنیم . ما دوست داشتیم این نمایش ، تجربه ای باشد که همه ی آدم ها بهر حال برایشان پیش آمده است .

او ادامه داد : ایده ی اصلی این است که هر تماشاگری که کار را می بیند ، بر اساس استنباط خودش تجسم و ذهنیتی از نمایش به دست بیاورد . ما دسته بندی نمی کنیم که چه چیزی درست است و چه چیزی غلط ، تماشاگر آزاد است هر تجسمی که می خواهد داشته باشد .

گالبیاتی در پاسخ به اینکه برای پی بردن به عکس العمل تماشاگران در حین اجرا ، آیا دوربین هایی در اتاقک مخصوص اجرا نصب شده است ، گفت : این کار را نکرده ایم برای اینکه برای ما خیلی مهم است که تماشاچی احساس آزادی کند و حس نکند که توسط ما به وسیله ی چشم لنز دوربین کنترل می شود و دلیلی هم که در موقع اجرا نیامدیم داخل بنشینیم ، همین است . ولی واقعا خیلی سخت است که این عکس العمل ها را نبینیم .

او با اشاره به اینکه آثار جدید اروپا در حوزه هنرهای نمایشی به سمت آثار تلفیقی رفته است ، در مورد نمایش "گرگ و میش" به خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت : آثاری که در حال حاضر در اروپا می بینیم به گونه ای هستند که نمی توان آن ها را طبقی بندی کرد به همین خاطر ارائه ی تعریف دقیقی از تئاتر در اروپا ، خیلی سخت است چون همه ی هنرها را با هم ترکیب کرده اند . به

طور مثال همین کاری که از ما دیدید شاید واقعا شبیه تئاتر نباشد و نتوانیم بگوییم که این تئاتر است ولی ما این را در گالری ها و موزه ها اجرا نکرده ایم و معمولا در فستیوال های تئاتر آن را شرکت داده ایم و شیوه ی مورد علاقه ی من این است که چیزهای مختلفی از **visual art** ، تئاتر و صدا را با یکدیگر ترکیب کنیم و یک کار مستقل را انجام بدهیم .

گالیهایی در پایان با بیان اینکه اولین بار است که به ایران آمده و در اروپا چند نمایش از ایران دیده است ، در مورد اجرا در کشورهای مختلف گفت : تئاتری که ما کار می کنیم بر مبنای فیزیک است و تئاتری است که آن را علمی پیش می بریم و سعی داریم کارهایی را اجرا کنیم که بازیگر نداشته باشد و با المان های دیگری کار را پیش ببریم . به کشورهای مختلفی سفر کرده ایم ، از جمله بسیاری از کشورهای اروپا ، آسیا مثل کره ، ژاپن ، هند ، استرالیا و ایالات متحده آمریکا . خیلی دوست داریم سفر کنیم چون در هر کشوری ، تماشایی بر اساس فرهنگ خودش متفاوت است و خیلی دوست داریم تماشایی های مختلفی را ببینیم .

کارگردان "شاخص" از فرانسه: از تماشاگران ایرانی شگفت زده شدیم.

نمایش "شاخص" از کشور فرانسه در سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر در سالن اصلی تئاتر شهر به روی صحنه رفت. از این رو خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت و گویی با دو کارگردان و طراح حرکات موزون این نمایش انجام داده است که می توانید در ادامه بخوانید:



جمیل فروچه و فواد کوچی، طراحان کرئوگرافی نمایش "شاخص" درباره فعالیت های خود در زمینه تئاتر به خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفتند: حدود ۵ سال است که گروه تئاتر پیرامید (PYRAMID) در یکی از شهر های جنوب فرانسه فعالیت های خود را در این زمینه دنبال می کند. این سبک کاری ترکیبی از حرکات موزون، تئاتر و کمی هم پانتومیم است.

این گروه پیش از این هم در جشنواره تئاتر فجر حضور داشته است، آنها در رابطه با شرکت در این دوره اذعان داشتند: ما از سه سال گذشته با جشنواره تئاتر فجر آشنایی داشتیم و سال ۲۰۱۴ هم با اجرای نمایش "کافه باله" به ایران آمده بودیم. بنابراین فستیوال فجر از ما دعوت کرد در این دوره هم با نمایش "شاخص" حضور پیدا کنیم.

کارگردانان این نمایش درباره ی تجربیات قبلی خود در فستیوال های دیگر کشور ها گفتند: کارمان را اولین بار در جشنواره ای در کارائیب شروع کردیم. در کشورهای عراق، گینه و تایلند هم اجراهایی داشته ایم. آنها همچنین در خصوص مضمون نمایش "شاخص" توضیح دادند: این نمایش، قصه ی یک کتابخانه است. در فرانسه خیلی از پدر و مادرها، خواندن و نوشتن بلد نیستند. بنابراین وقتی بچه هایشان به سن ۶ یا ۷ سالگی میرسند و خواندن و نوشتن یاد می گیرند، چیزهایی را می خوانند که پدر و مادرشان نمی توانستند. از طرفی بخشی از طراحی کارمان را به این اختصاص داده ایم که کتاب های قدیمی و سنگین که به نظر می رسد خواندنشان سخت باشد را به گونه ای نشان دهیم که خواندن آن کتاب ها هم شیرین شود.

آنها همچنین افزودند: بنابراین در این نمایش سعی کرده ایم علاقه مان را به این مسئله مطرح کنیم و مخاطب کارمان را همه ی گروه ها و رده های سنی قرار داده ایم.

جمیل فروچه و فواد کوچی درباره بازخورد اجرایشان در جشنواره تئاتر فجر ابراز کردند: تماشاگران به ما انرژی می دادند. از پاسخی که از آنها می گرفتیم، شگفت زده شدیم. خدا را شکر می کنیم از اینکه در ایران با مزه به نظر رسیدیم و دوستان داشتند.

گزارش تصویری نمایش خیابانی "از بس که جان ندارد"



نقدی بر نمایش «باغبان مرگ» به کارگردانی آرون دشت آرای

باغبانی که عاقبت به خیر نشد

نمایش باغبان مرگ از همان ابتدای شروع تماشاچی را مواجه می کند با شخصیتی که انتظار می رود بسیار پیچیده و دارای لایه های مختلف باشد. فضا سازی ای که به واسطه صحنه پردازی، افکت های صوتی و نور پردازی انجام شده است، همچنین تصویر دو فرره در حال چرخش که روبه روی تماشاچیان در حال پخش است، به خوبی تماشاچی را به دنیای نمایش می برد.

دنیایی که انگار پر از رمز و راز است و کشمکش بین دو کاراکتر به واسطه دیالوگ های بعضا روانکاوانه بیشتر و بیشتر این انتظار را در تماشاچی ایجاد می کند که قصه او را چند



بار غافلگیر کند و در نهایت وقتی گره گشایی صورت می گیرد آه حیرت از نهاد او بلند شود.

کارگردانی خوب اثر باعث شده تا تماشاچی این نمایش در همان دقایق ابتدایی میخ کوب شود. طراحی میزی بلند و شیشه وسط آن که هم گویا و کاربردی است (که به واسطه این بلند بودن تماشاچی مجبور است تا سر خود را دائما بچرخاند)، استفاده میکروفون برای بازیگران، افکت های صوتی و پخش تصاویر (که در واقع کارگردان قصدش این است که تصاویری از ذهن دو شخصیت نمایش باشد ولی در مواردی دچار اشکال است)، نشان دهنده هموشمندی کارگردان است. چرا که نمایش دیالوگ محور است و به واسطه مکان نمایش و شخصیت پردازی ها نمی شود بازیگران خیلی اکت داشته باشند، بنابراین نمایش پتانسیل تبدیل شدن به یک اثر خسته کننده را دارد. اما کارگردان با این طرفند ها توانسته مقدار زیادی از این خسته کنندگی کار بکاهد. همچنین میزانشن های نسبتا دقیق کارگردان به قوت نمایش افزوده است.

بازی بازیگران نیز درست در چهارچوب فضا سازی اثر است.

اما مسئله ای که در نمایش «باغبان مرگ» آزار دهنده است و باعث شده همه خلاقیت های کارگردانی این نمایش به نوعی هدر رود، این است که نویسنده، آن انتظاری که در ابتدای نمایش برای تماشاچی ایجاد می کند را رها کرده و نمایش در انتها یا هیچ جای دیگر تماشاچی را در حد انتظاری که ایجاد کرده، شگفت زده نمی کند.

با توجه به دیالوگ های بسیار دقیقی که بین آرنولد و تریسی رد و بدل می شود، ما انتظار داریم با یک قاتل جذاب و قابل تامل روبه رو شویم. شخصیتی چند لایه که تماشاچی از پی بردن به ظرایف و کشف این لایه ها با او ارتباط برقرار کند. روشن شدن علت کشتن ۲۵ زن توسط این آدم بسیار مهم و تنها انگیزه برای دنبال کردن نمایش است. اما وقتی پرده از این راز برداشته می شود نه تنها

تماشاچی حیرت زده نمی شود ، بلکه کل ماجرا کمی لوس به نظر می آید و دیگر آن دیالوگ های دقیق ، آن فضا سازی درست و همه تلاش هایی که برای ایجاد حس کنجکاوی در راستای کشف شخصیتی عجیب شده است بی ثمر می مانند.

نمایش “باغبان مرگ” به واسطه نکات مثبتی که دارد نمایش قابل قبولی است ، اما اگر این نقطه ضعف در متن نمی بود این اثر تبدیل می شد به یک اثر بسیار خوب . بسیار خوب از این جهت که این اثر می توانست با نبود این نقص و شاید بررسی های دقیق تر و میدانی ، اثری آموزنده و مثبت در حوزه جامعه شناسی و در جهت پیشگیری از بزه های اجتماعی قدمی براشته باشد.

محمد جواد حبیبی – دپارتمان نقد تئاتر فستیوال

امین رضایی: جشنواره تئاتر فجر تنها جشنواره‌ی معتبر در داخل ایران است.

نمایش "بیستون می تازد" به نویسندگی و کارگردانی امین رضایی اردانی از مشهد در بخش مسابقه بین المللی سی و پنجمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر حضور دارد. به بهانه اجرای این نمایش در تماشخانه استاد ناظرزاده کرمانی (ایران شهر) خبرنگار **تئاتر فستیوال** با امین رضایی به گفت و گو نشست که می توانید حاصل آن را در ادامه بخوانید:



امین رضایی کارگردان "بیستون می تازد" در رابطه با حضور این نمایش در جشنواره تئاتر فجر گفت: "جشنواره تئاتر فجر تنها جشنواره‌ی معتبر در داخل ایران است، ما در جشنواره تئاتر استانی، برگزیده استان خراسان شدیم و از این طریق برای حضور در جشنواره تئاتر فجر اقدام کردیم، همچنین این کار را برای همایش استان‌ها در تهران نیز فرستادیم، در آنجا هم برگزیده شد و در بخش بین المللی فجر پذیرفته شد."

کارگردان نمایش "بیستون می تازد" با بیان اینکه داستان زندگی خسرو پرویز ساسانی را به نمایش درآورده است، گفت: "کمی تخیل نویسنده به این داستان اضافه شده است، همچنین اقتباسی از داستان خسرو و شیرین هم در قصه این نمایش دخیل است، ما فقط یک بحران خانوادگی را نشان می دهیم. این نمایش به عواقب رابطه پدر و پسر اشاره دارد، فرزندی که می خواهد شبیه به پدرش رفتار کند، ولی نمی تواند." رضایی در ادامه در رابطه با طراحی دکور و صحنه این نمایش گفت: "این نمایش به تفاوت طبقاتی زیاد در عصر ساسانیان اشاره دارد، ما می‌خواستیم این تفاوت طبقاتی را در طبقات مختلف با طراحی صحنه‌ای متفاوت داشته باشیم، به همین دلیل سعی کردیم یک کوه تولید کنیم و چون می‌خواستیم در این کوه رابطه‌ای سرد را نشان دهیم، آن را از فلز ساختیم. ارتفاعی که بین پدر و پسر دیده می‌شود، ارتفاعی است که چه از لحاظ فرهنگی و چه از لحاظ عقیدتی بین این دو فرد وجود دارد و باعث جدایی آنها می‌شود."

وی با بیان اینکه اجرای این نمایش در جشنواره فجر نسبت به اجرای عموم آن تغییر داشته است، گفت: "سالن ناظرزاده کوچکتر از سالن مشهد است و عرض آن کمتر از آن سالن است، به همین دلیل مجبور شدیم تغییراتی در میزانشن‌ها داشته باشیم ولی در مجموع تغییرات این نمایش زیادی نبود."

وی در پایان دلیل پرداختن به این سوژه را چنین توضیح داد: "به آثار بومی ایرانی و فرهنگ ایرانی علاقه مند هستم و سعی می‌کنم ساختار متن برای همان فرهنگ باشد، البته ساختار اجرایی این نمایش به فضای مدرنیته نزدیک است."

سجاد طهماسبی : تصمیم گیری برای هیئت داوران جشنواره تئاتر فجر سخت است .

نمایش “ مجلس مچاله خوانی ” به نویسندگی و کارگردانی سجاد طهماسبی از نویسندگان در بخش مسابقه مرور سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر در تماشاخانه سنگلج به روی صحنه رفت . طهماسبی در گفت و گو با خبرنگار **تئاتر فستیوال** درباره اجرای این نمایش و حضور در جشنواره صحبت کرد که می توانید در ادامه بخوانید :



سجاد طهماسبی نویسنده ی نمایش “ مجلس مچاله خوانی ” درباره ویژگی های این متن به خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت : این نمایشنامه بر اساس رمان “ کودکی که هرگز زاده نشد ” اثر اوریانا فالاچی نوشته شده است . در دوره ای که می خواستم نمایش های ایرانی کار کنم به دنبال یکی از نمایشنامه های برشت به نام “ آنکه گفت آری آنکه گفت نه ” می گشتم اما پیدا نکردم . بر حسب اتفاق در یک کتابفروشی با این رمان مواجه شدم و ناگهان به یک دنیای زنانه ای پرتاب شدم که قابلیت نمایشی شدن را به سبک ایرانی داشت .

وی همچنین افزود : در نهایت متن با استفاده از بحر طویل ، نظم و نثر در کنار هم به نمایشنامه تبدیل شد . از طرفی در فرم اجرایی ، هم در موسیقی و هم در میزاسن ها از فرم نمایش های ایرانی بهره گرفتم .

طهماسبی درباره شکل گیری و فعالیت های این گروه جوان در نویسندگان اذعان داشت : این نمایش برای اجرا در شهر نویسندگان شکل گرفت و برای حضور در جشنواره تئاتر فجر برگزیده بخش استانی شدیم . این اولین گروهی است که از شهر نویسندگان به جشنواره تئاتر فجر راه پیدا می کند و در بخش مسابقه تئاتر جوان حضور دارد . فکر می کنم به عنوان جوانترین گروه حاضر در جشنواره با میانگین سنی بیست سال هم گروه ما باشد . از متولدین دهه هشتاد تا بزرگترین فرد گروه مان که متولد سال ۱۳۶۳ است در این گروه همکاری دارند .

او در خصوص ارتباط با مخاطب اضافه کرد : این اثر در شهرستانی با کمترین امکانات شکل گرفت و خوشبختانه توانستیم ارتباط خوبی با مخاطب برقرار کنیم . بازخوردهای اجرای عموم مان خیلی خوب بود و این موضوع ما را ترغیب کرد تا بیشتر روی این اثر وقت و انرژی بگذاریم تا بتوانیم در اجرای جشنواره در تهران هم همین بازخورد را داشته باشیم که خوشبختانه با توجه به تلاشی که بچه ها داشتند به نتیجه مطلوبمان رسیدیم و از عملکرد راضی هستیم . نتیجه را واگذار می کنیم به داوران که ببینیم نتیجه چه می شود .

کارگردان نمایش “مجلس مچاله خوانی” درباره تغییرات اجرای جشنواره نسبت به اجرای عموم اظهار داشت: ما در اجرای جشنواره تئاتر فجر روی بخش موسیقی و همخوانی آن با اثر وقت زیادی گذاشتیم. در حال حاضر می توانم بگویم یک موسیقی کاربردی در تئاترمان داشتیم که صرفاً تزینی نبود تا فقط در کنار کار باشد. البته در از اجرای سانس اول خود به خاطر ناهماهنگی های کمی که وجود داشت خیلی راضی نبودم. ولی خدا را شکر اجرای سانس دوم مان خوب بود.

طهماسبی در رابطه با نحوه ی داوری و انتخاب آثار در جشنواره تئاتر فجر گفت: به نظر من اتفاق بدی که در داوری جشنواره ها می افتد این است که کارها از هر جنسی کنار هم مقایسه می شوند. نمایشی به سبک ایرانی با اثری با سبک و سیاق مدرن مقایسه می شود که ممکن است هر دویشان خوب باشند. قاعدتاً تصمیم گیری برای هیئت داوران هم سخت است. اما ما با بازخوردهایی که در گذشته داشتیم و داوران بخش انتخاب آثار با ما صحبت کردند، برای برگزیده شدن امیدوار هستیم.

نقدی بر « آشپزخانه » به کارگردانی محمدرضا رادمند :

آشپزخانه ؛ طعم تلخ توهین

فرض کنید در مکانی شلوغ و کثیف مثل یک زیر زمین قرار گرفته اید که برق ها رفته است و البته شما اشتباهی گذرتان به آن مکان شلوغ و کثیف افتاده است . مثلاً فرض کنید می خواستید به واحد بغلی بروید و اشتباهی سر از آنجا در آورده اید . در این زیرزمین تعداد زیادی آدم وجود دارند که شما هیچ کدام را نمی شناسید ، آنها هم شما را نمی شناسند ، اما ناگهان بازیشان گرفته ، در را به روی شما قفل می کنند و می گویند باید شاهد دعوا های شان باشید ! در واقع باید در تاریکی و کثیفی ، گوشه ای بنشینید و هر آنچه آنجا رخ می دهد را تماشا کنید .



حال آنجا چه چیزی رخ می دهد؟! هیچ چیز ! افراد حاضر با یکدیگر مشغول حرف و دعوا می شوند ، گاهی با صدای بسیار آهسته و گاهی با صدای فریاد مانند ، اما در هر دو حالت نامفهوم ! انگار شما قرار نیست از این حرف ها هم چیزی بشنوید . در نتیجه قرار نیست حتی اندکی افراد حاضر را بشناسید ! بله در واقع شما یک زندانی هستید در سالنی که بعد از نشستن به دلیل طراحی نامناسب امکان تکان خوردن از جایتان و یا ترک سالن و یا هر حرکت دیگری از شما سلب می شود !

این تمام آن چیزی است که در نمایش آشپزخانه به کارگردانی محمدرضا رادمند رخ می دهد .

رادمند مخاطب را در سالن زندانی کرده است ، کلی کثافت و به هم ریختگی ایجاد کرده است . در ۱۵ دقیقه ابتدایی نمایش نور را هم از تماشاگر دریغ کرده است و با یک لامپ سفید رنگ نوری خیره کننده و آزاردهنده قرار داده است .

به بازیگران گفته است با همدیگر شروع به حرف زدن و همهمه کنند و هر که به گونه ای حرف بزند که مخاطب نتواند حرف را تشخیص دهد و فقط همهمه بیشتری ایجاد کند ، موفق تر است !

رادمند یک سوژه یک خطی دارد ، آشپزخانه کافه ای که قرار است به هر دلیلی که معلوم نیست و اصلاً برای کارگردان مهم نیست که مخاطب بفهمد ، تعطیل شود . همین !

حال ما با یکسری جوان امروزی روبرو هستیم که ظاهراً اکثرشان بی جا و مکان هم هستند. اینکه تا قبل از تعطیلی آشپزخانه چه می‌کردند هم جای سوال است. آیا خانواده دارند یا نه؟ چرا در آشپزخانه کار می‌کند؟ اصلاً مگر یک کافه چند نفر نیرو می‌خواهد؟ چرا همه چیز اینقدر شلوغ و به هم ریخته است؟ چرا یکی از دخترها ناگهان تصمیم می‌گیرد با یکی از پسرها شب به مهمانی برود تا بتوانند شب در خانه پسر بخوابد؟ چرا ناگهان چنین روابطی تعریف می‌شود در حالی که در طول نمایش اصلاً این چنین روابط را نمی‌بینیم؟ و چرا های فراوان دیگر که برای هیچ کدام شان نمی‌توان پاسخی یافت.

در میان این همه شلوغی ناگهان کارگردان تصمیم می‌گیرد پیام برساند، این جوان های امروزی و مدرن می‌شوند طبقه فرودست و پرولتاریا که در فضایی تاریک و نمور و لجن بالا زده زندگی می‌کنند و آنجا را برای خود بهشت متصور می‌شوند و برای حفظش هر کاری می‌کنند و بورژوازی غاصب که بیگاری می‌کشد و درنهایت می‌خواهد همه را به بیرون پرت کند!

رادمنند سعی کرده در طراحی دکور و صحنه هم به گونه‌ای گزجره این موضوع را به نمایش بگذارد. ما در دکور در طبقه بالا کافه‌ای تمیز و مرتب می‌بینیم و حال و روز زیر زمین هم که مشخص است، اما تمام چیزی که نشان داده می‌شود یک بی‌نظمی تمام عیار است که نه معنا و مفهوم دارد و نه فرم. نه با همدیگر همخوانی دارد و نه لاقط پیام که هیچ تصویری ارائه می‌دهد.

رادمنند به طرز زننده ای مخاطب را نادیده می‌گیرد و اصلاً تلاشی برای تولید حتی یک اثر ضعیف هم نمی‌کند. او تصمیم گرفته است نمایشی اجرا کند، هر چیز را همان گونه که دوست داشته و یا در نظرش جالب می‌آمده در نمایش قرار بدهد، هر دیالوگی را که ممکن است در شلوغی شنیده نشود آزاد گذاشته است که بازیگر بگوید، هر شلنگ تخته ای را آزاد گذاشته است. تنها آنچه از نظر رادمنند آزاد نیست مخاطب است که بر اثر یک اشتباه در تالار حافظ زندانی شده است.

سعید خالقی – دیارتمان نقد تئاتر فستیوال



امیر دژاکام : در کمیسیون فرهنگی مجلس نسبت به ردیف بودجه تئاتر کم لطفی می شود

امیر دژاکام نویسنده ، کارگردان و بازیگر تئاتر در سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر با نمایش "شیشه" که به زبان انگلیسی می باشد ، حضور پیدا کرده است . به همین بهانه خبرنگار تئاتر فستیوال گفت و گویی با امیر دژاکام داشته است که می توانید آن را در ادامه بخوانید .



امیر دژاکام در مورد شکل گیری ایده ی اولیه ی نمایش "شیشه" توضیح داد : چند سال پیش خبری راجع به یک کشتی که مسافران آن غرق شدند و کشتی را خود ناخدا غرق کرده بود ، خواندم . این خبر اولین جرقه را در درون من زد که چطور چنین چیزی ممکن است . دلایلیش را در نمایش متوجه می شوید که ناخدا چون مسافر قاچاق دارد ، احساس می کند دارد به دام می افتد ، نتیجتاً کشتی را غرق می کند و خودش با قایق موتوری فرار می کند . این باعث شد که من خبر های دیگر را دنبال کنم و کم کم متوجه بشوم که مسئله مهاجرت در استرالیا حتی برای خود مردم استرالیا یک مسئله حاد و قومی است .

او ادامه داد : به مرور مسئله مهاجرت برایم دغدغه شد . سپس مسئله ای در اروپا پیش آمد و آن مسئله ی مهاجرتی بود که به آلمان رفتند . به تازگی متوجه شدیم مهاجرت برخی افراد به آمریکا ممنوع شده است . حتی امروز دیدم که یکی از هنرمندان خوب مان نمی تواند برای مراسمی که در آمریکا است ، برود چون به ایرانی ها ویزا داده نمی شود .

این نمایشنامه نویس با بیان اینکه اخبار راجع به مهاجرت بسیار زیاد است ، افزود: من به صورت تاریخ دقیق به این موضوعات نگاه نکردم اما همیشه با خیالم کنار آن ها قرار گرفتم و روی خیال من تاثیر گذاشتند . آرام آرام فکر کردم که اگر یک مسافر در این شرایط قرار گرفته باشد ، یک آدم معمولی که نه سیاستمدار است و نه بازرگان و نه اینکه مسئله امنیتی دارد ، چقدر می تواند این مسئله برایش پیش بیاید . هم طبیعت بشر مسافرت و جابجایی را دوست دارد و هم ادیان و قوانین این اجازه را به او داده اند اما الان قوانین "مگر اینکه" دارد و برای مهاجرت شرط می گذارند . مثلاً همین اسلام هراسی که در دنیا وجود دارد و یا اینکه متخصصین بیایند ، غیر متخصصین نیایند و خیلی از موضوعات دیگر دغدغه من شد که به صورت انسانی به این مسئله فکر کردم .

دژاکام اضافه کرد: تا اینکه به قصه ی دختری رسیدم که نخبه است و می‌خواهد سفر کند و تحت تاثیر فشارهای روانی قرار دارد. این نمونه ای از هزاران نمونه است تا ببینیم این فرد چه عواطفی دارد، چه تاثیراتی روی او می‌گذارد و به چه فاجعه ای می‌رسد. چنانکه این پرسوناژ در نمایش می‌گوید من هم مثل شما اشتباه کردم، اما اشتباه شما به فاجعه نینجامید و اشتباه من به فاجعه ختم شد. این‌ها دغدغه های فکری من بود و نتیجه اش این نمایش شد.

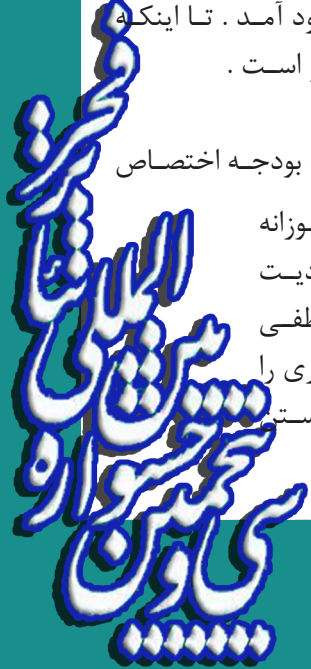
کارگردان نمایش "شیشه" در مورد اجرای این نمایش به زبان انگلیسی و مونولوگ بودن آن گفت: بازیگر من اهل استرالیا است و در استرالیا زندگی می‌کند. متن را خواند، آن را دوست داشت و به ایران آمد و تمرین کرد. کمی از طریق تماس تصویری و کمی همین جا تمرین کردیم. وقتی شروع به نوشتن کردم، به صورت مونولوگ بود و وقتی تمام کردم دیدم چیزی نزدیک به لکچر پرفورمنس است. مونولوگ یا خطابه ای خطاب به جمع است یا خود گویی است. خطاب به دیگری هم می‌تواند باشد که امروزه با بهانه هایی مثل تلفن، وسایل ارتباط جمعی و رسانه های اجتماعی وجود داشته و دارد.

او در مورد تصاویر ویدئویی استفاده شده در این نمایش نیز توضیح داد: احساس کردم باید اتمسفری برخلاف اینکه این آدم در آب است، بسازم. من کویر را انتخاب کردم چون خودم هم بچه ی کویر هستم، آرامشش، سکوتش، تنهایی اش، غربت و بی کسی اش را خیلی دوست دارم. بنابراین شما از ابتدا تا انتها تصویر یک کویر را می‌بینید.

کارگردان نمایش "لیلی و مجنون" با اشاره به اینکه جشنواره تئاتر فجر سال ۱۳۶۰ با ۶ نمایش شروع به کار کرد، درباره روند برگزاری این جشنواره به خبرنگار تئاتر فستیوال گفت: تا حدود سال ۷۶، آثار حاضر در جشنواره حدوداً ۳۰ نمایش بود. جرقه های اینکه تعداد تئاترهای کشور زیاد شود از سال ۷۱ با باز شدن گروه نمایش دانشکده هنر و معماری در مقطع لیسانس و فوق لیسانس زده شد. شاید بگویید چطور و آن چه ربطی به جشنواره فجر دارد. اگر آمار بگیرید شاید بیست نفر از کارگردان های جشنواره فارغ التحصیل دانشکده هنر و معماری یا دانشگاه اراک و یا دانشگاه بوشهر و ... بودند. این دانشگاه فوق لیسانس تربیت کرد و فوق لیسانس ها استاد شدند و می‌توانستند عضو هیات علمی شوند و در دانشگاه های دیگر شروع به تدریس کنند و بعد دانشجو جذب شد، این بخشی از کار بود.

او ادامه داد: دوم این که رسانه های اجتماعی خیلی فعال تر شده اند. نسل من با کامپیوتر سرو کار نداشت، من به تازگی یاد گرفته ام و در فضای مجازی فعالیت می‌کنم ولی جوان ترها از طریق رسانه های اجتماعی با دنیا ارتباط برقرار کردند، کارها را دیدند و با خودشان ارتباط برقرار کردند و همدیگر را شناختند و گروه ها به وجود آمد. تا اینکه اگر اشتباه نکنم امروز ۱۱۲ اثر در جشنواره شرکت کرده است که حاصل زحمات خود بچه های تئاتر است.

او در مورد حمایت مسئولین از تئاتر گفت: به نظرم مسئولین از لحاظ بودجه نتوانستند و یا نخواستند بودجه اختصاص دهند و یا کسانی که با آنها حرف زدند، تملق شان را گفتند و گزارش ناقص دادند و گزارش دلسوزانه از سر واقعیت ندادند. بچه های تئاتر خیلی مشکل و مسئله مالی دارند. کشور دچار تحریم و محدودیت بودجه شد. این ها تأثیرات خودش را داشت. از طرف دیگر در کمیسیون فرهنگی مجلس نیز کم لطفی هایی نسبت به ردیف بودجه تئاتر می‌شود و یا کم لطفی کسانی که این لایحه را می‌نویسند، تئوری را سامان داد که تئاتر باید خرج خودش را دربیانورد. انگار تئاتر کافه رستوران است. این جمله برابر دانستن فعالیت های هنری و تجاری است.



دژاکام اضافه کرد: کافه رستوران شغل شریفی است و به مردم سرویس می دهد ولی همچنان که سینما شریف است و با تئاتر یکی نیست، قوانین شان فرق می کند. تئاتر مادر همه هنرها است و به سامان رسیدن یک کشور دربخش هنجارها کمک می کند. مثل یک واکسن پیشگیری است، در یک واقعه ی خیالی ما را شریک می کند، می تواند جلوی بزهکاری ها را بگیرد، می تواند برای مردم تفریح به همراه بیاورد و اوقات فراغت را پر کند. آموزش و گفتگوی فلسفی و دینی به وجود بیاورد. کما اینکه بچه ها دارند به تنهایی این کار را می کنند و مسئولین کمک نمی کند.

این کارگردان تئاتر با بیان اینکه منظور من یک شخص خاص نیست، گفت: مثلاً بودجه فرهنگی کشور چقدر است، چقدر از این بودجه فرهنگی به دست کارگردانان تئاتر می رسد. چگونه فلان مقام مسئول افتخار می کند که تا به حال سینما نرفته است، تا به حال تئاتر ندیده است. چطور افتخار می کند که اثر فرهنگی ندیده است، در حالی که او مقام مسئول است. این موضوع آدم را ناراحت می کند. ردیف بودجه ها درست نیست. درست خرج نمی شود.

امیر دژاکام در پایان گفت: من فهاوی کلی می گویم، نمی خواهم کسی را متهم کنم و یا زحمات کسی را نادیده بگیرم. اما گاهی می بینیم به یک تئاتر دو میلیارد پول داده می شود و به یک تئاتر ۵۰۰ میلیون هم داده نمی شود. به هر حال پول بیت المال این مملکت است و ما هم بچه های همین مملکت هستیم. چرا او دو میلیارد تومان بگیرد و من ۵۰ میلیون تومان بگیرم. رقم های بالاتر از این هم صرف تئاتر شده است. پس بودجه هست اما چرا برای عده ای هست و برای عده ای نیست. نباید اینگونه باشد.

یادداشتی بر نمایش «یک مساوی چهار» به نویسندگی و کارگردانی یاور دره زمی :

«یک مساوی چهار» قربانی نمایشنامه ای بی هویت

میزانسن های فعال ، دکوری متفاوت و موسیقی غالب از ویژگی هایی است که می توان برای «یک مساوی چهار» بیان کرد .

با ورود به سالن «خانه نمایش دا» اجرا آغاز می شود ، کارگردان از همان ابتدا علاوه بر طراحی میزانسن برای بازیگران ، میزانسن هایی را برای مخاطب خود نیز در نظر گرفته است . میزانسن هایی که با تو در تو بودن فضای سالن هم خوانی دارد اما سبب سرگیجه مخاطب می شود ، زیرا او مدام باید به دنبال قصه نمایش از سمتی به سمت دیگر سالن جابه جا شود ولی با این حال اتفاق قابل توجه این است که کارگردان برای هر صحنه فضایی متفاوت با طراحی صحنه ای مجزا و



خوب را طراحی کرده است . «یک مساوی چهار» بهترین عنوانی است که برای این نمایش انتخاب شده است ، عنوانی که هم در مفهوم و هم در اجرا معنا دارد .

این نمایش ۶ پرسوناژ دارد ، البته تنها می توان گفت که آنچه روی صحنه می بینیم ، این گونه است ! به غیر از دو پرسوناژ پایانی نمایش ، دیگر بازیگران این نمایش از پس نقش خود برآمده اند و بازی خوبی را ارائه می دهند .

اما متأسفانه این همه ویژگی مثبت فدای نمایشنامه ای بی هویت شده است .

نمایشنامه ای که نه آغاز دارد و نه پایان ، نه شخصیت پردازی و نه قصه . همه چیز در روپا روایت می شود ، از هم گسیخته و بی معنا .

مخاطب هنگامی که صحبت پرسوناژ های نمایش را می شنود ، منتظر این است که بفهمد این بازی خوب برای بیان چه شخصیتی از نمایش است ، او کیست ؟ و چه ارتباطی با دیگر پرسوناژها دارد ؟ آیا چهار پرسوناژی که در اول نمایش می بیند همگی یک پرسوناژ است ؟

همچنین در قسمتی از نمایش با صحنه ای متفاوت روبرو می شویم و دو پرسوناژ دیگر به نمایش اضافه می شوند . یک وان روی صحنه قرار دارد و در آن جسدی با پارچه ای پوشانده شده ولی قصه این پرسوناژها

نیز به درستی بیان نمی شود ، تنها نمایش به قصه ای اشاره می کند که در رویا شکل گرفته و در رویا می گذرد و هیچ چیز واقعی در آن وجود ندارد .

اساساً “ یک مساوی چهار ” به دلیل نداشتن سه رکن اصلی قصه یعنی زمان ، مکان و موقعیت اثری بلا تکلیف است . اثری که با آنکه دیالوگ محور است همچون نمایش بی کلام را می ماند ، بیشتر از متن ، موسیقی نمایش مخاطب را در روند قصه همراهی می کند .

بیان دیالوگ ها تنها یک گنجی در مخاطب باقی می گذارد در نتیجه می توان گفت یک مساوی چهار معکوس عمل کرده ، از گام اولیه نمایش که بیان قصه است فرار کرده و به سمت دیگر المان های نمایش رفته و هر یک را به درستی ایفا کرده است ، چه در بازیگری ، چه کارگردانی ، چه موسیقی و چه در ریتم و میزانشن .

متأسفانه این همه ویژگی خوب را می توان قربانی نداشتن قصه و نمایشنامه ای ضعیف و بی هویت دانست . نمایشنامه ای که ناقص و مجهول الهویه است و تلاش گروه نمایش “ یک مساوی چهار ” را نابود کرده است .

مرجان سادات هاشمی – دیار تمان نقد تئاتر فستیوال



یادداشتی بر «رادیو تئاتر شین» به کارگردانی محمدرضا جمال :

رادیو در قابی شکسته

“رادیو تئاتر شین” عنوان یک اثر نمایشی است که متاسفانه نتوانسته در فرم اجرایی خود موفق عمل کند.

اساساً انتخاب رادیو تئاتر به عنوان یک گونه‌ی نمایشی، کاری جسورانه و سخت است. زیرا کارگردان باید علاوه بر اجرای نمایش رادیویی، مقابل دید تماشاگران اجرای صحنه‌ای نیز داشته باشد یعنی در این گونه‌ی نمایشی، رادیو، تئاتر، نمایش و نمایشنامه خوانی همگی در کنار هم و به درستی باید انجام پذیرد.

متاسفانه “رادیو تئاتر شین” نتوانسته در فرم اجرایی خود موفق عمل کند و قصه‌ای روان و حتی یک خطی را برای مخاطبان روایت کند.

در “رادیو تئاتر شین” ما با چند پرسوناژ مواجهه هستیم و کارگردان تنها به نمایاندن یک روز کاری و اتفاقات که در رادیو تئاتر می‌گذرد، بسنده کرده و دیگر تلاشی در به ثمر رسیدن شخصیت‌های نمایش نداشته است به همین خاطر اجرای “رادیو تئاتر شین” دو پاره شده است و هیچ نخ ارتباطی‌ای در قصه آن وجود ندارد.

در قسمت اول آنچه در فضای رادیو می‌گذرد را نمایان می‌کند و در قسمت دوم قصه‌ای از احمد شاملو را با پرسوناژهایی دیگر خوانش می‌کند و دلیلی برای حضور آن پرسوناژها بیان نمی‌شود.

اجرای قسمت اول این نمایش موفق‌تر از قسمت دوم آن است. از این جهت که شخصیت‌ها هریک تکلیف‌شان مشخص است. شخصیت سردبیر، دستیار، منشی و همچنین گوینده تا اینجای داستان معرفی می‌شود؛ ولی وقتی نیاز است که پس از معرفی دست و پا شکسته پرسوناژها قصه‌ای وارد نمایش شود، ناگهان با اضافه شدن خوانش متن شاملو آن هم با فرمی متفاوت از فضای داستان، نمایش از دست می‌رود. زیرا در قسمت دوم ما شاهد حضور دو پرسوناژ جدید هستیم که دلیلی برای حضور آنها بیان نمی‌شود و سپس شروع به نمایشنامه خوانی شاملو می‌کنند و یکایک بازیگران قسمت اول در کنار این‌ها قرار می‌گیرد.

یعنی آن جایی که کارگردان باید قصه‌ای را وارد می‌کرد، ناگهان نمایش را متوقف کرده و دست بر موضوعی دیگر گذاشته است.

تاکید نویسنده “رادیو تئاتر شین” بیش از هرچیز بر بیان دیالوگ‌های طنزانه است، دیالوگ‌هایی که سبب خنده مخاطب می‌شود، علاوه بر آن به نمایش درآوردن فضای رادیو برای مخاطب تئاتر اتفاقی متفاوت است.



اما آنچه سبب ضعف این نمایش شده است ، نداشتن مفهومی کلی است . این نمایش به موضوعات مختلفی می پردازد ولی از هیچ یک نتیجه گیری نمی تواند داشته باشد .

ریتم و طراحی صحنه به درستی انجام گرفته ، تنها در میزانشن های نمایش به دلیل کوچک بودن فضای سالن استاد خسروی تماشاخانه سه نقطه ضعف هایی وجود دارد که طراحی حرکت کارگردان را با مشکل روبرو کرده است.

حال اگر “ رادیو تئاتر شین ” با قصه ای چفت و بست دار اجرا شود ؛ می توان آن را به عنوان یک رادیو تئاتر موفق معرفی کرد . اثری که مخاطب از آن لذت ببرد و بتواند در پایان نمایش قصه آن را برای دیگری تعریف کند ، اتفاقی که در این نمایش وجود ندارد ، تنها چند قصه ناقص در کنار هم قرار گرفته اند .

فرهاد ابراهیمی والا – دپارتمان نقد تئاتر فستیوال



حاشیه های روز نهم جشنواره تئاتر فجر :

تهرانی ها تئاتر نبینند تا فرصت به شهرستانی ها داده شود !

سالن های پر از مخاطب ، اجراهای غیر ایرانی متوسط ، داوران همچنان نامنظم ، اجراهای با تاخیر از مهمترین حاشیه های نهمین روز جشنواره بین المللی تئاتر فجر بود . در ادامه همه حواشی این روز را بخوانید :



- نمایش "چی دا" به کارگردانی احسان ملکی از کوهدشت در تالار حافظ به نیم ساعت تاخیر شروع شد .

- تاخیر نیم ساعته ی امشب تالار حافظ طبق معمول به خاطر دیر آمدن داوران بود . معلوم نیست تاخیر هر روزه ی داوران به چه دلیل است !!؟ چرا که همان تاخیر اولیه برای دیدن یک نمایش ، کل برنامه ی جشنواره و سالن های دیگر را نیز به هم می ریزد و نامنظم می کند . و همه ی تماشاگرانی که برای دیدن این نمایش ها برنامه ریزی می کنند ، باید معطل آنها بمانند !!

- پیش از شروع نمایش "چی دا" ، یکی از عوامل گروه به مخاطبان گفت این نمایش یک سویه طراحی شده است ولی به خاطر استقبال از آن ، دو سوی صندلی های کناری نیز فروخته شده است . در پایان نیز احسان ملکی اجرای این نمایش را به مرحوم رکن الدین خسروی تقدیم کرد .

- اجرای سانس دوم نمایش " افسانه ببر " به کارگردانی هدایت هاشمی که در تالار سایه به روی صحنه رفت هم متعاقبا به خاطر تاخیر همان داوران بخش مرور تئاتر ایران با ۳۰ دقیقه تاخیر آغاز شد .

- شدت استقبال به حدی بود که قبل از ورود تماشاچیان ، هدایت هاشمی (بازیگر اثر) به میان تماشاچیان آمد و گفت : " از آنجایی که ما برنامه داریم بعد از جشنواره رپرتواری برای " افسانه ببر " در



بیستمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر

نظر بگیریم و این اثر ، اجرای متعددی در آینده خواهد داشت ، از تماشاچیان تهرانی خواهش می کنیم که امشب این نمایش را ببینند و به تماشاچیان شهرستانی این امکان را بدهند که بتوانند این نمایش را ببینند ! ”

- طبیعتاً این درخواست او با استقبال تماشاچیان مواجه نشد !!!

- استقبال به حدی بود که تماشاچیان نه تنها روی زمین و جلوی صندلی نشسته بودند بلکه دو ردیف در کنار صحنه تا انتهای سن نیز تماشاچی نشسته بود .

- علی مرادخانی (معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) و مهدی شفيعی (مدیر کل هنرهای نمایش) هم امشب این نمایش را برای دیدن انتخاب کرده بودند .

- این اجرا به گونه ای بود که بازیگر آن با مخاطبان در طول نمایش ارتباط برقرار می کرد ، هدایت هاشمی در طول اجرا چندین و چند بار از حضور داوران ، شفيعی و مرادخانی که در سالن حضور داشتند استفاده کرد و با آنها شوخی می کرد . نمایش “ در اعماق ” اثری از کشور گرجستان اولین شب اجرای خود را در تالار وحدت به روی صحنه رفت .

- جهانبخش سلطانی ، بهزاد فراهانی و اصغر همت برای دیدن این نمایش در تالار وحدت حضور داشتند .

- به خاطر طولانی بودن این اثر که ۱۷۰ دقیقه بود ، در زمان آنتراکت نمایش ، عده ی زیادی سالن را ترک کردند به گونه ای که در انتها تنها نصف سالن پر بود .

- البته این نمایش در پایان با تشویق فراوان تماشاگران مواجه شد . به طوری که بازیگران مجدداً برای تشویق به جلوی سن آمدند و تعظیم کردند .



- نمایش “ نگاهمان می کنند ” راس ساعت ۲۰ در تماشاخانه ایرانشهر اجرا شد ، قبل از اجرا تعداد زیادی از مردم پشت در سالن ایستاده بودند پس از ورود کسانی که بلیت خریده بودند ، ده نفر ، ده نفر راه دادند و سالن پر شد .

- سردار نقدی میهمان ویژه ی این نمایش بود که تا به حال اجراهای زیادی را در ایام جشنواره دیده است .

- دیگر نمایش غیرایرانی در نهمین روز از جشنواره تئاتر فجر ، “ یک ” از کشور هلند بود که در تالار قشقایی اجرا شد .

- پیش از شروع به ورود تماشاچی به سالن ، مسئول آن به نقل از کارگردان نمایش به مخاطبان گفت : “ این نمایش کاملاً به زبان انگلیسی است و زیرنویس فارسی ندارد . فقط بروشورهایی به شما داده می شود که در آن توضیحاتی نوشته شده است . ” دلیل صحبت های مسئول سالن قشقایی این بود که در سانس اول نمایش ، بسیاری از تماشاگران سالن را به طرز نادرستی ترک کرده بودند .

- برای دیدن این نمایش مریم معترف ، کیوان نخعی ، هرمز هدایت ، علی یداللهی ، منوچهر علی پور و روح الله جعفری رفته بودند .

- استقبال از نمایش به حدی زیاد بود که روی پله ها و زمین نشستند .

- نمایش با ۴۰ دقیقه تاخیر اجرا شد . دلیل آن این بود که داوران در اجرای دیگری که در چهارسو در حال اجرا بود ، حضور داشتند و پس از آن اجرا به این سالن آمدند . هنگامی که داوران رسیدند ، دکتر دلخواه رو به مخاطبان گفت به هیچ عنوان تقصیر داوران نبود ! علت چه بود ، نمی دانیم !؟

- لوریس چکناواریان نمایش " آنجا " از کشور نروژ را دید .

- نمایش خیابانی " از بس که جان ندارد " نوشته محمود ناظری و کارگردانی امیر امینی از لاهیجان از معدود نمایش های خیابانی بود در جشنواره تئاتر فجر بود که بروشور داشت .



५५

یادداشتی بر نمایش «چهل گیس و حسن کچل» به کارگردانی پوران مرادی :

حسن کچل ادای دینی مدرن

داستان «چهل گیس و حسن کچل» یکی از قصه های فولکلور ایرانی است که کودکان نسل های مختلف آن را یا از زبان بزرگترهای خود شنیده اند یا در کتاب های داستان خوانده اند . معمولا وقتی صحبت از چنین قصه هایی در قالب تئاتر می شود ، اول از هر چیزی به یاد نمایش های ایرانی می افتیم اما «چهل گیس و حسن کچل» به کارگردانی پوران مرادی توانست قالب های مرسوم را به درستی بشکند و با تلفیق سنت و مدرنیته ، نمایشی را خلق کند که هم غافلگیر کننده باشد و هم جذاب .



نمایش با نقالی شروع می شود ، که نقال

داستان نه در چهره به نقال های گذشته می ماند و نه در طراحی لباس . با دیدن این پرسوناژ نگران ادامه نمایش شدم که معلوم نیست با چه شلنگ تخته ای طرف خواهیم بود ؛ به ویژه این که در ادامه گروه حرکات فرم نیز اضافه می شوند . اما به ناگاه همه چیز متوقف می شود و متوجه می شویم با نمایش روبرو هستیم .

ساغر خواجه امیری نویسنده ی اثر با دست مایه قرار دادن داستان «چهل گیس و حسن کچل» و امروزی کردن آن با اشاره به برخی معضلات و مشکلاتی که در میان نسل جوان ما وجود دارد و نشان دادن پشت صحنه ی یک گروه تئاتری به نقد اجتماعی می پردازد و البته در این میان ادای دینی هم به هنرمندان عرصه ی تئاتر که در اثر بیماری سرطان فوت شده اند ، می کند . هم نسل بودن نویسنده و کارگردان نمایش ، باعث درک متقابل و همکاری سازنده میان آن ها شده است که ماحصل آن نیز توانسته نظر مخاطبان را به خود جلب کند .

پوران مرادی سعی کرده است در انتخاب گروه اجرایی نمایش جوانگرایی را اصل قرار دهد و بازیگرانی که انتخاب کرده است همگی از نسل جوان تئاتر به حساب می آیند و می توان برآیند بازی آن ها را راضی کننده و قابل قبول دانست . خوشبختانه از بازیگران فرم در نمایش ، در جهت روند داستان بهره گرفته شده و مانند بسیاری از آثاری که این روزها باب شده است ، بی دلیل از حرکات فرم استفاده نمی شود و همچون قطعه ای جدا و وصله شده به کل اثر از کار درنیامده است .

فخرزاد
پیشانی
سیاح
سوار

در طراحی صحنه و دکور از پارتیشن هایی استفاده شده است که به فراخور روند قصه می توانند سریع فضا سازی را تغییر دهند و فضای مورد نیاز کارگردان را خلق کند . دکوری ساده ، کاربردی ، پرتابل و نسبتاً کم هزینه که به خوبی طراحی شده است .

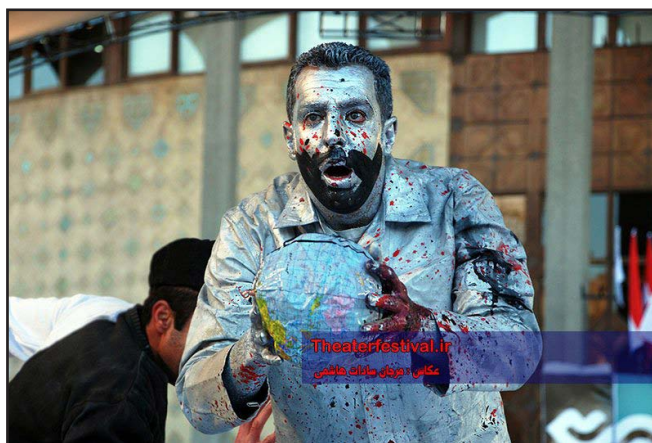
طراحی لباس نیز ساده انتخاب شده و در جهت طراحی صحنه می باشد . به جز دو پرسوناژ نمایش ، باقی بازیگران و گروه فرم لباس های متحدالشکلی به تن دارند ، بلوز و شلوار سیاه رنگ به همراه جلیقه ای فیروزه ای . فقط در این میان در طراحی لباس نقال داستان کمی تفاوت به چشم می خورد . او همان لباس را به تن دارد ولی پاچه ی شلوارش را بالا کشیده و با طراحی گرمی که او را شبیه بچه شیر کرده است ، متفاوت و زننده به نظر می رسد .

اما در مجموع می توان گفت ”چهل گیس و حسن کچل“ نمایشی دیدنی است که می تواند هر نوع مخاطبی را راضی کند و توانسته با انتخاب فرم اجرایی مناسب در عین قصه گویی از کلیشه ها بگریزد . پوران مرادی با این نمایش ثابت کرده است در میان نسل جوان تئاتر ما ، کارگردان هایی وجود دارند که می توانند ما را به آینده ی تئاتر کشور امیدوار کنند .

آرزو شفق - دیار تمان نقد تئاتر فستیوال



گزارش تصویری نمایش خیابانی "سکوت رنگها"



بختیار پنجه ای : تئاتر مهاباد در محرومیت قرار دارد . / مهاباد یک سالن تخصصی تئاتر هم ندارد .

نمایش “ آوای کوهساران پریشان ” به نویسندگی و کارگردانی بختیار پنجه ای از شهرستان مهاباد ، یکی از نمایش هایی بود که در سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر در تماشاخانه سنگلج به روی صحنه رفت . به همین بهانه خبرنگار تئاتر فستیوال گفت و گویی با کارگردان این اثر نمایشی داشته است که می توانید آن را در ادامه بخوانید .



بختیار پنجه ای با بیان اینکه نمایش “ آوای کوهساران پریشان ” براساس بیت شکل گرفته است ، در توضیح بیت گفت : بیت یک فرم آیینی - روایتی است که بیشتر شکل موسیقایی به خودش می گیرد و از سال ها قبل سینه به سینه به ما رسیده و مدت بسیاری میان ما بوده و داستان بسیار آشنایی برای تمام مردمانی که به زبان کردی صحبت می کنند دارد .

او ادامه داد: من سال ها به این بیت علاقمند بودم و دوست داشتم امتحان کنم که آیا می شود یک بیت و شکل کهن منظومه مانند را دراماتیک کرد یا نه . در اصل این نمایش یک تست بود و فکر می کنم که نتیجه ی آن ، این می شود که ما یک سری گنجینه ی غنی از آیین ها داریم که می توانیم آن را به شکلی که امروزه به آن تئاتر می گوئیم ، تبدیل و تقویت کنیم . من سعی کردم بیشتر به سمت متن بروم یعنی حیطه ی پژوهش من بیشتر روی متن بود و خوشحالم این متن به جایی رسیده که در فستیوال فجر اجرا رفته است و تماشاگران آن را دیدند .

این کارگردان تئاتر با اشاره به اجرای عموم نمایش “ آوای کوهساران پریشان ” در مهاباد ، در مورد وضعیت تئاتر این شهرستان و استقبال تماشاگران از این نمایش گفت : واقعیتش این است که تئاتر مهاباد هم مثل شهرستان های دیگر در وضعیت محرومیت قرار دارد ، هیچ لغت دیگری به جز محرومیت نمی توانم پیدا کنم . این نمایش را به مدت ۱۰ روز در بزرگترین سالن مهاباد که سالن اجتماعات است و نه سالن تئاتر ، اجرا کردیم . سالنی که هزار نفر جمعیت دارد و ما با سالن پر اجرا می رفتیم .

وی افزود: مسلماً چون این داستان از دل مردم برآمده است، از آن استقبال کردند ولی شرایط اجرایی مان متأسفانه به لحاظ سالن شرایط خوبی نبود. وقتی در سالن سنگلج نمایش را اجرا کردم، با تمام وجود لذت می بردم ولی در آنجا تمام وجودم استرس بود که آیا می شود نور داد، می شود فلان صحنه را اجرا کرد و خیلی اتفاقات دیگری که افتاد. بله، مهاباد این محرومیت را دارد که هنوز هم که هنوز است یک سالن تخصصی برای تئاتر ندارد. گروه ما سومین بار است که به جشنواره تئاتر فجر راه پیدا می کند ولی هنوز آرزو داریم که یک سالن متوسط تخصصی تئاتر داشته باشیم.

با توجه به اجرای نمایش "آوای کوهساران پریشان" به زبان کردی، پنجه ای در پاسخ به خبرنگار **تئاتر فستیوال** مبنی بر اینکه آیا اجرای نمایش به زبان فارسی می توانست مخاطبان بیشتری را جذب کند، توضیح داد: کاملاً موافقم که می توانست مخاطبان را بیشتری جذب کند ولی واقعیتش این است که ما از ابتدا این نمایش را به زبان کردی کار کردیم و آن را به جشنواره تئاتر کردی "سقز" بردیم و در آن جشنواره برگزیده شدیم و از طریق همان جشنواره به جشنواره تئاتر فجر معرفی شدیم ولی من تست کردم و روی ترجمه ی آن کار کردم. با وجود اینکه من هم به زبان کردی ام و هم زبان فارسی ام اعتماد دارم ولی واقعیت این است، با زبان فارسی آن فضایی که می خواستم را ایجاد نکرد. وقتی در متن این فضا وجود نداشته باشد مطمئناً نمی توانیم آن را در اجرا هم منتقل کنیم و من از این ترسیدم که آن فضای آشنا و درستی که این متن باید داشته باشد، اگر به فارسی روی صحنه رود، از دست برود و به احترام آن فضای آشنای خاص ترجیح دادم کار را به زبان کردی اجرا کنم.



پیام لاریان : امیدوارم سعید اسدی دبیر جشنواره تئاتر فجر باقی بماند .

پیام لاریان نویسنده ، کارگردان و مسئول سالن انتظامی خانه هنرمندان ایران در سی و پنجمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر برای نگارش نمایشنامه “ پروانه ی الجزایری ” مقام اول نمایشنامه نویسی این دوره را از آن خود کرده است . به این بهانه خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت و گویی با وی انجام داده است که در ادامه می توانید آن را بخوانید :



پیام لاریان در خصوص نمایشنامه “ پروانه الجزایری ” گفت : “ من این نمایشنامه را دو سال پیش نوشته بودم و تصمیم به اجرای آن داشتم که متأسفانه فرصت آن فراهم نشد . سپس آن را به جشنواره تئاتر فجر ارائه کردم و خوشبختانه مورد توجه هیأت داورى قرار گرفت و تندیس جشنواره در بخش مسابقه نمایشنامه نویسی سی و پنجمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر به این نمایشنامه رسید . ”

وی با اشاره به قصه این نمایشنامه توضیح داد : “ پروانه الجزایری ” داستان تعدادی دوست است که در حوزه سینما فعالیت می کنند و فیلم می سازند . ناگهان یکی از آن ها می میرد و دوستان او تصمیم می گیرند که با به عقب راندن فیلم آن کاراکتر را دوباره زنده کنند . ”

لاریان در رابطه با کیفیت برگزاری سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر افزود : “ من به این خاطر که در این بخش حضور داشتم و جایزه گرفتم ، ترجیح می دهم که در این باره قضاوت نکنم . ولی به واسطه شغلی که دارم و تمام جشنواره ها را رصد می کنم ، به نظرم این دوره از جشنواره ، نظم خوبی داشته و منظم تر از دوره های پیشین خود برگزار شده است . ”

پیام لاریان خطاب به سید رضا صالحی امیری ؛ وزیر فرهنگ و ارشاد و علی مرادخانی ؛ معاونت هنری وزیر ارشاد گفت : “ به نظرم باید سیستم جشنواره حفظ شود . چون وقتی دبیر جدیدی به جشنواره می آید با هیچ چیز آشنا نیست و کار خیلی سخت است . اگر بتوانند آقای سعید اسدی را به عنوان دبیر دوره آینده نگه دارند ،

خیلی خوب است و در غیر این صورت اگر تیم دبیرخانه این دوره باقی بماند نیز اتفاق خوبی خواهد افتاد . امسال دبیرخانه جشنواره کارهای خوبی انجام داد ، به عنوان مثال همه آثار را از مرور انتخاب کرده است ، این کار ایده ای خلاق و دوست داشتنی بود . چون گروه ها در این دوره کمترین استرس را داشتند . همچنین معضلی به عنوان بازبینی اثر و استرس گروه ها از بازبینی کارشان حذف شد . این اتفاق خیلی مناسب و درست بود . امیدوارم این فرآیند برای سال های آینده هم ادامه پیدا کند .

پوران مرادی : “ مسابقه تئاتر جوان ” به جوان های با استعداد فرصت دیده شدن می دهد

نمایش “ چهل گیس و حسن کچل ” نوشته ساغر خواجه امیری و کارگردانی پوران مرادی در بخش “ مسابقه تئاتر جوان ” سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر به روی صحنه رفت . به بهانه اجرای این نمایش در تماشخانه ایرانشهر خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت و گویی با این کارگردان انجام داده است که در ادامه می توانید آن را بخوانید :



پوران مرادی در رابطه با ایده ی شکل گیری نمایشنامه “ چهل گیس و حسن کچل ” گفت : “ ایده ی این کار از اینجا شروع شد که من خیلی دوست داشتم ادای دینی کنم به بیماران سرطانی ، به خصوص هنرمندانی که درگیر این بیماری شده اند و از این طریق حسم را نسبت به آن ها بگویم . در نتیجه با خانم خواجه امیری و آقای کربلایی زاده جلسه ای تشکیل دادیم و قرار شد متنی را بنویسیم که در آن هم دیو سلطان را نشان دهیم و هم این که قصه ای مدرن داشته باشیم که تماشاگران را بیشتر جذب کنیم . ”

وی در رابطه با متن این نمایش که تلفیقی از سنت و مدرنیته است ، توضیح داد : “ ما می خواستیم کاری باشد که هم مخاطب جوان آن را بپسندند و هم قدیمی ترها با آن خاطراتشان را مرور کنند . به همین خاطر تصمیم گرفتیم “ چهل گیس و حسن کچل ” را به صورت آوانگارد کار کنیم . فاصله مان را با تماشاچی بشکنیم و تماشاچی حس کند که واقعاً سر یک تمرین تئاتر نشسته است . این شد که رابطه عاشقانه ای بین بازیگران نقش “ چهل گیس ” و “ حسن کچل ” شکل می گرفت و دوست داشتیم اتفاقی باشد که عام مردم با آن ارتباط برقرار کنند . ”

پوران مرادی در خصوص تمرینات این نمایش و حضور تاثیرگذار امیر کربلایی زاده به عنوان مشاور کارگردان گفت : “ قبل از جشنواره سوره ماه ، تقریباً ۳۰ جلسه برای این نمایش تمرین داشتیم و بعد از جشنواره برای اجرای عموم آن مجدداً سی جلسه تمرین و سی اجرای عموم داشتیم . قبل از جشنواره تئاتر فجر نیز حدود دو هفته فرصت داشتیم تا خود را برای اجرا آماده کنیم . البته زمان مان خیلی کم بود ، ولی حضور آقای کربلایی زاده در هر گروهی چه به عنوان بازیگر و چه مشاور کارگردان نعمت است . ایشان آنقدر حرفه ای و کار بلد هستند که وقتی در نمایشی حضور دارند ، اتفاقات خوبی برای گروه می افتد . من برای این اجرا از ایشان خواستم که بیانند و ایده های شان را بگویند و به من مشاوره دهند و ایشان خدا را شکر منت گذاشتند و به من کم تجربه کمک کردند ”

وی در رابطه با تجربه های قبلی حضور خود در جشنواره تئاتر فجر افزود: “من در سی و دومین جشنواره تئاتر فجر با نمایش “مجردها” در بخش “نسل نو” حضور داشتم و خدا را شکر آن نمایش نیز جوایز زیادی گرفت و از همان موقع گفتم که خیلی خوشحالم که این بخش در جشنواره وجود دارد، چون اینگونه به جوان هایی که استعداد دارند، فرصتی داده می شود تا دیده شوند. خدا را شکر که این فرصت به من هم داده شد تا بتوانم استعدادی را که دارم به بزرگترها و با تجربه ها نشان دهم.”

پوران مرادی در پایان افزود: “بیایید با هم دعا کنیم که یک روز به همین نزدیکی، شیشه عمر دیو سرطان شکسته شود و هیچکس درگیر مبارزه با این دیو نشود.”



نقدی بر نمایش « دال » به نویسندگی و کارگردانی مسلم خراسانی :

جای خالی تأمل و تجربه

تنها نکته مثبت نمایش « دال » به کارگردانی مسلم خراسانی طراحی صحنه اثر است که منطبق است بر سوژه و آن را عینیت می بخشد ، البته همین تنها نکته مثبت در نتیجه ی کارگردانی غلط و میزانشن اشتباه ، اثر گذاری اش را از دست می دهد و بلا استفاده می ماند . اینکه معنی کلمه « دال » را بدانی یا نه کمکی به درک تماشاجی از نمایش نمی کند ، تنها صحنه ای که خوب است و به درک فضای نمایش و مفهوم مدنظر اثر کمک می کند و باعث می شود که بتوانی حدس بزنی که « دال » یعنی چه صحنه نخست نمایش است که پرسوناژ اصلی نمایش ، آن سوی پرده ای که



واقعیت را از هر آنچه غیر از آن (فضای خارج از سن) جدا می کند ایستاده و در حالت ضد نور جملاتی می گوید مبنی بر اینکه آنچه در این نمایش می بینید واقعیت نیست یا شاید باشد یا ... پرده که کنار می رود و با فضای خانه که روبرو می شوی و آکسسواری که با سیم از سقف آویزان هستند و دیوارهایی که نیستند و ... همه اینها تاییدی است بر جملات آغازین اثر .

در پنج دقیقه اول نمایش ، همه چیز خوب است و امیدوار کننده ، اما در ادامه همه چیز از هم می پاشد و ما با نمایشی روبرو می شویم که قصه ای محکم و اصولی ندارد . پرسوناژهایی که درست شخصیت پردازی نمی شوند و تیپیکال های آزار دهنده ای هستند از یک خانواده ی از هم پاشیده که مدام بر سر هم فریاد می زنند و فحش می دهند و به قول معروف « دوستی و دشمنی شان معلوم نیست » .

این صحنه های فریاد زدن و فحش دادن تنها چیزی است که ما از یک خانواده چهار نفره می بینیم که معلوم نیست چرا دعوا می کنند ؟ چرا یکدیگر را دوست دارند ؟ چرا دخترشات دچار توهم است ؟ چرا نماز می خوانند ؟ یا گاهی نمی خوانند ؟! چرا ... چرا ... چرا ...؟!

بعد یک باره دختر خانواده گم می شود و باز هم دعوها ادامه دارد و ما به جای روبرو شدن با صحنه های احساسی و دیدن تضاد واقعیت با غیر از واقعیت ، تنها کلیشه های نخ نما و گل درشتی می بینیم که شبیه فیلم فارسی ها و تئاتر های آزاد است و علی رغم سوژه و علی رغم طراحی صحنه و نور و علی رغم تلاش کارگردان برای فضا سازی های به ظاهر متافیزیکی ، هیچ چیز جذاب و خارق العاده ای عاید تماشاجی نمی شود ؛ جز فریاد و فحش و دعوای خانوادگی بی اساس .

و بعد که دختر پیدا می شود ، باز هم “ دال ” برای تماشاجی واضح نمی شود و ما نمی فهمیم دختر احیانا تحت تاثیر کدام نیروی زمینی و یا فرا زمینی ناپدید شده و ...

در واقع در نمایش “ دال ” به جای القاء فضا و حس و حال به ظاهر ماورایی سوژه و به جای ایجاد سوال کردن در تماشاجی برای تمیز قائل شدن میان واقعیت و غیر از آن ، ما تنها یک خانواده ی به ظاهر از هم پاشیده را می بینیم که چند صحنه ی همراه با چیزکی شبیه به نقد اجتماعی - سیاسی به آن وصله و پینه شده است ؛ مثل صحنه اداره پلیس و یا صحنه مربوط به رمال و امثالهم .

“ دال ” بیش از هر چیز از شتابزدگی و عدم تامل در مورد سوژه و فرم و بی تجربه بودن کارگردان (حداقل در زمینه این سوژه و فرم انتخابی اش) آسیب دیده است ، آسیبی که قابل چشم پوشی نیست .

المیرا نداف - نویسنده میهمان



حاشیه های روز دهم جشنواره تئاتر فجر :

پایان اجرای طولانی ترین نمایش جشنواره تئاتر فجر / آبادان در زیر ریزگردها مدفون شده است .

اجراهای متوسط ، سالن های نیمه پر ،
داوران خسته ، همه و همه حاشیه های
آخرین روزهای سی و پنجمین جشنواره
تئاتر فجر را رقم می زنند . همه ی
گروه های بخش رقابتی کم کم برای
روز اختتامیه و اعلام برگزیدگان جشنواره
آماده هستند تا ببینند نتیجه زحماتشان
چه می شود .



- در روزهای رو به پایان سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر برخی از سالن ها با ریزش مخاطب روبه رو شدند .
انتظار می رفت از آخرین اجرای نمایش " در اعماق " از کشور گرجستان استقبال بیشتری صورت گیرد . این نمایش
با ۱۷۰ دقیقه اجرا ، طولانی ترین نمایش جشنواره لقب گرفت و شاید یکی از دلایل ریزش مخاطب برای آن همین
موضوع بوده باشد . چرا که عده ای در قسمت اول اجرا (قبل از آن تراکت) سالن را ترک کردند ، عده زیادی نیز در
زمان آن تراکت سالن را ترک کرده و دیگر بازنگشته به طوری که در پایان نمایش کمتر از نیمی از طبقه هم کف
سالن وحدت پر بود .

- عظیم موسوی ، پرستو گلستانی و منوچهر علی پور از چهره هایی بودند که این نمایش را برای دیدن انتخاب کرده
بودند .

- خوشبختانه داوران برای دیدن این اثر به موقع رسیدند و دلیل مضاعفی بر طولانی شدن زمان نمایش نشدند !!

- نمایش دیگری از این گروه گرجستانی به نام " روان پریشی ۴,۴۸ " که قرار بود در آخرین روز جشنواره اجرا شود
ولی زمان و مکان آن تغییر کرد و در دهمین روز و در تالار هنر به روی صحنه رفت .
از این نمایش هم استقبال چندانی نشد .

- در تالار حافظ فقط با ۱۰ دقیقه تاخیر نمایش " آکواریوم کانگروها " به کارگردانی مجید کاظم زاده مژده
ای شروع شد .

- زمان این نمایش در جدول برنامه ها ۶۰ دقیقه اعلام شده بود در حالی که اجرای نمایش ۹۰ دقیقه به
طول انجامید . به خاطر همین طولانی شدن اثر ، عده ای در حین اجرا سالن را ترک کردند .

- امروز تئاتر شهر روز خلوت تری را پشت سر گذاشت و البته با نظم تمام و بدون هیچ تاخیری کارها به روی صحنه رفت .
- در تماشاخانه سنگلج هم نمایش “ افراسیاب ” به کارگردانی مصطفی حمیدی فر از شهر سبزوار با یک ربع تاخیر به دلیل آماده نبودن گروه نمایشی به روی صحنه رفت .
- استقبال از اجرای “ کابوس حضرت اشرف ” به کارگردانی حسین پاکدل به نسبت اینکه جزء معدود آثار تازه های تئاتر این دوره از جشنواره بود و گروه بازیگران مشهوری نیز داشت ، نسبتا معمولی بود و گرچه تقریبا تمام تالار استاد ناظرزاده تماشاخانه ایرانشهر پر بود اما از ازدحام و تقاضای بالای تماشاچی جشنواره ای خبری نبود .
- در سالن کناری ناظرزاده ، یعنی تالار استاد سمندریان ، نمایش “ از زیر زمین تا پشت بام ” به کارگردانی افسانه ماهیان سی دقیقه تاخیر داشت .
- گویا جشنواره و آثار جشنواره ، داوران را هم حسابی خسته کرده است که یا از نیمه اجرا بلند می شوند یا مدام بازیگوشی می کنند و با کاغذ سر و صدا ایجاد می کنند و یا تلفن جواب می دهند و یا اساسا سر اجرا می خوابند !!
- و اما حاشیه های نمایش های خیابانی :
- نمایش محیطی “ کوری ” از کشور لهستان در پارکینگ تالار وحدت اجرا شد .
- مهدی شفیعی (مدیر کل هنرهای نمایشی) ، مهرداد رایانی مخصوص (مدیر امور بین الملل) ، کیوان نخعی (مدیر روابط عمومی) ، سامان خلیلیان (مدیر بخش تئاتر خیابانی) و حجت علیخانی این نمایش را دیدند .
- اجرای “ سکوت رنگ ها ” به نویسندگی و کارگردانی حامد صنمی از شهر مریوان ، نمایشی بی کلام بود و بسیار مورد استقبال مردم قرار گرفت .



- هیام احمدی کارگردان نمایش خیابانی "دی زنگرو" از شهر آبادان قبل از اجرا به روی صحنه آمد و با اشاره به ریزگردهای آبادان گفت: "همشهریان من در آبادان هر روز خاک می خورند. ما در زیر ریزگردها مدفون هستیم و هفته ای یکبار و یا در ماه سه تا چهار بار به دلیل این مشکل ادارات و مدارس تعطیل می شوند و از همه چیز عقب می مانیم. وی سپس شادی اجرای این نمایش را به مردم آبادان و جانبازان حادثه پلاسکو تقدیم کرد.

- نمایش خیابانی "دی زنگرو" سوژه ای بومی دارد، کارگردان نمایش در حین اجرا عود روشن می کرد و به مردمی که به تماشای این نمایش ایستاده بودند می داد.

- این دومین نمایش خیابانی بود که به موضوع ریزگردها در آبادان اشاره می کرد. پیش از این اجرای نمایش "کوچ" به کارگردانی بهنام کاوه نیز که از آبادان اجرا شد، به این موضوع پرداخته بود.



مسعود براهیمی : دکتر سعید اسدی شهرستان ها را درگیر تئاتر کرده اند .

نمایش خیابانی "زیرزمین" به نویسندگی و کارگردانی مسعود براهیمی از اصفهان یکی از نمایش هایی است که در سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر در محوطه تئاتر شهر اجرا شد . به همین بهانه خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت و گویی با کارگردان این نمایش داشته است که می توانید آن را در ادامه بخوانید .



مسعود براهیمی در توضیح نمایش "زیرزمین" گفت : نمایش "زیرزمین" داستان زندگی ۴ موش است که به تهران آمده اند و می خواهند تهران را با اعتراض های شان بگیرند ، با این شعار که تعداد ما موش ها بیشتر است و تهران برای ما است و به جنگ با مردم می روند که در نهایت با سمپاشی شبکه های فاضلابی نابود می شوند .

او ادامه داد : اتفاقی که در نمایش می افتد در واقع اتفاقی است که در چند سال آینده خواهد افتاد . متأسفانه در حال حاضر ۱۵ میلیون موش در شهر تهران داریم و این اتفاق در حدی است که اگر یک زلزله ۳ ریشتری در تهران بیاید ، در عرض یک ساعت طاعون شهر تهران را می گیرد .

این کارگردان تئاتر با بیان اینکه متأسفانه خیلی از گروه های تئاتر خیابانی و محیطی به مسائل گذشته می پردازند ، گفت : به عنوان مثال دریاچه ارومیه یا زاینده رود خشک می شود ، تازه یادشان می افتد که به این مسئله بپردازند . من در کارم به سمتی می روم که اتفاقاتی که در چند سال آینده ما را تهدید می کند را گوشزد کنم . وظیفه ی یک هنرمند این است که خطرات و آسیب هایی که دارد اتفاق می افتد را گوشزد کند .

وی افزود : تئاتر خیابانی باید آسیب های اجتماعی را ببیند . خطر طاعون که الان تهران را تهدید می کند ، واقعاً یک خطر جدی است و چیزی که در نمایش من مهم بود این است که من نمی گویم فلان سازمان باید کاری کند ، به این می پردازم که خود آدم ها می توانند کاری کنند که دیگر مشکل طاعون را در تهران نداشته باشیم .

براهیمی همچنین در مورد وضعیت تئاتر اصفهان به خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت: در اصفهان در چند سال گذشته خیلی اتفاقات خوبی به لحاظ تئاتری افتاده است. اگر اصفهان را بخواهیم با شهرهای دیگر مقایسه کنیم، می توان گفت جزء ۵ شهر اولی است که تئاتر کار می کند و از این بابت غنی است. اما اگر بخواهیم اصفهان را با تهران مقایسه کنیم، خیلی ضعیف است. این به این معنی است که تئاتر ایران فقط در تهران متمرکز شده و این اشتباه است. البته خدا را شکر به لطف دکتر اسدی، دبیر جشنواره تئاتر فجر، امسال در اصفهان جشنواره تئاتر فجر استانی داشتیم. دکتر اسدی تئاتر را دارند به استان ها می برند و سامان خلیلیان عزیز، واقعا می دانند که چه کار می کنند. تحصیل کرده این رشته هستند. خیلی خوب است که تئاتر را به سمتی می برند که شهرستان ها درگیر آن می شوند.

او با بیان اینکه امسال برخلاف سال های گذشته، تئاتر بیرونی را در جشنواره فجر داریم، گفت: مردم با گونه هایی مثل آلترناتیو، بیرونی و محیطی نا آشنا بودند، به نظرم اتفاقی که امسال افتاد خیلی خوبی است و ما شاهد اتفاقات بهتری در چند سال آینده نیز خواهیم بود.

مسعود براهیمی در پایان با بیان اینکه در گذشته تئاتر صحنه ای کار می کرده است، گفت: از زمانی که اولین کار تئاتر خیابانی ام را انجام دادم، به شدت شیفته تئاتر بیرونی شدم. سال های گذشته چند کار صحنه ای انجام می دادم و یک کار بیرونی، الان به گونه ای شده است که چندین کار بیرونی انجام می دهم و شاید یک کار صحنه ای. در کارگردانی به شدت علاقمند به گونه تئاتر بیرونی هستم چون ارتباط بسیار نزدیکی با مخاطب دارد و هیجان و انرژی که از مخاطب در تئاتر بیرونی می گیریم خیلی برای من ارزشمند است.

گزارش تصویری نمایش خیابانی "دی زنگرو"



ندا شاهرخی : باید کم کم بخش خصوصی زمام امور جشنواره فجر را در دست بگیرد

نمایش " بلند بگو آخ " نوشته سپیده عیدی و کارگردانی ندا شاهرخی در بخش " به علاوه فجر " سی و پنجمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر در تماشاخانه فانوس اجرا شد . به بهانه حضور این نمایش در جشنواره خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت و گویی با ندا شاهرخی انجام داده است که در ادامه می توانید آن را بخوانید :



ندا شاهرخی کارگردان نمایش " بلند بگو آخ " در معرفی این نمایش گفت : " بلند بگو آخ " نمایشی در حوزه کودک و نوجوان است . من حدود ۱۰ سال است که در حوزه کودک و نوجوان تدریس می کنم و نمایش های بسیاری را کارگردانی کرده ام ، ولی این اولین نمایشی است که به همراه کودکان اجرای عموم آن را کارگردانی کرده ام ، پیش از در حوزه نمایش بزرگسال و پرفورمنس فعالیت می کردم ."

وی درباره روند شکل گیری این نمایش گفت : " ما این نمایش را در حدود شش ماه پیش در خانه هنر خرد " بلند بگو آخ " تولید کردیم ، همچنین تیمی داشتیم که دو سال پیش به آلمان رفته بود و در آنجا اجرا کرده بودند و با اجرا آشنا بودند . سرپرستی این تیم را من بر عهده گرفتم و در این دوره به آن ها آموزش دادم و نمایش " بلند بگو آخ " را آماده کردیم ."

شاهرخی ویژگی نمایش " بلند بگو آخ " را بازیگرانی با سنین مختلف دانست و گفت : " بازیگرانی از سنین ۱۰ ساله تا ۵۰ ساله در این نمایش حضور دارند و همگی در کنار یکدیگر بازی می کنند ."

وی درباره سختی های این اجرا گفت : " بخش زیاد آن شیرینی کار است ولی بخش دیگر خیلی سخت است

چون به هر حال کارگردانی کودکان شبیه کارگردانی بزرگسالان نیست ، گاهی اوقات آسانتر و گاهی خیلی سخت تر است . به عنوان مثال بچه ها خیلی سخت می توانند جای گیری شان را روی صحنه انجام دهند ، یعنی خودشان را نمی توانند در صحنه بینند و این کار را برای من به عنوان کارگردان سخت می کند . چون تمام مدت باید برای جای گیری درست بر روی صحنه به آن ها تذکر داده شود . خیلی از کارگردان ها برای رفع این مشکل ، بر روی صحنه چسب می زنند ولی من این کار را

نمی‌کنم بلکه سعی می‌کنم بچه‌ها در تمرینات به این نقطه برسند. ولی در کل با بچه‌ها راحت‌تر هستم و کمتر اذیتم می‌کنند.

شاهرخی در خصوص اضافه شدن بخش "به علاوه تئاتر فجر" به جشنواره و استقبال مخاطبین از این بخش گفت: "من مدیر هنری فانوس هستم. امسال مرکز هنرهای نمایشی، ۱۰ سالن را برای بخش "به علاوه فجر" انتخاب کرد که خوشبختانه فانوس هم جزو آنها بود، به نظرم این اتفاق خیلی خوبی است. باید کم‌کم بخش خصوصی زمام امور را در دست بگیرد و مرکز هنرهای نمایشی به سالن‌ها کمک کند تا آن‌ها جشنواره را برگزار کنند. این خیلی اتفاق دلنشین‌تری است چون می‌توان گفت که کل سالن انگیزه دارند و می‌توانند آن را گسترش دهند و همچنین نوآوری داشته باشند."

وی افزود: "ما می‌گوییم بخش خصوصی همه دارای اهدافی هستند و به آن سمت می‌روند ولی بخش عمومی معمولاً کارمندوار کار می‌کنند و تئاتر کار روتین آن‌ها است. دنیا نیز به این سمت می‌رود و به نظرم بد نیست که ما هم با کمک‌های درست به این سمت برویم، یعنی باید کمک‌هایی که به سالن‌ها می‌شود و هزینه‌هایی که سالن‌ها دارند، درست باشد و بتوانند از نظر مالی سالن‌ها را حمایت کنند. ما تا این لحظه استقبال خوبی داشتیم و شبی نبوده است که سالن گنجایش داشته باشد و فرد دیگری وارد سالن شود. تا این لحظه نیز استقبال از تماشاخانه فانوس بسیار خوب بوده و ما خوشحال هستیم."

ندا شاهرخی در پایان در رابطه حوزه کودک و نوجوان گفت: "ما الان آموزشگاه‌های زیادی می‌بینیم ولی متأسفانه خیلی از آنها غیر استاندارد هستند و بچه‌ها را با شکل دیگری از بازیگری آشنا می‌کنند، من به جوانانی درس می‌دهم که قبلاً به کلاس‌های نوجوانان رفته‌اند و چیزهایی در آنجا به آنها گفته شده که کاملاً اشتباه بوده است. بعضی‌ها فکر می‌کنند چون کار کودک و نوجوان است لازم به آموزش آنچنانی ندارد و لازم به اجرای آن نیست و خیلی سطحی می‌گیرند در حالی که این سن کودک و نوجوان بسیار مهم است و باید حوزه تئاتر ما روی این بخش سرمایه‌گذاری کند."



ستاره تبریز زاده : در جشنواره تئاتر فجر ایده های نو در یک رقابت سالم قرار می گیرند

“ نمایش یرمای درون من ” به نویسندگی و کارگردانی ستاره تبریز زاده در بخش “ نسل نو ” و “ مسابقه تئاتر جوان ” سی و پنجمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر حضور دارد . به بهانه این اجرا در تالار استاد انتظامی خانه هنرمندان خبرنگار **تئاتر فستیوال** به سراغ ستاره تبریز زاده ؛ نویسنده ، کارگردان و بازیگر این نمایش رفت و در رابطه این نمایش و اضافه شدن بخش مسابقه جوان به جشنواره به گفت و گو نشست که در ادامه می توانید ماحصل آن را بخوانید :



ستاره تبریز زاده ، کارگردان نمایش “ یرمای درون من ” درخصوص ایده این متن که برگرفته از نمایشنامه “ یرما ” لورکا است ، توضیح داد : “ هرکسی نمایشنامه یرما را بخواند نمی تواند نسبت به آن بی تفاوت باشد ، ما نیز وقتی این متن را خواندیم ، همین حس را داشتیم . نکته قابل توجه این نمایشنامه ، ایجاد تصاویری بود که با خواندن متن ، درذهنمان شکل می گرفت . به طوری که این اتفاق بیشتر از دیالوگ های متن ، برای ما تاثیر گذار بود . به همین خاطر اجرا را به سمت پرفورمنس-آرت دراماتیک بردیم . شخصیت هایی را که در متن اصلی دوست داشتیم ، انتخاب و برجسته کردیم و از آنها در نمایش استفاده کردیم . ”

وی با اشاره به تمرینات این گروه گفت : “ بازیگران این نمایش به مدت سه ماه تمرین تمرکز و حسی داشتند . بعد از سه ماه ، شروع به اتود زدن کردیم . من موارد لازم را به بازیگران می گفتم و آنها اتود می زدند ، بعد طراحی را شروع کردیم . چون معتقد هستم همه چیز باید از درون بازیگر بیرون بیاید و فکر می کنم این اتفاق در این نمایش افتاده است . ”

این کارگردان ضمن رضایت مندی از اجرای نمایش “ یرمای درون من ” درباره اضافه شدن بخش مسابقه جوان به جشنواره امسال گفت : “ من پیش از این تجربه حضور در تئاتر فجر را نداشتم . این اولین بار است که با گروهی در جشنواره تئاتر فجر حضور دارم . خیلی خوب است که ایده های نو در یک رقابت سالم اجرا می شوند . ”

وی در پایان افزود : “ این تجربه برای کسانی مثل ما که تازه می خواهیم کار تئاتر را شروع کنیم ، بسیار به جا و درست است و مطمئناً تجربه ای فوق العاده برای همه ما خواهد بود . ”

نقدی بر نمایش «صوراسرافیل» به کارگردانی عامر مسافر آستانه

پناهجویان سرزمین نیکبختی های گمشده

«صوراسرافیل» برداشت آزادی است از رمان معروف «دفتر بزرگ» نوشته آگوتا کریستوف معروف ترین نویسنده معاصر سوئیس. این رمان اولین بخش از تریلوژی (سه گانه) کریستوف است. دو رمان دیگر «مدرک» و «دروغ سوم» از نظر کیفیت ادبی و شهرت به پای رمان اول نمی رسند. هر سه رمان به فارسی ترجمه شده اند. «دفتر بزرگ» به چاپ هشتم در ایران رسیده است.

داستان از زبان دو برادر دوقلو روایت می شود که در گیر و دار جنگ به مادر بزرگ خشن و بداخلاق شان سپرده می شوند. آن دو در خانه مادر بزرگ و در بطن سرزمینی جنگ زده



تجربیات سختی را پشت سر می گذارند که خارج از توان و تحمل هر کودک یا نوجوانی است.

«دفتر بزرگ» قابلیت تبدیل شدن به نمایش صحنه ای و تله تئاتر را ندارد و در خوشبینانه ترین حالت می توان آن را مناسب سینما و با کمی اغماض نمایش رادیویی دانست؛ طبعاً بخش های قابل توجهی از رمان به علت کمبود امکانات و عدم بازسازی فضای رخدادها به نمایشنامه و نمایش راه نیافته اند.

شخصیت ها همانی نیستند که در رمان هستند. کم و زیاد شده اند مثلاً از دو برادر دوقلو (لوکاس و کلاوس) فقط یک نفر در صحنه حضور دارد؛ چنین تغییری احتمالاً به خاطر کمبود بازیگر خردسال مناسب نقش در تئاتر ایران اجتناب ناپذیر بوده است. ایجاد تحول در شخصیت های علی الظاهر تأثیرناپذیر یا سخت تأثیرپذیر رمان بر عهده برادران دوقلو گذاشته شده است. در عالم واقع قاعدتاً این بزرگسالان هستند که کودکان و نوجوانان را متحول می کنند اما کریستوف خلاف این قاعده عمل کرده است. سیاروش پاکراه و عامر مسافر آستانه این تحول آفرینی را بسیار خوب از آب در آورده و باورپذیر کرده اند. پسرچه روح زندگی را در صحنه می دمد و شخصیت ها بالاخص افسر را در اوج ناامیدی از پناه بردن به دنیای درون و خودویرانگری می رهند. مادر بزرگ نمایش با مادر بزرگ رمان تفاوت ماهوی دارد. او در رمان شخصیتی خل وضع، خشن و شلخته دارد اما در نمایش پیرزنی است طماع که با کمی

تلاش می توان به راهش آورد. مادر بزرگ در «دفتر بزرگ» یکی از شخصیت های کلیدی است اما در «صوراسرافیل» تا حد یک کاراکتر حاشیه ای تنزل کرده است.

اگر چه در جریان تبدیل رمان به نمایشنامه جرح و تعدیل تا حدودی اجتناب ناپذیر است اما حاصل کار مسافر آستانه فاصله قابل توجهی با متن اصلی دارد. رمان از لحاظ سبک نگارشی، ماجراپردازی و شخصیت

پردازی فوق العاده قوی است و به شدت خواننده را تحت تأثیر قرار می دهد اما نمایش اینچنین نیست . زبان نمایشنامه و لحن نمایش به قدر کافی پخته و تأثیرگذار نیست ، تأثیری اگر هست بیشتر نشأت گرفته از حضور ایلیا نصرالهی ، بازیگر خردسال نمایش است که نقش محوله را بسیار کم نقص ایفا می کند و حضورش برای تماشاگر ایرانی تازگی دارد .

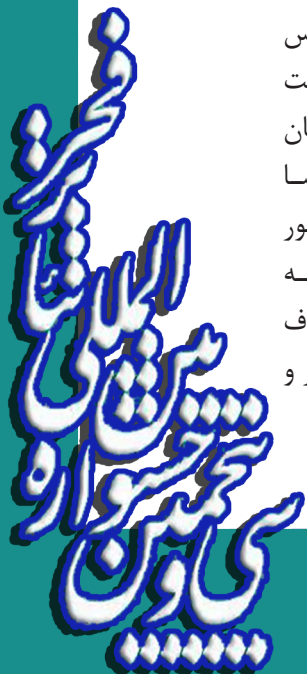
تلاش خاصی از جانب سیاوش پاکراه به عنوان نمایشنامه نویس برای نمایشی کردن «دفتر بزرگ» و وفاداری خط به خط مشهود نیست ، به نظر می رسد او بیشتر در پی دستیابی به نوعی زبان فاخر و دیدگاه مستقل با لحاظ کردن روح کلی حاکم بر رمان در نمایشنامه بوده است . دیالوگ ها چند جا به بیانیه های سیاسی و فلسفی تبدیل می شوند و از همین رو مخاطب را خسته کرده و به ریتم نمایش لطمه می زند . رمان البته مشخصاً قوی تر و قابل دفاع تر از نمایشنامه است . بخش های زیادی از رمان به نمایش راه نیافته اند . موقعیت های نمایشی در آستانه خلق یا در جریان پرورش و گسترش ایده ، متوقف می مانند . ارتباط تماتیک محکم بین قطعاتی از رمان «دفتر بزرگ» که در نمایش مورد استفاده قرار گرفته اند ، وجود ندارد .

کارگردان از خشونت عریان رمان کریستوف بسیار کاسته است . طنز پنهان و بسیار ظریف جاری در «دفتر بزرگ» به مدد بازی خوب هنرپیشه ها و هدایت صحیح کارگردان ، با همان ظرافت به نمایش نیز تسری یافته است . کاظم سیاحی بهترین بازیگر نمایش است . بازی روان و راحت او تحسین برانگیز است . اوج هنرنمایی سیاحی در لحظاتی رقم می خورد که دو پدیده متضاد جنگ و عشق را با کلام و میمیک توصیف می کند . مهدی حسینی نیا در ایفای نقش دشوار کشیش موفق است . او ایست های مناسب ، بدن منعطف و بیان بسیار خوبی دارد .

بخش هایی از مضامین جنسی رمان حین ترجمه حذف شده اند . در نمایشنامه و نمایش حتی رگه های کم رنگی از این دست مضامین مشهود نیست . مسافر آستانه بسیار اخلاق گرایانه و با چشم بستن عامدانه بر زشتی ها و پلشتی های جهانی که کریستوف خلق کرده ، نمایش «صوراسرافیل» را روی صحنه برده است . این که اتخاذ چنین موضع و دیدگاهی ریشه در عقاید کارگردان دارد یا به خاطر گریز از ممیزی است ، بر ما پوشیده است .

نمایش از فضا سازی نسبتاً موفقی برخوردار است . رمان و به تبع آن ، نمایش از زبان و دیدگاهی جهان شمول برخوردارند ، سن دایره ای و چرخان نمایش که نمادی است از کره زمین ، با این زبان و دیدگاه مطابقت کامل دارد . ماشین است ها (کارگران صحنه) در چرخاندن سن دوار موفق عمل می کنند . در تئاتر ایران معمولاً به طراحی لباس ماشین است ها

اهمیت داده نمی شود اما در نمایش «صوراسرافیل» این نکته مورد توجه قرار گرفته است که از وسواس و دقت وافر کارگردان و ارزشی که او برای جزئیات کارش قائل است ، خبر می دهد . پوشش ماشین است ها با فضای آخرالزمانی نمایش همخوانی کامل دارد . پوشش کاراکترها ساده اما هوشمندانه است و از جهان رمان برمی خیزد . هویت صوتی نمایش وامدار موسیقی کلیسایی و آمیخته به طنین ناقوس های کلیسا است . بخشی از طراحی میزانشن های نمایش با استفاده از نورپردازی محقق شده است . کارگردان از نور بسیار خوب برای تمرکزگرایی و تمرکززدایی در صحنه بهره جسته است . استفاده خلاقانه از چراغ قوه به عنوان یک منبع نوری جزء نقاط قوت اجرا است . نمایش از ویرانگری جنگ و تحول انسان ها در مصاف با حوادث و مصائب زندگی می گوید و این پیام را به خوبی با اتکاء بر صحنه متحرک گردان و دوار و فضای مالیخولیایی ، وهم آلود و بی مرزش به مخاطب انتقال می دهد .



عامر مسافر آستانه حداقل در اجرا، بالاخص در صحنه نهایی، بیشتر تحت تأثیر نمایش در یاد ماندنی و درخشان «فهرست» به کارگردانی رضا ثروتی است تا رمان آگوتا کریستف! او با کاراکترهای رمان «دفتر بزرگ» همان پیام نمایش «فهرست» را در قالبی دیگر و البته بسیار جمع و جور و محدود، تکرار کرده است!

در جهان برزخی «صوراسرافیل» همه چیز حتی آدم‌ها عامدانه در هاله‌ای از ابهام فرو رفته‌اند؛ راز و رمزهای این جهان مبهم به واسطه کدهایی که نمایشنامه‌نویس و کارگردان ارائه داده‌اند، ناممکن نیست اتفاقاً بسیار هم لذتبخش است اما نکته مهم در این میان ایدئولوژی گنگ و پیچیده نمایش است که گاه سد راه گشایی از مضامین و لایه‌های پنهان اجرا می‌شود. نمایش با همه ضعف‌هایش در نهایت موفق می‌شود تماشاگر را تا انتها به دنبال خود بکشد و چشم‌انداز تازه‌ای به روی او بگشاید.

دکتر شهرام خرازی ها – دیارتمان نقد تئاتر فستیوال



پیام عزیزی : وضعیت تئاتر شازند خوب نیست . / از روند برنامه ریزی و مدیریت جشنواره رضایت دارم .

نمایش خیابانی “ داستان مردم ” به نویسندگی و کارگردانی پیام عزیزی در بخش مسابقه سی و پنجمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر به روی صحنه رفت . به بهانه اجرای این نمایش در جشنواره خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت و گویی با کارگردان این نمایش انجام داده است که ماحصل آن را می توانید در ادامه بخوانید :



پیام عزیزی در رابطه اجرای “ داستان مردم ” گفت : “ من اسم این اجرا را تئاتر بی دیوار گذاشته ام . در آن سعی می کنم تمام قصه را از تماشاگر بگیرم و بازیگران را از مردم و تماشاگران انتخاب کنم . این روش تکنیکی است که از آگوستو بوآل اقتباس کردم و تغییراتی در آن بوجود آوردم و سعی کردم با فرهنگ جامعه مان و با تکنیک های جدیدی که در ذهنم بوجود آمده و آن را تجربه کرده ام ، همخوانی داشته باشد . ”

وی در پاسخ به اینکه آیا می توان این نمایش را تئاتر شورایی نامید ، گفت : “ خیر ، نگاه تئاتر شورایی فرق می کند ، ما روند قصه را در آن نمی بینیم . در تئاتر شورایی مسئله ای مطرح می شود و نظرهایی در جهت اصلاح یک معضل گرفته می شود ولی در اینجا هدف تئاتر شورایی نیست . ما از مردم مشارکت می گیریم ولی شورا نیست . در واقع اینگونه نیست که ما در رابطه با این مسئله از مردم شور بگیریم ، من مشارکت تماشاگران را برای قصه ای که قرار است ساخته شود ، دارم . ”

عزیزی با بیان اینکه نمایش “ داستان مردم ” اثری بداهه بوده است گفت : “ هر اجرایی که از این نمایش ببینید ، با اجرای دیگر آن متفاوت است ، در این نمایش بر اساس آرزویی که مردم می کنند ، جلو می رویم . در اجرای قبلی من کسی بود که می خواست نماینده مجلس شود ، ما سعی کردیم این آرزو را برآورده کنیم . فرد دیگری می خواست خلبان شود و دیگری خواننده ، بازیگر ، وکیل و شغل های مختلف دیگر . آرزوی دیگری این بود که بچه ها هرگز گریه نکنند . من هر دفعه سعی کردم یک آرزو را بازسازی کنم . ”

وی در رابطه با استقبال مخاطبان شهر شازند از تئاتر خیابانی و تئاتر صحنه ای ، گفت : “ وضعیت تئاتر در آنجا هم مثل شهرستان های دیگر خوب نیست ، من اغلب در تهران کار می کنم ولی چون اهل شازند هستم ، نمایشم را از آنجا وارد جشنواره کردم . ”

پیام عزیزی در پایان استقبال مردم را از بخش خیابانی جشنواره بسیار خوب ارزیابی کرد و در رابطه با مدیریت و برنامه ریزی جشنواره در بخش خیابانی گفت : “ تا الان همه چیز خوب پیش رفته و راضی هستم ، از تمام کسانی که برای جشنواره زحمت کشیده اند نیز تشکر می کنم . ”

ابوالفضل طبسی : متاسفانه اکثر آیین های شادمانه رو به فراموشی است .

نمایش خیابانی " بزم و رزم " به نویسندگی و کارگردانی ابوالفضل طبسی از سبزوار از جمله نمایش هایی بود که در سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر در محوطه تئاتر شهر اجرا شد . به همین بهانه خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت و گویی با کارگردان این نمایش آیینی داشته است که می توانید آن را در ادامه بخوانید .



ابوالفضل طبسی با بیان اینکه نمایش آیینی " بزم رزم " یک آیین یابوری است که کاشت ، داشت و برداشت و سپس آیین های عروسی که در حال حاضر به فراموشی سپرده شده است ، را روایت می کند ، در توضیح آن گفت : در این قصه درواقع بزمی برپا است که ایلچی مغول به مجلس عروسی حمله ور می شود و عروس را می دزد . مردمان دیار بیهق برای دفاع از ناموس و وطن خویش قیام می کنند و مغول را شکست می دهند که درواقع قیام سربداران یا همان نهضت سربداران شکل می گیرد . این نمایش موزیکال در مدت زمان ۲۰ دقیقه با سازهای کوبه ای و سرنا روایت می شود که کاری حماسی و نشات گرفته از فرهنگ عامه ی دیار سربداران است .

وی در ادامه در مورد اجرای آیین های نمایشی در اعیاد و مراسم های مختلف در سبزوار و حفظ این آیین ها گفت : اکثر روستاها هنوز میراث دار فرهنگ عامه ی خودشان هستند و این سنت ها را نگه داشته اند و احیا می کنند ولی متاسفانه اکثر آیین های شادمانه رو به فراموشی است و در حال از دست رفتن است . اما ما در قالب مرکز مطالعات هنرهای آیینی - سنتی در شهرستان سبزوار نسبت به گردآوری این آیین ها و حوزه ی فولکلور و مردم شناسی اقدام کرده ایم و تمام این آیین ها ، هم آیین های سوگ و هم آیین های شادمانه ثبت و ضبط می شود و در قالب آثار نمایشی یا تلویزیونی یا حتی پژوهشی برای مخاطب عرضه می شود .

این کارگردان تئاتر همچنین در مورد وضعیت تئاتر به ویژه تئاتر خیابانی در سبزوار و استقبال مردم از این نمایش ها توضیح داد : اگر صرفا بخواهم بگویم آیین های شادمانه ، زیاد اجرا نمی شود ولی در سبزوار آیین های تعزیه های مناسبتی یا تعزیه های مضحک به صورت مستمر در حال برگزاری است .

خیلی از نسخ تعزیه در سبزوار و اقصای نقاط سبزوار، در روستاها در حال اجرا است. در ماه محرم و صفر حداقل ۶۰ مجلس تعزیه غریب و مناسبتی اجرا می شود و در این زمینه خیلی فعال است و کار می کنند. چند سال هم هست در حوزه نمایش های میدانی و آیینی دوستان در جشنواره های مختلف فعال هستند و حضور دارند. سبزوار در بخش خیابانی در حال حاضر تقریباً فعال است و بچه ها به صورت مستمر کار می کنند.

طبعی در پایان با بیان اینکه امسال اولین سالی بود که در جشنواره تئاتر فجر شرکت کرده است، در مورد حضور در سایر جشنواره های داخلی و خارجی گفت: ۲ سال در جشنواره مریوان شرکت کردم، معمولاً در جشنواره امام رضا شرکت داشته ام، امسال در جشنواره یاسوج شرکت کرده ام. همچنین در جشنواره بین المللی لبنان که پیام آن صلح و دوستی بود، ۲ کار از من شرکت داشت و تا پایان سال نیز دو جشنواره خارجی هست که با کارهای فرهنگ عامه و آیینی در خدمت دوستانمان در خارج از کشور خواهیم بود.

نقدی بر نمایش «از زیر زمین تا پشت بام» به کارگردانی افسانه ماهیان :

مستند ، هنر مندانه ، امیدبخش

افسانه ماهیان را با تئاترهای مستندش دوست دارم .

او تئاتر را می شناسند .

همراهی اش و گروه شدنش با مهین صدی حساب شده ، اصولی و صد البته هنرمندانه است .

مهین صدی در مقام نویسنده ی “هم هوایی” و “از زیر زمین تا پشت بام” به خوبی اثبات کرده است که تئاتر مستند را می شناسد ، موقعیت شناس است ، جمع آوری مستندات را بلد است ، جسارت دارد و در تبدیل یک امر مستند و در واقع صلب به یک امر دراماتیک و نرم و هنرمندانه ، مسیر را به خوبی پیدا کرده

است و از پس این امر به خوبی برآمده است . و در ادامه ی تلاش به ثمر رسیده ی مهین صدی در “هم هوایی” و این بار در “از زیر زمین تا پشت بام” ، افسانه ماهیان به عنوان کارگردان با شناختی که از تئاتر دارد ، با شناختی که از ابعاد و آثار یک تئاتر مستند دارد ، با نگاه درستش به مخاطب و جامعه شناسی آن و بی شک با تحلیل آثار و اثرات یک تئاتر مستند بر جامعه ی هدف ، در تبدیل نمایشنامه های مهین صدی به یک اثر صحنه ای جهان شمول (علی رغم سوژه های غیر جهانی) بسیار موفق عمل کرده است : هم در “هم هوایی” و هم این روزها در “از زیر زمین تا پشت بام” .

در توضیح تئاتر مستند همین بس که هسته ی تشکیل دهنده آن یک سند واقعی ، یک روایت مستند است . مستنداتی که باید دراماتیک شوند و در قیاس با انواع غیرمستند تئاتر ، برخی آن را نگاهی کوپرنیکی به تئاتر توصیف کرده اند ، گونه ای از تئاتر که در اروپا شاید حدود ۲۰۰ سال قبل آغاز شد* و امروز روز در تئاتر ما بسیار مورد توجه قرار گرفته است و بسیاری به ویژه جوانان را به سوی خود جذب کرده است ؛ که خب بی شک اولین حرکات و اولین گام ها ، آزمون و خطاهایی هستند اغلب غیر قابل دیدن ، به جز استثنائاتی که توسط حرفه ای های تئاتر و از پس تجربه ی سالیان رخ می دهد : “از زیر زمین تا پشت بام” از همین استثنائات دیدنی و فراموش نشدنی است .

رخداد واقعی و هسته اولیه این نمایش قتل پر هیاهو و عجیب سه جوان ایرانی در آمریکا توسط یکی از دوستانشان و بعد خودکشی قاتل احتمالی ، جوانانی که در ایران موسیقی راک را زیرزمینی دنبال می کردند و برای فعالیت علنی و شرکت در فستیوال ها و ... به آمریکا مهاجرت کردند :

“یلو داگز” (حتما نامشان را شنیده اید و اخبار مرگشان را شنیده اید و اگر نمی دانید هم این [لینک](#) ** می تواند به شما کمک کند !)



این ماجرا در تبدیل به نمایشنامه مسیر دشواری را طی نکرده است ، جمع آوری مستندات و دراماتیک کردن آنها و صد البته تعیین چگونگی روایت و زمان بندی آنها ، چرا که خود واقعه به قدر کافی دراماتیک است .

اما اجرای چنین واقعه ای روی صحنه : بهره بردن از چه طراحی صحنه ای ؟ چه طراحی میزانشنی ؟ کدام بازیگران ؟ چه حجم از موسیقی ؟ چه حجم از نور ؟ و صد البته چگونه گفتن ماجرا ؟ همه ی اینها بسیار بسیار دشوار است . چرا که تئاتر مستند اگر دچار انواع ممیزی ، چه خودسانسوری و چه انواع دیگر آن شود ، یکسره نابود می گردد ، پس باید هوشمندانه عمل کرد ؛ آن هم در روایت چنین ماجرای که هم چندان قدیمی نیست و هم حساسیت های خاص خود را به همراه دارد .

ماهیان در این مسیر بسیار هوشمند و بسیار هنرمندانه عمل کرده است .

انتخاب بازیگران عالی است : بگذارید برای اولین بار اعتراف کنم که صابر ابر را در هیچ نقشی (در تئاتر) دوست نداشته ام ، مگر این پرسوناژ ، آن هم به علت توانایی بالای کارگردان در کنترل او و بی شک حذف اکت ها یا بهتر بگویم - اوراکت ها - ی صابر ابر .

الهام کردا ، انتخابی عالی است ، یک خواهر داغ دیده ی واقعی که یک تنه هم پرسوناژ " رفیع " را شخصیت پردازی می کند ، هم خودش را و هم خانواده اش را و در این امر بخش زیادی از موفقیت نمایش مرهون بازی خوب بازیگر است .

دیگر اینکه انتخاب یک بازیگر غیر ایرانی که فارسی را خوب و به اندازه بلد است برای یک پرسوناژ غیر ایرانی عالی است . او نه تنها برای مخاطب جذاب است ، بلکه درست و به جا انتخاب شده است ، انتخابی فارغ از تأثیری که می تواند روی مخاطب ایرانی داشته باشد .

و شاید ضعیف ترین و تیپیکال ترین بازی از آن هوتن شکیبا باشد که تنها شوخی های گاه و بیگاه اش ، او و پرسوناژ مربوط به او را سرپا نگه می داشت .

در صحنه از هیچ دکوری خبری نیست ، تنها آکسسوار صحنه ، هدفون های قرمز رنگی است که در اختیار بازیگران قرار گرفته است ، همین . یک صحنه خالی که با نور معنادار می شود ، پرسوناژ می یابد و در بیان قصه به یاری گروه بازیگران می آید .

دیگر عنصری که پرسوناژ دارد ، " صوت " است ، " صدا " است ، نه صرفاً موسیقی ، بلکه یکایک اصواتی که در طول نمایش به گوش مخاطب می رسد ، به " صدا " پرسوناژ می بخشد و در فضا سازی نمایش ، در حفظ میزانشن ، در فعال بودن میزانشن و نهایتاً در بیان روایت اصلی نمایش بسیار کارآمد است .



استفاده از هاشف های پنهان شده در لباس بازیگران برخلاف نمونه های غیر اصولی رایج در تئاتر ما ، این بار بسیار کارآمد است و بسیار درست استفاده شده است و میزانشن ؛ طراحی اکت ها ، فاصله بازیگران از تماشاچی ها و یا از یکدیگر ، استفاده از هاشف را لوث نمی کند ، آن را برای تماشاچی غیرحرفه ای لو نمی دهد و بر اساس ابژه نمایش بسیار کارآمد است: تئاتر مستند .

و نهایتاً اینکه گرچه ماهیان در “از زیر زمین تا پشت بام” به بیان درد می پردازد ، فاجعه را از عمق و با ذره بین به تماشاچی ارائه می دهد و درد جاری در آن واقعه را چون یک سیلی به صورت تماشاچی می کوبد ، اما اصلاً و اساساً قصد سیاه نمایی و گسترش ناامیدی ندارد ، ماهیان به ویژه در “از زیر زمین تا پشت بام” از نور شروع می کند ، از بالا شروع می کند ، تماشاچی را به عمق درد و تاریکی پرتاب می کند و بعد با اضافه کردن رگه های نور ، خطوط شفافی که به مرور روشن و روشن تر می شوند ، امید را القاء می کند ، که این امید ، با لایه هایی از رویاگونه گی در پایان بندی نمایش به اوج خود می رسد .

“از زیر زمین تا پشت بام” یک تئاتر مستند حقیقی است که نه تنها مستندات را در قالب تئاتر بیان می کند و بسیاری را از اتفاقی واقعی آگاه می سازد ، سرگرم می کند ، تماشایش لذت بخش است ، همه فهم است ؛ بلکه راه هم نشان می دهد ، راه حل هم ارائه می کند .

و مگر ما از تئاتر چیزی بیشتر این می خواهیم ؟

* بسیاری معتقدند تئاتر مستند را گئورگ بوشنر (Georg Buchner) خلق کرد و او را کوپرنیک یا گالیله تئاتر می دانند که تئاتر را هرچه بیشتر به واقعیت نزدیک کرد : با آثاری چون “مرگ دانتون” ، “ویتسک” و ... اما این گونه از تئاتر مستند که در تئاتر ایران روایح یافته و از تعریف های کلاسیک تئاتر مستند فاصله گرفته است ، به نظر من بیشتر وام دار اندیشه ها و سبک و سیاق برشت (که خود متأثر از تئوری های اروین پیسکاتور بود) در تئاتر اجتماعی است .

** این لینک (بولتن نیوز / کد خبر: ۱۷۷۲۶۰ به تاریخ ۲۰ آبان ۱۳۹۲ □ ۲۱:۲۲) تنها برای اطلاع از خبر حادثه قتل این گروه موسیقی است و جهت گیری های احتمالی موجود در این خبر ، مورد تأیید یا تکذیب تئاتر فستیوال نیست .

المیرا نداف – نویسنده مهمان



محمد کاسبی : تئاتر ، ابزارِ درمان و با روح و روان انسان عجین است .

تماشاخانه مشایخی با برگزاری کارگاه‌های تخصصی تئاتر و اجرای نمایش‌هایی با حضور جانبازان اعصاب و روان و معلولان جسمی و حرکتی ، در بخش “ به علاوه فجر ” سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر حضور داشته است . به همین مناسبت ۱۱ بهمن ماه ، مراسم تقدیر از آثار اجرا شده در این تماشاخانه برگزار شد که محمد کاسبی ، بازیگر سینما و تلویزیون یکی از میهمانان دعوت شده در آن بود . همین بهانه ای شد تا خبرنگار **تئاتر فستیوال** ، گفت و گوی کوتاهی با وی داشته باشد که می توانید در ادامه بخوانید :



محمد کاسبی در رابطه با حضور در این مراسم به خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت : “ بسیار خوشحال هستم که امشب در این جمع و در این مراسم حضور داشتم . امشب از آن شب‌هایی بود که فکر می‌کنم فرشته‌های خداوند هم حتما در این سالن حضور داشتند . تئاتر خیلی خوب است با روح ، روان و درونیات انسان عجین است . ”

وی در رابطه با تاثیرگذاری و نقش تئاتر گفت : “ تئاتر صد در صد می‌تواند یکی از ابزار و وسایل مهم برای درمان بسیاری از مسائل روحی و روانی باشد . این افراد به آرامش نیاز دارند و با پیوستن به این هنر به آن آرامش دست خواهند یافت . ”

محمد کاسبی در پایان افزود : “ امیدوارم این حرکت روز به روز گسترده‌تر شود و امکانات بیشتری از طرف مسئولین مملکت در اختیار گروه‌هایی که این نوع آثار را به روی صحنه می‌برند ، قرار بگیرد . ”

علیرضا اجلی : اضافه شدن مسابقه به بخش "به علاوه فجر" سبب انگیزه گروه ها خواهد شد .

نمایش "چند تکه لغزان بر لبه ی سران یک وضعیت پیچان" به نویسندگی و کارگردانی علیرضا اجلی در بخش "به علاوه فجر" سی و پنجمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر حضور دارد . به بهانه اجرای این نمایش در تماشخانه ارغنون ، خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت و گویی با کارگردان این اثر داشته که ماحصل آن را در ادامه می توانید بخوانید :



علیرضا اجلی در رابطه با ایده نوشتن متن و کارگردانی نمایش "چند تکه لغزان بر لبه ی سران یک وضعیت پیچان" گفت : "ایده نوشتن این متن در سال ۹۳ در جشنواره دانشجویی شروع شد ، من یک طرح دو صفحه ای داشتم و آن را برای جشنواره فرستادم و به مرور با تمرین فراوان گروه ، متن با مشارکت بازیگران کامل شد ."

اجلی در خصوص قصه این نمایش توضیح داد : "این نمایش قصه چهار روزنامه‌نگار را روایت می کند ، سردبیر و سه پرسوناژ دیگر که دبیر بخش های مختلف هستند . این چهار نفر منتظر برگشتن مدیر مسئولی هستند که اصلاً وجود ندارد . همه پرسوناژها می دانند که دفتر روزنامه توقیف و تعطیل شده است ، ولی آن ها هنوز منتظر هستند ."

علیرضا اجلی در خصوص بخش "به علاوه فجر" افزود : "این بخش خیلی خوب است اما به نظرم باید همانطور که به بخش اصلی اهمیت داده می شود ، بخش به علاوه فجر هم دیده شود و پوشش رسانه ای داشته باشد . معمولاً سالن های خصوصی در جشنواره خیلی دیده نمی شوند ، البته امسال وضعیت جشنواره بهتر شده است "

وی در پایان ضمن بیان پیشنهادی در جهت بهبود جشنواره تئاتر فجر گفت : "به نظر من باید بخش "به علاوه فجر" هم مسابقه داشته باشد ، این اتفاق برای بهتر شدن جشنواره خیلی موثر است و گروه ها انگیزه کار کردن پیدا خواهند کرد ."

حاشیه های روز یازدهم جشنواره تئاتر فجر :

چهره های سینمایی روی صحنه تئاتر در آخرین روز جشنواره فجر

سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر، با یک چشم به هم زدن تمام شد و با برگزاری مراسم اختتامیه امروز - دوازدهم بهمن ماه - در تالار وحدت پرونده خود را برای یک دوره می بندد .



- سالن اصلی مجموعه تئاتر شهر، تالار وحدت، تالار هنر، تالار مولوی، تماشاخانه سنگلج و تالار حافظ در آخرین روز جشنواره تئاتر فجر اجرایی نداشتند. و تنها ۶ نمایش در بخش اصلی صحنه ای جشنواره به روی صحنه رفت.

- آخرین اجرای تماشاخانه ایرانشهر در سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر، نمایش "نامه های عاشقانه از خاورمیانه" به کارگردانی کیومرث مرادی بود که با ۱۰ دقیقه تاخیر به روی صحنه رفت.

- طنز طباطبایی، هانیه توسلی و پانته آ پناهی ها، سه بازیگر این نمایش بودند که طباطبایی و توسلی در حال حاضر بیشتر به عنوان چهره های سینمایی شناخته تر هستند تا تئاتری.

- مریم معترف، مسعود فروتن، محمد ساربان، شهاب حسین پور از چهره های حاضر در سالن در سانس دوم بودند.

- این نمایش با استقبال فراوان رو به رو شد. به گونه ای که قبل از شروع نمایش، عده ی زیادی بیرون سالن ایستاده بودند مسئولین سالن حتی افراد بلیت دار و میهمان را به سختی ورود می دادند.

- وضعیت سالن هم پر از تماشاگر بود و تا حدود شش ردیف روی زمین نشستند و نمایش را دیدند.



سی و پنجمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر



- پیش از اجرا ، کیومرث مرادی به روی صحنه حاضر شد و ضمن معرفی خود گفت : “ از شما تشکر می کنیم که تئاتر را در سبد خانگی خودتان قرار دادید . ”

- او به نوع متفاوتی هم از تماشاگران خواست تا تلفن های همراه خود را خاموش کنند . مرادی در این رابطه گفت : “ یک خواهش تکراری دارم ، اینکه به ما اجازه دهید ۶۵ دقیقه بدون تکنولوژی و صدا های تکنولوژی تان در خدمتان باشیم . ”

- او که در هنگام این گفت و گو با تماشاگران در قسمت تاریک سالن ایستاده بود . مسعود فروتن گفت : “ چرا به سالن نور نمی دهند ؟! ” مرادی هم طنزانه جواب داد : “ چون من خجالتی هستم ، نور را روشن نمی کنند تا من بتوانم در تاریکی حرف هایم را بزنم ! ”

- در ابتدای ورود به سالن به مخاطبان چشم بند هایی داده می شد تا در حین اجرا در قسمتی که به آنها گفته می شود ، از آن استفاده کنند . در انتها هم از تماشاگران خواسته شد تا چشم بند هایشان را تحویل دهند . یعنی معلوم می شود ، این چشم بندها قبلا هم توسط افراد دیگری استفاده شده است !!

- از حاشیه ها دیگر اجرا های جشنواره تئاتر فجر ، اجرای نمایش “ دکتر استوکمان (دشمن مردم) ” بود که به کارگردانی علی پویان ، در تالار چهارسو اجرا شد .

- محمد ابراهیمیان که متن این نمایش برگرفته از نگاه اوست ، به دیدن هر دو اجرای این اثر نشست . سعید ذهنی هم که برای این نمایش آهنگسازی کرده کار را در سانس دوم دید .

- اصغر همت و ایرج راد مدیر عامل فعلی و سابق خانه تئاتر هم این نمایش را در سانس اول دیدند .

- از دیگر میهمانان ویژه ی این نمایش در سانس دوم ، علی مرادخانی (مدیر کل هنرهای نمایشی) به همراه ارمغان بهداروند بودند که کمی دیر به اجرا رسیدند . با این حال بسیار بی سر و صدا و آرام ، پشت ورودی سالن چهارسو ، از جایی که فقط بتوانند صحنه را ببینند ، روی صندلی پلاستیکی نشستند و نمایش را دیدند .

- پرستو گلستانی ، السا فیروز آذر و عبدالحسین مختاباد ، خواننده و از اعضای شورای اسلامی شهر تهران نیز نمایش “ دکتر استوکمان (دشمن مردم) ” را تماشا کردند .

- استقبال از این نمایش در هر دو سانس خیلی خوب بود و عده ی زیادی روی پله ها و روی زمین نشستند ، اما عده ی قابل توجهی هم در حین اجرا سالن را ترک کردند و رفتند .

- علی پویان در پایان نمایش گفت : قهرمانان واقعی آتش نشانانی بودند که به معنای واقعی پهلوان بودند . دیدید که امروز مردم عزیزمان با داغ ، درد و اشک چطور از آنها تقدیر کردند . این اجرا را به آنها تقدیم می کنم .



- او همچنین اجرای نمایش خود را به مرحوم رکن الدین خسروی تقدیم کرد و افزود: اجرای نمایش خود را به استاد عزیزم که همچون حمید سمندریان به ما درس اخلاق آموخت، تقدیم می کنم.

- نمایش "رویا-۱" به کارگردانی روبرتو وایت از کشور اسپانیا - آرژانتین هم جزو انتخاب های منیژه محامدی، اتابک نادری، پرستو گلستانی، اصغر همت، بهزاد فراهانی و مریم معترف برای دیدن بود.



- این نمایش هم با استقبال زیادی رو به رو شد و با ۱۰ دقیقه تاخیر در تالار قشقایی به روی صحنه رفت.

- حین اجرای این نمایش اتفاق با مزه ای افتاد که باعث خنده ی تماشاگران شد. بازیگر نمایش حین اجرا به شکل جالبی، نوع خندیدن یکی از تماشاگران را که حین نمایش می خندید را تقلید کرد و از خنده ی او، همه خندیدند.

- در آخر هم این بازیگر از تماشاگران تشکر کرد که نمایش آنها را دیدند و بعد از اجرا با عده ی زیادی که دوست داشتند با او سلفی بگیرند، با رویی گشاده و خندان عکس گرفت.

- نمایش "اتوبوس در دست تعمیر است" به کارگردانی جعفر دل دل با بازیگران نابینا اجرا شد.

- نکته جالب این نمایش این بود که پیش از اجرا کارگردان به میان تماشاگران حاضر در لابی می آید و از تعدادی از آنها می خواهد برای کمک به بازیگران نابینا وارد سالن شوند. اما در ادامه به آنها توضیح می دهد که قرار است بخشی از نمایش باشند و روی صندلی های دکور بنشینند و تصور کنند که مسافران یک اتوبوس هستند. این تماشاگران کل نمایش را از روی همان صندلی ها نگاه کردند.

- این نمایش که از شهر یزد اجرا می شد یک میهمان شناخته شده برای یزدی ها هم داشت. سروش جمشیدی که پیش از همکاری در مجموعه دورهمی به عنوان یکی از هنرمندان فعال و شناخته شده در یزد فعالیت می کرد برای دیدن این نمایش به تالار سایه آمده بود.

- یک توضیح تکمیلی: در حاشیه های روز نهم جشنواره تئاتر فجر (لینک) نوشتیم هدایت هاشمی، پیش از اجرای نمایش "افسانه ببر" به جمع تماشاگران می آید و از تماشاگران تهرانی می خواهد که اولویت را به تماشاگران شهرستانی بدهد تا این نمایش را ببینند. اما روابط عمومی این نمایش، روز گذشته به خبرنگار تئاتر فستیوال گفت که قرار است رپرتواری از این نمایش در شهرستان اجرا شود و آقای هاشمی گفته تهرانی ها این نمایش را ببینند و شهرستانی ها نبینند! از همین جا حاشیه ی قبلی خود را اصلاح می کنیم:

"شهرستانی ها تئاتر نبینند تا فرصت به تهرانی ها داده شود!"

جالب تر شد؟! این طور نیست؟!؟

گزارش تقدیر از آثار اجرا شده در تماشاخانه مشایخی :

تماشاخانه مشایخی شبی خاطره انگیز را در "به علاوه فجر" رقم زد .

تماشاخانه مشایخی با برگزاری کارگاه‌های تخصصی تئاتر و اجرای نمایش هایی با حضور جانبازان اعصاب و روان و معلولان جسمی و حرکتی ، در بخش " به علاوه فجر " سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر حضور داشته است . به همین مناسبت ۱۱ بهمن ماه ، مراسم تقدیر از آثار اجرا شده در این تماشاخانه برگزار شد . که گزارشی از آن را می توانید در ادامه بخوانید :



به گزارش خبرنگار **تئاتر فستیوال** ، در این مراسم که با حضور جانبازان اعصاب و روان و معلولان جسمی و حرکتی و خانواده های این افراد برگزار شد ، دو میهمان ویژه هم داشت . رحمت امینی و محمد کاسبی از چهر های حاضر در این مراسم بودند .

مجری این مراسم مهران قندهاری بود . پس از قرائت قرآن و سرود جمهوری اسلامی ، حسین رحیمی ، دبیر اجرایی این بخش جانبی در تماشاخانه ی استاد مشایخی با قرائت بیانیه ، خلاصه ای از فعالیت های این بخش جنبی ارائه داد .

حسین رحیمی گفت : " و باز هم تئاتر ، این جریان سراپا اجتماعی و در بطن مردمی که چشم بینای جامعه است و زشتی ها و پلشتی را مطرود و نیکی ها و درستی ها را سرزنش میکند. هنرمند تئاتر مانند ولادیمیر و استراگون منتظر هیچ گودوئی نخواهد ماند چرا که صحنه تمام امید او برای ادامه حیات است . حال که در اختتامیه جشنواره قرار داریم بر خود میبایم که به عنوان طراحان و مسئولین برگزاری این بخش ویژه در جشنواره تئاتر فجر ، حرکتی شکل گرفت که به موجب آن معلولین هنرمند صحنه رفتن را تجربه نمودند ."

وی در ادامه درباره عملکرد تماشاخانه استاد مشایخی اضافه کرد : " این تماشاخانه در ایام جشنواره فجر میزبان ۴ اثر نمایشی و ۷ کارگاه تئاتر درمانی و تئاتر کاربردی بود. تماشاخانه مشایخی تا مدت ها متاثر از طنازی تمامی بازیگران این نمایش ها خواهد بود که در این مدت تار نقش آفرینی را با پود عشق در هم بافتند.

تماشاخانه تا ابد به یاد خواهد آورد حضور پهلوانان و قهرمانهایی که دیروز جانانه و از جان گذشته از کیان مملکت مان دفاع کردند و اکنون غم غربت خود را در صحنه تئاتر فریاد زدند. "

رحیمی به شیوه ای هنرمندانه در خصوص نقش های بازیگران نمایش های مختلف اجرا شده در این تماشاخانه اذعان داشت : “ تا ابد به یاد خواهیم آورد احساس مسئولیت علیرضا رحمتی، خنده های شیرین حاج سغید آزمون نیا ، سعی و تلاش زهرا ستاری در ارائه بازی بی نقص ، دلبری کردن آیدا و محمد حسین و کیارش عزیز ، انرژی زاید الوصف گروه بازیگران کرمان را . در این چند روز بی تاب شدیم همچون بی قراری محمد علی نوری که تصویر او تا ابد در ذهنمان ساری و جاری خواهد ماند . اشک خون ریختیم با ضجه های زنی که نماد مقاومت و عشق زنان دارای همسر جانباز. به خود لرزیدیم با صدای لرزان دختری که پدر را فریاد میزد . رد عرق از پیشانی او میزدود و او را مظهر عشق خود میخواند/خندیدیم با شیطنت های شیرین مهران و یحیی عزیز ، با خاطرات زیبای علیرضا رحمتی ، شگفت زده شدیم از نواختن ویولن حلیمه این دختر صبور و چندین مورد دیگر مانند اینها . ”



وی در پایان با تشکر از همه ی حامیان اجرای این بخش در تماشاخانه مشایخی اظهار داشت : “ خانمها ، آقایان و حضار گرانقدر ستاد برگزاری جشنواره از یکایک شما هنرمندان شرکت کننده ، حامیان عزیز هنر ، خانواده های فرهیخته همراه ، اساتید محترم کارگاهها ، و همه و همه تشکر و قدردانی مینماید. تشکر ویژه را از هنرمندانی داریم که بی منت در کنار بازیگران با کیسهای مختلف یاری رسان آنها بودند . محسن میرزائی ، مهرانه کمالی ، سمیه دربندسری که هر کدام با پیشینه و رزومه هنری خود بازی در کنار این عزیزان را افتخار کارنامه هنری خود میدانستند . ”



حسین رحیمی با اشاره با شور وصف ناشدنی همه ی گروه ها در این چند روز گفت : “ خدای خود راسپاس میگوئیم از این همه انرژی وصف ناپذیری که در این چند روز بود و شاید به گزاف نباشد اگر بگوئیم این شور و هیجان در فجر اصلی به چشم نمیخورد .

امید است در سالهای آتی شاهد حضور بیشتر و موفق تر گروههای تئاتری با جوامع هدف از هر نمونه ای باشیم . و مدیران هنری و وزارتی ما به نقش تئاتر در درمان بدون دارو را در جامعه به درستی درک نمایند و حمایت های آنها را در جهت رشد و شکوفائی این هنر مقدس در زمینه تئاتر کاربردی بیش از پیش مشاهده نمائیم . ”



در بخشی از این مراسم از آقایان عباس رحمانی و محمد علی نوری ، دو جانباز عزیز اعصاب و روان دعوت شد تا برای حاضرین خاطره ای از دوران هشت سال دفاع مقدس تعریف کنند .

سپس برگزیدگان بخش های مختلف معرفی شدند و هدایای خود را دریافت کردند که به شرح زیر است :

تقدیر از اساتید برای برگزاری کارگاه های تئاتر درمانی :

دکتر مجید امرایی و دکتر رحمت امینی

تقدیر از بازیگران مرد :

ابراهیم معمار زاده ، علیرضا رحمتی ، عباس رحمانی ، حسین کاکاوند ، سعید آزمون نیا و محمد علی نوری برای بازی در نمایش ”خواست کجا بود ؟“

محمد حسین شکوری راد برای بازی در نمایش ”ننه ماهی - چتر های سپید“

بازیگر برتر مرد :

مهران قندهاری برای بازی در نمایش ”پزشک نازنین“

بازیگران برتر زن :

حلیمه غلامرضایی برای بازی در نمایش ”گاوی که می خواست شیر شود“

فریما حسینی برای بازی در نمایش ”پزشک نازنین“

نمایشنامه نویسی :

ایمان حاج سلیمان برای نمایش ”گاوی که می خواست شیر شود“

کارگردانی برتر :

رسول حق شناس برای نمایش ”ننه ماهی - چتر های سپید“

اثر برتر جشنواره :

خانم دکتر ابراهیمی نماینده گروه تئاتر پاپیون برای اجرای نمایش ”پزشک نازنین“



شاهین چگینی : معلولین نشان دادند که توان جسمی و ذهنی بالایی دارند

تماشاخانه مشایخی از جمله تماشاخانه هایی بود که در بخش به علاوه فجر در سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر ، حضور فعالی داشت ؛ از برگزاری کارگاه های تئاتر درمانی گرفته تا اجرای نمایش هایی که توسط هنرمندان معلول پرتوان و بیماران اعصاب و روان به روی صحنه رفت . از دیگر کارهایی که در این تماشاخانه صورت گرفت ، برگزاری اختتامیه ای برای نمایش های اجرا شده در این تماشاخانه بود . به بهانه ی پایان اجرای آثار بخش به علاوه تئاتر فجر ، خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت و گویی با شاهین چگینی مدیر این تماشاخانه خصوصی داشت که می توانید آن را در ادامه بخوانید :



شاهین چگینی در مورد حضور در بخش به علاوه فجر و آثار اجرا شده در تماشاخانه مشایخی گفت : ما به عنوان یکی از سالن های شرکت کننده در بخش به علاوه فجر در این بخش ۴ اثر داشتیم که هر کدام از آن ها ویژگی خاصی داشتند . این آثار مربوط به معلولین جسمی □ حرکتی ، جانبازان اعصاب و روان ، سندروم داون و معلولین ذهنی بود . این ۴ اثر امسال در تماشاخانه ی ما هر کدام چند اجرا داشتند .

او ادامه داد : به نظرم امسال اتفاق ویژه ای رقم خورد و هر کدام از این گروه ها با انرژی خاص خودشان زحمت کشیده بودند و بعضاً باورش مشکل بود که این امصاحبتهفاق بتواند توسط این بازیگران بیافتد ؛ اما به بهترین نحو صورت گرفت و نشان دادند که هم توان جسمی بالایی دارند و هم از نظر ذهنی توانایی دارند . امیدوارم این اتفاق که توسط معلولین انجام شد ، دیده شود .

چگینی با بیان اینکه هیچ حمایتی از ما نشد ، گفت : اگر اندک حمایتی باشد ، دوست دارم بتوانیم این جریان را ادامه دهیم چون از نظر هزینه ای این گروه ها هزینه خاص خودشان را دارند و با اجرای معمولی متفاوت هستند . ما سراغ اجرای معمولی که هر ساله داشتیم ، نرفتیم و این گروه ها را انتخاب کردیم ، اگر این اتفاق از طرف مسئولین دیده و حمایت شود ، می توانیم سال های آینده و چه بسا در طول سال این روال را ادامه دهیم ، امیدواریم که این گونه بشود .

مدیر تماشاخانه مشایخی در مورد بازخورد و استقبال از آثار اجرا شده در این تماشاخانه گفت : خیلی خوب بود ، هر ۴ اثری که در تماشاخانه مشایخی اجرا شد و هر ۴ کارگردان آن در اختتامیه بخش نمایشنامه نویسی و پژوهش مورد تقدیر قرار گرفتند و هر کس که این تئاترها را دید، از این اتفاق راضی بود و من فکر می کنم که به ما نشان داد که می توانیم این راه را ادامه دهیم و مطمئن باشیم که مردم استقبال خواهند کرد .

گزارش تصویری اختتامیه تماشاخانه مشایخی در بخش به علاوه فجر



یادداشتی بر نمایش « بیستون می تازد » به کارگردانی امین رضایی :

بیستونی بلند قامت اما نحیف

“ بیستون می تازد ” اثری خوب اما شتاب زده است .

این نمایش به داستان زندگی خسرو پرویز ساسانی اشاره دارد .

کارگردان قصه را حول محور خسرو پرویز و فرزندش روایت می کند و همچنین گریزی به داستان خسرو و شیرین می زند و شخصیت های خیالی اش را یک به یک در کنار هم قرار می دهد ، تا مخاطب شاهد قصه ای باشد که اندکی در خواب و اندکی در رویا می گذرد .



“ بیستون می تازد ” گروه توانمندی دارد که هر یک به تنهایی از پس نقش خود برآمده

اند ، ولی متأسفانه نتوانسته اند منسجم و هماهنگ با هم پیش بروند و نمایشی قابل توجه را در کنار هم اجرا کنند . در حالی که از بازیگر کودک این نمایش تا بازیگر با تجربه آن هر یک به خودی و خود بازی خوبی را از خود ارائه می دهند ؛ اما از کنار هم قرار گرفتن این تیم نتیجه موفق حاصل نمی شود . در صحنه هایی که بازی خوبی از بازیگران نمایش می بینیم ، باز هم به دلیل عدم پرداخت صحنه ای ، نمی تواند مخاطب را به خود جذب کند . نویسنده و کارگردان این نمایش با در نظر گرفتن جذابیت های داستانی ، دست بر سوژه ای تاریخی گذاشته است اما به دلیل تسلط نداشتن بر سوژه ما در این نمایش با گونه ای سردرگمی و ضعف در پرداخت موضوع مواجه می شویم . “ بیستون می تازد ” طراحی صحنه سنگین و هماهنگ با سوژه انتخابی نمایش دارد ، طراحی صحنه این نمایش به صورت طبقه ای صورت گرفته و این اتفاق کار را هم برای طراحی میزانشن کارگردان و هم برای بازی بازیگران سخت کرده است . اساساً ایجاد چنین دکوری در مواقعی علاوه بر غیرکارآمد بودن ، بازیگر را محدود می کرد ، به طوری که تمام تمرکزش بر سر میزانشن ها و جای گیری در آن لحظه معطوف می شد .

گریم بازیگران نمایش فکر شده صورت گرفته و به نوعی اگرچره است . کارگردان با این طراحی توانسته است زمان نمایش را معین کند .

اما چرا شتاب زده ؟ شتاب زده از این جهت که کارگردان با انتخاب چنین سوژه ای و با توجه به جذابیت های این داستان ، باید می توانست مخاطبش را مسحور خود می کرد ، ولی این اتفاق نمی افتد . از دیگر اجزاء مهم و پر رنگ این اثر می توان به موسیقی آن اشاره کرد . که کمک بسزایی در پیشبرد قصه و ایجاد ریتم در نمایش می کند . موسیقی منطبق است بر سوژه ، ریتم قصه و ضرب آهنگ بصری نمایش و این در لذت بردن تماشاچی از نمایش تاثیر کمی ندارد .

“بیستون می تازد” در آغازی خوب دارد ، اما به مرور هم از جذابیت قصه کاسته می شود و هم ریتم آن ، کند و یکنواخت می شود . زیرا کارگردان نتوانسته از لحاظ محتوایی بسیاری از مسائل مهم تاریخی را پوشش دهد و جذابیت قصه و اجرا را به رخ مخاطب بکشد به همین خاطر ویژگی های مثبت این نمایش نیز کمکی به روند قصه نمی کند و نمایش “بیستون می تازد” در اجرای جشنواره ای خود ، نمایشی متوسط باقی ماند .

نسترن داوودی – دپارتمان نقد تئاتر فستیوال



یادداشتی بر نمایش « گاهی » به کارگردانی محمدرضا درند و سعید زندی :

دوراهی سینما و تئاتر

« گاهی » یک فیلمنامه است . فیلم نامه ای که قرار بوده ، فیلمبرداری توسط یکی از بازیگران فیلم و به روش دوربین روی دست و یا به گونه ی سلفی صورت بگیرد و بر همین اساس هم نوشته شده است . حال این فیلمنامه تبدیل به نمایشنامه شده است و یا بهتر بگویم فیلم نامه ای به روی صحنه رفته است .

در این اجرا ، زاویه ی دوربینی که در دست بازیگر است و اتفاقاتی که قرار است از دید دوربین بیفتد اهمیت پیدا می کند . اما ما در نمایش این موقعیت را نداریم ، بلکه یک بازیگر داریم که در تمام طول اجرا یک دوربین به دست گرفته و از ماقوع فیلم می گیرد . حتی

وقتی در اوج دعوا و بروز مشکلات پرسوناژ دیگری معترض می شود که : « دوربین را خاموش کن ! » چون ما از زاویه دوربین نمی بینیم ، روشن بودن دوربین بی معنا می شود و یا اصلاً در مواقعی فیلمبرداری فراموش می شود . حال آنکه در « گاهی » زاویه دیده دوربین که قرار است « برای آیندگان ثبت کند » از اهمیت بالایی برخوردار است . اما اگر از این امر بگذریم و با نمایش « گاهی » مواجه باشیم ، حضور سه زوج در یک مکان و شروع شاد و سرخوشانه نمایش و رسیدن به فاجعه در روابط بین این زوج ها هرچه به پایان شب نزدیکتر می شویم ، خوب از کار درآمده است .

تماشاگر همچنان که درگیر روابط شاد و صمیمی این جمع هست ، با معضل و مشکل اول رو به رو می شود و در حالی که هنوز مشکل اول ته نشین نشده است ، سیل و رگبار مشکلات و معضلات بعدی و پنهان کاری ها در روابط نمود پیدا می کند . این اتفاقات تا حدی ریتم را از دست مخاطب خارج می کند . در واقع کل اثر نیازمند کمی طمانینه و آرامش است .

در طراحی صحنه نمایش نیز شاهد یک طراحی ساده هستیم و هیچ المان تئاتری نمی بینیم که فضا را به نمایش نزدیک کند . ما در ساده ترین حالت ممکن فضای یک خانه را می بینیم که تلاش شده است واقعی جلوه کند . طراحی نور نیز ساده رئال و بدون خلاقیت صورت گرفته است .

« گاهی » مخاطب را درگیر می کند ، با خود همراه می کند و در نهایت او را راضی از سالن خارج می کند ، اما از آنجایی که متن در دوراهی بین سینما و تئاتر قرار گرفته است ، نمی تواند تاثیر بسزایی بگذارد و به یک نمایش ماندگار تبدیل شود .

فراد ابراهیمی والا – دپارتمان نقد تئاتر فستیوال



یادداشتی بر نمایش «چریکه ی چای هالوز» به کارگردانی بختیار پنجه ای آوای پریشانی از گذشته های دور

مطلب زیر از سری نوشته های شما مخاطبین عزیز است و انتشار آن الزامی مبنی بر تایید تئاتر فستیوال نمی باشد. همچنین خوانندگان می توانند هر گونه یادداشتی در تائید یا تکذیب این مطلب را به تئاتر فستیوال ارسال نمایند تا در بخش "یادداشت های شما" انتشار داده شود.



شهناز عربی - نمایش "آوای کوهساران پریشان" به کارگردانی بختیار پنجه ای نمایشی تاثیرگذار و ماندنی است. این نمایش براساس روایتی قدیمی که در بین عوام دهان به دهان گشته و از گذشته تا به امروز باقی مانده، شکل گرفته است.

مخاطب از همان ابتدای ورود به سالن چشمش به داخل خانه ای زیبا و دلنشین میافتد که طراحی دکوری ساده و متفاوت دارد و قصه ی نمایش در این فضا برای مخاطب روایت می شود. قصه ی خانواده ای که سه پسر به نام های ملکوان، نچيروان، سیدوان دارد و نام پدر خانواده عبدالعزیز خان است. نمایش در واقع به پدرسالاری اشاره دارد و اینکه در نهایت چگونه سلطه ی پدر خانواده می تواند به یک فاجعه ی دردناک بیانجامد. احمد نقده (بازیگر نقش عبدالعزیز خان) که او را در نقش مردی قدرتمند و مغرور می بینیم، به خوبی توانسته است از عهده ی این نقش برآید و این شخصیت را برای مخاطب باورپذیر کند.

نمایش به طور کامل به زبان کردی اجرا می شود و با توجه به اینکه داستان نمایش برگرفته شده از یکی از داستان های قدیمی ماندگار در کردستان می باشد، باعث شده نمایش اصالت خود را حفظ کند و در خلال داستان نیز مخاطب را با برخی از رسوم کوردها، نحوه ی لباس عروس، پوشش مردها در روز عروسی و شادی های آن منطقه و موسیقی مربوط به روز عروسی آشنا می کند.

موسیقی مرتبط با موضوع و مضمون نمایش است و در هر لحظه باعث می شود تماشاگر به هیجان بیاید و از آن لذت ببرد.

در ابتدای نمایش متوجه می شویم که تنها مادر خانواده فرشته ای را می بیند که هیچ کس دیگری او را نمی بیند و در نهایت در انتهای داستان عروس نیز به مانند مادر شوهر خود دیوانه می شود و فرشته ای را که همیشه او می دید، می بیند.

گزارش تصویری نمایش خیابانی "کوری" (۱)



نقدی بر نمایش «خوشبختی های کوچک سوسک شدن» به کارگردانی آزاده انصاری : بدبختی های بزرگ آدم شدن !

«تئاتر ماسک» از نخستین و بدوی ترین اشکال تئاتر است. در این نوع از تئاتر، نمایش با اتکاء بر تأثیرات بصری نقاب هایی که بازیگران بر چهره زده اند، اجرا می شود. ماسک ها جایگزین چهره ها شده و حس کنجکاوی تماشاگران را در همان نخستین لحظات مواجهه بر می انگیزند.

«تئاتر ماسک» در ایران کمیاب و بسیار مهجور است. «خوشبختی های کوچک سوسک شدن» نمونه نسبتاً موفق و قابل دفاعی از «تئاتر ماسک» در سال های اخیر است. منبع اقتباس نویسندگان این نمایش، داستان معروف «مسخ» نوشته فرانتس کافکا است. «مسخ» حکایت تلخ

و غمبار مردی است به نام گرگ گوار سامسا که یک روز صبح وقتی از خواب برمی خیزد، متوجه می شود که تبدیل به سوسک شده است !! نادر برهانی مرند و فرهاد امینی در «خوشبختی های کوچک سوسک شدن» تلاش کرده اند تا ضمن حفظ چارچوب اثر اصلی، قرائت جدیدی از آن ارائه دهند.

نام نمایش حاکی از این نکته است که نویسندگان قصد داشته اند، نشان دهند آدمی که به سوسک تبدیل می شود، برخلاف ضدقهرمان داستان کافکا، می تواند لحظات خوشی را تجربه کند، این ایده بسیار بکر و جالب توجهی است اما محتوای نمایشنامه با این پیش فرض در تناقض است. ضدقهرمان نمایش همچون ضدقهرمان داستان رنج زیادی را متحمل شده و در دریای بدبختی غوطه ور می شود.

اجرا بر خلاف متن از طنز پنهان و بسیار ظریفی برخوردار است. اجرای نسبتاً طنزآلود متنی که مشحون از غم و غصه و بدبختی است، کار بسیار دشواری است. بخشی از طنز صحنه نشأت گرفته از ظاهر کاریکاتوری آدم ها و بخشی دیگر وابسته به حرکات ریتمیک هنرپیشه ها است.

نمایش متکی بر حرکت، صوت و ماسک است. نویسندگان تعمداً از به کار بردن منولوگ و دیالوگ زائد پرهیز کرده اند. قصه از آغاز تا انتها، بدون کلام به خوبی پیش رفته و فقط در جاهایی که واقعا راهی برای انتقال مفهوم به مخاطب وجود نداشته از منولوگ یا دیالوگ بهره گرفته شده است. ارزش کار نویسندگان در این نکته نهفته است که آن ها به جای قصه، دستور صحنه و شرح حرکات کاراکترها را نوشته و نمایش را روی کاغذ به خوبی طراحی و اجرا کرده اند. بازیگران نمایش همچون نویسندگان راه سخت و ناهمواری را پیش رو داشته اند. آن ها به فراخور نقش باید در تمام لحظات ماسک بر چهره داشته و بدون اتکاء بر میمیک و بیان، عواطف و احساسات را بروز دهند.



بخش عمده ای از توان بازیگران به اجرای حرکات که به خوبی با صوت همراهی می شود، اختصاص یافته است. طراحی صوتی جزء ارکان اصلی این نمایش است. نقش کلیدی صوت برای مخاطب از همان پرده افتتاحیه محرز می گردد و این نقش تا پایان اهمیت ساختاری خود را حفظ می کند. اصوات نه تنها بر جذابیت حرکات شخصیت های کاریکاتوری نمایش افزوده اند بلکه به فضا سازی نیز کمک کرده اند.

نور صحنه تقریباً هدفمند طراحی و تنظیم شده هر چند خلاء بهره مندی از نور موضعی تعقیب کننده در برخی لحظات و بزنگاه های نمایشی محسوس است. چشم های ورقلمبیده و نگاه سرشار از بهت و گیجی دو ویژگی مهم ماسک ها هستند که به خوبی ویژگی های شخصیت های «مسخ» و فضای مالیخولیایی داستان کافکا را بازتاب می دهند.

آزاده انصاری علاوه بر ماسک از عروسک نیز استفاده ساختاری مناسبی کرده است. کارکرد عروسک در این نمایش بسیار متنوع است. عروسک ها هم در شناساندن برخی از شخصیت ها هم به عنوان کاراکتری مجزا در بازنمایی نمایشی برخی از مفاهیم مدنظر نویسندگان و کارگردان نقش دارند. طراحی لباس جزء نقاط قوت نمایش است بالاخص دامن پف دار مادر گره گوار که مکرراً تماشاگران را به خنده می اندازد و به یک ویژگی جدایی ناپذیر از نقش تبدیل می گردد.

موسیقی هدفمندانه خلاء تعمدی کلام در بسیاری از صحنه ها را پر می کند. دکور نمایش در عین سادگی به خوبی فضای لازم برای تغییر مکان بازیگران را فراهم آورده و بخش هایی از آن در مواردی (مثلاً رادیوی نقاشی شده) حتی به عنوان آکسسوار (وسایل صحنه) مورد استفاده قرار گرفته است.

«خوشبختی های کوچک سوسک شدن» حاصل یک کار تیمی بسیار منسجم است. زحماتی که عوامل این نمایش متحمل شده اند به خوبی در صحنه متجلی شده است. آزاده انصاری موفق شده یکی از بهترین اجراهای تئاتر ماسک در ایران را به روی صحنه ببرد. نمایش «خوشبختی های کوچک سوسک شدن»، خوشبختی کوچک (والبته به زعم من بزرگ) و دستاورد ماندگاری برای تئاتر ایران است.

دکتر شهرام خرازی ها – دبیر تئاتر نقد فستیوال



یادداشتی بر نمایش دستاری که بر پیکر اسب پیک در راه... به کارگردانی جواد صداقت :

نمایش ، ضرب در صفر

در علم ریاضیات هر عددی در صفر ضرب شود نتیجه همان صفر است .
در نمایش “نمایش دستاری که بر پیکر اسب پیک در راه... به کارگردانی جواد صداقت :
پیک در راه در عجب راهی، دی و ... “ متاسفانه همین اتفاق افتاده است. همه شور و انگیزه و انرژی ستودنی گروه و سوژه مهمی مثل جناب حر ریاحی - که انسانی است در کمالات بی نهایت - ، با اجرای ضعیف نمایش هدر رفته و نتیجه عکس آن چیزی شده است که انتظار می رود از دیدن یک چنین نمایشی با این سوژه .



اولا قصه ای در کار نیست . آن چه که هست واگویه های یک زن است که در وضعیتی مجهول گیر کرده است و این وضعیت مجهول آنقدر بدون پرداخت تا آخر ادامه می یابد که خسته کننده است. در نمایش موجوداتی را می بینیم که آنها، به جز اکت های غالباً بی معنا هیچ چیز دیگری ندارند و اساساً در نمایش درونیات زن که مادر حر است ناکام هستند.
بلا تکلیفی و بی معنا بودن در اثر بیداد می کند ؛ حتی در اسم نمایش . صحنه و دکور ، المان هایی که معلوم نیست برای چه به کار گرفته شده اند و میزانشن هایی که به شدت حوصله را سر می برند و عدم استفاده از فضای صحنه و نور باعث شده است تا اثر از سطح کیفی خوبی برخوردار نباشد .
ریتم از همان ابتدای نمایش خراب می شود و آنقدر یک اتفاق تکرار می شود و تکرار می شود که دنبال کردن اثر را واقعا مشکل می کند.
در نمایش سعی شده تا با حرکات عجیب و غریب ، نور قرمز ، لباس و اکت های عجیب بازیگران مثل راه رفتن مادر ، فضایی مالیخولیایی یا شاید اکسپرسیونیستی ایجاد شود که در این مورد هم متاسفانه کارگردان موفق عمل نکرده است.
این را باید دانست که در نبود قصه امکان خلق نمایشی زیبا غیر ممکن است ؛ حتی اگر آن نمایش جلوه های بصری زیبایی داشته باشد . هر چند که نمایش “نمایش دستاری که بر پیکر اسب پیک در راه در عجب راهی، دی و ... “ در خلق تصویر نیز موفق عمل نکرده است .

محمد جواد حبیبی - دپارتمان نقد تئاتر فستیوال

یادداشتی بر نمایش «مجلس مچاله خوانی» از نویسندگان به کارگردانی سجاد طهماسبی :

«مجلس مچاله خوانی» یک نمایش ایرانی خوب

نمایش «مجلس مچاله خوانی» اجرای موفق یک نمایش ایرانی بر اساس متنی غیر ایرانی است، که بسیاری از المان های نمایش ایرانی را به درستی به کار گرفته است.

قصه ی این نمایش بر گرفته از کتاب «کودکی که هرگز زاده نشد» درباره زنی که حامله شده است و وضعیت و شرایط روحیات این زن را در موقعیت های مختلف به واسطه میزانشن های ساده و درست و با استفاده از شیوه های ایرانی مثل نقالی و موسیقی سنتی و ... روایت می کند و در نهایت منجر به اثری شده است که می تواند برای مخاطب جذاب و سرگرم کننده باشد.



بازیگر این نمایش (مینا مقامی زاده) به تنهایی گرداننده ی اصلی این نمایش است. یک اجرای کم نقص و خوب و مسلط بر شیوه های اجرایی متفاوت در اثر که هم در ایفای نقش خود قوی ظاهر می شود و هم به خوبی با تماشاگر ارتباط برقرار می کند. اگر چه تا حدی کم تجربگی در بازی او دیده می شد ولی این باعث آزار مخاطب نشده است.

نقطه قوت نمایش «مجلس مچاله خوانی» را می توان در میزانشن های فعال و متنوع و البته منطبق با اثر دانست. مهم ترین ویژگی این اثر که در صحنه های مختلف می تواند تضاد بین فضاهای مختلف را ایجاد کند و از پس آن باعث خنده ی مخاطب گردد، موسیقی است که با تغییر در شعر برخی از اشعار معروف و گنجاندن آن در متن و دیالوگ ها و همزمانی آن با برخی صحنه های نمایش مثل صحنه ی درخواست جنین از مادر برای زنده ماندن، باعث ایجاد موقعیت طنز می شود. اگرچه خواننده ی این نمایش صدای پخته، رسایی نداشت!

نکته ی دیگری که در رابطه با این نمایش می توان گفت، مسئله ی هماهنگی بین بازیگر، موسیقی و سایر پرسوناژهایی است که دیالوگ نداشتند و به نوعی مکمل داستان بودند. به نظر می رسد این هماهنگی به صد در صد خود نرسیده بود.

نمایش «مجلس مچاله خوانی» یک نمایش سرگرم کننده و امید بخش در جشنواره تئاتر فجر بود. از آن جهت که فرصتی فراهم آورد تا همه ی گروه های شهرستانی از دور و نزدیک در این رقابت چند روزه شرکت کنند. قطعاً می توان گفت اجرای این نمایش نیز یکی از آثار خوب اجرا شده در جشنواره امسال بود.

مرجان سادات هاشمی - دپارتمان نقد تئاتر فستیوال

مجید کاظم زاده مژده ای : احترام ستاد برگزاری جشنواره بسیار راضی کننده بود / تغییر هر ساله دیر به جشنواره آسیب می زند

نمایش "آکواریوم کانگورو" به نویسندگی و کارگردانی مجید کاظم زاده مژده ای از رشت در بخش مرور سی و پنجمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر حضور داشت. به بهانه ی اجرای این نمایش خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت وگویی با ابن کارگردان داشته است که در ادامه می توانید آن را بخوانید :



مجید کاظم زاده مژده ای در رابطه با نگارش متن "آکواریوم کانگورو" و انتخاب این سوژه گفت : "سوژه این نمایش خواب و بیداری ، جنگ و صلح و مضامین ازلی ابدی است و برای اولین بار نیست که بنده به چنین موضوعاتی پرداخته ام . این نمایشنامه مضامین ازلی ابدی را دستمایه قرار داده است ولی با این تفاوت که اینبار در این نمایش قصد داشتم ، تستی در چرخش روایت را در نمایشنامه نویسی تجربه کنم . همیشه در نمایشنامه نویسی یک کاراکتر محوری داریم که حوادث حول آن اتفاق می افتد و او محور تمام ماجرا است . در این نمایشنامه من تستی زدم از یک اثر با چهار کاراکتر محوری یعنی زاویه دید در این اثر مدام دستخوش تغییر می شود و در هر موقعیتی از نمایش ، ما زاویه دید یکی از کاراکترهای نمایش را داریم . من سعی کردم این موضوع را با نور ، رنگ و عناصر نمایشی نشان دهم ."

وی در خصوص حضور این نمایش در بخش مسابقه جشنواره یادآور شد : "اجرای عموم این نمایش را در رشت پشت سر گذاشتیم ، سپس فیلم آن را برای جشنواره فرستادیم و در بخش مرور جشنواره انتخاب شد و از این بابت بسیار خوشحال هستم . البته گروه تئاتر جهش امسال هشت عنوان نمایش را در رشت به اجرای عموم رسانیده است ، من نیز به عنوان کارگردان در سالی که گذشت ، سه اثر را به روی صحنه بردم ولی از بین آنها "آکواریوم کانگورو" را به دلیل نگاه تجربه گرایانه ی آن شایسته حضور در جشنواره دانستم ، همچنین می خواستم این نگاه را مورد آزمون و خطا قرار دهم ."

کاظم زاده مژده ای وضعیت تئاتر در شهر رشت را بسیار خوب ارزیابی کرد و در این باره گفت :
"من می توانم مدعی شوم که به لحاظ آماری ما در رشت از تهران مخاطب بیشتری داریم و همیشه

سالن های اجرای رشت پر از تماشاگر است و گیشه خوبی دارد . حتی گروه های تهرانی که برای اجرا به رشت می آیند با استقبال خوبی مواجه می شوند زیرا اساسا مردم رشت سعی می کنند اوقات مفرح سالمی را برای خود ایجاد کنند . شما میدانید که آمار بیسوادى در جمعیت رشت صفر است و قشر علاقه مند به هنر بسیار زیاد هستند . مردم تئاتر را دوست دارند و مخاطبین خوبی داریم و اجراهایمان با اقبال مواجه می شود .“

این کارگردان در رابطه با فرم اجرایی این نمایش توضیح داد : ”سبک ها و مکتب های ادبی عموما به نوعی تاریخ نگاری هستند و ما نباید فراموش کنیم که سبک ها از زاویه تاریخ نگاری نگارش می شوند . به عنوان مثال بیان می شود که سبک اکسپرسیونیسم از یک زمانی به دلیل نیاز جامعه و شرایط سیاسی و اقتصادی مورد توجه قرار می گیرد و بعد تمام می شود . به نظرم اگر امروز من نمایشنامه ای را در دست بگیرم و بگویم که من آن را به سبک اکسپرسیونیسم اجرا می کنم ، کار اشتباهی است . چون این سبک سالهاست که در دنیا به اتمام رسیده است . همیشه مکتب ها و سبک ها پاسخگوی نیاز مخاطبین آن دوره هستند و به همین دلیل من این اثر را با این سبک اجرایی پاسخگوی نیاز مخاطب این دوره دانستم ، البته در این نمایش رگه هایی از اکسپرسیونیسم و سورئالیسم را می توان دید و یا می توان گفت نوعی اکسپرسیونیسم انتزاعی در آن وجود دارد ولی در حقیقت سبک اجرایی آن هیچکدام از اینها نیست ، بلکه فقط عناصر این سبک ها را در خود دارد و نمی توان مشخصا بگوییم که این نمایش یک اثر سورئالیستی و یا انتزاعی و یا فانتزی است .“

وی با بیان اینکه امسال ششمین سال حضور او در جشنواره تئاتر فجر است گفت : ”یکی از اتفاقات خوبی که در جشنواره فجر امسال افتاد ، ثابت بودن دبیر جشنواره بود . من از مسئولین ، تقاضا می کنم که فرصت دهند که یک دبیر ثابت بتواند دوره ی پنجساله را بگذراند و به او اجازه دهند که برنامه اش را تست کند . جشنواره کمی از این بُعد ، که هر سال یک دبیر جدید می آید ، دچار آسیب است . به نظر من این دو سال اخیر احترام ستاد برگزاری جشنواره خیلی راضی کننده بود . برای گروه من بهترین شرایط را ایجاد کردند و هر آنچه را که درخواست کردم چه از لحاظ سالن اجرا و چه زمان اجرای نمایش برای من فراهم کردند و با روی گشاده و برخورد بسیار خوب با من و گروهم رفتار کردند . این اتفاق باعث می شود که ما کمبود مالی را در نظر نگیریم . این دو دوره برای من به لحاظ نظم و نوع برخورد بسیار خوب بود و نمره بالایی به این دو دوره می دهم .“



هیام احمدی : از مسئولین آبادان توقع حمایت از گروه های تئاتری را دارم

نمایش خیابانی "دی زنگرو" نوشته هیام احمدی و کارگردانی هیام احمدی و فرامرز غلامیان در بخش نمایش های محیطی سی و پنجمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر حضور داشت . به بهانه اجرای این نمایش خبرنگار **تئاتر فستیوال** طی گفت و گویی با هیام احمدی چگونگی شکل گیری "دی زنگرو" و حضور آن در جشنواره تئاتر فجر را جویا شد که در ادامه می توانید آن را بخوانید :



هیام احمدی کارگردان نمایش "دی زنگرو" در رابطه با حضور این نمایش در جشنواره تئاتر فجر گفت : "نمایش آیینی سنتی "دی زنگرو" کاری از شهر آبادان ، استان خوزستان ، اثر منتخب جشنواره بین المللی خیابانی مریوان است و این گونه به جشنواره فجر راه پیدا کرده است ."

احمدی در خصوص شکل گیری این نمایش گفت : "دی زنگرو"، نوشته مشترک بنده و آقای فرامرز غلامیان است و براساس تلفیق سه آیین و یک افسانه شکل گرفته است ، مردم جنوب عقیده دارند ، "دی زنگرو" یک افسانه است ، این افسانه حکایت یک خرچنگ سیاه است که ماه را می خورد و پدیده ماه گرفتگی اتفاق می افتد . ما در این نمایش به مراسم حنابندان و لنج سازی می پردازیم در حقیقت در این نمایش من سه آیین را با افسانه "دی زنگرو" تلفیق کرده ام . عروسک هایی که کار حضور دارند ساخته من و آقای غلامیان است ."

وی با بیان این که "دی زنگرو" در جشنواره خیابانی مریوان جوایزی را کسب کرده است ، گفت : "من در دوره های پیشین این جشنواره به عنوان بازیگر حضور داشتم ولی امسال برای اولین بار است که به عنوان کارگردان در این جشنواره شرکت کرده ام ."

این کارگردان نمایش خیابانی با اشاره به تئاتر آبادان گفت : "متأسفانه مسئولین اصلاً به تئاتر اهمیت نمی دهند ، در حالی که ما در خوزستان منطقه آزاد اروند را داریم و قاعدتاً باید از آن حمایت کنند ،

به خصوص این که در حال حاضر ادارات و ارگان های ارشاد به منطقه آزاد واگذار شده است ، ولی متاسفانه ما برای آمدن به جشنواره تلاش زیادی کردیم و در نهایت نتوانستیم که هزینه گروه پانزده نفره را مهیا کنیم . زیرا کار من فقط و صرفا تئاتر است ، اگر وضع مالی خوبی هم داشته باشیم از مسئولین شهرم توقع دارم برای فرهنگسازی تئاتر ، از گروه های تئاتری حمایت کنند . ولی متاسفانه نه تنها این اتفاق نمی افتد بلکه به ما نیز می گویند که به جشنواره نروید .“

هیام احمدی با بیان اینکه لذت جشنواره ، به دیدن آثار است ، اذعان کرد : “ در جشنواره امکان اینکه کارگردان بتواند نمایش هایی را که اجرا می شود ، ببیند خیلی کم است در حالی که نیاز است ما به دیدن نمایش ها بنشینیم و اجرایمان را نسبت به آثار ارائه شده بسنجیم و دریابیم که تئاتر کشورمان در چه سطحی است و چه کسانی به این جشنواره می آیند و چه کارهایی انجام می دهند . ولی متاسفانه جشنواره امکان اسکان به کارگردانانی که در روزهای آخر جشنواره اجرا دارند را فراهم نکرده است . در حالی که باید حداقل به دو نفر از گروه ها امکان اسکان می دادند . البته من یک هفته زودتر آمدم و در خانه دوستان و نزدیکان ساکن شدم و تعدادی از کارها را دیدم ، ولی از ستاد برگزاری جشنواره تقاضا دارم که امکان اسکان را برای دو نفر از گروه هایی را که در روزهای آخر اجرا می روند ، فراهم کنند .



دیوید دوشویلی : تئاتر پیامی از آزادی و دموکراسی برای مردم است .

نمایش “ در اعماق ” نوشته ماکسیم گورکی و به کارگردانی دیوید دوشویلی از کشور گرجستان یکی دیگر از نمایش هایی است که در بخش بین الملل سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر در تالار وحدت به روی صحنه رفت . به همین بهانه خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت و گویی با کارگردان این اثر داشته است که می توانید آن را در ادامه بخوانید .



دیوید دوشویلی در توضیح نمایش “ در اعماق ” گفت : این نمایش براساس نوشته ماکسیم گورکی ، نمایشنامه نویس شهیر روس است که ما ورژن اصلی نمایشنامه را اجرا کرده ایم . این نمایش درباره انسان هایی است که زیر خط زندگی به سر می برند و تا امروز نسخه های متفاوتی از این نمایشنامه اجرا شده است .

او در ادامه در مورد کمپانی تئاتر خود توضیح داد : کمپانی ما ، کمپانی تئاتر گرجستان است و در سراسر جهان سفر می کنیم . نمایش هایی که اجرا می کنیم قطعا فقط از نمایشنامه نویسان گرجستانی نیست و از نمایشنامه های خارجی نیز استفاده می کنیم ، همچنین ما نویسندگان خودمان را داریم و کمپانی ما فقط در گرجستان مشهور نیست ؛ بلکه در اروپا شناخته شده است .

دوشویلی همچنین در مورد نمایش هایی که در گرجستان به روی صحنه می روند به خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت : سبک های متفاوتی از تئاتر در گرجستان اجرا می شود ، گاهی نمایش های کلاسیک ، بعضی وقتها پرفورمنس ، گاهی باله و گاهی نمایش های موزیکال اجرا می شود ، در واقع به این بستگی دارد که تماشاچی چه چیزی بخواهد . ما در آزادی و دموکراسی مطلق به سر می بریم و می توانیم انتخاب کنیم که چه نمایشی را اجرا کنیم . جدای از اینکه کارگردان ها یا تهیه کننده ها چه می خواهند ، تئاتر معنایی دارد که پیامی از آزادی و دموکراسی برای مردم است . او اضافه کرد : همه ی نمایش های من درباره این است که چه پیامی می خواهیم به انسان ها بدهیم و در این نمایش هم این پیام وجود دارد که همه چیز همان گونه نیست که تو فکر می کنی ، آدم های این نمایش می خواهند بگویند که چیزهای بسیاری در مورد تفکر و ذهن آدم ها وجود دارد . در واقع تئاتر راه خوبی برای انتقال پیام از طریق درام است .

این کارگردان تئاتر با بیان اینکه در گرجستان مردم تئاتر خوب را دوست دارند ، در مورد استقبال از تئاتر در گرجستان گفت : استقبال از هر نمایش در گرجستان به فرم اجرایی آن ، اینکه مثلا موزیکال ، درام یا کمدی باشد ؛ بستگی ندارد بلکه باید آن تئاتر کیفیت خوبی داشته باشد .

کارگردان نمایش “ در اعماق ” در پایان گفت : من اولین بار است که به ایران می آیم و به نظرم شما مردم فوق العاده ای دارید و سپاسگذارم که برای دیدن این نمایش آمدند و باز خورد و واکنش ها در دو روزی که نمایش اجرا شد ، شگفت انگیز و بسیار خوب بود .

یادداشتی بر « بادکنک » از کشور هلند به کارگردانی بوکیه شووگمن :

“بادکنک” موجودی عجیب در تئاتر

“بادکنک” اثری متفاوت در هنر نمایش است .
اثری که مخاطب خود را غافلگیر می کند . زیرا
پس از ورود به سالن تازه او متوجه فرم و سبک
متفاوت این اثر می شود .

با توجه به گستردگی هنر نمایش ، بادکنک اثری
است که ادعایی در داشتن قصه و ایده داستانی
ندارد ، تنها رکن اصلی که بر آن تاکید می کند
سرگرمی و درگیر کردن احساس مخاطب است .
طراحی صحنه این اجرا از فضایی کاملاً سفید
تشکیل شده است ، در انتهای این فضا کپه ای
از پارچه های سفید قرار دارد که به آرامی هر از
چند گاهی تکانی به آنها وارد می شود . مخاطب
غرق تماشای آن پارچه ها می شود و اجرا با



ریتمی بسیار کند و کسل کننده آغاز می شود ؛ به آرامی پارچه ها جان می گیرند و به حرکت در می آیند ،
هر چه می گذرد بزرگ و بزرگ تر می شوند و مخاطب منتظر می ماند تا ببیند چه اتفاقی قرار است برای آن بیافتد
، با گذر زمان متوجه می شود که شاهد هیچ اتفاقی نخواهد بود تنها حس او درگیر اجرا می شود ، همین .

“بادکنک” همانند تجربه قرار گیری در فضایی متفاوت برای دریافت احساسی متفاوت تر است .

گویا به سفری کوتاه و جستجوگرانه رفته اید و در این سفر حواس شنیداری ، لامسه و دیداری شما درگیر اجرا می شود
، موسیقی ، صدا و نور بسیار تاثیرگذار است .

زیرا به وسیله موسیقی و نور بسیاری از صحنه های اجرا معنا پیدا می کند .

“بادکنک” را می توان تجربه دیدن یک موجود عجیب در فضایی ماورایی دانست که تنها دغدغه اش درگیر کردن
احساس مخاطب و ارتباط دو سویه با او است .

این موجود عجیب گاهی حس ترس به مخاطب خود القا می کند و گاهی حس امنیت و گاهی تلاطم .

اما آنچه مهم است اینکه “بادکنک” نه پیامی دارد و نه قصه ای . تنها یک تکنیک اجراست که از شیوه
های کلامی استفاده نکرده ، در حالی که به انسان متکی است و با استفاده از بدن بازیگر و مهارت او در
به حرکت در آوردن این موجود عظیم الجثه شکل گرفته و به اثری هنری تبدیل شده است .

حضور مخاطب در این اجرا بسیار تاثیرگذار است و اگر ارتباط دو سویه اجراگر با مخاطب شکل نگیرد، اساسا اجرا به پیش نخواهد رفت.

این اجرا برای مخاطب کودک خود نیز همانند سقوط یک موجود فضایی عجیب می ماند. زیرا عروسکی بزرگ مدام به سمت او می آید و هر لحظه ممکن است او را با خود به فضا ببرد.

به همین خاطر می توان گفت "بادکنک" اجرایی متفاوت اما متوسط از یک گروه هلندی در جشنواره تئاتر فجر است که با درگیر کردن احساس مخاطب در هر سنی او را تا آخر به امید اینکه اتفاق جدیدی فضای اجرا را عوض کند، همراه خود می کند و در نهایت او را در بدون هیچ اتفاقی رها می کند و اجرای به پایان می رسد.

آرزو شفق – دیار تمان نقد تئاتر فستیوال



یادداشتی بر نمایش «نگاهمان می کنند» به کارگردانی محمدرضا اصلی :

مخاطب ؛ پرسوناژ اصلی «نگاهمان می کنند»

آنچه سبب شده «نگاهمان می کنند» به نمایشی خوب و محکم تبدیل شود ، نمایشنامه ای غنی با شخصیت پردازی های بی نقص و قصه ای روان است .



نمایشنامه این نمایش نوشته نغمه فینی است کسی که همیشه در پرداخت قصه اش هیچ کم و کاستی باقی نمی گذارد ، ادای کسی را در نمی آورد و با زمانه اش هم چندان بیگانه نیست بلکه سوژه ای از درون اجتماع را انتخاب می کند و آن را پردازش می کند . «نگاهمان می کنند» از نقطه ای آغاز می شود ، خط روایی درستی را طی می کند و کاملاً اصولی

به پایان می رسد و می توان گفت با کمترین ایرادی مراحل خلق قصه را سپری می کند . آنچه این روزها در تئاتر ما بسیار تاثیر گذار و متأسفانه همیشه نایاب است ، استفاده از نمایشنامه ای اصولی است . نمایشنامه ای که تلکیف خود را از ابتدای خلق شخصیت هایش بداند ، نمایشنامه ای موفق است و قطعاً می تواند پس از شخصیت پردازی پرسوناژها مخاطب را با خود همراه کند و قصه را برایش روایت کند . در تئاتر امروز ، کمتر شاهد چنین اتفاقی هستیم اکثر نمایشنامه ها بی هویت هستند و مخاطب را به ناگاه وارد خلاء ای غیرقابل توصیف می کنند و به همین خاطر اغلب با شکست مواجه می شود .

اما «نگاهمان می کنند» نمایشنامه ای خوب دارد ، بلکه این نمایشنامه توانسته ، ضعف های جزئی کارگردانی را نیز پوشش دهد و مخاطب را چنان حول محور داستان بچرخاند و او را با فضای قصه آشنا کند که جای هیچ اما و اگر باقی نگذارد .

این نمایش مضمونی اجتماعی دارد و به معضلات اجتماعی ، واکاوی زندگی خصوصی افراد در زندگی معاصر اشاره می کند ، از سه اپیزود تشکیل شده و سه اپیزود آن با نخ ارتباطی منطقی به یکدیگر وصل شده اند و هر اپیزود در یکی از سه واحد یک آپارتمان روایت می شود .

تمام اتفاقات این نمایش کاملاً واقعی در پیش چشم مخاطب روی می دهد و به نوعی می توان مخاطب را به عنوان یکی از پرسوناژهای پنهان نمایش در نظر گرفت که سوژه نمایش به زندگی روزمره او اشاره دارد و اتفاقاتی را به نمایش در می آورد که برای مخاطب ملموس است .

فجر
الاسلامی
فیلم
سی و شش
سوار

این نمایش در عین سادگی تمامی اصول را رعایت کرده و با استفاده از طراحی صحنه ای کارآمد ، قصه را پیش می برد . فرم نمایش و خط روایی داستان نیز کلیشه ای نیست ، بلکه بر واقعیتی دست گذاشته که در جامعه ما وجود دارد .

اپیزود سوم را می توان نقطه اوج “ نگاهمان می کنند ” بیان کرد . اپیزودی که تمام اتفاقات را به یک نقطه می رساند و قصه را در آخرین لحظه برای مخاطب بازگو می کند . تا آن لحظه مخاطب را به دنبال خود کشانده و هر لحظه از نمایش آنچه که می باید را به او منتقل کرده است حال نوبت به نتیجه گیری داستان رسیده است و کارگردان کاملاً ذکاوت مندانه پیش رفته است .

میزانس های خوب ، دیالوگ های بی مانند ، استفاده به جا از نور و موسیقی و همچنین استفاده از تمام فضای صحنه نمایش همگی در کنار هم سبب شده “ نگاهمان می کنند ” به اثری دیدنی و تاثیرگذار تبدیل شود و مخاطب را تا آخرین دقایق بر روی صندلی خود برای کشف قصه میخکوب می کند .

آرزو شفق – دیار تمان نقد تئاتر فستیوال



مصطفی حمیدی فر : امکان اسکان گروه های شهرستانی باید دو روز قبل از اجرایشان باشد

نمایش "افراسیاب" نوشته مشترک حامد امان‌پور و سحر رضوانی به کارگردانی مصطفی حمیدی‌فر از شهر سبزوار از جمله آثاری است که در سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر در تماشخانه سنگلج اجرا شد. به بهانه اجرای این نمایش خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت و گویی در رابطه با اجرای این نمایش و سوژه پرداختی "افراسیاب" با مصطفی حمیدی فر کارگردان این نمایش داشته است که در ادامه می توانید آن را بخوانید :



مصطفی حمیدی فر کارگردان نمایش "افراسیاب" در ابتدا به معرفی این نمایش پرداخت و گفت : "این نمایش در پی تحقیقاتی که در خصوص آرش کمانگیر داشتیم ، شکل گرفت ، از سال گذشته پیش تولید آن آغاز شد و حدود یک سال است که گروه اجرایی در حال تمرین هستند . در تمرینات متن آرش کمانگیر به اسطوره باران رسیدیم ، این نمایش جنگ بین ستاره باران و دیو خشکسالی است که در کنار دریاچه ای اتفاق می افتد و نشان از خیر و شر دارد و پیروز شدن ستاره باران بر دیو خشکسالی نتیجه اش رعد و برق و در نهایت باران می شود. دیو خشکسالی کارکرد افسانه ای خود را دارد ، مانع از زایش ، بارندگی و باروری است . در شاهنامه ، افراسیاب در دوره های متعدد به ایران حمله می کند و هر زمان که به ایران حمله می کند کاهریزها را خراب می کند . پرداختن به این موضوعات برای من جذاب بود به حامد امان پور این ایده را در میان گذاشتم و به او گفتم امروز که بحران آب خیلی مطرح است و با توجه به اینکه این موضوع مربوط به اسطوره ی ما است خیلی می توان این دو را بهم پیوند زد و از آن درامی بوجود آورد ایشان قبول کردند و این متن را نوشتند ."

حمیدی فر با بیان اینکه این نمایش طراحی صحنه ای کاربردی دارد گفت : " طراحی صحنه این نمایش از سازه های لوله ای ساده تشکیل شده است که سه راه و شیر فلکه را ایجاد می کند . در حقیقت داستان افراسیاب در زیر زمین قصری به نام هنگ ساخته و ما این قصر را به صورت مدرن طراحی کردیم و در آن لوله ها نور کار گذاشتیم . فضای نمایش در هر صحنه عوض می شود . افراسیاب قصری را در زیر زمین برای خود ایجاد کرده و تمام آب ها در آنجا جمع می شود . او سرمنشا زندگی و زایش را در آنجا برای خود حبس کرده است ."

وی با بیان اینکه امسال دومین دوره ای است که او در جشنواره تئاتر فجر حضور دارد ، توضیح داد : ”من در سال ۹۰ با نمایش ”اژدها“ بهرام بیضایی در این جشنواره شرکت کردم . به نظر من جشنواره امسال خوب برگزار نشد ما گروه های شهرستانی یک سال زحمت می کشیم و وقتی کارمان پذیرفته می شود ، علاقه مندیم که بتوانیم در ورکشاپ ها و کلاس های آموزشی شرکت کنیم و بلیت نمایش ها را داشته باشیم و بتوانیم اجراهای گروه های دیگر را ببینیم . امسال ما به زحمت چند بلیت گیر آوردیم ولی باز راهمان ندادند و گفتند که سالن پر شده است . حتی با دعوت نامه ای که به ما دادند باز هم ما را به داخل سالن راه ندادند و نتوانستیم از کارها استفاده کنیم .“

حمیدی فر ادامه داد : ”سال ۹۰ به دبیری رحمت امینی جشنواره ی خوبی برگزار شد ، ما در جشنواره هم نمایش ها را دیدیم و هم توانستیم در کلاس های آموزشی شرکت کنیم . به نظر من باید دو روز زودتر امکان اسکان گروه های شهرستانی را فراهم کنند .“

این کارگردان جوان شهر سبزوار در پایان گفت : ”انشاله مسئولین هوای تئاتر شهرستان را داشته باشند چون فکر می کنم بدنه تئاتر تهران را شهرستان ها می سازند و بچه های شهرستان هستند که انرژی دارند پویا هستند و فعالیت دارند و می توانند تئاتر کشور ما و ویتترین تئاتر ما را پر بار تر و خلاق تر کنند و نفسی تازه وارد محیط تئاتری کشور کنند .“

حامد صنمی : نمایش خیابانی ما پا به عرصه مدرن بودن گذاشته است .

نمایش خیابانی “ سکوت رنگ ها ” به نویسندگی و کارگردانی حامد صنمی از شهرستان مریوان و برگزیده یازدهمین جشنواره بین المللی تئاتر خیابانی مریوان یکی از نمایش هایی بود ؛ که در سی و پنجمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر در محوطه تئاتر شهر به روی صحنه رفت . به همین بهانه خبرنگار تئاتر فستیوال گفت و گویی با کارگردان این اثر داشته است که می توانید آن را در ادامه بخوانید .



حامد صنمی در مورد سوژه نمایش “ سکوت رنگ ها ” توضیح داد : این نمایش یک نگاه اجمالی به سیاست های متأسفانه غلطی که از اول بشریت تا به امروز وجود داشته و تأثیرات آن بر زندگی انسان و جامعه انسانی ، داشت . ما در این نمایش ، خواستیم نشان دهیم که واقعا تأثیر این سیاست ها بر آب و هوا و خاک و مرزهایمان تا چه حدی بوده است .

وی با بیان اینکه در حال حاضر مریوان در ایران به شهر شانو شناخته شده است ، مورد توجه به تئاتر خیابانی در مریوان گفت : شانو به فارسی یعنی نمایش و مریوان به عنوان شهر نمایش شناخته می شود . در مریوان هر ساله که جشنواره بین المللی تئاتر خیابانی برگزار می شود ، ۹۰ درصد مردم ، به دیدن نمایش های این جشنواره می آیند . در حقیقت جشنواره تئاتر خیابانی مریوان برای مردم تبدیل به یک فرهنگ و عادت شده است و هر ساله منتظر جشنواره خیابانی هستند تا اجراهای خیابانی را ببینند .

این کارگردان تئاتر با بیان اینکه پس از بیست و دومین جشنواره تئاتر فجر که در آن به عنوان برگزیده شناخته شد ، ۱۲ سال فعالیت هنری را کنار گذاشت ، گفت : بعد از ۱۲ سال ، امسال دوباره در جشنواره تئاتر

فجر شرکت کردم و از نمایش هایی که دیدم می توانم به جرات بگویم که نمایش خیابانی ما پا به عرصه مدرن بودن گذاشته است و به سمتی می رود که جشنواره های دنیا در آن سمت قرار دارند . به نظر من در حال حاضر در ایران نمایش خیابانی شناسنامه دار شده است و حداقل می تواند با کارهای آسیایی رقابت کند و این نتیجه تلاش دوستانی است که برای نمایش خیابانی زحمت می کشند . انشالله همیشه گروه های تئاتری بتوانند نمایش کار کنند .

پاو پالاسیوس : امیدوارم در دنیا همه بتواند بدون هیچ محدودیت و سانسوری تئاتر کار کنند.

نمایش "پرنده" نوشته مشترکی از الکساندر سرانو، فران دوردال و پاو پالاسیوس و به کارگردانی الکساندر سرانو نمایشی از کشور اسپانیا از جمله نمایش هایی است که در سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر در تالار حافظ به روی صحنه رفت. به همین بهانه خبرنگار تئاتر فستیوال گفت و گویی با پاو پالاسیوس نویسنده و بازیگر این نمایش داشته است که می توانید آن را در ادامه بخوانید.



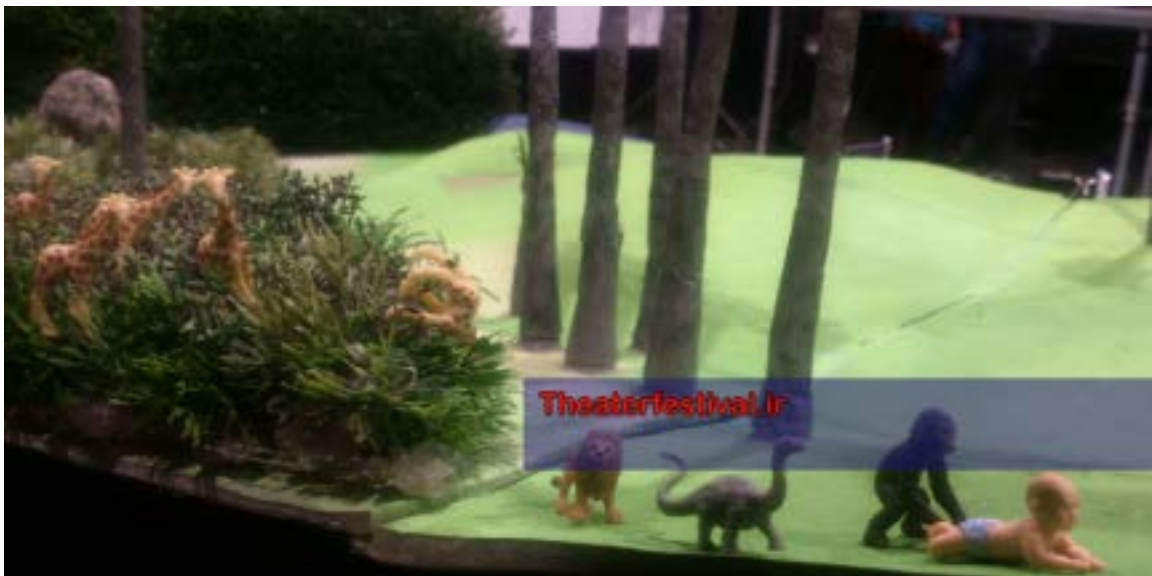
پاو پالاسیوس با بیان اینکه ۶ سال است که در زمینه میکروتئاتر فعالیت می کند، در مورد کمپانی تئاتر خود توضیح داد: اسم کمپانی ما سرانو است و فقط میکروتئاتر کار می کنیم. سه نفر هستیم که کارها را با هم می سازیم ولی برای هماهنگی و شرکت در جشنواره های کشورهای مختلف یک تیم تقریباً ۱۵ نفره هستیم. تا به امروز در بسیاری از نقاط جهان همچون چین، برزیل، کل اروپا، آمریکا، مکزیک و... اجرا داشته ایم.

وی همچنین در توضیح فعالیت های کمپانی سرانو و نمایش "پرنده" گفت: در میکروتئاتر با استفاده از یک سری وسایل کوچک و یک دوربین، اتفاقات را روی یک صفحه ی بزرگ نمایش می دهیم. کلیت کارمان چیز جدیدی نیست ولی وسایلی که در آن به کار می بریم دائماً عوض می شود و تغییر می کند. در نمایش "پرنده" تصمیم گرفتیم در مورد مهاجرت صحبت کنیم که موضوع بسیار مهمی است و مخصوصاً در اروپا خیلی بحرانی شده و فکر می کنیم اروپا عملکرد خوبی نسبت به پناهنده ها و مهاجرینی که به اروپا می آیند، ندارد.

سفیر مجموعه فرهنگی بارسلون با اشاره به اینکه در دانشگاه جامعه شناسی خوانده است، در مورد نحوه ی آشنایی خود با تئاتر گفت: در دانشگاه آنجا با یک گروه تئاتری آشنا شدم و کارم را از آنجا شروع کردم. بعدها با اکس آشنا شدم و همکاری مان را شروع کردیم.

او در ادامه در مورد هدف خود از فعالیت در حوزه تئاتر به خبرنگار تئاتر فستیوال گفت: مثل همه ی کارگردان ها و کسانی که تئاتر کار می کنند، هدف ما برقراری ارتباط و تقسیم کردن ایده هایی با تماشاچی است.

پاو پلاسیوس در پایان با بیان اینکه دومین بار است که به ایران می آید ، گفت : حضور در ایران برایم خیلی جالب است و همچنین چالشی است که ایران و اسپانیا ، با دو بک گراند مختلف با همدیگر همکاری می کنیم و می توانیم تبادل فرهنگی را داشته باشیم . از اینکه تماشای ایرانی از کار ما لذت می برد ، لذت می بریم و برایمان خیلی جالب است و امیدوارم در کل دنیا هر کسی که می خواهد تئاتر اجرا کند ، بتواند بدون هیچ محدودیت و سانسوری این کار را انجام دهد .



امید مصطفایی: "در بازی آخر..." به شیوه های نوین تئاتر خیابانی نزدیک شده است

نمایش "در بازی آخر هیچ راهی برای خروج نیست" به نویسندگی و کارگردانی امید مصطفایی از بوکان، از جمله نمایش هایی بود که در بخش محیطی سی و پنجمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر اجرا شد. به بهانه ی اجرای این نمایش خبرنگار **تئاتر فستیوال** با کارگردان این نمایش گفت و گویی داشته است که در ادامه می توانید آن را بخوانید:



امید مصطفایی کارگردان جوان تئاتر که برای نخستین بار در جشنواره تئاتر فجر شرکت کرده است، در رابطه با حضور نمایش "در بازی آخر هیچ راهی برای خروج نیست" در بخش محیطی جشنواره تئاتر فجر گفت: "این نمایش، برگزیده جشنواره مریوان است و از این طریق به بخش مرور جشنواره تئاتر فجر راه یافته است و خدا را شکر اجرایمان تا حدودی خوب و راضی کننده بود."

نویسنده، کارگردان و طراح فضای نمایش "در بازی آخر هیچ راهی برای خروج نیست" در رابطه با سوژه این نمایش خیابانی گفت: "این نمایش بیشتر بر طبیعت تمرکز دارد و به این موضوع اشاره دارد که انسان چقدر می تواند برای طبیعت و دنیای اطراف خود مخرب باشد و تاثیر منفی بر دنیای اطراف خود بگذارد. این نمایش روایتگر دست به دست هم دادن این عوامل است تا دنیا نابود شود."

وی در خصوص دو پرسوناژ این نمایش توضیح داد: "این دو تنها افرادی هستند که بر روی زمین باقی مانده اند. آن ها برای بدست آوردن ماشینی که می خواهد آن ها را از اینجا نجات دهد، در تلاش هستند ولی هیچکدام نمی توانند آن را بدست آورند و در نهایت همانطور که در اپیزود سوم دیدید، تک تک نخ هایی را که نمادی از زندگی است را پاره می کنند و هیچ کدام نمی توانند به ماشینی که ظرفیت یک نفر را دارد و

از دنیایی که در حال نابودی است، نجات پیدا کنند. و در آخر طبیعت که گرفتار انسان، ماشین آلات و دنیای مدرن بود، پیروز نهایی می شود. او قفس و حصاری را که برایش کشیده بودند را همچون ابزار آلات صنعتی، دود و ... می شکند و بر انسان غلبه می کند. درخت، خاک و حیوان نماد های این نمایش بودند و در آخر نجات پیدا کردند و انسان نتوانست طبیعت را نابود کند."

مصطفایی ضمن ابراز رضایت از وضعیت تئاتر خیابانی در شهر سقز در رابطه با بهبود هرچه بیشتر کیفیت برگزاری بخش محیطی فجر گفت: "رقابت در اجرای تئاتر خیابانی خیلی تنگاتنگ است. ما هر روز در تئاتر خیابانی شیوه نوین اجرایی را می بینیم به عنوان مثال، تئاتر شورایی که چندسال است که مورد استقبال قرار گرفته است. یعنی اجرای تئاتر خیابانی مدام در حال تغییر است و شیوه های جدیدی در آن ارائه می شود. ما در نمایش "در بازی آخر هیچ راهی برای خروج نیست" سعی کردیم خودمان را به این شیوه های نوین و جدید نزدیک کنیم."



یادداشتی بر نمایش «شیشه» به نویسندگی و کارگردانی امیر دژاکام:

دغدغه مند ، جذاب ، دوست داشتنی

«شیشه» یک تئاتر اجتماعی است. یک مونولوگ جذاب که به سوژه ای قدیمی می پردازد. سوژه ای که در چند سال اخیر مجددا مطرح شده و نمود بیشتری پیدا کرده است و آن همانا مهاجرت است. مهاجرتی که بیشتر به شکل پناهندگی مطرح می شود.



امیر دژاکام غرق شدن پناهندگان در دریا را دستمایه سوژه نمایش اش قرار داده است و با استفاده از فرم روایی مونولوگ مخاطب را به بطن شخصیت نمایش می کشاند. پرسوناژ نمایش هرچند به ظاهر نخبه است، اما یک آدم معمولی است، یک آدم معمولی با تمام دغدغه ها و غم

ها و شادی های معمولی و با همان میزان دل نگرانی و دغدغه های جهانی و صلح و نفرت از جنگ و جنگ زدگی.

دژاکام دچار شعار دادن نمی شود و این چیزی است که «شیشه» را جذاب می کند. همه چیز را همان گونه که هست بازگو می کند، قضیه را نه حماسی می کند، نه شور برمی انگیزد و نه اضافه گویی دارد.

پرسوناژ نمایش «شیشه» فقط یکی از هزاران نفری است که با رویای زندگی بهتر دست به مهاجرت و پناهندگی زده است و ناکام مانده است و چنان که مطرح می کند هر کس دیگری می توانست جای او باشد و بمیرد، اما این تقدیر برای او رقم خورده است.

این مونولوگ با صدایی تقریباً مونوتون روایت می شود و شکلی نجوا گونه و واگویه به خود می گیرد. استفاده از موسیقی در این اثر درست، به جا و حساب شده است و به خوبی می تواند مخاطب را تحت تأثیر قرار دهد. شناسایی و شکل دادن به شخصیت در حد و اندازه ی کافی و به موقع صورت می پذیرد و حتی می تواند در مواقعی حس همزاد پنداری را در مخاطب بر انگیزاند.

اما آنچه در نمایش برای مخاطب بی پاسخ می ماند استفاده از یک بازیگر خارجی و انگلیسی حرف زدن در طول اجرا است. در حالی که شخصیت نمایش، ایرانی است و در ایران زندگی می کرده است و تمام خاطراتش از زندگی و کار و درس خواندن در ایران گذشته است. پس لزوم استفاده از بازیگر خارجی چه بوده است؟ صرفاً ایجاد جذابیت و متفاوت شدن اثر؟! این اتفاق اگر با توضیحی همراه نباشد، برای مخاطب قابل قبول نیست.

البته دژاکام می توانست با تغییر مکان نمایش از ایران به کشوری دیگر این انتخاب را توجیه کند و شکل منطقی به اثر بدهد؛ اما این اتفاق نمی افتد و در تمام طول اجرا تماشاچی نمی فهمد چرا وقتی در کل اثر توجیه شده نیست و برخلاف نمایشنامه هم هست، باید با یک بازیگر خارجی و زبانی بیگانه به دیدن نمایش بنشینند.

از این که بگذریم “شیشه” را می توان یک نجوای تاثیرگذار در رابطه با یک سوژه اجتماعی و مهم دانست که توانسته است مخاطب را با خود همراه کنند و یا حتی به او تلنگر بزند.

آرزو شفق – دیار تمان نقد تئاتر فستیوال



یادداشتی بر نمایش «پنجاه و چهارمین سالگرد خسرو مرادی» از شیراز به کارگردانی آرمین حمدی پور :

قابی از زندگی امروز

هنر نمایش می‌تواند مخاطب را با خود همراه کند ، او را درگیر نماید و تحت تأثیر قرار دهد ؛ به فکر فرو ببرد و به او تلنگر بزند . هنر نمایش می‌تواند برشی از یک زندگی باشد ، یک زندگی که هر کدام از تماشاگران در طول روز با آن درگیر باشند .

“پنجاه و چهارمین سالگرد خسرو مرادی” همین است . به معنای واقعی کلمه یک نمایش است . نمایشی که در امروز اتفاق می‌افتد و حرف نسل امروز و انسان های امروز است .



“پنجاه و چهارمین سالگرد ...” یک نمایش ساده است ، ادا در نمی‌آورد ، نمی‌خواهد حرف های خاص و منحصر به فرد و شعاری بزند ، می‌خواهد ساده باشد ، مثل زندگی همه آدم ها که به نوعی در روزگارشان درگیر می‌شوند .

همه چیز در این نمایش رئال و واقعی پیش می‌رود . روابط ، بازی ها ، لحن صحبت ها ، میزانشن و البته دکور نمایش که با دقت و ظرافت خاص و مثال زدنی تمام تلاشش را کرده است تا یک خانه واقعی را با تمام جزئیات آن به نمایش بگذارد .

این دکور سرشار از ریزه کاری و واقعی ، در سن قاب عکس مانند تالار ناظرزاده کرمانی تماشاخانه ایرانشهر نمود بیشتری پیدا می‌کند و تماشاگر را به درون نمایش پرتاب می‌کند .

ما در این نمایش علاوه بر معضل همیشگی اختلاف نسل ها ، با بی هویتی نسل امروز رو به رو هستیم . هرچند اختلاف نظرها در این نمایش در ساده ترین شکل ممکن خود که همان پدر مذهبی و سنتی یک خانواده است که در گوشه و کنار خانه اش المان های مذهبی به چشم می‌خورد و در مقابل او ، دختری که موهایش را کوتاه کرده ، روبرو هستیم و این تصویر نخ نما از اختلاف نسل ها کمی آزاردهنده می‌شود. ما امروز برای نشان دادن اختلاف نسل ها به چیزی فراتر از این ها نیاز داریم ؛ نه این که پدر پهلوان باشد و اهل زورخانه و پسر اهل شرط بندی !

اما فارغ از این مورد ، نشان دادن تناقضات نسل جوان درست و خوب و به جا است . ما با دختری مواجه هستیم که معتقد است باید خودش باشد ، برای این خود بودن ، موهایش را کوتاه می‌کند ، اما در خانه

هم روستری سرش می کند . گویا خودش نمی خواهد با این خودی که ساخته است روبرو و مواجه شود ! پسر دیگر خانواده که ظاهراً بیشترین شباهت را به پدر دارد و مذهبی است ولی به موسیقی رپ علاقه دارد ، تکست (text) می نویسد و کاملاً در یک لحظه می تواند از قالب پسر مثبت خانواده خارج شود . چنانکه در ادامه نمایش با بحرانی مواجه می شویم که پسر خوب خانواده ایجاد کرده است .

”پنجاه و چهارمین سالگرد ...“ یک زندگی را به تصویر می کشد ، یک زندگی که هر کدام از ما هر روز ممکن است با آن درگیر شویم . انتخاب سوژه خوب ، طراحی صحنه رئال ، بازی های خوب بازیگران ، همه می تواند مخاطب را با یک اثر قابل دیدن روبه رو کند . یک اثر که اگرچه در فرم اجرایی و روایی خلاقیت خاصی ندارد اما نمایشی است که پس از دیدن آن می توان راضی از سالن خارج شد .

شیما میر عبداللہی – تئاتر فستیوال



اصغر همت : جشنواره تئاتر فجر بدون هیچ مشورتی با خانه تئاتر برگزار می شود

در ایام سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر به دبیری دکتر سعید اسدی ، خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت و گویی با اصغر همت بازیگر تئاتر ، سینما و تلویزیون که چندی است در کسوت مدیر عامل خانه تئاتر فعالیت می کند ، در مورد نحوه ی برگزاری جشنواره تئاتر فجر ، آثار ارائه شده در جشنواره و سمت و سوی جشنواره سی و پنجم داشته است ؛ که می توانید آن را در ادامه بخوانید :



اصغر همت درباره برگزاری سی و پنج دوره جشنواره تئاتر فجر به خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت : صحبت ما از سال های بسیار دور - از اوایل انقلاب - بر این بود که جشنواره تئاتر فجر باید برآیند اجراهای تئاتر در طول یک سال باشد ، که هیچ وقت این اتفاق رخ نداد . اگرچه در بعضی دوره ها ، استثناهایی خوشایند رخ داد ، ولی بعد از آن این مسئله پیگیری نشده است .

وی نظرات سلیقه ای دبیران هر دوره را یکی از معضلات اصلی جشنواره تئاتر فجر دانست و در این رابطه افزود : مدیر جشنواره تئاتر فجر در هر دوره تغییر می کند و هر کس سلیقه ی خاص خود را اعمال می کند ، در واقع ما روند تبیین شده ای در مورد جشنواره تئاتر فجر نداریم . بنابراین سلیقه ی مدیر یا کسانی که در هر دوره ، مسئولیت به عهده آنها است ، اعمال می شود .

او همچنین اضافه کرد : جشنواره در طول این سال ها فراز و فرود بسیاری داشته است . تکلیف ما هنوز هم در بخش بین الملل ، تئاتر شهرستان و یا تئاترهایی که در طول سال اجرا می شوند ، مشخص نیست . البته استثنائا در این دوره از جشنواره ، تمامی کارها تولیدی نبودند ، که ما مجبور باشیم حدود ۶۰ گروه را وادار به تمرین کنیم تا از بین آنها ۱۵ اثر انتخاب شود تا برای سال آینده به آنها سالن دهیم . حداقل ۹۰ درصد آثار راه یافته به این دوره از جشنواره تئاتر فجر ، برآیند کارهای اجرا شده در طول سال در تهران ، شهرستان ها و جشنواره های استانی بوده اند .

بازیگر نمایش "پرتره مرد ریخته" با ابراز خشنودی از این اتفاق گفت: اگر واقعا مدیران برنامه ریز جشنواره به دلیل صرفه جویی و یا از روی اجبار این کار را نکرده باشند؛ اتفاق خوبی است. با این حال سی و چند سالی دیر رخ داده است و باید تبعات و ضعف هایش را پذیرفت و در سال های آتی ضعف های آن را جبران کرد.

همت درباره کارهای سفارشی اجرا شده در جشنواره امسال اذعان داشت: در این دوره نیز شاهد سفارش چند اثر برای اجرا در جشنواره بوده ایم که اگر همین چند اثر سفارشی هم نباشد، جشنواره ما دوران بهتری را پیش رو خواهد داشت.

مدیر عامل خانه تئاتر در رابطه با آثار اجرا شده در بخش مسابقه بین الملل جشنواره تئاتر افزود: متأسفانه به دلیل مشغله کاری، نتوانستم همه نمایش ها را ببینم. اما چند اثری را که دیدم یا آنچه از دوستان در این باره شنیده ام، به خصوص در بین آثار بخش بین الملل، می توان گفت که این آثار با شرایط تئاتر ما هم خوانی ندارد. دید کارشناسانه در امور تئاتر بین الملل ضعیف بوده است. باید بعد از جشنواره در نشست های کارشناسانه ای این موضوع را بررسی کرد، باید بررسی کنیم که چه کارهایی را انتخاب کنیم و به جشنواره بیاوریم؟! آیا قصدمان این است که نشان دهیم ما از تئاتر دنیا عقب هستیم و باید به سمتی برویم که خودمان را به آن برسانیم؟! توانایی ما نسبت به بیشتر گارهایی که در این دوره از جشنواره دیدیم، بیشتر است.

وی همچنین افزود: ما نباید به هیچ وجه آثار ضعیف تر از حد خودمان را به بخش بین الملل دعوت کنیم. به نظر من اگر بخواهیم تئاترمان را به سوی آثار اجرا شده سوق دهیم، آسیب جدی برای تئاترمان رخ خواهد داد. این مسئله ای بود که امسال نه فقط نظر من بلکه نظر بسیاری از دوستانی است که کارشناسانه نگاه می کنند. باید بعد از جشنواره در یک بررسی همه جانبه و در یک شرایط کاملا تعاملی و دلسوزانه از دید مجریان جشنواره و منتقدین آنها به یک جمع بندی برسیم. چرا که جشنواره تئاتر فجر سمت و سوی تئاتر ما را مشخص می کند.

اصغر همت در خصوص اهمیت اجرای نمایش هایی چون "در اعماق" که از کشور گرجستان اجرا شد، توضیح داد: به نظر من نمایش "در اعماق" علی رغم پاره ای مشکل، واجد یک سری از ارزش هایی است که می توان بر آن تکیه کرد. این گروه نمایشی یک متن مشخص را کار کردند و از کشوری آن را به روی صحنه بردند که صاحب پیشینه ی تئاتری در شکلی نزدیک به سلیقه ی تئاتری ما است.

او با اشاره به اجرای نمایش "شاخص" از کشور فرانسه در این باره اضافه کرد: ما نباید سودای این را در سر داشته باشیم که بدون اینکه طی مراحل کرده باشیم، خود را در شرایطی که کشورهای صاحب تئاتر هستند، قرار دهیم. آثاری را که به جشنواره ما می آورند، گوشه ای از این مشکل است، چون من مطمئن هستم نمایش هایی که در این جشنواره اجرا می شوند، وجه غالب تئاتر آن کشورها نیست. مثلاً از فرانسه گروهی دعوت می شود که

می خواهند کتاب خوانی را برای ما رواج دهند . در یک بررسی کلی به نظر می رسد این نمایش را برای جهان سوم و برای ما ساخته اند . جایی که می دانند کتاب خوانی آن در حداقل است و می خواهند نشان دهند چگونه وقتی کتاب می خوانیم ، کمتر مشکلات اجتماعی داریم . مشکل این جاست که بیان این نوع تئاتر ، بیانی نیست که تماشاگر عادی با آن ارتباط برقرار کند .

وی در این رابطه ادامه داد : ما تئاتر را فقط برای اهالی تئاتر اجرا نمی کنیم . تئاترهای انتخابی باید راهی را به ما که هیچ ارتباطی با کشورهای خارج نداریم و در جریان اتفاقات روز تئاتری نیستیم ، نشان دهد . جشنواره تئاتر فجر بهترین فرصت است که ما با آثار اساسی و کارگردان های بزرگ دنیا روبرو شویم . مسئولین جشنواره که برای دعوت از گروه های خارجی هزینه می کنند ، بهتر است از گروه های دست چنم برای حضور در ایران دعوت نکنند . این موضوع باید کاملاً در محیطی دوستانه و تعاملی مورد بررسی قرار گیرد و افرادی که دلسوز تئاتر هستند با مسئولین مربوطه در مورد اینکه به چه صورت این گروه ها انتخاب می شوند ، گفت و گو کنند و به نتیجه برسند .

مدیر عامل خانه تئاتر درباره دغدغه های صنفی خود در خانه تئاتر اظهار داشت : در خانه سینما و خانه موسیقی ، بیشتر کارها بر عهده صنف است ، اما در حال حاضر خانه تئاتر به عنوان یک نهاد صنفی چه تاثیری می تواند بر اجرای جشنواره تئاتر فجر داشته باشد ؟ سوال من این است که چطور شما بدون هیچ مشورتی با تنها صنف تئاتری این مملکت جشنواره تان را می چرخانید ؟

در پایان اصغر همت در خصوص گفت و گوی خود با آقای سیدرضا صالحی امیری ، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره صنف تئاتر عنوان کرد : خوشبختانه آقای وزیر شدیداً به صنفی شدن امور توجه دارد و در صدر برنامه های ایشان است . امیدوارم با توجهی که آقای وزیر نشان میدهند از سال آینده شاهد مسائل این چینی نباشیم و بتوانیم این مشکلات را به حداقل برسانیم و این موضوع فقط با یک نظر و دید کارشناسانه و متعهدانه رخ می دهد .



سامان خلیلیان : تئاتر خیابانی ، چراغ تئاتر را در روزهای شنبه روشن نگه خواهد داشت

پرونده سی و پنجمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر شامگاه سه شنبه با برگزاری مراسم اختتامیه ای در تالار وحدت بسته شد . به این بهانه خبرنگار **تئاتر فستیوال** در مراسم اختتامیه جشنواره تئاتر فجر به سراغ سامان خلیلیان ، مدیر بخش «اجراهای محیطی» رفته است و در رابطه با نحوه برگزاری این جشنواره در بخش خیابانی گفت و گویی داشته که در ادامه می توانید آن را بخوانید :



سامان خلیلیان مدیر بخش «اجراهای محیطی» جشنواره تئاتر فجر در رابطه با برگزاری بخش خیابانی این دوره از جشنواره گفت : «اتفاق جدیدی که امسال در بخش محیطی جشنواره تئاتر فجر افتاد ، این بود که ما دیگر فقط بخشی به اسم تئاتر خیابانی نداشتیم ، بلکه امسال این بخش شامل تئاتر محیطی ، آلترناتیو و دیگر گونه‌های اجرایی بود ، این مسئله باعث شد که گروه های دیگری که در این حوزه ها ، خارج از سالن های تئاتر فعالیت هنری می کنند ، به این بخش از جشنواره بیایند و برای اولین بار این عناوین در فراخوان رسمی جشنواره آمد . البته سال گذشته ما این تجربه را به صورت یک کار آزمایشی داشتیم و دو نمونه کار محیطی در جدول آمد ، اما امسال به صورت رسمی دعوت کردیم و باید بگویم که استقبال خیلی خوبی شد . کما اینکه هیئت داوران در جمع بندی داوری از این شکل و گونه های اجرایی در بخش های دیگر شگفت زده شده بودند و ابراز خوشحالی داشتند که این بخش دیده شده و وارد جشنواره شده است .»

وی با اشاره به حضور ۳۴ اثر در بخش خیابانی افزود : «امسال دو اثر از فرانسه و لهستان داشتیم و بسیار مورد استقبال واقع شد . امسال علاوه بر ۳۲ اثر که در این بخش حضور داشتند ، بخش مرور تئاترهای خیابانی را به عنوان رویکردی جدید در جشنواره داشتیم و برای اولین بار آثاری که در طی یک سال در حوزه تئاتر خیابانی و محیطی در ایران اجرا شده بودند ، این امکان را پیدا کردند که در جشنواره حضور پیدا کنند ، همچنین امسال این امکان میسر شد که آثار بخش مرور جشنواره هم وارد مسابقه شوند ، پیش از این برگزیدگان جشنواره

مریوان به عنوان جشنواره اصلی تئاتر خیابانی در کنار آثار مسابقه فجر راه پیدا می‌کردند. امسال در بخش مسابقه ۱۹ اثر در کنار هم، چه آثار تولید جدید و چه آثار مرور، در چهار بخش تئاتر خیابانی، محیطی، آلترناتیو و شورایی مورد رقابت قرار گرفتند.

مدیر بخش «اجراهای محیطی» جشنواره تئاتر فجر در پاسخ به این سوال برای اجراهای مداوم تئاتر خیابانی در طول سال چه راهکاری دارید گفت: «این موضوع همیشه دغدغه اصلی من بوده است و همیشه نیز گفته ام که اگر شعار ما «تئاتر برای همه» است، پس برای همه گیر شدن آن باید به دنبال اجرای نمایش هایی خارج از سالن های تئاتر باشیم و انصافا گروه های خیابانی در هر شرایطی، چه در سرما و چه در گرما، بدون هیچ رابط و حصارى هنرشان را برای مردم عرضه می کنند و نیاز است که تقویت شوند، با آنها قرارداد بسته شود و اجرای عموم داده شود، چون ارتزاق این گروه ها از این راه است.»

خلیلیان در پایان خاطرنشان کرد: «امسال چند برنامه پیش رو داریم که پیگیری های آن انجام شده است. در دو ماهه اخیر مصوب شد در بخش آموزش، به هر استان مبلغی حدود سه میلیون تومان داده شود. همچنین بنده برای اجرای عموم آثار برگزیده جشنواره تئاتر فجر و جشنواره تئاتر خیابانی مریوان نیز مطالبه کردم تا قراردادی برای اجرای عموم گروه های برگزیده شهرستانی در شهرهای خودشان و گروه های تهرانی در تهران بسته شود. این پیشنهاد تحت عنوان پرکردن یک روز تعطیل تئاتری در کل ایران با حضور گروه های تئاتر خیابانی داده شد تا چراغ تئاتر در شنبه ها هم روشن بماند. آرزوی قلبی من این است که تئاتر شهر در تمام روزهای سال همانند خیابان های هنر همه جای دنیا که همیشه آثار هنری در آن عرضه می شود، اجرا داشته باشد. امیدوارم این اتفاق بیفتد چون بچه های خیابانی استحقاق بهترین ها را دارند و بی هیچ منتی هنرشان را برای مردمی عرضه می کنند که از آثار آن ها لذت می برند.»



لیزا وربلن ، کارگردان نمایش “یک” : برایم جالب است باز خورد مردم از اجرای ما را بدانم

نمایش “یک” به نویسندگی و کارگردانی لیزا وربلن از کشور هلند یکی از نمایش های بود که در بخش بین الملل سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر در تالار قشقایی مجموعه تئاتر شهر به روی صحنه رفت . به همین بهانه خبرنگار تئاتر فستیوال گفت و گویی با این کارگردان جوان هلندی داشته است که می توانید آن را در ادامه بخوانید .



لیزا وربلن در ابتدا در مورد کمپانی خود و اینکه بیشتر به چه نوع تئاترهایی در این کمپانی پرداخته می شود ، گفت : اسم کمپانی ما “ bog ” است که معنای خاصی ندارد ، در واقع منظور افرادی است که دور هم جمع شده اند و کمپانی تئاتر تشکیل داده اند . کار ما این است موضوعات خیلی پیچیده و سخت را انتخاب کنیم و آنها را به گونه ای طراحی کنیم که قابل درک و سازمان یافته باشند . بعضی مواقع می توانیم کل زندگی را در قالب کلمات بیاوریم و ارائه دهیم و بعضی مواقع هم به شکلی که در نمایش “یک” دیدید با شیوه ای متفاوت ارائه می دهیم .

او در ادامه در مورد هدف خود از اجرای نمایش “یک” گفت : هدفم این بود که نشان دهم همه چیز در حال حرکت و تغییر است از افکار و احساسات آدمیزاد گرفته تا دولت ها ، سازمان ها ، مردم و ... این زیبا است و می خواستم این تغییر را نشان دهم . این اجرا تجربه ی جدیدی در موسیقی بود و می خواستم بینم آیا تماشاچی نقاط و خطوط موسیقی را با آنکه به شکل نت های رایج موسیقی نیستند ، باز هم دنبال خواهد کرد یا نه و در نهایت این ترکیب ، اجرایی شد که شما دیدید .

با توجه به اینکه در این نمایش موسیقی نقش عمده ای بر عهده داشت ، وربلن در پاسخ به خبرنگار تئاتر فستیوال در مورد تحقیقاتی که در این زمینه انجام داده است ، گفت : برای این اجرا تحقیقی نداشتم و از چیزهایی که تاکنون یاد گرفته ام ، استفاده کردم اما برای کار جدیدم می خواهم به خاورمیانه بروم و به موسیقی خاورمیانه گوش دهم تا ایده های جدیدی از خاورمیانه بگیرم . چون صداها و نت های موسیقی شهر خودم با نقاط دیگر جهان خیلی فرق می کند و می خواهم آن ها را تجربه کنم و این دو را با هم ترکیب کنم .

وی همچنین در پاسخ به اینکه به نظر او “ یک “ تئاتر است یا پرفورمنس ، گفت : طبیعتاً سخت است که اسم خاصی برای آن انتخاب کنم . چون همه ی آن ها را نمی توان در یک جعبه جا داد شاید بتوان گفت پرفورمنسِ موسیقی یا در واقع پرفورمنسِ موزیکال.

این کارگردان تئاتر در مورد تئاترهایی که در هلند اجرا می شوند نیز گفت : خیلی متفاوت است ، ما تئاتر های کلاسیکِ روایتی داریم که کارگردان ، بازیگر و سیر داستانی دارد و هم کارهایی مثل این نمایش داریم که سیر داستانی ندارد ، بازیگر در واقع پرفورمر است . بهر حال متفاوت است و برای هر دو نوع هم تماشاچی می آید ، هم برای سبک قدیمی و کلاسیک و هم برای سبک جدید و مدرن .

وربلن در مورد حضور در ایران و نمایش های ایرانی گفت : من تا به حال در ایران و خاورمیانه نبودم و برایم اتفاق جدیدی است و تئاتر ی از ایران ندیده ام اما در هلند یک فیلم ایرانی به نام “فروشنده” اکران شده است که آن را دیده ام . فیلم جالبی بود چون هر آن تماشاگر انتظار داشت اتفاق غافلگیر کننده ای بیافتد اما اینگونه نشد و واکنش افراد به اتفاقات چقدر می تواند متفاوت و عجیب باشد و دیدیم که می شود به گونه ی دیگری هم با اتفاقات برخورد کرد .

او در پایان گفت : خیلی دوست داشتم که در ایران اجرا داشتم و برایم خیلی جالب است که بدانم بازخورد مردم از اجرای من چه بوده است .

یادداشتی بر نمایش «یتیم خانه فونیکس» به کارگردانی محمد نیازی :

یتیم خانه ای دوست داشتنی و فراموش نشدنی

از دیرباز تئاتر مشهد نامی آشنا برای هنرمندان عرصه ی تئاتر محسوب می شد و در این چند سال اخیر نسل جوان آن توانسته است به خوبی بر صحنه ی جشنواره تئاتر فجر حاضر شود . یکی از آثار درخشانی که در این دوره جشنواره تئاتر فجر از مشهد به روی صحنه رفته ، نمایش «یتیم خانه فونیکس» به کارگردانی محمد نیازی بود .

محمد نیازی در «یتیم خانه فونیکس» که یک آپرت می باشد ، قصه ای را روایت می کند که در شهر لندن می گذرد و حال و هوای نمایشنامه به گونه ای است که مخاطب ناخودآگاه به یاد داستان هایی همچون «لیور تویست» می افتد .



البته فضا سازی های موجود در نمایش مانند فضای یتیم خانه و پرسوناژهایی که مطلقاً سیاه هستند نیز در این ماجرا دخیل است و این شباهت را برای مخاطب ایجاد می کند .

در جهت فضا سازی قصه نمایش بایستی به طراحی صحنه خوب این اثر که توسط داود مورگان صورت گرفته است ، اشاره شود . اسکلت اصلی دکور متشکل از ۲ پلکان آهنی است که در ۲ طرف صحنه قرار گرفته اند و به وسیله ی یک درب آهنی بزرگ به یکدیگر وصل می شوند . با توجه به صحنه ی نمایش ممکن است اجزای دیگری به صحنه اضافه یا کم شود اما در هر شرایطی آکسسوارهای صحنه کاربردی دارند و بی هدف روی صحنه قرار نگرفته اند . استفاده از متریالی مانند آهن برای طراحی دکور باعث شده فضای سرد و بی روح یتیم خانه و البته شهر لندن که در نمایش سیاه و بی روح تصویر سازی شده است ، بر صحنه تالار وحدت عینی شود .

با توجه به آپرت بودن این اثر که در سطور فوق به آن اشاره شد ، موسیقی نقش بسیار مهم و تعیین کننده ای دارد که توسط میلاد قنبری آهنگ سازی شده است . در واقع می توان گفت قنبری دست به خلق نمایشنامه ای از نگاه موسیقایی خود می زند که به جای آنکه واژه ها اجزای آن باشند ، نت های موسیقی آن را شکل داده اند .

در این بین بی شک بازیگران نیز نقش مهمی را بر عهده دارند . بازیگران نمایش در واقع تلفیقی هستند از بازیگران تئاتر و خواننده های اپرا که با قرار گرفتن در کنار یکدیگر توانسته اند ، به قابلیت دست پیدا کنند که هم بازیگر خوبی باشند و هم خواننده ای خوب . می توان گفت مجموع گروه بازیگران خوب ظاهر شده اند اما در میان آن ها بازی محمد رضا صولتی و ندا محمدی بی نقص تر از سایرین به چشم می آید .

تنها ضعفی که باعث می شود «یتیم خانه فونیکس» از یک نمایش بی نقص فاصله بگیرد ، مشکل در ریتم است که در برخی صحنه ها نمایش را خسته کننده و دچار افت می کند . اما در مجموع ماحصل تلاش این گروه جوان را می توان اثری شایسته و قابل ملاحظه ارزیابی کرد که می تواند هر نوع مخاطبی را راضی به بیرون سالن هدایت کند .

فرهاد ابراهیمی والا - دپارتمان نقد تئاتر فستیوال

محمد نیازی : تئاتر در مشهد تبدیل به یک شغل و حرفه و منبع درآمد شده است

نمایش "یتیم خانه فونیکس" به نویسندگی آرش خیرآبادی و کارگردانی محمد نیازی از جمله نمایش هایی است که از شهر مشهد در بخش مسابقه جوان سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر حضور داشته است و توانسته در بخش های مختلف جوایز متعددی را از آن خود کند . به همین بهانه خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت و گویی با محمد نیازی کارگردان این اثر داشته است که می توانید آن را در ادامه بخوانید .



محمد نیازی درباره ی شکل گیری نمایشنامه "یتیم خانه فونیکس" توضیح داد : در ابتدا قصه ی اولیه و طرح ابتدایی را خودم نوشتم و سپس این قصه را به آقای آرش خیرآبادی از نویسندگان و شعرای خوب مشهد ، دادم . ایشان شروع به نگارش متن کردند ، پس از نوشته شدن متن ، آقای میلاد قنبری آهنگساز نمایش به گروه اضافه شدند و استارت کار آهنگسازی نمایش خورد و موسیقی های نمایش نوشته شد . همانطور که می دانید در اپرا دو نویسنده وجود دارد ، نویسنده متن و نمایشنامه و دیگری نویسنده دوم ، که آهنگساز است و با استفاده از گذاشتن ملودی روی شعر (lyric) که نویسنده آن را نوشته است ، نمایش را شکل می دهد .

او همچنین در مورد شیوه ی اجرایی این نمایش گفت : شیوه ی اجرا که به صورت موزیکال است ، از ابتدا مشخص بود . در واقع یک اپرای پاپ کلاسیک است که همه چیز آن ارجینال و ساخته ی خودمان است . پیش از این اپراهای دیگری در سبک کلاسیک در ایران تولید شده که همه ی آن ها کارهایی بودند که متن و ترانه هایشان ، در واقع آهنگسازی شان آماده بود و کارهای غربی بودند که بارها در دنیا اجرا شده بودند .

نیازی ادامه داد : کار اول من اپرای "سویینی تاد" بود که قبلا در کشورهای دیگر اجرا شده بود اما در نمایش دوم ترجیح دادم این ریسک را کنم که کار از پایه از خودمان باشد . از این حیث این نمایش در ایران متمایز و منحصر به فرد است ، اولین بار است که این سبک کار می شود اما در سبک های ایرانی ، آقای لوریس چکناواریان ، آقای عبدی ، آقای غریب پور کارهایی ساخته اند و اجرا شده است مثل اپرای عاشورا ، رستم و سهراب و ...

کارگردان نمایش "یتیم خانه فونیکس" در مورد تمرینات این نمایش به خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت: برای اجرا یک سری خواننده به گروه اضافه شد و یک سری بازیگر، که بازیگرها تعلیم آواز دیدند و خواننده ها تعلیم بازیگری تا یک تیم یک دست در گروه شکل بگیرد. حدود یک سال این نمایش تمرین شد تا به اینجا رسید، ابتدا اجرای عموم در مشهد و بعد از آن هم جشنواره تئاتر فجر.

محمد نیازی با بیان اینکه تئاتر در مشهد رو به رشد است، در این مورد گفت: در حال حاضر تئاتر در مشهد مخاطب خودش را پیدا می کند این را نمایش های روی صحنه و اجراهای متداومی که در مشهد می بینیم، ثابت می کند و اینکه امسال مشهد ۸ نماینده در جشنواره تئاتر فجر دارد، خودش تاییدی به این ادعا است.

وی با اشاره به این نکته که مشهد سالن های تئاتر محدودی دارد، در مورد آثاری که در این شهر اجرا می شود، گفت: متأسفانه مشهد تنها یک سالن قاب صحنه ای دارد و بقیه سالن ها بلک باکس است، به همین دلیل نمایش هایی که تولید می شود بیشتر ساختار بلک باکسی دارد و کوچک و جمع و جور هستند. به دلیل اینکه سالن های استاندارد خیلی کم است، نمایش هایی که بزرگ بسته می شوند، باید مدت ها در نوبت اجرا بمانند تا بتوانند اجرا بروند اما از نظر مخاطب، خدا را شکر مخاطب خودش را پیدا کرده و می بینیم نمایش های روی صحنه مشهد هر شب پر است و فروش خوبی دارد.

این کارگردان جوان اضافه کرد: در مشهد تئاتر ی ها معیشت شان را از تئاتر تامین می کنند و تئاتر تبدیل به یک شغل و حرفه شده که از آن بتوانند پول دریاورند اما مسئولین و بدنه ی دولتی و شهرداری مشهد به هیچ عنوان همپای هنرمندان نیستند و برای این موضوع هیچ امکانی در نظر نمی گیرند. وضع مدیریتی بسیار اسفناک است اما خود هنرمندان خیلی خوب کار می کنند و این جای خوشحالی دارد. امیدوارم مسئولین هم همپای هنرمندان یک قدم جلو بیایند.

محمد نیازی در پایان در مورد احتمال اجرای عموم نمایش "یتیم خانه فونیکس" در تهران گفت: هدف ما از آمدن به جشنواره ی تئاتر فجر این بود که نمایش بتواند در تهران دیده شود و اگر استقبال را دارد به اجرای عموم در تهران امید داشته باشد چون نمایشی بود که در مشهد بسیار از آن استقبال شد. در ۳۰ شب اجرا ۹۰۰۰ نفر را به سالن ۳۰۰ نفره کشاند. هر شب سالن پر بود و توانست یک رکورد تازه را در تئاتر مشهد ثبت کند. از این حیث امیدمان همین بود وگرنه توجه دیگری برای آمدن به جشنواره نداشتیم. با توجه به اینکه تعداد افراد گروه بسیار زیاد است و آمدن این گروه به تهران هزینه های زیادی داشت، در حالی که به هیچ عنوان حمایتی از طرف هیچ ارگان دولتی مشهد برای آمدن این نمایش به تهران برای جشنواره تئاتر فجر صورت نگرفت بلکه سنگ اندازی بسیاری هم شد.

تینا لوند : واکنش ها نسبت به نمایش ” آنجا “ در کشورهای مختلف مشابه بود

نمایش ” آنجا “ به نویسندگی و کارگردانی جو استرامگرن تنها نمایشی بود که از کشور نروژ در بخش بین الملل سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر در سالن اصلی مجموعه تئاتر شهر به روی صحنه رفت . به دلیل عدم حضور کارگردان در ایران ، خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت و گویی با تینا لوند مدیر اجرایی کمپانی تئاتر نروژ داشت که می توانید آن را در ادامه بخوانید .



تینا لوند در توضیح نمایش ” آنجا “ گفت : نمایش ” آنجا “ داستان ۴ مرد است که در حالی که داشتند از جایی به جای دیگر سفر می کردند ، در جایی که دقیقا نمی دانیم کجا گیر افتاده اند و این درگیری را دارند که آیا به سمت چیزی که نمی شناسند ، رو به جلو بروند یا اینکه به عقب و به سمت چیزی که می شناسند برگردند . او با بیان اینکه تا به امروز این نمایش در کشورهای اروپای شرقی مثل روسیه ، بلاروس ، لیتوانی و... اجرا شده است ، در مورد واکنش مخاطبان کشورهای مختلف به خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت : مسلما واکنشی که در این کشورها دریافت کرده ام ، متفاوت بود چون شعر آهنگ هایی که در نمایش پخش می شد ، به زبان روسی بود و تماشاگران این کشورها متوجه آن می شدند . در قسمت هایی از آهنگ ، تماشاگران آن کشورها می خندند چون شعر را متوجه می شوند اما برای ما این شعرها معنایی ندارد چون ما اصلا روسی بلد نیستیم و نمی فهمم که چرا تماشاگران می خندند . این اتفاقی است که در ایران هم افتاد و وقتی از رادیو صدایی می آمد ، تماشاچی خندیدند. حالا نمی دانم صدا برایشان خنده دار بود یا متوجه چیزی شدند . تقریبا تمام دنیا این نمایش را اجرا کرده ایم و می توان گفت واکنش ها شبیه و یکسان بودند چون بیشتر اتفاقاتی که می افتد در مورد انسان و روابط بین آن ها است و چیزی که برای ما خنده دار است ، در اینجا و فرانسه هم خنده دار است ، به همین علت یک واکنش مشابه را دریافت کردیم .

مدیر اجرایی کمپانی تئاتر نروژ در مورد سبک رایج تئاتر در نروژ گفت : سوال سختی است چون در حال حاضر انواع مختلفی از تئاتر اجرا می شود . کاری که ما انجام می دهیم تئاتر فیزیکی است اما کارهای کلاسیک هم در نروژ اجرا می شود . نروژ یک نمایشنامه نویس معروف به نام ایبسن دارد که آثارش خیلی معروف و کلاسیک است . اما چیزی که الان بیشتر اجرا می شود کارهای اروپایی است که خیلی روی بورس است. تینا لوند در پایان در مورد حضور در ایران و جشنواره تئاتر فجر گفت : کمپانی ما قبلا در سال ۲۰۰۱ به ایران آمده بود ولی هیچکدام از ما که الان در این فستیوال هستیم قبلا در ایران نبوده ایم و متأسفانه در دو روزی که در ایران بوده ایم نمایشی از ایران را ندیده ایم .

یادداشتی بر نمایش «دامپزشکی» به کارگردانی شیرین جروقی :

دامپزشکی اثری ناقص و فروریخته

“دامپزشکی” اثری ضعیف و غیر قابل دفاع است .

اثری که از ابتدا سعی در خلق موقعیتی متفاوت دارد ، اما ناموفق است .

کارگردان “دامپزشکی” آنقدر تمرکزش را بر خلق فضای کم‌دی نمایش معطوف کرده است که فضای اصلی نمایش را فراموش کرده و به نوعی قصه اصلی در حاشیه قرار می‌گیرد و دیالوگ‌های مثلاً طنزآمیز یا پرسوناژها اصل و متن نمایش را تشکیل می‌دهد .

در این نمایش نه شخصیت پردازی داریم ، نه طراحی صحنه‌ای درست و نه قصه‌ای چفت و بست دار و معین .



بازیگران یک به یک به روی صحنه می‌آیند بی آنکه معرفی شوند ، بی دلیل به یکدیگر پرخاش می‌کنند ؛ در گوشه‌ای از صحنه باکسی به عنوان حمام طراحی شده است که متأسفانه از این باکس به عنوان عنصر اصلی صحنه استفاده می‌شود و هم‌گاردان در طراحی میزانش و هم‌بازیگران در اجرا ، همگی فراموش می‌کنند که درب ورود و خروج از کدام طرف است .

بازیگران این نمایش گرچه بازی قابل قبول و تاثیرگذاری را ارائه نمی‌دهند ، اما مشکل اصلی به ضعیف بودن متن و طنز غیر واقعی داستان در موقعیت‌های مختلف برمی‌گردد . این که کارگردان هیچ پیش‌زمینه‌ای در ذهن خود نداشته و یا اگر هم داشته ، نتوانسته آن را به فرم اجرایی در آورد و تنها به بیان چند دیالوگ بی معنا بسنده کرده و نتیجه نمایشی ضعیف و غیرقابل دیدن شده است .

“دامپزشکی” نمایشی است که به لحاظ شیوه روایت نمی‌تواند با تماشاگران خود ارتباط برقرار کند و آنها را از آغاز نمایش تا پایان دچار گمانه‌زنی‌های بی‌سرانجام می‌کند و در نهایت به نتیجه معینی نمی‌رسد . در حقیقت این نمایش به لحاظ سوژه و پردازش موضوع مخاطب را دچار ابهام می‌کند و مدام پرسش‌هایی را از خود ، چه در رابطه با شخصیت‌های نمایش و چه در رابطه با بروز ناهنجاری‌های داستان به جا می‌گذارد .

این نمایش نه در سوژه موفق است و نه در فرم . در حقیقت فرم اجرایی نمایش نیز حرفی برای گفتن ندارد و کمکی به فضای آشفته نمایش نمی‌کند ، انتخاب بازیگران و انتخاب نام نمایش نیز به درستی صورت نگرفته است . شاید اندکی تجزیه و تحلیل متن نمایش جدای از قسمت‌های طنزآمیز اش توسط گروه نمایش به پردازش صحیح و اجرای بی‌نقص آن کمک کند و در نهایت “دامپزشکی” را از سقوط یک باره خود نجات دهد .

نسترن داوودی — دپارتمان نقد تئاتر فستیوال

نقدی بر نمایش «پرواز شماره ۷۴۵» به کارگردانی مرجان پورغلامحسین :

یک نمایش خوب ، منهای بدی هایش

آنچه به عنوان "میکرو تئاتر" به ما ایرانی ها معرفی شده است یا همان تئاتر جعبه ، گونه ای از تئاتر است که "می شود" در گروه تئاتر عروسیکی دسته بندی اش کرد . گونه ای از تئاتر که به ویژه برای مخاطب کودک می تواند جذاب باشد و دارای ابعاد تربیتی و آموزشی . به شرطی که حتما همراه باشد با قصه ، آن هم درست و اصولی . البته این بدان معنا نیست که "میکرو تئاتر" برای مخاطب بزرگسال جایگاه سرگرم کنندگی و حتی کارکرد اجتماعی و آموزشی ندارد ، که " پرواز شماره ۷۴۵ " از نمونه های خوب میکرو تئاتر است برای مخاطب بزرگسال .



یک میکروتئاتر مبتنی بر قصه ، یک قصه خوب ، نوستالژیک و صد البته مبتنی بر اصول کلاسیک قصه گوئی . این نوستالژیک بودن قصه و نحوه روایت آن که همراه است با قلش بک ، فلش فرووارد های درست و به موقع به انتخاب شیوه اجرایی این نمایش تئاتر - میکروتئاتر - توسط کارگردان و جاهت می دهد . در واقع اینکه بازیگر (بدون ماسک و عروسک) ، زمان حال پرسوناژ اصلی را بازی می کند و وقتی خاطراتش را تعریف می کند و به عقب بر می گردد از تکنیک میکرو تئاتر استفاده می شود ، همه ی آدم های ریز می شوند ، خانه ها کوچک می شوند و همه چیز دور می شود ، درست سی سال به عقب می رود - اشاره به مدت زمانی که از خاطرات پرسوناژ اصلی می گذرد . - .

پس " پرواز شماره ی ۷۴۵ " تا به اینجا نمایشی خوب است که قصه می گوید و برای گفتن قصه اش فرمی درست را انتخاب کرده است که در فضا سازی مورد نظر کارگردان بسیار موثر واقع شده است .

اما از ایراداتی که می توان به این اجرای جشنواره ای گرفت ، عدم آمادگی لازم و کافی گروه از بازیگر گرفته تا عروسک گردانان و حتی مسئول دوربین و حتی تیم فنی است . یعنی این گروه حتی به اندازه ی یک اجرای جشنواره ای نیز آماده نبودند . البته من مخالف نظر برخی دوستان هستم که به اجراهای جشنواره ای با دیده ی اغماض می نگرند و می گویند : " جشنواره بود خُب ، حق داشتند ! " . من مخالف این نظر هستم ، چرا که جشنواره ویتترین است ، جشنواره مهلت و فرصت مغتنمی است برای اینکه گروه های تئاتری خودشان را اثبات کنند ، به ویژه بچه های تئاتر عروسیکی ، تا شاید راه رسیدنشان به اجرای عموم هموار شود .

پس از نظر من ایرادات وارد بر "پرواز شماره ۷۴۵" غیر قابل چشم پوشی است و حتما باید ذکر شود. تا در صورتی که اعضای گروه این سطور را بخوانند و توجه کنند، امیدوار باشیم به یک اجرای عمومی خوب و قابل توجه.

و دیگر اینکه، با وجود اینکه ما در دیارتمان نقد تئاتر فستیوال همواره تلاشمان بر این بوده است تا به نقد فرم پردازیم و سوژه را چه خوشیندمان باشد چه بدآیند ما، نقد نکنیم (چرایی اش و توضیح اش باشد برای فرصت مناسب اش)، اما ذکر این موضوع را چنان ضروری یافتیم که قوانین خود را هم زیر پا می گذاریم:

ارامنه ی ایران همواره در جوار مسلمانان و اهالی سایر ادیان و مذاهب زندگی کرده اند و می کنند، در مراسم مذهبی یکدیگر، همانند دو دوست، دو همسایه، دو برادر... شرکت کرده اند و فعال بوده اند. مانند هر ایرانی دیگر در جبهه های جنگ حاضر بوده اند و جانباز و شهید شده اند و... اما متأسفانه در این نمایش خلاف این دیده می شود. آن هم بی هیچ غرضی و بی هیچ بدخواهی و قوم پرستی و... که این را می شود در انتخاب سوژه ی ملی و میهنی توسط این گروه جوان و در شیوه روایت ساده و جذابشان دید؛ اما این جوانان فقط و فقط به علت نشناختن مدیومی به نام تئاتر و آن هم تئاتر عروسکی که صدها بار تاثیر بیشتری از سایر انواع تئاتر دارد و شاید به علت عدم شناخت شان از این مردمان نازنین، نا خواسته، تاکید می کنم ناخواسته، به قومی ایرانی توهین کرده اند.

نویسنده و کارگردان "پرواز شماره ۷۴۵" نخواسته اند توهین کنند، اما در نهایت اینکه در مواردی مثل مهاجرت خانواده ارمنی در زمان جنگ به آمریکا و مواردی مثل قضیه نذری و... نگاهی نا درست به ارامنه دارند. البته این درست که خانواده مسلمان هم مهاجرت می کنند، اما نشان دادن مهاجرت یک خانواده ارمنی لابد پیامی داشته است که در "بن بست بهار" یکی از خانواده ها از میان ارمنه انتخاب شده است و الا می شد ساکنان آن خانه هم مسلمان باشند.

"پرواز شماره ۷۴۵" اگر ایراداتی که بر شمرده شد را اصلاح کند، نمایش خوبی است که حقش اجرای عموم است.

محمد علی مطلق - دیارتمان نقد تئاتر فستیوال



یادداشتی بر نمایش «مهرآه عشق» به کارگردانی راشین امامی :

جسارتی پیشبرنده در خلق مذهبی صحنه

پرداختن به سوژه های مذهبی و شخصیت های مقدسی چون معصومین (ع) در تئاتر کار دشواری است. اگر بخواهیم از دوباره کاری و تکرار پرهیز کنیم، این دشواری دوچندان می شود.

نمایش «مهرآه عشق» روایت گر بخش هایی از زندگی حضرت زهرا (س) به زبان فرم و پرفرمنس است که خود نوآوری موفقی در این گونه از نمایش ها است. لذا باید جسارت گروه را ستود.

نمایش «مهرآه عشق» موفق است چرا که قصه گوست (البته با ایرادی جزئی که در ادامه می آید) و با اینکه کل کار حرکات فرم



است، به هیچ وجه تماشایی از خط قصه دور نمی شود و همه حرکات دارای منطق و مفهوم است. نقطه قوت مهم دیگر این نمایش میزانشن های بسیار دقیق کارگردان است. در قسمت هایی از کار اگر بازیگران چند سانتیمتر جابجایی در حرکت می داشتند کل صحنه خراب می شد، اما به هیچ وجه این اتفاق نیفتاد. این نشان دهنده دقت و سختگیری کارگردان در طراحی میزانشن و نیز دقت طراحان حرکت و بازیگران در اجراست. در «مهرآه عشق» از شلنگ تخته انداختن به اسم حرکات فرم خبری نیست و تماشایی عام هم سر از منطق همه حرکات در می آورد و با لحظه لحظه کار ارتباط برقرار می کند. شخصیت پردازی ها با توجه به نبود دیالوگ کاملاً درست انجام شده است و در این راستا کارگردان اثر حواسش به حفظ حرمت شخصیت هایی مانند پیامبر (ص)، چهار بانوی آسمانی، امام حسین (ع) از جهت نوع حرکت و اکت ها بوده است. طراحی صحنه خلاق با کمترین آکسسوار و میزانشن های فعال و همچنین حفظ ریتم تا انتهای نمایش از نقاط قوت اثر است.

همه اجزا در این نمایش سر جای خود قرار داشته و نقش آنها به اندازه است. به عنوان نمونه موسیقی کار هم از لحاظ سبک، با سوژه اصلی و هر صحنه هم خوانی دارد و هم در چهارچوب میزانشن به لحاظ تایم و ریتم درست است. طراحی نور و لباس نیز به همین صورت در خدمت اثر هستند.

البته پرداختن به ماجرای عاشورا هر چند که در فرم بسیار زیبا بود، اما در سیر قصه جایگاهی نداشت و نمایش با مقدمه ای ناکافی به سراغ حضرت حسین (ع) می رود. همچنین تولد حضرت زهرا (س) بعد بعثت حضرت رسول است اما در نمایش این توالی بهم خورده است و این موضوع و وجود صحنه چهارم مفهومی ندارد. نمایش «مهرآه عشق» نمایشی جسور و پیشرو در بین نمایش های مذهبی است که با دقت در فرم اجرایی از پس کار برآمده و می تواند پایه گذار رویکردی نوین برای آینده این گونه نمایش ها باشد.

محمد جواد حبیبی - دپارتمان نقد تئاتر فستیوال

سی چون حسین



مصطفی کوشکی : بخش مرور تئاتر ایران در جشنواره تئاتر فجر ، منطقی تر است

نمایش “ رویای یک شب نیمه تابستان ” به کارگردانی مصطفی کوشکی در بخش مسابقه بین الملل سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر در تماشاخانه تئاتر مستقل تهران به روی صحنه رفت . این نمایش موفق به دریافت دو تندیس جشنواره تئاتر فجر در بخش طراحی گریم و طراحی لباس شد . همچنین در بخش طراحی صحنه و بازیگری مرد از این نمایش تقدیر شد . به بهانه اجرای این نمایش در جشنواره تئاتر فجر خبرنگار تئاتر فستیوال گفت و گویی با مصطفی کوشکی کارگردان این نمایش داشته است که می توانید در ادامه بخوانید :



مصطفی کوشکی ، کارگردان نمایش “ رویای یک شب نیمه تابستان ” درباره ی شیوه ی اجرایی این نمایش به خبرنگار تئاتر فستیوال گفت : از دو سال پیش کار روی این نمایشنامه را بر اساس شیوه ی اجرایی خاصی که مد نظرمان بود ، شروع کردیم و باقر سروش زحمت نوشتن دوباره ی آن را بر اساس این شیوه بر عهده گرفت . به دلیل شیوه ی اجرایی ویژه ای که ما برای این نمایش در نظر داشتیم ، حتما باید آن را در سالنی اجرا می کردیم که به ما امکان تمرین به مدت حداقل چهار الی پنج ماه را می داد . چرا که در این شیوه ، دکور نمایش بسیار تعیین کننده بود . بنابراین تمریناتمان بیش از یک سال طول کشید و در نیمه های تابستان سال ۹۵ ، اجرای عمومی خود را آغاز کردیم .

وی در خصوص تغییرات و ویژگی این اثر در اجرای جشنواره ی تئاتر فجر توضیح داد : اجرای جشنواره ای این نمایش نسبت به اجرای عمومی مان تغییری نداشته است و بر اساس آنچه در اجرای عموم پیش رفتیم ، در جشنواره نیز اجرا کردیم ، فقط از لحاظ حسی تفاوت داشته است . از این لحاظ که انرژی ساطع شده در اجرای جشنواره ، ممکن است انرژی خوب یا بدی باشد . به هر حال اغلب افرادی که به دیدن نمایش می آیند ، رقبای ما در بخش مسابقه هستند و ممکن است انرژی منفی ساطع کنند . ولی انرژی که از اجرا ساطع می شود ، پرانرژی تر است و مخاطب آن مخاطب حرفه ای تری است .

در پایان ، کوشکی که صد و بیستمین اجرای “ رویای یک شب نیمه تابستان ” را در جشنواره تئاتر فجر به روی صحنه برد در قیاس دو بخش مرور تئاتر ایران و تازه های تئاتر ایران اظهار داشت : اجرای نمایش هایی که در طول سال اجراهای عمومی خود را پشت سر گذاشته اند ، در جشنواره تئاتر فجر منطقی تر است . چرا که در تئاتر باید گروه برای آنکه بهترین هماهنگی را داشته باشد و ریتم خود را پیدا کند ، اجراهای خود را پشت سر گذاشته و دکور خوبی داشته باشند . در حالی که در بخش تازه ها تئاتر ، در یک روز گروه ها باید سریع دکور بزنند ، نور سالن را طراحی کنند و اولین اجرای جنرال خود را به روی صحنه ببرند که قطعاً اجرای با کیفیتی نخواهد بود .

احمد صمیمی : تئاتر خیابانی از دغدغه های روزمره شکل می گیرد.

نمایش خیابانی "مستند پخش نشده میرزا" به نویسندگی مشترک احمد صمیمی و هما پریسان و کارگردانی احمد صمیمی یکی از نمایش هایی بود که در ایام سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر در محوطه تئاتر شهر اجرا شد. به همین بهانه خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت و گویی با احمد صمیمی داشته است که می توانید آن را در ادامه بخوانید.



احمد صمیمی با بیان اینکه به نظر او تئاتر خیابانی از دغدغه های روزمره ناشی می شود، گفت: هر روزه در زیرنویس خبرها می بینیم که جنگل آتش گرفت، محیط بان به شهادت رسید و... دیدم با این روند ایران تا چند سال دیگر به پایان می رسد و بر این اساس دغدغه ی روز من محیط زیست شد. در "مستند پخش نشده میرزا" به محیط بانانی می پردازم که جانشان را برای حفظ طبیعت می گذارند، بحث جان چیزی نیست که به راحتی بشود از آن گذشت. این نکته ارزشمندی است و من سعی کردم دغدغه ام را راجع به محیط زیست، محیط بانان، جنگل بانان و ... به نمایش بگذارم.

وی با بیان اینکه دغدغه ی او در نمایش قبلی اش راجع به آب و بی آبی بود، در این باره توضیح داد: در آن نمایش می دیدیم که از کل آب های روی زمین تنها سه قطره باقی مانده و در آینده آب تبدیل به افسانه شده و دیگر آبی وجود ندارد. سعی می کنم همیشه اتفاقات روز را در نمایش هایم نشان دهم چون تئاتر خیابانی از دغدغه های روزمره شکل می گیرد و اگر به روز نباشی مخاطب با آن ارتباط برقرار نمی کند پس بهتر است به مسائل اجتماعی بپردازیم چون کار ما فرهنگ سازی است و باید بتوانیم تاثیر بگذاریم. اگر تاثیر بگذاریم، کشورمان به سمتی می رود که فرهنگ آن درست می شود و این اتفاق بسیار زیبا است.

این کارگردان تئاتر با اشاره به استقبال مردم از تئاتر خیابانی گفت: استقبال مردم را خیلی خوب می بینیم و در این چند سال، اولین بار نیست که علاقه مردم را به تئاتر دیده ام. تئاتر صحنه ای، خالی است ولی می بینیم برای تئاتر خیابانی جمعیت بسیاری می آید. پس مردم به تئاتر گرایش دارند ولی

چون متأسفانه پولی ندارند یا با ساز و کار آن آشنایی ندارند و نمی دانند به چه صورت است ، کسی به سالن ها نمی رود پس وظیفه ی ما بسیار سنگین تر می شود که در درجه ی اول تئاتر را به مردم نشان دهیم و بعد اینکه تاثیر تئاتر چیست .

این بازیگر تئاتر با بیان اینکه آنگونه که شایسته است به تئاتر خیابانی اهمیت داده نمی شود ، گفت : جشنواره تئاتر فجر برگزار شد ، مردم از کجا فهمیدند که این جشنواره در حال برگزاری است ، از تئاتر خیابانی . در واقع به گونه ای تئاتر خیابانی بر سر است ، پس به همان اندازه ای که سر و صدا ایجاد می کند ، باید به همان اندازه هم به آن اهمیت داده شود . آقای خلیلیان خیلی پیگیری می کنند و زحمت می کشند اما مشکلی که هست مسئولین بالاتر باید حمایت کند . چند سال پیش در تئاتر شهر ، تئاتر خیابانی اجرا می شد که الان قطع شده و تماشاچی ثابت داشت و تاثیر می گذاشت . این خیلی مهم است ، تئاتر به صورت ناخودآگاه ذهن را باز می کند و در بین جمعیتی که برای تماشای تئاتر می آیند اگر حتی روی یک نفر هم تاثیر بگذارد ، کار خودش را کرده است . پس اگر هر روز اجرا شود ، چقدر می تواند روی فرهنگ مملکت تاثیر گذار باشد .

صمیمی با اشاره به اضافه شدن تئاتر محیطی و آلترناتیو به بخش تئاتر خیابانی ، در مورد مدیریت و برنامه ریزی جشنواره امسال گفت : اضافه شدن این بخش ها و گسترده تر شدن بخش تئاتر خیابانی خوب است ولی حمایت ها باید بهتر شود . در بین کسانی که تئاتر خیابانی کار می کنند ، بچه های بااستعدادی وجود دارند که هم کار صحنه ای می کنند و هم خیابانی . من خودم در کار آقای یعقوبی که الان در حال اجرا است ، بازی می کنم . یا افرادی مثل هادی عطایی فر بچه هایی هستند که هم کار تصویر می کنند و هم تئاتر حرفه ای . پس به اندازه ی وقتی که برای تئاتر خیابانی می گذارند ، باید به همان اندازه هم برای آن ها ارزش قائل شد چون حیفاست و اگر این آدم ها هم دور شوند دیگر چیزی باقی نمی ماند . نگه داشتن این افراد مهم است که آن هم به مدیران باز می گردد که باید بیشتر حمایت کنند .

یاور دره زمی : بخش " به علاوه فجر " ، سبب دوگانگی و دو قطبی شدن جشنواره شده است

نمایش " یک مساوی چهار " به نویسندگی و کارگردانی یاور دره زمی یکی از نمایش هایی است که در بخش " به علاوه فجر " سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر در خانه نمایش دا به روی صحنه رفت . به همین بهانه خبرنگار تئاتر فستیوال گفت و گویی با کارگردان این اثر نمایشی داشته است که می توانید آن را در ادامه بخوانید :



یاور دره زمی با بیان اینکه ایده نمایشنامه " یک مساوی چهار " از یک مونولوگ شروع و سپس تبدیل به دیالوگ شد ، گفت : " ایده اولیه از دیدگاه دختری بود که شیشه مصرف کرده و در توهّمات خودش سیر می کند ولی بعد از مدت ها این ایده تبدیل به نمایشنامه شد و ایده اولیه آن کاملاً تغییر کرد . "

دره زمی در رابطه با حضور این نمایش در جشنواره تئاتر فجر گفت : " به دلیل تمام شدن زمان ارسال آثار مسابقه مرور تئاتر فجر ، ما به سمت بخش " به علاوه فجر " آمديم تا بتوانيم براساس تغييراتي که نسبت به اجرای عموم این نمایش ایجاد کردیم ، عکس العمل مخاطبان را بسنجیم . زیرا قرار است با این نمایش در جشنواره تئاتر تجربه و جشنواره هایفست لهستان حضور پیدا کنیم و دلیل تغییرات ایجاد شده در این نمایش نیز همین است . در حقیقت جشنواره تئاتر فجر برای من بهانه ای بود تا خودمان را محکمی بزنم و ببینم در این فضا چه عکس العملی خواهیم داشت . "

وی با بیان رضایت از اجرای عموم و اجرای جشنواره ای نمایش " یک مساوی چهار " گفت : " این دومین نمایش من است و امسال اولین سالی است که من در جشنواره شرکت می کنم . "

این کارگردان جوان تئاتر در خصوص حذف شدن بخش " تازه های تئاتر " جشنواره تئاتر فجر عنوان کرد : " من در جشنواره امسال نمایشی را ندیده ام ولی نسبتاً می توانم بگویم پیش از جشنواره

تمام نمایش هایی که در جشنواره حضور دارند را دیده ام . به نظر من اینکه فقط در جشنواره بخش "مرور تئاتر ایران" وجود دارد ، خوب نیست . چون در جشنواره نمایش جدیدی نمی بینید ، بلکه تمامی نمایش ها را در طول سال دیده اید و اصلاً تمایلی به دیدن نمایش در جشنواره برای شما وجود ندارد و جشنواره نمی تواند هیچ جذابیتی برایتان ایجاد کند ."

وی اضافه شدن بخش "به علاوه فجر" را اتفاق خوبی دانست و در رابطه با انتقاداتی که به این بخش دارد ، گفت : "وجود بخش "به علاوه فجر" در کنار جشنواره ، سبب دوگانگی و دوقطبی شدن آن شده است ، در حالی که تمام آثار مرور می توانند در کنار هم در بخش مسابقه قرار گیرند ، ولی به نظر من کمی بین سازمان های دولتی و خصوصی در جشنواره مشکل وجود دارد که چنین اتفاقاتی می افتد ."

کارگردان نمایش "یک مساوی چهار" با بیان اینکه جشنواره امسال ، تغییر آنچنانی نسبت به سالهای قبل خود نداشته است ، گفت : "به نظر من این اتفاق خوبی برای جشنواره نیست ، مخصوصاً وقتی می بینیم که در بخش به علاوه فجر ، بعضی از نمایش ها در سالن های خصوص هشت اجرا می روند . این نشان دهنده این است که سالن های خصوصی در بخش "به علاوه فجر" در جشنواره نقشی ندارد . البته در رابطه با این قضیه نمی شود حرف زد . چون به نظر من سالن های خصوصی از لحاظ کیفیتی نسبت به سالن های دولتی به جز تماشاخانه ایرانشهر خیلی بهتر عمل می کنند ، پس در نتیجه باید ما به تئاتر این مملکت فکر کنیم نه به خصوصی و یا دولتی بودن سالن ، دوقطبی بودن بخش "به علاوه فجر" و "مرور تئاتر" نیز به همین دلیل است و به جرات می توان گفت که اتفاق جالبی در جشنواره فجر نیست ."



گزارش تصویری نمایش خیابانی "کوری" (۲)



یادداشتی بر نمایش «آکوارיום کانگورو» به کارگردانی مجید کاظم زاده مزدهی :

آکوارיום پر رنگ و لعاب اما خالی کانگورو ها

نمایش «آکوارיום کانگورو» یک نمایش بی هویت و از دست رفته است .

نمایشی با متن بسیار ضعیف ، بدون دراماتورژی و با رنگ و لعابی تقلبی است که باعث نشده مخاطب ، جذب نمایش شود ؛ بلکه بیش از هر چیزی کارگردان را در دام حقه ی خویش قرار داده و او را از ارائه نمایشی قصه گو و مبتنی بر مسائل و دغدغه هایی که با آن زیست کرده ، دور کرده است .

رنگ و لعاب این نمایش شامل همه ی جزئیات اثر است ، از دکور و طراحی صحنه گرفته ، تا موسیقی ، گریم و حتی بازی بازیگران . که هیچ کدام نه تنها در خدمت نمایش نیست

بلکه به نظر می رسد بیش از هر چیز ، یک پُر آرتیستی پشت آن نهفته است که گویی کارگردان به واسطه ی آن خواسته است که ثابت کند می تواند بر خلاف آثار پیشین خود ، چنین نمایش پر رنگ و لعابی هم بسازد و به روی صحنه برد .

«آکوارיום کانگورو» شلنگ تخته ای وام گرفته از نمایش هایی است که این سال ها به روی صحنه رفته است مثل «بیرون پشت در» و

قصه این نمایش از همان ۱۵ دقیقه ی اول لو می رود و هیچ چیز روایت کردنی ، تعلیق و یا حتی کوچکترین کششی را در مخاطب باقی نمی گذارد که بتواند ادامه ی این نمایش طولانی ۹۰ دقیقه ای را ببیند . از همان زمانی که مشخص می شود همه ی پرسوناژهای این نمایش مرده اند و فضا سازی های گوناگون صحنه مثل دریاچه ، سطح شیب دار ، پرسوناژها و ... مشخص می شود ، باقی نمایش فقط شعاری بی کارکرد ، لوس و بیش از هر چیزی خسته کننده است . بازی بازیگران هم علی رغم آنکه زحمت زیادی برای خلق هر یک از پرسوناژ ها کشیده اند ، از آن جهت که بر بستر قصه ای پر اشتباه شکل گرفته ، بی تاثیر و الکن است . اکت های اگر جره ای که هیچ حسی را به مخاطب القا نمی کند . هیچ همزاد پنداری و نزدیکی و تأثیری را در او ایجاد نمی کند .

آثار قبلی این کارگردان اگرچه نمایش های متوسطی بودند که در جشنواره اجرا شده اند ، ولی بهتر از این اثری است که سر تا سر آن بی هویت است . آثار پیشین نمایش هایی بودند قصه گو ، با فرمی ساده و اجرایی معقول که هم کارگردان می دانست چه روی صحنه برده است و هم تکلیف مخاطب با اثر مشخص بود ، نه مانند «آکوارיום کانگورو» بی هویت و گیج و ضعیف .

مرجان سادات هاشمی — دپارتمان نقد تئاتر فستیوال



یادداشتی بر نمایش «افراسیاب» به کارگردانی مصطفی حمیدی فر :

افراسیاب ، اسطوره ای بی مانند

«افراسیاب» نمایشی از شهرستان سبزوار است که هیچ چیز از تئاترهای اجرا شده در تهران کم ندارد و می توان گفت یک و سر و گردن از بعضی نمایش های تهران نیز بلندتر است .

این نمایش را می توان تنها اثری در جشنواره تئاتر فجر معرفی کرد که در راستای پوشش «من صدای آب هستم» گام برداشته و اثری را برای اجرا در این جشنواره انتخاب کرده است که سوژه ی آن به بحران آب اشاره دارد و به این موضوع می پردازد .



سوژه این نمایش براساس داستان های اساطیری شاهنامه ، «افراسیاب و کیکاووس» شکل گرفته و به موضوع آب و اهمیت آن برای انسان می پردازد .

انتخاب نمایشنامه ای خوب ، اولین گام مثبت در جهت موفق بودن بک اثر نمایشی است . نکته دیگر ، کارگردانی حساب شده ی مصطفی حمیدی فر و طراحی میزانشن های اصولی او است که فضا را برای خلق اثری جذاب و دیدنی فراهم آورده است .

ما در این نمایش با کارگردانی ، با دقت روبرو هستیم ، کارگردانی که ریزبین است و نمایشی را بر روی صحنه برده که جواب گوی مخاطبانش در هر گروه سنی است و در بیان قصه هیچ چیز را بر مبنای آگاهی مخاطب نگذاشته و قصه اش را کامل تعریف کرده است .

او از ابتدا شروع به قصه گویی می کند و پرسوناژهایش را در روندی کاملاً منطقی معرفی می کند . این نمایش سرنوشت افراسیاب و برادران او را روایت می کند . و هر یک از شخصیت های فضای نمایش را یک به یک معرفی می کند و نخ اصلی داستان تا پایان رها نمی شود و قصه بر یک خط روایی درست پیش می رود .

طراحی صحنه خلاقانه این نمایش نیز بسیار به کمک کارگردانی می آید و او هر صحنه را به گونه ای متفاوت و جذاب برای مخاطب به نمایش در می آورد و به نوعی ریتم نمایش را با عوض شدن صحنه ها

و چیدمان دکور پیش چشم مخاطب حفظ می شود و به یک ضرب آهنگ درست روی صحنه می رسد . طراحی پرتابل این نمایش را می توان از دیگر ویژگی مثبت آن بیان کرد . طراحی صحنه ای خلاقانه که با عوض شدن دکور ، باعث تغییر کامل فضا می شود . این نمایش علاوه بر ساختاری قوی از موضوع و سوژه ای ناب بهره برده است .

استفاده به جا از نور و موسیقی تاثیر به سزایی در فرم اجرایی نمایش داشته است . همچنین در این اثر شاهد بازی های بی نقص و به جای بازیگران هستیم ، بازیگرانی که هریک در ایفای نقش خود موفق هستند و پرسوناژ خود را به درستی برای مخاطب به نمایش در می آورند .

بازی یکدست و تاثیرگذار بازیگر اصلی نمایش که پرسوناژ افراسیاب را ایفا می کند ، از بهترین بازیگران این نمایش است و گویی یک تاریخ را با تمام اشتباهات و افتخاراتش به همراه دارد و کوچکترین ضعفی در بازی او دیده نمی شود .

در حقیقت “ افراسیاب ” را می توان پازلی از بهترین ها دانست ؛ از نمایشنامه گرفته تا اجرا و کارگردانی ، همچنین توجه به جزیی ترین المان ها ، نیز پیشتر است و به همین خاطر نتیجه اجرا به یک اثری موفق تبدیل شده است .

آنچه در پایان نمایش ، ما را به عنوان مخاطب از دیدن این نمایش دیدنی دلگرم می کند ، کنار هم قرار گرفتن گروهی با انگیزه و هدفمند است که بی هیچ ادعایی به روی صحنه می آیند و هر چه که باید را به بهترین نحو ممکن اجرا می کنند و حضور خود را بر روی صحنه به ثبت می رسانند موفقیت این نمایش را میتوان مدیون کارگردانی مصطفی حمیدی فر دانست چرا که او با تجزیه و تحلیل اصولی متن ، پاسخ دادن به تمامی سوالاتی که برای مخاطب ایجاد شده ، تفسیر و شناخت محتوای نمایشنامه و همچنین آموزش و هدایت بازیگران توانسته تا حدی موفقیت اثر را در نزد تماشاگر تضمین کند .

فرهاد ابراهیمی والا – دپارتمان نقد تئاتر فستیوال



کیومرث مرادی : امیدوارم آثار بخش معرفی جوانان تئاتر فجر هر سال پربارتر باشد

کیومرث مرادی کارگردان ، مدرس و پژوهشگر تئاتر ، در آخرین روز از سی و پنجمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر با نمایش “ نامه های عاشقانه از خاورمیانه ” در بخش بین الملل حضور یافت . به بهانه اجرای این نمایش در جشنواره تئاتر فجر ، خبرنگار **تئاتر فستیوال** با این کارگردان با تجربه تئاتر به گفت و گو پرداخته که در ادامه می توانید آن را بخوانید :



کیومرث مرادی در رابطه با شکل گیری نمایش “ نامه های عاشقانه از خاورمیانه ” گفت : “ من در سال ۲۰۰۸ در فستیوال تئاتر ادینبورگ بودم ، در آن فستیوال ، ورکشاپی تحت عنوان اسطوره های معاصر جهان برگزار شد و در آن پنج کارگردان انگلیسی و پنج کارگردان ایرانی حضور داشتند که بر اسطوره های معاصر کار می کردند و متدهای خود را به یکدیگر معرفی می کردند . در همان دوران دو خبر بسیار مهم در انگلستان معروف شده بود و اپیزود دوم و سوم این نمایش شد .”

وی افزود : “ من فکر کردم که اسطوره های معاصر می توانند زنان و بچه های قربانی جنگ و یا کسانی باشند که در اخبار و تلویزیون آن ها را می بینیم ، کم کم این نمایش شکل گرفت و با همراهی و همکاری دوست خوبم پوریا آذربایجانی نوشته شد و این نمایشنامه شکل گرفت و به اجرا رسید .”

مرادی در خصوص به اجرا رسیدن این نمایش توضیح داد : “ ما برای اولین بار این نمایش را در کشور آمریکا با بازیگران آمریکایی اجرا کردیم بعد از آن در آذر ماه امسال اجرای این نمایش را در سالن پالیز تهران شروع کردیم و با استقبال زیادی از مخاطب مواجه شدیم .”

وی با بیان اینکه طراحی صحنه نمایش “ نامه های عاشقانه از خاورمیانه ” را نرمین نظمی بر عهده داشته است ، گفت : “ ایشان یکی از بزرگترین طراحان صحنه ایران هستند . کار کردن با ایشان به این صورت است که او در کنار کارگردان می نشیند و گام به گام با او کار می کند . در طول مدت تمرین او به شیوه من که شیوه ای مینیمالیستی بود ، شروع به طراحی کرد و در نهایت به این پرده های بسیار لطیف و

زنانگی کار و حرکت رنگ ها و خطوط رسید و به نظر من این طراحی یکی از زیباترین و مینیمالیستی ترین طراحی هایی است که من تا به حال دیده ام .“

این کارگردان تئاتر با اشاره به اینکه به دلیل اجرای مداوم این نمایش در شب های جشنواره موفق نشده است که آثار ارائه شده در جشنواره سی و پنجم را ببیند ، گفت : “من معتقد هستم که امروزه جشنواره بین المللی تئاتر فجر در خاورمیانه از مهمترین رویدادهای تئاتری منطقه است و خوشحال هستم که وقتی به بسیاری از کشورها سفر می کنید این جشنواره را می شناسند و برخی از آن ها آرزو دارند و علاقه مند هستند که در این فستیوال شرکت کنند . در واقع این فستیوال ویتترین تئاتر ایران است و من همیشه امیدوار هستم که این جشنواره بتواند بخش مهمی از فعالیت تئاتری های ایران را به نمایش بگذارد و خوشحال هستم که در این جشنواره حضور دارم .“

وی تکنولوژی در تئاتر را یکی از مهمترین ابزارها دانست و عنوان کرد : “امروزه تئاتری های بزرگ دنیا از تکنولوژی به عنوان یکی از ابزارهای تئاتری استفاده می کنند . همچنین افراد بزرگی همچون رابرت ویلسون تا پیترو بروک و خیلی های دیگر از این تکنولوژی به نفع تئاتر و نمایش خود استفاده می کنند . من مطمئن هستم که خیلی از دوستان با دانش من ، همچون سعید اسدی و مهرداد رایانی مخصوص و بسیاری از عزیزان دیگر ، کاملاً آگاهانه و هدفمند می دانند که چه آثاری را انتخاب کنند و به نظرم این انتخاب ها به این صورت نبوده که بگویند تکنولوژی در کشور ما خوب است بنابراین کارهایی را که تکنولوژی دارد ، بیاوریم . امروز تکنولوژی مانند گریم ، لباس و طراحی صحنه جزئی از تئاتر است و شما وقتی کارهای خوب را انتخاب می کنید ، حتما در آن ها تکنولوژی وجود دارد .“

کیومرث مرادی در پایان با اشاره به بخش مسابقه جوان جشنواره تئاتر فجر گفت : “امیدوارم بخشی که به عنوان بخش معرفی جوان های تئاتری به تئاتر ایران است ، هرچه بیشتر و پربارتر اتفاق بیفتد و نمایش های پربارتری در این بخش حضور داشته باشند و در عین حال برای اجرای عموم در سال های آینده به آن ها تضمین داده شود و از آنها حمایت مالی شود . این بخش یکی از امیدهای نسل بعد است ، من خودم از این بخش بالا آمدم و خودم و اثرم را به تئاتر ایران معرفی کردم . این بخش یکی از زیباترین بخش های جشنواره هم هست چون این بخش از جشنواره بخشی پر از تلاش ، انرژی و خلاقیت برای آدم هایی است که می خواهند خود را معرفی کنند . می دانم که امسال خیلی به این بخش توجه شده است و امیدوارم در سال های بعد بیشتر و بیشتر مورد توجه قرار گیرد و تضمین اجرای عمومی در سالن های دولتی به این جوان ها داده شود تا بتوانند نمایش های خود را بی دغدغه اجرا کنند و خود را به مردم و مخاطب معرفی کنند .“



محسن اردشیر : آرزویم این است روزی بتوانیم جنگ را متوقف کنیم .

نمایش “ مرگ آنجل ها “ به نویسندگی و کارگردانی محسن اردشیر از شهر آمل یکی از نمایش هایی است که در بخش “ مسابقه مرور تئاتر ایران “ سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر در تالار هنر به روی صحنه رفت . به همین بهانه خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت و گویی با کارگردان این اثر نمایشی داشته است که می توانید آن را در ادامه بخوانید :



محسن اردشیر در رابطه با قصه نمایش “ مرگ آنجل ها “ گفت : “ قصه این نمایش روایتگر زندگی ماهی هایی در آکواریوم ، به نام ماهی های آنجل است . ما یک نوع ماهی داریم به اسم آنجل که خیلی زیبا و شبیه به فرشته ها هستند . نام نمایشنامه نیز بر این اساس انتخاب شده است . ”

وی در خصوص شکل گیری این نمایش افزود : “ تمرینات این نمایش در آمل حدود ده ماه زمان برد . سپس به مدت ۱۸ روز در آمل اجرا گذاشتیم و اساتید بسیاری من جمله دکتر قطب الدین صادقی ، مهران احمدی ، نفیسه روشن ، رضا بنفشه خواه و ... از تهران به دیدن این نمایش آمدند و از این اثر حمایت کردند و شاید بتوانم بگویم تنها نمایشی بود که دکتر قطب الدین صادقی در وصف آن یک بیانیه محکم صادر کردند . ”

اردشیر با ابراز نارضایتی از سالن اجرای این نمایش در جشنواره گفت : “ من برای اجرای این نمایش درخواست تالار اصلی داده بودم ، اما این تالار را به من دادند و از این اتفاق بسیار ناراحت هستم . زیرا ما در این سالن حتی دکورمان را نمی توانستیم جابه جا کنیم . در حالی که ما در سال گذشته چهار جایزه از جشنواره فجر دریافت کردیم و در تمام فستیوال های کشور شرکت می کنیم . ولی متأسفانه بچه های شهرستان وقتی جایزه می گیرند و به شهرشان برمی گردند ، از یاد همه می روند . ما تهران نیستیم که اجرا بگذاریم و بیایند اجرای ما را ببینند و از ما حمایت کنند به همین خاطر زود فراموش می شویم و فکر نمی کنم که عادلانه باشد . ”

وی در ادامه گفت: "گرچه امسال دیدم که به تمامی گروه های شهرستانی سالن های خوب داده بودند، البته نه اینکه بخواهم بگویم قصد و منظوری داشته اند، نه به این صورت نبوده است ولی وقتی من برای تالار اصلی درخواست دادم، آقای حاجیان گفتند امسال قرار است در تالار اصلی تمامی آثار خارجی باشد، تالار وحدت هم کویا هزینه دارد! و به هر حال شانس ما نشد."

محسن اردشیر با بیان اینکه مخاطبان زیر ۱۴ سال نباید به دیدن نمایش "مرگ آنجل ها" بنشینند گفت: "ما در این نمایش صحنه هایی بدتر از این هم داشتیم اما به واسطه حضور تماشاگر در جشنواره آن صحنه ها را اجرا نکردیم، اما در تهران که اجرا بگذاریم آن صحنه ها را اضافه خواهیم کرد."

این کارگردان در پایان در رابطه با پیام نمایش "مرگ آنجل ها" توضیح داد: "من از اولین روزی که این نمایش را آغاز کردم، با خود گفتم من جرات اسلحه در دست گرفتن ندارم، ولی جرات این را دارم که روی صحنه حرفم را بزنم. در حقیقت "مرگ آنجل ها" یک ادای دینی است به تمام کسانی که در جنگ از بین می روند و دلیلش را خودشان هم نمی دانند، حتی ما هم نمی دانیم دلیلش چیست، پول، ایدئولوژی و یا هر چیز دیگر باعث مرگ این عزیزان می شود. فرقی ندارد ایرانی باشی یا در هر کجای دنیا که باشی. من دوست دارم نمایشی اجرا شود که روزی بتوانیم جنگ را متوقف کنیم."



علی پویان : برای اجرای " دکتر استوکمان " همانند ایبسن مقاومت کردم .

نمایش " دکتر استوکمان (دشمن مردم) " نوشته هنریک ایبسن و کارگردانی علی پویان یکی از نمایش هایی است که به عنوان میهمان در سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر در تالار چهارسو مجموعه تئاتر شهر به روی صحنه رفت . به همین بهانه خبرنگار تئاتر فستیوال گفت و گویی با کارگردان این اثر نمایشی داشته است که می توانید آن را در ادامه بخوانید :



علی پویان کارگردان نمایش " دکتر استوکمان (دشمن مردم) " در رابطه با انتخاب این نمایشنامه گفت : " من این متن را ۱۲ سال پیش انتخاب کرده بودم ، ولی نمی گذاشتند که این متن را اجرا کنم . من همچون ایبسن بسیار مقاومت کردم . ایبسن می گوید " قوی ترین تنها ترین " اما من می گویم " قوی ترین مقاوم ترین " . من اراده کردم که این متن را به روی صحنه بیاورم و در نهایت این کار را انجام دادم . "

پویان در خصوص ویژگی های این متن گفت : " ایبسن در این متن حرفی را می زند که حرفی جهانی است که شامل ایران هم می شود ، به همین دلیل فکر کردم به عنوان یک هنرمند وظیفه دارم که این متن را اجرا کنم . "

این نویسنده و کارگردان تئاتر با اشاره به اینکه بعد از جشنواره تئاتر فجر اجرای عموم خود را آغاز خواهد کرد ، در رابطه با چگونگی انتخاب بازیگران این نمایش توضیح داد : " یکی از لطف های خداوند به من این بود که با این بازیگران " دشمن مردم یا دکتر استوکمان " را به روی صحنه بیاورم ، متأسفانه بازیگران سریال های کذایی وقت من را گرفتند ، با بدقولی و بد اخلاقی هایشان من را اذیت کردند . حتی من به دلیل خبری که یکی از بازیگران همان سریال ها به من گفت که به دلیل بازی در سریال نمی تواند بر سر اجرا حاضر شود ، من آسیب فیزیکی دیدم . با شنیدن این خبر از روی پله برقی مترو با صورت بر زمین روی صفحه آهنی افتادم و خدا به من رحم کرد . "

پویان در پایان در رابطه با تغییرات اجرای عموم این نمایش گفت : " در اجرای عموم این نمایش نسبت به اجرای جشنواره تغییرات کمی ایجاد خواهد شد این احتمال وجود دارد که زمان نمایش کمی کوتاه شود . "

وحید نفر : تجربه ی کار در کنار نسل جوان ، بسیار خوب و شیرین بود .

وحید نفر یکی از بازیگرانی است که در نمایش “ کابوس شب نیمه تابستان ” به نویسندگی مهدی اسدزاده و کارگردانی شکوفه طاهری که در سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر به روی صحنه رفت و پیش از آن اجرای عموم خود را پشت سر گذاشت ، به ایفای نقش پرداخته است . به همین بهانه خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت و گویی با وحید نفر ، کارگردان و بازیگر تئاتر داشته است که می توانید آن را در ادامه بخوانید .



وحید نفر در مورد حضور در نمایش “ کابوس شب نیمه تابستان ” گفت : تجربه بسیار خوب ، شیرین و درجه یکی در کنار بچه هایی که شاید یک نسل جوان تر از من هستند ، بود ، البته میسا مولوی هم سن خودم است . از همکاری با این تیم بسیار لذت بردم . متن خوبی در اختیار داشتیم و تنها تلاشی که ما کردیم این بود که بتوانیم این متن خوب را به بهترین نحو روی صحنه اجرا کنیم و فکر می کنم موفق بودیم .

وی با بیان اینکه از ابتدای شکل گیری نمایش با گروه اجرایی همراه بوده است ، گفت : دوستانی مثل آقای عطایی ، آقای شفیعی ، آقای امیدی و ... با ما همراه بودند که در زمان اجرای عموم نشد در خدمتشان باشیم و دوستان دیگری به جای آن ها آمدند و الحق والانصاف توانستند ادای دینی به آن دوستان بکنند و خوش درخشیدند .

این بازیگر تئاتر در مورد پرسوناژ خود در نمایش “ کابوس شب نیمه تابستان ” توضیح داد : فکر می کنم که نقش آندره یکی از نقش های خاص است که در طول عمر هر بازیگری شاید یک بار شانس آن را داشته باشد که بتواند آن را بازی کند . در واقع آندره کم گوی و گزیده گوی است و با تکیه کلام هایی که دارد ، روند فانتزی و کمدی نمایش را به دوش می کشد . در عین اینکه دیگر بازیگران به صورت فیزیکی و پر جنب جوش تر نقش هایشان را ایفا می کنند ، آندره نقش ساکن ولی پر تمپویی دارد .

وحید نفر در پایان در مورد تفاوت حال و هوای جشنواره با اجرای عموم به خبرنگار **تئاتر فستیوال** گفت : با فاصله سه ماهه ای که میان اجرای عموم ما و جشنواره فجر افتاد و با تمریناتی که داشتیم ، انگار اجرای فجر ادامه همان اجراهای عمومی بود که داشتیم . به خاطر حس خوب و مشترکی که بین همه بچه ها بود ، دوری از اجرا را حس نکردیم و فکر می کنم همین حس خوب باعث شد که هم ما و هم تماشاگران لذت ببریم .

گزارش تصویری نمایش خیابانی "داستان مردم"



گزارش تصویری نمایش خیابانی "در بازی آخر هیچ راهی برای خروج نیست"



نقدی بر نمایش «رسوب» از مشهد به کارگردانی مسعود خالقی :

فاصلهٔ بعید ایده تا نمایش

صرف داشتن یک دغدغه و یا یک طرح یک خطی، برای خلق یک نمایش کفایت نمی‌کند و نمایش چیزی فراتر از یک طرح کلی لازم دارد و آن «نمایشنامه» است. نمایشنامه‌ای که سیر منطقی داشته باشد، قصه داشته باشد و هیچ سوالی را بی پاسخ نگذارد. و این همان چیزی است که نمایش «رسوب» نداشت.

نمایش «رسوب» به دنبال بیان یک دغدغه است. مشکلات و جنگ‌های خاورمیانه و بعد ربط دادن این جنگ‌ها با زندگی‌های معمولی؛ اما متأسفانه در این مسیر کاملاً شکست خورده است.



ما در این نمایش با یک خبرنگار جنگ مواجه هستیم که اصلاً نمی‌دانیم کیست، چرا این

شغل را انتخاب کرده است، قرار است چه کند، چه هدفی دارد، چگونه عاشق یک دختر عرب می‌شود و از همه اینها مهم‌تر چرا تصمیم می‌گیرد ناگهان شغلش را رها کند و به کشورش برگردد؟! ما در ابتدای نمایش می‌شنویم که گفته می‌شود دیگر قصد ندارد به خبرنگاری ادامه دهد و این موضوع با لحنی ناراحت گفته می‌شود. انگار که اتفاقی افتاده است که نمی‌تواند ادامه دهد و یا اینکه از این شغل خسته شده است. اما تا انتهای نمایش اساساً هیچ اشاره‌ای به دلیل این ماجرا نمی‌شود.

دختر عرب برای مخاطب گنگ و نامفهوم است، نه معلوم است مادر ایرانی‌اش چه نقشی در زندگی‌اش داشته و نه این که چرا چنین شخصیتی پیدا کرده است؟ نه اینکه چرا به دنبال یک عشق ایرانی آمده و یا اساساً چرا عشقش را به این راحتی رها می‌کند و خسته می‌شود و می‌رود؟!

تورج را هم که به زور باید حدس زد که برادر ناتنی مرد خبرنگار است و پدر خانواده ازدواجی مجدد داشته است و حال پسر، چشم به اموال پدر خود دارد که این هم بدون سیر منطقی و بی ربط به کل نمایش است.

«رسوب» سرشار از اتفاقات بی ربط به همدیگر است. بدون هیچ گونه شخصیت‌پردازی و بدون این که اصلاً به خود زحمت بدهد که مخاطب را از آنچه در حال وقوع است آگاه کند. اکثر بازیگران نمایش، به غیر از بازیگر نقش مادر، اشتباه انتخاب شده‌اند و اساساً هیچ ربطی به نقش خود ندارند.

در طراحی صحنه استفاده از سیم‌های لخت در سقف و استفاده از شیشه‌های آب معدنی در تعداد زیاد؛ بی‌معنا، بد و بی ربط به کل نمایش است. ما نمی‌توانیم در طراحی صحنه به دلیل مطرح کردن دریا و رودخانه و غرق‌شدگی، مدام از شیشه آب معدنی استفاده کنیم. مسلماً این نماد بی ربطی است و «رسوب» نتوانسته است انتخاب‌های درستی داشته باشد. در نتیجه حتی ایده و طرح کلی نویسنده و کارگردان نیز در این آشفته بازار گم می‌شود و پیامی به مخاطب رسانده نمی‌شود و لذتی نیز در او ایجاد نمی‌گردد.

سعید خالقی – دپارتمان نقد تئاتر فستیوال

یادداشتی بر نمایش « چرخه سودایی » به کارگردانی محمد جواد صرامی :

اوفلیای سر در گم در چرخه سودایی

“ چرخه سودایی ” نمایشی است که همچون آلبوم عکس در جلوی مخاطب ورق می خورد . نمایش با نریشنی آغاز می شود و کارگردان بسیار دست و پا شکسته به وسیله نریشن مخاطب را وارد قصه می کند و سعی دارد فضای بیمارستان را در ذهن او خلق کند .

سپس پرده کنار می رود و ما به عنوان مخاطب از آن لحظه به بعد شاهد فریز شدن پیاپی بازیگران هستیم ، مدام پرده عوض می شود و بازیگران با اکت های متفاوت و فریز شده روی صحنه ظاهر می شوند و بار دیگر این اتفاق تکرار می شود ، این بار با اکت



هایی متفاوت همچون اسلاید دیگری از یک آلبوم عکس ، پیش چشم تماشاگر حاضر می شوند . مخاطب “ چرخه سودایی ” در فضای قصه گیج و گنگ است و مدام در بین بازیگران و عوض شدن پیاپی پرده های نمایش به دنبال قصه می گردد . قصه ای که نه پرسوناژهایش مشخص هستند و نه فضا و زمان قصه .

طراحی صحنه نمایش القاگر فرم بیمارستان است . دیوارهای فلزی با دو در روبروی آن که فضا را برای رفت و آمد بازیگران هموار کرده است . مخاطب در ابتدا از سوژه پرداختی نمایش آگاه نمی شود تا جایی که پرسوناژ نمایش نام هملت را به زبان می آورد ، فضای قصه کامل در ذهن او عوض می شود .

ولی همچنان در حال کاوش در قصه می ماند تا بفهمد آیا به تماشای نمایش هملت و قصه اوفلیا نشسته است یا دیدن چند قاب متفاوت در یک فضای تکراری .

تا لحظاتی از نمایش ما تنها نظاره گر رفت و آمد پیاپی بازیگران و میزانشن های متفاوت آن ها و از این طرف صحنه به طرف دیگر صحنه دوییدن آن ها هستیم ، این تکرار مخاطب را خسته و ریتم قصه را کند می کند .

زیرا او به تماشای نمایش نشسته است و منتظر قصه گویی توسط کارگردان است ولی این مهم بسیار دیر اتفاق می افتد .

“چرخه سودایی” بیشتر به سراغ نمادسازی پرسوناژها، المان‌ها و کاراکترهایی که در خودکشی اوفلیا نقش داشته اند، گام برداشته و ایده‌ای جدید اما در فرمی خام و پرداخت نشده را به نمایش درآورده است.

کارگردان این اثر متأسفانه نتوانسته آنچه در ذهنش متصور بوده را به فضای نمایش وارد کند. به همین دلیل بسیاری از پرسوناژهای نمایش بی هویت و تنها در یک فرم اجرایی، بی آنکه تکلیفشان برای مخاطب مشخص شود، باقی می‌مانند.

این نمایش دارای تضاد است، تضادی که از ابتدا با استفاده از نریشن ظاهر می‌شود و مخاطب گمان می‌برد که با نمایشی قصه‌گو طرف است، ولی این اتفاق تنها در اول و میانه‌ی نمایش رخ می‌دهد و دیگر قصه‌گویی در نمایش نمی‌بینیم.

طراحی صحنه نمایش و گریم‌های متفاوت پرسوناژها به دلیل واضح نبودن هدف کارگردان بی‌مورد است، زیرا اساساً کمکی به روند و فهم مخاطب نمی‌کند.

“چرخه سودایی” به کمک مهارت بازیگران در اجرای نمایش تا لحظه پایان مخاطب را بر صحنه خود می‌نشاند ولی تا آخرین لحظه مخاطب همچنان تشنه درک بیشتر قصه است و ای کاش کارگردان می‌توانست در کنار زحمات گروه و تیم اجرایی، سوژه مورد نظرش را بیشتر برای مخاطب باز می‌کرد تا او بیشتر از نمایش لذت ببرد.

فرهاد ابراهیمی والا – دپارتمان نقد تئاتر فستیوال

به بهانه برپایی نمایشگاه عکس خیابانی از اساتید و پیشکسوتان تئاتر، در سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر :
خاطرات فجر از قالار وحدت تا تئاتر شهر (۱)



یکی از اتفاقات جالبی که در سی و پنجمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر رخ داد، برپایی نمایشگاه عکس خیابانی از چهره های ماندگار و اساتید و پیشکسوتان حوزه تئاتر بود؛ که در حد فاصل بین خیابان رازی و خیابان حافظ، برپا شد و حال و هوای جشنواره تئاتر فجر را به خیابان شهریار برد.

از همین رو بر آن شدیم تا با برخی از این اساتید تماس گرفته تا خاطره ای از دوران حضورشان در جشنواره تئاتر فجر برای ما و مخاطبین **تئاتر فستیوال** تعریف کنند. در این بین با خاطراتی تلخ و شیرین رو به رو شدیم. برخی از اساتید هم نگاه نقادانه ای به جشنواره تئاتر فجر در این دوره و در دوره های پیشین داشتند؛ که به نظر می رسد تجربیات خوبی باشد تا بتوان در آینده راه گشای دست اندرکاران جشنواره باشد.

در این گزارش آنچه بیش از همه ناراحتان کرد، جای خالی برخی از این بزرگواران بود که هنوز هم باورمان نمی شود، نیستند. اساتیدی چون داوود رشیدی و جعفر والی و... یادشان گرامی.

استاد محمد علی کشاورز : امیدوارم نقد های زیبا بنویسید .



صدای استاد محمد علی کشاورز که خودشان پاسخ تلفن را دادند برایمان بسیار دلپذیر و شیرین بود . ایشان که به دلیل درد پایشان مدتی است از حضور در عرصه ی تئاتر ، سینما و تلویزیون دور مانده اند ، به ما گفتند : ”سی سال است که خبری از ماجرا های تئاتری ندارم و نمی دانم بر تئاتر چه گذشته است .“

بعد هم از دوران خاطره انگیز و همکاری های ماندگاری یاد کردند که آرزوی هر هنرمندی است که آنها را تجربه کند . دورانی که خود بر صحنه ی تئاتر آثار ماندگاری چون ”مرده های بی کفن و دفن“ و ”بازی استریندبرگ“ را ایفا کرده اند ، استاد کشاورز درباره ی آن دوران گفتند : ”در دوره ای که من تئاتر کار می کردم ، با افراد باتجربه و بسیار خوبی مثل مرحوم حمید سمندریان ، آقای علی نصیریان ، آقای عزت الله انتظامی و آقای داوود رشیدی آثار زیادی را اجرا کرده ایم که اغلب مرحوم سمندریان کارگردان بود و ما بازی می کردیم . خدا او را رحمت کند . این راهی است که در حال حاضر جوان های ما باید شرافت ، نجابت و انسانیت را از آقای حمید سمندریان یاد بگیرند و امیدوارم خداوند به علی نصیریان طول عمر بدهد .“

استاد کشاورز همچنین با نگاهی پدرا نه و دلسوزانه خطاب به جوانان ادامه دادند : ”امیدوارم در راه تئاتری که گذشتگان زحمت بسیاری برای آن کشیده اند تا به اینجا رسیده است ، همه جوان هایی که کار ، کوشش و تلاش می کنند ، موفق و زنده باشند .“

ایشان همچنین در پایان اضافه کردند : ”نقد های زیبا بنویسید تا من که نمی توانم برای دیدن آثار بروم ، حداقل آنها را بخوانم و امیدوارم که شما جوان ها در راه اعتلای تئاتر این مملکت موفق و پیروز باشید .“

سیلین بلالی
تئاتر فستیوال

اکبر زنجانیپور: "اهملت" جذاب ترین نمایشی است که در جشنواره تئاتر فجر دیده ام.

اکبر زنجانیپور یکی دیگر از بزرگان عرصه تئاتر که با آثار درخشانی از متن های چخوف ، هیچ وقت از یادها فراموش نخواهد شد ، در خاطره ای کوتاه از اجرای نمایشی در جشنواره تئاتر فجر نام برد ، که برایش بسیار جالب بود . او درباره ی این نمایش گفت : "حدوداً ده یا دوازده سال پیش نمایشی در جشنواره تئاتر فجر دیدم به نام "اهملت" از کشور آلمان ، که دو پرسوناژ داشت و این دو نفر ، کل نمایشنامه "هملت" را با همه ی پرسوناژهایی که دارد ، بازی کردند . با اینکه حرکتی هم نمی کردند و روی دو تا صندلی نشسته بودند



، تمام ماجرا را طوری اکت می کردند یا حرف می زدند که آدم همه چیز را می دید و این برای من خیلی جذاب بود . جذاب ترین کاری که در جشنواره تئاتر فجر در طول این سال ها دیده ام این نمایش است . "

زنجانیپور در روزهای پایانی این ماه (بهمن) اجرای دیگری از نمایشنامه "باغ آلبالو" را به روی صحنه می برد که خودش تیم اجرایی این نمایش را بهترین گروهی می داند که در تمامی این سال ها داشته است .

هادی مرزبان : شب های تئاتری در ایام جشنواره بسیار شیرین و جذاب بود .

هادی مرزبان از شور و شوق اجرای جشنواره تئاتر فجر در دوره های پیشین گفت . از شب هایی که همه برای نقد و بررسی اجراهای جشنواره دور هم جمع می شدند و بحث و گفتگو شکل می گرفت و اینکه چقدر جای این دورهمی ها و نشست های صمیمی و دغدغه مند در جشنواره های این روزهای مان خالی است . خاطره ی کارگردان بنام تئاتر ایران را از زبان خودش بخوانید : ” در زمان های دور ، وقتی جشنواره ها شروع می شد و بچه های شهرستان به تهران می آمدند ، در طول یک هفته یا ده روزی که جشنواره



جریان داشت ، به طور عجیبی هیجان در همه جای تهران حکم فرما بود و شب ها بعد از دیدن نمایش های مختلف ، زندگی تئاتری شبانه بچه های تئاتر شروع می شد . در همه ی هتل هایی که اهالی تئاتر ساکن بودند ، بچه های تئاتر تهران و شهرستان ها و همین طور اساتید دور هم جمع می شدند و تا دیر وقت راجع به تئاتر و نقد تئاترهایی که در طول روز دیده بودند گفتگو می کردند و این اتفاق شور و حال دیگری به جشنواره می داد . اما متأسفانه ما دیگر در جشنواره این اتفاق را نداریم و علت آن این است که گروه های مختلف کارشان را اجرا می کنند و بعد می روند . البته مطلع نیستم که امسال هم به همان شکل پیش رفته است یا نه . به همین خاطر شب های تئاتری که در سرتاسر تهران حکم فرما بود ، بسیار شیرین و جذاب بود و همه از آن اطلاع داشتند . ”

کارگردان نمایش ” بازار عاشقان ” درباره بی غل و غش بودن گروه های نمایشی در آن روزها ادامه داد : ” در آن دوران همه ی بچه ها به کمک هم می آمدند . من حتی به خاطر دارم که پیش از انقلاب ، برای اجرای نمایشی به تهران آمده بودیم و برای آن اجرا لازم بود بر دیورا های دکور کاهگل بزنیم . همه ی افراد گروه تا صبح گل لگد می کردیم ، رنگ می زدیم و دکور درست می کردیم و فردای آن بدون هیچ ادا و شکایتی به روی صحنه می رفتیم. در حال حاضر این اتفاق را کم داریم و دلیلش را نمی دانم چیست ؟! ”

هادی مرزبان همچنین در خاطره ی جذاب و خواندنی دیگر از دوران جوانی خود و اجرای تئاتر در شهرهای مختلف ایران گفت : ” یادم است ، در جشنواره ای پیش از انقلاب ، ما گروه هایی بودیم که با مینی بوس به شهرستان ها می رفتیم و نمایش اجرا می کردیم . قرار بود برای اجرای نمایش ”سق سیاه“ به شهر همدان برویم که ماشین مان در بین راه خراب شد و مجبور شدیم شب را

در شهر اراک بمانیم . قبل از آن در شهر تبریز و چند شهر دیگر که در مسیرمان بود ، نمایش مان را اجرا کرده بودیم . وقتی به اراک رسیدیم تمام هتل ها پر بود و ما جایی برای استراحت و خواب نداشتیم . به خاطر دارم خانم های گروه را به مسافرخانه ای بردم و بقیه بچه ها را به دو قهوه خانه بردم و خودم هم به قهوه خانه رفتم و تا صبح در آنجا نشسته بودم ، چون جایی برای خواب هم نداشتیم . ”

مرزبان از بازیگران این گروه نمایشی یادی کرد و گفت : ” در آن سفر آقای محمد عمرانی که الان در رادیو مشغول است همراه ما بود . دقیق به خاطر نمیست که آقای علی عمرانی هم در آن سفر بود یا نه . آن سفر شور و هیجان ویژه ای داشت . صبح به سمت همدان حرکت کردیم و در آنجا اجرا کردیم . ”

کارگردان نمایش ” شب روی سنگفرش خیس ” درباره ی حضور خود در دوره های پیشین جشنواره تئاتر فجر هم یادی از دو کار به یادماندنی کرد و گفت : ” من در اکثر دوره های جشنواره تئاتر فجر بوده ام . در سال ۱۳۸۰ نمایش ” باغ شب نمای ما ” نوشته ی اکبر رادی را به روی صحنه بردم . در سال ۱۳۸۲ با نمایش ” خاطرات هنرپیشه نقش دوم ” در جشنواره حضور داشتم که یادم است اساتید به دیدن این اثر آمده بودند و حسابی از آن تعریف و تمجید کردند . ”

داریوش ارجمند: جشنواره تئاتر فجر را از جشنواره فیلم فجر بیشتر دوست دارم.

داریوش ارجمند دیگر پیشکسوتی بود که با او تماس گرفتیم. چهره و آوای پر جذبه او را سال هاست روی پرده ی نقره ای سینما و قلاب تلویزیون دیده ایم. او روزگار خوشی را بر صحنه های تئاتر به خصوص در شهر مشهد داشته است. او با تشکر از مسئولین جشنواره تئاتر برای برپایی این نمایشگاه عکس گفت: "سوابق تئاتری من، درخشان است. من در طول این سال ها نمایشی روی صحنه نبرده ام و در نمایش های جشنواره ای تئاتر هم شرکت نکرده ام، اما پیشکسوت قدیمی تئاتر هستم و در پرفروش ترین تئاتر ایران



یعنی نمایش "دندان طلا" بازی کرده ام. خیلی لطف کردند که عکس من را هم در بین این عکس ها گذاشته اند؛ ولی مسئله این است که نمی دانم دبیر جشنواره تئاتر کیست یا رئیس تئاتر کیست، با این حال خیلی ممنون هستم که عکس من را در آنجا گذاشته اند."

او از دغدغه های اجرای نمایشی که سال ها است می خواهد آن را روی صحنه ببرد گفت و گلایه کرد: "نزدیک به چندین سال است که می خواهم نمایشی را به روی صحنه ببرم اما گویا با این اثر مشکل دارند. من به جشنواره تئاتر فجر احترام می گذارم و بسیار به آن علاقه مند هستم. باور کنید که جشنواره تئاتر فجر را از جشنواره فیلم فجر بیشتر دوست دارم. علت این است که مظلوم ترین قشر این مملکت اهالی تئاتر هستند، یعنی نه بودجه های سینمایی ها را دارند و نه به اندازه ی اهالی سینما تشویق می شوند، هیچ کدام از آنها نیست. شاید به خاطر آن که دسترسی به سینما آسان تر و بسیار راحت است و می توان آن را به نقاط مختلف فرستاد."

ارجمند در ادامه ی گفت و گوی خود خاطره ی تلخی از دهه شصت تعریف کرد و از نمایشی گفت که اجرایش لغو شد. "در سال های حدود ۶۴ تئاتری به نام "خانات" اثری از رضا صابری از مشهد به تهران آوردند

که من به عنوان کارشناس تئاتر مشهد همراه آن گروه بودم. بعد از تمام شدن اجرای تئاترمان، عده ای شروع به شعار دادن در سالن کردند. برخی افراد در آن دهه خیلی داغ بودند و می خواستند همه ی بلندی های جهان را صاف و همه چیز را زیر و رو کنند، شلوغ کردند و به تئاتر ما اتهام می زدند. مجبور شدم سال ها این موضوع را پیگیری کنم تا اینکه بالاخره از ما رفع اتهام شد.

بعد ها عده ای از آن افراد مدیر شدند و تعدادی از آنها دیگر دیده نشدند و نمی دانیم کجا رفتند؟! با خیلی از آنها هم سال های بعد رفیق شدیم . تلخ ترین خاطره من مربوط به همان دوره است که از جشنواره برایم ماندگار شده است . ”

خاطرات تلخ ارجمند به این جا ختم نشد . او در رابطه با تکرار این اتفاق در حوزه ی سینما هم ادامه داد : ” این خاطره را در سینما هم داشته ام ، حدود سال های ۶۳ یا ۶۴ فیلمی به نام ” گفت زیر سلطه من آید ” که نوازنده ی ساز دو تار در آن فیلم آقای محمدپرست بود ، اکران شد . حین اکران آن فیلم به سینما آزادی هجوم آوردند و شیشه های سینما را فرو ریختند و شلوغ کردند . در آن زمان نواختن ساز دو تار ، یک گناه کبیره بود . آدم های زیادی همراهشان آورده بودند در حالی که من یک نفر بودم ، شعارهای زیادی علیه فیلم من می دادند . ولی به هر حال فیلم خوبی بود . ”

او در ادامه درباره ی این دهه بیشتر توضیح داد و گفت : ” در اوایل انقلاب که ما در حال احیا کردن تئاتر و سینما بودیم بیشتر گرفتار آدم های تندرو می شدیم ، چون در آن زمان گرم بودند و فکر می کردند چون در دوره قبل (پیش از انقلاب) کار هنری می کردیم ، همگی خائن ، فاسد و فاجر هستیم . البته بعدها عذر خواهی کردند و فهمیدند که اشتباه کرده اند . ولی آن زمان هر کس که چیزی می دانست ، باید حصر می شد . مانند الان نبود که رفتارها انسانی باشد . ”

متأسفانه پرویز پورحسینی هم در جواب تماس مان گفتند چیزی به نظرشان برای تعریف کردن نمی رسد . کاش خاطرات ایشان هم تکمیل کننده ی این گزارش می شد .



ایرج راد: جشنواره تئاتر فجر فرصتی برای استعداد یابی است.

ایرج راد از دیگر اساتید تئاتر است که بیش از نیم قرن تجربه حضور روی صحنه تئاتر را دارد. او همچنین چندین سال به عنوان مدیر عامل خانه تئاتر، فعالیت های صنفی این حوزه را اداره کرده است. او که در دوره های مختلف جشنواره چندین و چند نمایش روی صحنه برده و ایفاگر نقش های متفاوتی بوده است، در چند دوره هم به عنوان داور در جشنواره تئاتر فجر حضور داشته است. او درباره ی این تجربه گفت: "من هم آثار زیادی را در جشنواره تئاتر فجر اجرا کرده ام و هم چندین بار داوری بخش های مختلف



جشنواره را بر عهده داشته ام. طبیعتاً کارهای مختلفی را در طول این سال ها دیده ام. نمایش های مختلفی که در زمان خودشان کارهای بسیار خوبی بوده اند. البته آثاری هم اجرا شده است که جذاب نبوده اند.

بازیگر نمایش "بازار عاشقان" تحلیل متفاوتی از اجرای نمایش های مختلف در ایام جشنواره داشت: "یکی از محاسن به روی صحنه رفتن نمایش های مختلف در ایام جشنواره این بود که گروه های مختلف به خصوص شهرستانی ها کارهایی را به روی صحنه آوردند که دارای جذابیت های خاصی بود و این افراد به نوعی استعداد یابی شده اند و در حال حاضر به عنوان کارگردان های مطرح در عرصه تئاتر، فعالیت می کنند و در واقع حضور در جشنواره تئاتر فجر فرصتی برای شناخته و دیده شدن آنها شده و این مسئله حائز اهمیت است. به اضافه اینکه بعضی ها هم کارشان خوب بود و جرقه هایی زده شد ولی نمی دانم به چه دلیل ادامه پیدا نکرد. شاید اگر آنها هم موقعیت هایی را پیدا می کردند، آن جرقه ها به نور تبدیل می شد. ولی بعضی از گروه ها با شناخته شدن در جشنواره و ادامه کار و ادامه راهشان که به هر حال هم همت خودشان بوده و هم به آنها کمک شده است، توانستند راه شان را ادامه بدهند و همچنان کارهای خوبی را عرضه می کنند."

در انتها ایرج راد در خصوص اجرای آثار متفاوت و به یاد ماندنی خود در ایام جشنواره نمایش هایی را نام برد:

"آخرین اجرای من در جشنواره تئاتر فجر مربوط به نمایش "بازار عاشقان" به کارگردانی هادی مرزبان است که سال گذشته اجرا شد و بعد از آن اجرای عموم آن ادامه پیدا کرد. همچنین در نمایش هایی مثل "باغ شب نمای ما"، "شب روی سنگفرش خیس"، "مهاجران"، "دکتر کئوک"، "عیش و نیستی"، "آمیز قلمدون" حضور داشته ام که هر کدام از آن ها در زمان خودشان، خصوصیات خاص و قابل توجهی داشتند و نمی توانم بگویم کدام کار را بیشتر از همه دوست دارم. با این حال نمایش هایی که توانسته با مردم ارتباط بهتری برقرار کند و مورد توجه قرار بگیرد، خاطرات آن نیز ماندگارتر است."

منیژه محامدی : نام من باید در کنار اسم کارگردان باشد !

منیژه محامدی از زنان موفق و فعال در عرصه تئاتر است . به گفته خودش جشنواره تئاتر فجر برای او که در بسیاری از دوره های آن حضور داشته ، همیشه خاطره انگیز بوده است . اما بیش از هر چیز دیگر ، مشکلات کوچک و بزرگ اجرای جشنواره ای ، در خاطرش مانا شده است . او دو خاطره برایمان تعریف کرد . از شبی که صدای او به خاطر فعالیت و استرس زیاد ، گرفت و دیگری بد عهدی و ادعای یکی از عوامل نمایش در دقیقه نود ! او در این باره گفت : “ بر خلاف امسال که ما نمایش “حادثه در ویشی” را در روز اول



جشنواره اجرا کردیم ، در سال های پیش همه چیز چنان با عجله و سریع می گذشت که مدام با اتفاقاتی رو به رو می شدیم . یکی از آنها این بود که حدود سال ۸۸ قبل از اجرای نمایش “آمادئوس” می خواستم برای مردم توضیح دهم که دکور کارمان به اندازه کافی آماده نیست که ناگهان صدا از حنجره ام بیرون نمی آمد و نمی توانستم حرف بزنم . چون دو شبانه روز قبل در حال داد و فریاد زدن برای آماده شدن دکور بودم ! ”

محامدی در این باره ادامه داد : “ در همان نمایش از خانمی خواستیم تا حرکاتی موزون را متناسب با آن نمایش در دو صحنه انجام دهد . اما این خانم در روز آخر و چند ساعتی قبل از اجرا گفت باید اسم مرا حتما روی پوستر نمایش و در کنار اسم کارگردان بنویسید !! ما هم در جواب گفتیم که در جشنواره که برای نمایش ها پوستر نداریم !! گفت اگر نباشد من هم کار نمی کنم !! هر چه به او توضیح دادم که بعد از جشنواره و برای اجرای عمومی نمایش ، پوستر طراحی می کنیم و نمی شود که فقط اسم یک طراح نوشته شود و اگر بخواهیم اسم همه را ذکر کنیم نصف پوستر پر از اسم می شود و الان هم که فرصت انجام این کار نیست ، زیر بار نرفت و گفت که کار نمی کنم ! بنابراین مجبور شدم از یکی از دانشجویانم ، به نام حامد نصراللهی که در این زمینه بسیار فعال است تماس بگیرم تا به کمک مان بیاید و خوشبختانه بالاخره نمایش مان روی صحنه رفت . همه ی این مسائل باعث شد که همزمان با اجرای نمایش ، صدای من هم با نمایش رفت . بعد از آن دکتر به من

گفت تارهای صوتی ام ورم کرده و تا سه ماه نباید حرف بزنم و تا مدتی مجبور شدم در کلاس درس و یا برای اجرای نمایش حرفم را روی کاغذ بنویسم . ”

منیژه محامدی در خاطره ای دیگر از توقیف های خود گفت و سختی هایی که برای اجرای آن کشیده بود : “ نمایش “ دشمنان جامعه سالم ” بعد از دو اجرا توقیف شد . در آن اجرا

ما قرار بود با یک فالو (پروژکتور نور موضعی) که از سالن اصلی به ما داده بودند ، یک تلویزیون ، یک ویدئو پروژکشن و چند وسیله مشابه آن کار کنیم . تا نزدیک اجرا وسایل مان آماده نشده بود و مجبور شدیم همه ی آن وسایل را از خانه با خودمان ببریم . آن موقع که حدود سال هشتاد و دو بود مثل الان همه چیز آماده نبود و بعد هم به درستی کار نمی کرد ! مثلاً در حین اجرا قرار بود عکس یک آدم را نشان بدهد ولی چیز دیگری نشان می داد . هیچ تصویری درست نشان داده نمی شد . ”

او افزود : “ به خاطر دارم آن فالوی بزرگ را برای آنکه به تالار چهارسو ببریم روی دوش محمودرضا رحیمی گذاشته بودیم و او تا چند ماه بعد پشت درد داشت . خلاصه مردیم و زنده شدیم تا نمایش مان اجرا شد . با همه ی این ها بعد از اجرا به ما گفتند نمایش تان توقیف است . هرچه گفتیم این مشکلات فنی را درست می کنیم ، گفتند نه و آن نمایش توقیف شد . ”



اهدای جوایز بخش طراحی نور ، گریم و موسیقی / گزارش تصویری ۱



تقدیر از بخش آثار موضوعی / گزارش تصویری ۲



حاشیه های اختتامیه / گزارش تصویری ۱



حاشیه های اختتامیه / گزارش تصویری ۲



به بهانه برپایی نمایشگاه عکس خیابانی از اساتید و پیشکسوتان تئاتر، در سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر :

خاطرات فجر از تالار وحدت تا تئاتر شهر (۲)



یکی از اتفاقات جالبی که در سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر رخ داد، برپایی نمایشگاه عکس خیابانی از چهره های ماندگار و دوست داشتنی اساتید و فعالان حوزه تئاتر بود که در حد فاصل بین خیابان رازی و خیابان حافظ، برپا شد و حال و هوای جشنواره تئاتر فجر را به خیابان شهریار برد.

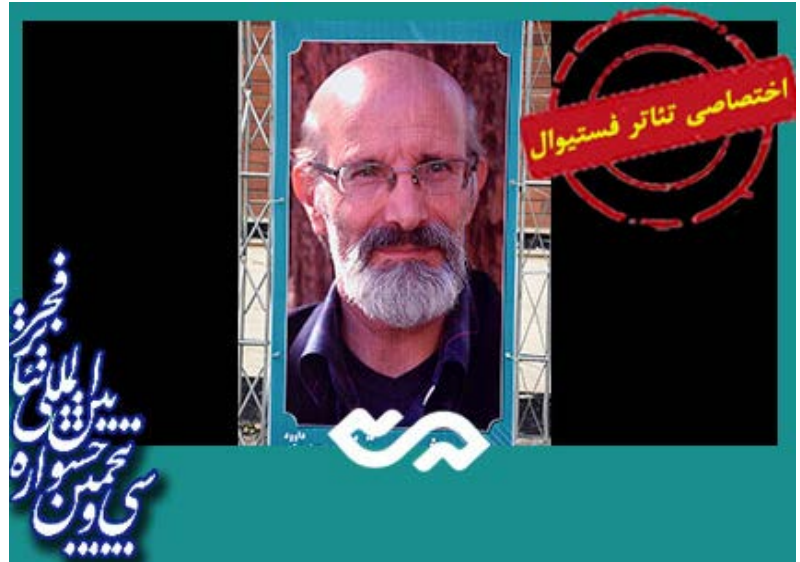
از همین رو بر آن شدیم تا با برخی از این اساتید تماس گرفته و خاطره ای از دوران حضورشان در جشنواره تئاتر فجر بپرسیم. در این بین با خاطرات تلخ و شیرینی رو به رو شدیم. برخی از اساتید هم نگاه نقادانه ای به جشنواره تئاتر فجر در این دوره و در دوره های پیشین داشتند که به نظر می رسد تجربیات خوبی باشد تا بتوان در آینده راهگشای دست اندرکاران جشنواره باشد.

در این گزارش آنچه بیش از همه ناراحتان کرد، جای خالی برخی از این بزرگواران بود که هنوز هم باورمان نمی شود، نیستند. مثل اساتیدی چون داوود رشیدی و جعفر والی و... یادشان گرامی.

بخش دوم این گزارش را در ادامه بخوانید :

داوود فتحعلی بیگی : نمایش های بخش بین الملل سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر نا امیدکننده بود .

داوود فتحعلی بیگی از چهره های فعال در عرصه پژوهش و اجرای نمایش های ایرانی است . او که چندین دوره دبیر جشنواره ملی نمایش های آیینی ، سنتی بوده ، دو اثر در جشنواره تئاتر فجر به روی صحنه برده است . او درباره آثار خود توضیح داد : ”من نمایش ” رام کردن زن سرکش “ را در جشنواره تئاتر فجر به روی صحنه برده ام . اجرای این نمایش به دلیل عدم حضور یکی از گروه های بین المللی به ۶ اجرا در جشنواره هم رسید و بعد از آن در تماشاخانه سنگلج اجرای عموم رفتیم . نمایش بعدی ” این غرفه از بهشت “ بود



که یک نمایش عاشورایی بود . مربوط به سال هایی که بعد از جشنواره تئاتر فجر ، ماه محرم شروع می شد ، به خاطر همین دکور این نمایش را در سالن اصلی تئاتر شهر برپا کردند و چند اجرا در جشنواره و باقی در ماه محرم داشتیم . دکور این نمایش هم دکور حجیم و عظیمی بود ؛ که باید یک حیاط قدیمی را می ساختیم . موقع ساخت دکور هم مشکلاتی داشتیم . به نحوی که تا یک ساعت قبل از اجرا ، دکور ما آماده نشد . اصولاً یکی از مشکلات جشنواره این است که وقتی اجرای گروهی تمام می شود ، بلافاصله گروه بعدی باید دکور بزند . شانس با کسانی است که دکور کم حجم داشته باشد . ”

این مدرس دانشگاه درباره پیشینه برگزاری جشنواره تئاتر فجر اطلاعات خوبی ارائه کرد و درباره سال های ابتدایی انقلاب اسلامی ایران که چند نهاد به کمک هم دوره های ابتدایی جشنواره تئاتر فجر را برگزار کردند ، گفت : ” در سال های اولیه ستادی تشکیل می شد که چند نهاد با هم برگزاری جشنواره تئاتر را بر عهده می گرفتند تا به این طریق بتوانند به تئاتر مشروعیت بدهند . چرا که شرایطی پیش آمده بود که بسیاری فکر می کردند ، تئاتر بد است . رفته رفته شرایط عوض شد و برگزاری جشنواره با کمک نهاد های هنری ، بر عهده اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار گرفت . از خاطرات آن سال ها را من هیچ وقت یادم نمی رود ، که برخی از آنها بر اساس تاثیر برخی گروه ها ، به دیدن نمایش ها می آمدند و آنها را به هم می ریختند . برخی از آن

افراد هنوز هم هستند و برخی هم وارد سینما شده اند و برخی به گوشه ای رفته اند و برخی هم همچنان کار می کنند ؛ ولی دیگر خاصیت بر هم زدن شان را از دست داده اند .

یادم است سال ۶۲ یا ۶۳ اجرای نمایش ” خانات “ آقای صابری که بسیار کار درخشان و خوب و کاملاً شکل نمایش ایرانی را داشت . متأسفانه عده ای اجرای نمایش را به هم زدند . بعضی ها هم

این رفتار را در جلسات نقد و بررسی انجام می دادند . چند نفر با هم هماهنگ می شدند و یکی از جلسات نقد و بررسی نمایش ها را به هم می ریختند و به افراد انگ سیاسی می زدند . این رفتار بسیار زشت است و خوشبختانه ما دیگر از آن رفتار ها نمی بینیم .

او درباره ی آن ادوار ادامه داد : “ در آن اوایل نشست های نقد و بررسی انجام می شد ، که خروجی خوبی نداشت و به همین دلیل رفته رفته به فراموشی سپرده شد .

فتجلی بیگی درباره آثار به یاد ماندنی که در بخش بین الملل جشنواره تئاتر فجر دیده است ، گفت : “ به یاد دارم ، نمایش “ ریچارد دوم “ در تالار وحدت به روی صحنه رفت یا نمایش “ اُهملت “ از کشور آلمان که یک اجرای دو نفره بود و بسیار درخشان اجرا شد . نمایش های “ شازده کوچولو “ و “ ننه دلاور “ هم بسیار دیدنی بودند . یک اثر از کشور مصر دعوت شده بود و در صحنه اصلی تئاتر شهر اجرا شد . نمایش “ کاتاکاری “ در ورزشگاه کنار تالار وحدت اجرا شد که بسیار قابل توجه بود . حتی اگر اشتباه نکنم از “ اپرای پکن “ هم برای حضور در جشنواره تئاتر فجر دعوت شده است . این آثار اجراهای بسیار درخشان و حیرت انگیزی بودند که ما فراموش نمی کنیم . نمایش محیطی “ کوری “ که از لهستان در پارکینگ تالار وحدت اجرا شد ، هم جزء کارهای خوب جشنواره ی امسال بود .

او درباره ی آثار اجرا شده در این دوره از جشنواره تئاتر فجر را ناامید کننده دانست و در این باره اظهار داشت : “ من معتقد هستم یک ده آباد بهتر از صد تا شهر خراب است . نمایش های بخش بین الملل جشنواره سی و پنجم نا امیدکننده بود . واقعا اگر قرار است کاری دعوت شود ، یک نمایش بیاید ولی حداقل درخشان باشد . متأسفانه بسیاری از کارهایی که از شهرستان هم دعوت شده بود ، ضعیف بودند . نمی دانم چرا کارهای خوب انتخاب نشدند . در برخی از آثار اساسا غلط دراماتیک وجود داشت . ”

بهزاد فراهانی : نمایش “ در اعماق ” اثری بسیار نجیب ، شریف و خوب بود .

بهزاد فراهانی هم از جمله هنرمندانی بود که در این دوره در رابطه با اجرای نمایش های بخش بین الملل سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر گلابه کرد . او پیش از تعریف خاطره ای از ادوار مختلف جشنواره درباره ی این آثار گفت : “ آثاری که امسال در جشنواره تئاتر فجر دیده ام این تلقی را برایم بوجود آورده که کسی که آنها را انتخاب کرده است یا نمی داند ایران چگونه کشوری است یا برای خود و دوستان خصوصی اش می خواسته پز نوگرایی و نوپویی بدهد . ما در کشوری زندگی می کنیم که میانگین بیکاری



رعب آور است ، دزدی و همه فریبی و مشکلات خیلی زیاد است . در چنین کشوری ، رفتن به سراغ الکترونیک ، تکنیک و تکنولوژی ژاپنی ، بازی با لامپ های هلندی و سوییسی به نظر من نشان از نادانی است . به نظر من این کار ، بسیار نابخردانه و اهانت به کشور و ملت ما ، به عاشقان تئاتر و تاریخچه اهالی تئاتر است . ”

بازیگر نمایش “ گل و قداره ” همچنین در این رابطه ادامه داد : “ من مسئول انتخاب این آثار را کسانی می دانم که هیئت انتخاب نمایش ها را برگزیده اند ؛ انتخابی که نشان دهنده ی آن باشد که افراد نوگرا و نوپویی هستند . ”

او درباره نمایش های “ شاخص ” و “ گرگ و میش ” نیز اذعان داشت : “ من آثار بسیار بدی از کشور ژاپن در تئاتر شهر و از کشور سوئیس در تالار مولوی دیده ام و با کارگردان نمایش “ گرگ و میش ” هم گفتگو کرده ام که چرا این نمایش را برای اجرا در ایران انتخاب کرده است ؟ و چه چیزی در این اثر به زندگی ، اندیشه و تفکرات هنرمندان ایرانی تناسب دارد ؟ در هر صورت این گله ی من از مدیران است . حتی اگر آقای مهدی شفیعی که دوست من است باز هم بگوید که چرا تا این حد گله می کنی ؟! ولی من باز هم گله مند هستم . ”

فراهانی در ادامه درباره ی یکی از بهترین نمایشی که در ایام جشنواره های پیشین دیده است ، گفت : “ زیباترین خاطره ای که از دیدن تئاترهای خارجی اجرا شده در جشنواره دارم ، مربوط می شود به نمایشی از گروه “ شو این ” از کشور آلمان که نمایشنامه ای از شکسپیر را به نمایش درآوردند . آثاری که آقای چولی اجرا کردند یا نمایش “ باغ آلبالو ” که از شهر مسکو ی روسیه اجرا شد ، همگی کارهای شریفی بودند و چیزهای زیادی از آن یاد گرفته ایم . ”

او درباره نمایش "در اعماق" که از کشور گرجستان در این دوره از جشنواره در تالار وحدت اجرا شد، گفت: "این نمایش که توسط هنرمندان متعهد گرجستانی به روی صحنه رفت، اثری بسیار نجیب، شریف و خوب بود. گرچه طولانی بود ولی ایرادی ندارد و باید به تئاتر احترام گذاشت. اگر ما دیگر حوصله ی دیدن آثار طولانی مدت را نداشته باشیم، باید تمام نویسندگان کلاسیک جهان مثل شکسپیر، استریندبرگ، ایپسن و حتی مولیر و آثار کلاسیک یونان را کنار بگذاریم چون همه اینها قصه های بلند دارند و نمی توان این کارها را تقطیع و کوتاه کرد. خاطرات خوش من مربوط به دیدن این آثار است که از دیدن آن لذت برده ام."

اصغر همت: جشنواره تئاتر فجر بدون هیچ مشورتی با خانه تئاتر برگزار می شود.

اصغر همت، چهره ی شناخته شده ی بازیگری تئاتر و تلویزیون این روزها مدیریت خانه تئاتر را بر عهده گرفته است و کارهای صنفی این قشر هنری را دنبال می کند. از این رو در گفت و گو با ما ترجیح داد تا بیش از هر چیز، دغدغه های خود را در رابطه با نحوه برگزاری جشنواره و آثار اجرا شده در آن مطرح کند. او در رابطه با نمایش هایی که باید در جشنواره تئاتر فجر به روی صحنه برود، گفت: "صحبت ما از سال های بسیار دور □ از اوایل انقلاب □ بر این بود که جشنواره تئاتر فجر باید برآیند اجراهای



تئاتر در طول یک سال باشد، که هیچ وقت این اتفاق رخ نداد. اگرچه در بعضی دوره ها، استثناهایی خوشایند رخ داد، ولی بعد از آن این مسئله پیگیری نشد. مدیر جشنواره تئاتر فجر در هر دوره تغییر می کند و هر کس سلیقه ی خاص خود را اعمال می کند، در واقع ما روند تبیین شده ای در مورد جشنواره تئاتر فجر نداریم. بنابراین سلیقه ی مدیر یا کسانی که در هر دوره، مسئولیت به عهده آنها است، اعمال می شود."

مدیر عامل خانه تئاتر در رابطه با آثار اجرا شده در بخش مسابقه بین الملل جشنواره تئاتر افزود: "متأسفانه

به دلیل مشغله کاری ، نتوانستم همه نمایش ها را ببینم . اما چند اثری را که دیدم یا آنچه از دوستان در این باره شنیده ام ، به خصوص در بین آثار بخش بین الملل ، می توان گفت که این آثار با شرایط تئاتر ما هم خوانی ندارد . دید کارشناسانه در امور تئاتر بین الملل ضعیف بوده است . باید بعد از جشنواره در نشست های کارشناسانه ای این موضوع را بررسی کرد ، باید بررسی کنیم که چه کارهایی را انتخاب کنیم و به جشنواره بیاوریم؟! آیا قصدمان این است که نشان دهیم ما از تئاتر دنیا عقب هستیم و باید به سمتی برویم که خودمان را به آن برسانیم؟! توانایی ما نسبت به بیشتر گارهایی که در این دوره از جشنواره دیدیم ، بیشتر است .

وی همچنین افزود : “ ما نباید به هیچ وجه آثار ضعیف تر از حد خودمان را به بخش بین الملل دعوت کنیم . به نظر من اگر بخواهیم تئاترمان را به سوی آثار اجرا شده سوق دهیم ، آسیب جدی برای تئاترمان رخ خواهد داد . این مسئله ای بود که امسال نه فقط نظر من بلکه نظر بسیاری از دوستانی است که کارشناسانه نگاه می کنند . باید بعد از جشنواره در یک بررسی همه جانبه و در یک شرایط کاملاً تعاملی و دلسوزانه از دید مجریان جشنواره و منتقدین آنها به یک جمع بندی برسیم . چرا که جشنواره تئاتر فجر سمت و سوی تئاتر ما را مشخص می کند .”

اصغر همت در خصوص اهمیت اجرای نمایش هایی چون “ در اعماق ” که از کشور گرجستان اجرا شد ، توضیح داد : “ به نظر من نمایش “ در اعماق ” علی رغم پاره ای مشکل ، واجد یک سری از ارزش هایی است که می توان بر آن تکیه کرد . این گروه نمایشی یک متن مشخص را کار کردند و از کشوری آن را به روی صحنه بردند که صاحب پیشینه ی تئاتری در شکلی نزدیک به سلیقه ی تئاتری ما است .”

او با اشاره به اجرای نمایش “ شاخص ” از کشور فرانسه در این باره اضافه کرد : “ ما نباید سودای این را در سر داشته باشیم که بدون اینکه طی مراحل کرده باشیم ، خود را در شرایطی که کشورهای صاحب تئاتر هستند ، قرار دهیم . آثاری را که به جشنواره ما می آورند ، گوشه ای از این مشکل است ، چون من مطمئن هستم نمایش هایی که در این جشنواره اجرا می شوند ، وجه غالب تئاتر آن کشورها نیست . مثلاً از فرانسه گروهی دعوت می شود که می خواهند کتاب خوانی را برای ما رواج دهند . در یک بررسی کلی به نظر می رسد این نمایش را برای جهان سوم و برای ما ساخته اند . جایی که می دانند کتاب خوانی آن در حداقل است و می خواهند نشان دهند چگونه وقتی کتاب می خوانیم ، کمتر مشکلات اجتماعی داریم . مشکل این جاست که بیان این نوع تئاتر ، بیانی نیست که تماشاگر عادی با آن ارتباط برقرار کند .”

وی در این رابطه ادامه داد : “ ما تئاتر را فقط برای اهالی تئاتر اجرا نمی کنیم . تئاترهای انتخابی باید راهی را به ما که هیچ ارتباطی با کشورهای خارج نداریم و در جریان اتفاقات روز تئاتری نیستیم ، نشان دهد . جشنواره تئاتر فجر بهترین فرصت است که ما با آثار اساسی و کارگردان های بزرگ دنیا روبرو شویم . مسئولین جشنواره که برای دعوت از گروه های خارجی هزینه می کنند ، بهتر است از گروه های دست چنم برای حضور در ایران دعوت نکنند .”

این موضوع باید کاملاً در محیطی دوستانه و تعاملی مورد بررسی قرار گیرد و افرادی که دلسوز تئاتر هستند با مسئولین مربوطه در مورد اینکه به چه صورت این گروه ها انتخاب می شوند ، گفت و گو کنند و به نتیجه برسند .”



سیاوش طهمورث : بعد از گذشت سی و پنج دوره ، هنوز به برگزاری درست “ جشنواره ” نرسیده ایم

سیاوش طهمورث به جای تعریف کردن خاطره که آن را سوژه ای کلیشه ای می دانست ، ترجیه داد گریزی به مدیریت ، نحوه برگزاری و آسیب شناسی آثار جشنواره بزند . او در این باره اذعان داشت : “ اثر شاخصی در جشنواره ، چه از میان آثار غیرایرانی و چه آثار ایرانی که بتواند من را به حرکت وا دارد و یا تکانم بدهد ؛ ندیده ام . حقیقتی که وجود دارد این است که تا به حال سی و پنج سال جشنواره برگزار کرده ایم در حالی که در تمام این دوران به معنی درست کلمه هنوز به برگزاری



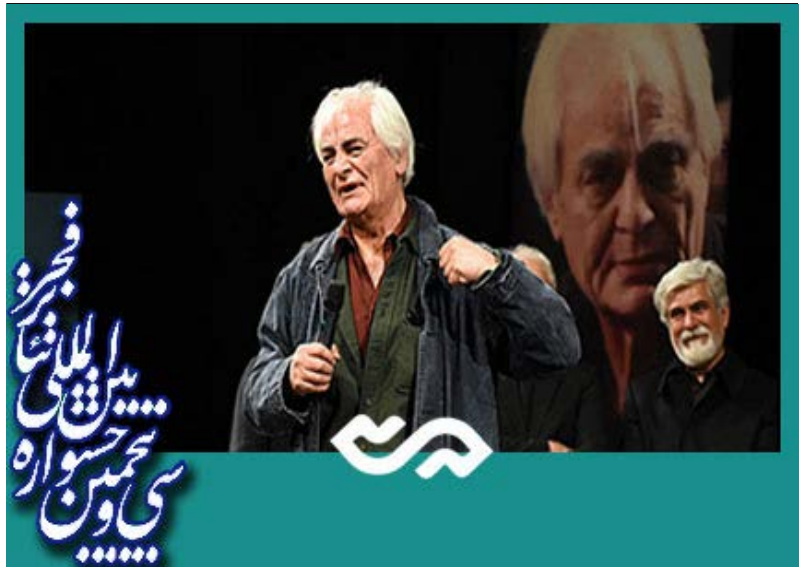
درست جشنواره نرسیده ایم . وقتی جشنواره ای برگزار می کنیم باید یک معنا و مفهوم داشته باشد و تحرک و شادی ایجاد کند و تجربه ای را به بازیگران انتقال دهد . ”
طهمورث از برپایی این نمایشگاه عکس حمایت کرد و ضمن تمجید از عملکرد آقای سعید اسدی در این راستا گفت : “ دبیر این دوره از جشنواره تئاتر فجر برای اولین بار در تمام این دوره ها با به یاد هنرمندان بودن ، خاطره ی خوبی را رقم زده است . او در این اقدام جدید برای هنرمندان ارزش قائل شده است تا مردم این افراد باسابقه و پیشکسوت را بشناسند و عکس های آنان را ببینند . با این حال این حرکات نمی تواند در سال اول شکل واقعی خود را پیدا کند ؛ مگر اینکه این دبیر را نگه دارند تا به مرور زمان و در سال های آتی ، به آن هدف نهایی خود برسد . ”

اسم اساتید و بزرگان بسیاری در میان این اسامی خالی است که زحمات زیادی برای تئاتر کشورمان متحمل شده اند . عزیزانی که دیگر در میان ما نیستند ، اما یاد و خاطره شات هیچ وقت فراموش نخواهد شد . بی شک این حرکت نمادین سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر قابل تقدیر و ستایش است . هرچند که بعد از تماس با عده ای از این عزیزان متوجه شدیم که خود از اینکه عکس شان بر دیوار است با خبر نیستند ، اما بی شک وظیفه ی نسل جوان است که با هر بهانه ای ، نمادین و یا غیر نمادین یادی از این بزرگان کند و از تجربیاتشان استفاده نماید .

علی رفیعی در بزرگداشتش در جشنواره تئاتر فجر :

مهمترین وظیفه تئاتر ، انتقال شعف به بازیگر و تماشاگر است .

به گزارش **تئاتر فستیوال** ، علی رفیعی در مراسم بزرگداشتش که در آیین پایانی جشنواره تئاتر فجر برگزار شد، خطاب به مسوولان فرهنگی گفت : می‌خواستم سخنانی در حجم دوازده صفحه تایپ شده مطرح کنم اما از آن صرف نظر و به یک پاراگراف اکتفا می‌کنم. این هنرمند باسابقه تئاتر ادامه داد: مهمترین وظیفه تئاتر و مهمترین رسالت کارگردان، منتقل کردن شعف بازیگری به بازیگر و انتقال شعف تماشا کردن به تماشاگر است. اگر این اتفاق نیفتد، تئاتر کمترین ارزشی برای هیچ کس ندارد.



وی خطاب به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی که در برنامه حضور داشت، ادامه داد: اما جناب وزیر مطمئن باشید که این شعف در زیرزمین‌ها و انباری‌های تئاتر شهر به دست نمی‌آید.

او با ابراز تاسف از وضعیت سالن‌های تئاتر افزود: چهل سال از جمهوری اسلامی می‌گذرد اما کمترین قدمی برای تئاتر بر داشته نشده است. حتی وقتی جوانان از سر استیصال، نیاز و عشق خانه‌های کلنگی اجاره می‌کنند و با خون دل پول خود را برای تئاتر هزینه می‌کنند، باز هم آن شعف حاصل نمی‌شود.

رفیعی با بیان خاطراتی از دوران جوانی‌اش اضافه کرد: زمانی که در فرانسه دانشجوی تئاتر بود، وزیر فرهنگی که تازه از سوی ژنرال دوگل منصوب شده بود، برای افتتاح نمایشی آمد و من که آن زمان دانشجوی تئاتر بودم جملهای در حرف‌هایش را به یاد دارم که گفت تئاتر در جوامع امروز همان نقشی را دارد که کلیساها در جوامع گذشته داشته‌اند.

این کارگردان صاحب سبک تئاتر ابراز تاسف کرد: هنرمند در ایران از احترامی که شایسته اوست و از ثبات حرفه‌ای برخوردار نیست و تماشاگر هم سر در گم است. تئاتر بسازید! به هنرمندان تئاتر احترام بگذارید. تئاتر در تمام جوامعی که ما از آنها پیروی می‌کنیم، حکم بازتاب دهنده و منعکس کننده آرمان‌ها و رویاهای مردم آن جامعه را دارد. تئاتر مرکز ثقل انتقادات و گفتنی‌های خود به دولتمردان است.

او که با همراهی از بازیگران و تعدادی از دوستانش روی صحنه رفته بود، آنان را قوت قلب خود دانست و از آنان به‌ویژه محمود کلاری و حسین پاکدل و محمد چرم‌شیر قدردانی کرد.

همچنین رضا کیانیان در ادامه صحبت‌های رفیعی گفت: متأسفم که دیگر سمندریان را نداریم. در همه جهان از مفاخرشان تقدیر می‌کنند و دولت‌ها با افتخار تمام تئاتر خصوصی می‌سازند که این افراد بتوانند دانشجویان خود را پرورش دهند و تجربیاتشان نسل به نسل منتقل شود اما امروز آموزشگاه خصوصی سمندریان چه وضعیتی دارد و تئاتر خصوصی رفیعی کجاست؟!

گزارش تصویری بزرگداشت دکتر علی رفیعی



سی و پنجمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر به دبیری دکتر سعید اسدی ، در دوازدهمین روز بهمن ماه ، طی مراسمی که در تالار وحدت و با حضور اهالی فرهنگ و هنر و رسانه ها برگزار شد ؛ به کار خود پایان داد . در این اختتامیه ، طی مراسمی با حضور شاگردان دکتر علی رفیعی ، از ایشان به پاس یک عمر فعالیت هنری تقدیر شد .

وزیر ارشاد در اختتامیه سی و پنجمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر عنوان کرد:

تئاتر نمایش انسانیت در جامعه بزرگ ایران است.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی که در اختتامیه سی و پنجمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر حضور داشت، تئاتر را نیاز اصلی اجتماع امروز ایران و جوانان دانست.

به گزارش **تئاتر فستیوال** به نقل از ایران تئاتر وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در آیین پایانی سی و پنجمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر، درباره اهمیت تئاتر در جامعه و برنامه‌های دولت در جهت رشد این هنر گفت: «مهم‌ترین نکته‌ای که باید به آن توجه کرد، بحث نشاط اجتماعی است که نیاز امروز نسل جوان هم به حساب می‌آید. جامعه امروز ما جامعه‌ای پرشور و نشاط است



و باید بسترهای نشاط و شادی و شمع را برای جوانان ایجاد کرد».

او گفت: «تئاتر به عنوان مادر هنر بستر بسیار مهمی در توسعه نشاط و شادی و مسئولیت‌پذیری است. مسئولیت اجتماعی که شعار امسال هم هست، بحث بسیار مهمی است که باید بچه‌ها قبل از هر چیز در کودکان‌ها آن را بیاموزند و بعد نوجوانان و جوانان در مراتب بعدی در موردش آموزش ببینند».

صالحی امیری گفت: «ما امروز بیش از هر چیزی به تئاتر نیازمندیم. تئاتر نمایش انسانیت در جامعه بزرگ ایران است. از این منظر انسان‌هایی که در این حوزه فعالیت می‌کنند برای ما از منزلت بالایی برخوردار هستند و در نزد مردم هم جایگاه هنرمندان چنین است. توسعه تئاتر با شعار و سخنرانی امکان‌پذیر نیست، بلکه توسعه زیرساخت‌های تئاتر از نیازهای اساسی ماست و ما هم در جهت تحقق آن هستیم».

او در ادامه با اشاره به برنامه‌های دولت گفت: «با توسعه بخش خصوصی باید از توان این بخش حداکثر استفاده را ببریم. ما در حال تدارک تشکیلاتی هستیم تا بتوانیم با مشارکت بانک‌ها از طریق قرار گرفتن در نظام بورس، نسبت به زیرساخت‌های توسعه هنر حرکات زیرساختی انجام دهیم و در آینده شما شاهد تحولات جدی در حوزه تئاتر خواهید بود».

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: «باور ما این است برای جهش در تئاتر باید سازمان نظام صنفی هنر را در کشور تشکیل دهیم و آن را به رسمیت بشناسیم. برای واگذاری مسئولیت به جامعه بزرگ هنرمندان باید صنوف این حوزه

را به رسمیت شناخت. ما برای تکمیل مجموعه‌ای که ایرج راد در حال احداث آن است، کمک‌هایی کردیم و این کمک‌ها را افزایش می‌دهیم. با تکمیل این بنای فاخر در تهران و ایران صاحب‌خانه تئاتر خواهیم شد.

از این منظر آغاز یک حرکت برای تحولات و جهش‌هایی بعدی هستیم. باید در زمینه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، صنوف، بانک‌ها و اصحاب تئاتر تلاش‌های اساسی کنیم. وضعیت موجود سالن‌های ما برای انبوه نیازهای نسل جوان کافی نیست. ما می‌خواهیم به‌سرعت صنوف را به خانه تئاتر واگذار کنیم و دولت در راستای حمایت از این هنر نهایت جدیت را به خرج دهد».

او افزود: «می‌خواهیم همه مسئولیت‌های اجرایی را در حوزه تئاتر به صاحبان این حوزه بسپاریم. حضور بزرگان تئاتر در این جشن بزرگ پیام روشنی دارد که ما باید بپذیریم که تداوم حیات تئاتر به انتقال تجربه به نسل جوان بستگی دارد. بنابراین جوان‌گرایی در این حوزه جزو سیاست‌های ما است. جوانان امسال در جشنواره درخشیدند و جهش بزرگی ایجاد کردند. تلاش ما توجه به نسل جدید در تئاتر است. اجرای ۹۰ تا ۱۱۰ برنامه در شهر تهران بیانگر یک اتفاق جدید در تهران و شهرهای دیگر است. حجم وسیع نمایش در همه شهرهای کشور و شوقی که در نسل جوان است، ما را وادار می‌کند در این حوزه سرمایه‌گذاری کنیم».

صالحی امیری ادامه داد: «در سال ۹۶ همه اصحاب هنر شاهد تحولی در این حوزه خواهند بود و ما این حوزه را نیاز ایران برای رسیدن به قله‌ها می‌دانیم. ما نمی‌توانیم جامعه را بدون هنر هدایت کنیم. هنر نیاز اولیه انسان است. همان‌طور که انسان‌ها به آموزش، خوراک، مسکن و پوشاک نیاز دارند، به همان اندازه به معرفت و هنر نیاز دارند. موسیقی، نمایش، نقاشی و ... واقعیت‌های جامعه ایران هستند و دولت آن‌ها را به رسمیت می‌شناسد. سال ۹۵ اتفاق جدیدی شکل گرفت و آن بازگشت نسل جوان به تئاتر بود و این پیام روشنی دارد؛ اینکه جامعه به مصرف فرهنگی نیازمند است. تئاتر مصرف اصلی جامعه ماست. با تئاتر انسان‌ها باهم گفت‌وگو می‌کنند و با تئاتر انسان‌ها احساسشان را بیان می‌کنند. تئاتر نمایانگر دردها و آمال جامعه در یک صحنه کوچک است. انسان‌های تئاتری بیش از دیگران احساس مسئولیت می‌کنند و از این منظر ما برای شما انسان‌های بزرگ و فرهیخته اعتبار و ارزش زیادی قائل هستیم».



علی مراد خانی : در سطح شهر مکان هایی برای اجرای تئاتر خیابانی ایجاد خواهیم کرد

سی و پنجمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر شب گذشته به ایستگاه پایانی خود رسید . در مراسم اختتامیه این جشنواره ، خبرنگار **تئاتر فستیوال** طی گفت و گویی با علی مرادخانی معاون هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، برنامه های سال جدید تئاتر را جویا شد . که در ادامه حاصل این گفت و گو را می توانید بخوانید :



علی مرادخانی با اشاره به فراوانی برنامه هایی که برای سال آینده تئاتر در نظر گرفته شده است ، گفت : “برنامه های زیادی داریم که نمی توان به تمام آنها اشاره کرد ، ولی به عنوان مثال یکی از کارهایی که قرار است در سطح استان ها انجام شود ، گسترده تر کردن پلاتوها است و در شهر تهران نیز قرار است ، “تئاتر پایتخت” در اختیار هنرمندان قرار گیرد . ما با وزارت مسکن برای زمین آن توافق کرده ایم ، کلنگ آن را می زنیم و امیدوار هستم که به زودی به بهره برداری نزدیک شویم . اینها کارهای مهم زیرساختی است و به نظرم اگر این اتفاق در آن مجموعه ها بیفتد ، اتفاقات مهمی رقم خواهد خورد.”

وی افزود : “امیدوار هستم به کمک نهاد های مختلف به ویژه شهرداری محترم تهران ، سال آینده ، سال خوبی برای تئاتر کشور باشد . آقای وزیر هم قول دادند ، بنده هم پیگیری خواهم کرد . همچنین آقای دکتر نوبخت که همیشه کمک حال ما بوده اند نیز در این زمینه کمک می کنند که ما بتوانیم بودجه ها را افزایش دهیم . بودجه امسال برای تئاتر کشور نسبت به سال های گذشته تقریباً دوبرابر شده است ، اما سعی خواهیم کرد که از این رقم هم فراتر برویم و همانطور که آقای وزیر قول دادند ، سال فراخ دستی برای انجام کارها باشد.”

معاون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در رابطه با مغفول ماندن تئاتر خیابانی توضیح داد: «جایگاه تئاتر خیابانی نسبت به کارهای دیگر مهم است. ما در مریوان جشنواره بین المللی تئاتر خیابانی داریم، استقبال خوبی هم از آن می شود و کشورهای اطراف علاقه مند به شرکت در آن هستند، ما باید این دستمایه را نگه داریم و روی آن کار کنیم و به این وسیله بتوانیم تئاتر خیابانی را گسترده تر کنیم. به همین خاطر است که در مراسم اختتامیه، تئاتر خیابانی، اولین جایزه را بعد از تئاتر محیطی، دریافت می کند. تئاتر خیابانی می تواند در درون جامعه و در فرهنگ عمومی ما نفوذ داشته باشد و این خیلی اتفاق مهمی است، اگر یادتان باشد ما سال های سال تئاتر خیابانی داشته ایم. کسانی بوده اند که کارهای پهلوانی، پرده خوانی و اینگونه نمایش ها را اجرا می کردند.»

وی در ادامه گفت: «ما باید بتوانیم تئاتر خیابانی را با مقتضیات امروزمان اجرا کنیم. امیدوار هستم که به زودی بتوانیم با شهرداری ها مذاکره کنیم و در شهر تهران یا شهرهای دیگر محل هایی را برای اجرای گروه ها در روزهای تعطیل داشته باشیم، این خود می تواند جایگاه پیدا کند. به عنوان مثال شما فکر کنید که در پردیس های تهران، مکان هایی که مردم تردد های خاص و توقف هایی از باب گردشگری یا تفریحات دارند، بتوانند با چنین پدیده ای مواجه شوند. که هم از لحاظ معرفتی می تواند برای مردم خوب باشد و هم مردم علاقمند دیدن چنین کارهایی هستند. امیدوار هستم که سال آینده مقدار زیادی بتوانیم روی این مسئله کار کنیم.»

مهدی شفيعی : حفظ ساختار فعلی جشنواره تئاتر فجر را می پسندم .

مراسم اختتامیه سی و پنجمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر شامگاه سه شنبه ، دوازدهم بهمن در تالار وحدت برگزار شد . خبرنگار **تئاتر فستیوال** به بهانه اختتامیه این رویداد مهم فرهنگی به سراغ مهدی شفيعی ، مدیر کل هنرهای نمایشی رفت و نظر وی را در رابطه با برگزاری این جشنواره جویا شد . ماحصل این گفت و گو را در ادامه می توانید بخوانید :



مهدی شفيعی ، مدیر کل هنرهای نمایشی در ابتدا با اشاره به میزبانی از گروه تئاتر اودین ، گفت : “ خوشحال هستم که در زمانی با هم صحبت می کنیم که اختتامیه سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر به پایان رسیده است . البته ما از امشب میزبان گروه یوجینو باربا هستیم و تا ۲۲ بهمن شاهد برنامه های جنبی ، اجرا و ورکشاپ های این گروه هستیم .”

مدیر کل هنرهای نمایشی در رابطه با سی و پنجمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر گفت : “ در رابطه با این جشنواره باید دیگران نظر دهند . خیلی جذاب نیست که من نظر دهم . ولی از منظر من با توجه به تجربه ای که به لحاظ ساختاری و تشکیلات اجرایی در ادوار مختلف داشته ایم ، باید بگویم که جشنواره خوبی بود . حضور هنرمندان در این جشنواره گرم بود ، حضور جوانان و پیشکسوتان نیز خیلی امید بخش بود . با نگاهی منطقی در بخش های جشنواره ، بخصوص بخش رقابت جوان که فکر می کنم پرداختن به آن از ضروریات امروز تئاتر است و تنوعی را که در بخش های محیطی داشته ایم ، اتفاقات خوبی را در این حوزه رقم زده است .”

وی افزود: «امیدوارم این اتفاق تبدیل به جریانی شود و بتواند برای کل تئاتر محیطی کشور جریان سازی کند. یکی از ویژگی های این جشنواره، سطح کیفی آثار هنرمندان غیر تهرانی بود. من برخی از کارها را دیدم، واقعاً سطح کیفی آن ها به نحوی بود که دیگر برای تعریف تئاتر نمی شود گفت، تئاتر تهران و یا تئاتر غیر تهران. خیلی اتفاقات خوبی بود و این به نظر من ناشی از اتفاقات مستمر و مداومی است که در این استان ها بابت اجرای عموم در حال شکل گیری است.»

شفیعی با اشاره به بسته شدن پرونده سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر گفت: «حتماً باید با نگاهی تحلیل گر نقاط قوت و ضعف جشنواره را بررسی کرد و سعی کنیم نقاط قوت را پررنگ تر کنیم و بر آنها بیافزاییم و سعی کنیم اگر نقاط ضعفی وجود دارد، با مشورت گرفتن از خانواده و اهالی تئاتر سال به سال آنها را کمرنگ تر کنیم.»

وی در پایان در رابطه با دبیر سی و ششمین جشنواره تئاتر فجر گفت: «من شخصا بسیار علاقه مند هستم که ساختار فعلی حفظ شود. ساختار فعلی به نوعی آزمون و خطاهایش را پس داده است و به اعتقاد من تجربه دو دوره ی رو به جلو دارد و می تواند با نگاهی تحلیل گر به هر دو دوره رویداد بهتری را رقم بزند، امیدوارم با صحبتی که با دوستان داریم در فرصت پیش رو انشا الله به زودی دبیر آینده را اعلام کنیم.»

سعید اسدی : احترام به دیگران ، بزرگترین دستاورد من از جشنواره تئاتر فجر است . / با سربلندی از جشنواره خداحافظی می کنم

پرونده سی و پنجمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر به دبیری سعید اسدی ، شامگاه سه شنبه ۱۲ بهمن ماه با اعلام برگزیدگان بخش های مختلف جشنواره بسته شد . به بهانه دبیری سعید اسدی در دو دوره این رویداد مهم فرهنگی ، خبرنگار **تئاتر فستیوال** با وی در رابطه با فعالیت او در این دو دوره از جشنواره دبیری سی و ششمین دوره این جشنواره گفت و گویی مختصر داشت که در ادامه ماحصل آن را می توانید بخوانید :



سعید اسدی ، دبیر سی و پنجمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر در رابطه با فعالیت هایی که در این دو سال داشته است ، گفت : “ به نظر من این فرصتی که در اختیار من ، همکارانم و شما اهالی رسانه و هنرمندان قرار گرفته ، یک میراث بزرگ است که پایه اش را گذاشته اند و خیلی ها برای آن زحمت کشیده اند ، عرق ریخته اند و عرق ریزان روح داشته اند . من وامدار تمام این دوستان هستم .”

وی افزود : “ ما تمام تلاشمان بر این بود ، اعتباری که به وسیله تاریخ ایجاد شده ، حفظ شود . بزرگترین دستاورد من نیز ، حفظ این اعتبار است . ادعای ارتقاء اعتبارش را ندارم ، اعتبار از این جهت که بتواند به هنرمندان مخاطبان احترام بگذارد ، نظم و ترتیب و قاعده ایجاد کند و ضرورت هایی را درک کند که شاید در آینده تئاتر ما ، توجه به این ضرورت ها الزامی باشد از جمله موج خروشان نسل جدیدی که به سمت تئاتر می آیند ، جهشی را در تئاتر ما ایجاد خواهد کرد و من ایمان دارم که این کمیت ایجاد شده به کیفیت خواهد انجامید . مشروط بر اینکه اخلاق حرفه ای در بین ما ساری و جاری شود . به نظر من این اتفاق آینده خوبی را نوید می دهد .”

دبیر سی و چهارمین جشنواره تئاتر فجر در پاسخ به این سوال که بهتر است جشنواره تئاتر فجر بیشتر به چه سمت و سویی برود ، گفت : “ جوان شدن جشنواره هم در همکاران و هم در داوران ، ارزیابان و شرکت کنندگان این را نشان می دهد که ما همگی به یک روح و چشم اندازی تازه نیاز داریم و همچنین باید از پیشکسوتان و تجارب آنها استفاده کنیم و از آنها مشورت بگیریم . کما اینکه من نیز برای این تصمیمات

با خیلی از دوستان مشورت می کردم و باید افق آینده را مد نظر داشته باشیم . چون به نظر می آید که تئاتر ایران پیشنهاداتی برای خود و جهان دارد . ولی کمی اوضاع در جامعه تئاتری باید نظم و نسق پیدا کند . من آرزو می کنم که در این اتفاق که تلاقی تمام افراد تئاتری است ، گفت و گو برقرار شود . زیرا در این جشنواره یک فرد تئاتری که تئاتر کار نمی کند ، مخاطب و منتقد است و گفتگو می کند . در حقیقت این جشنواره فرصت گفت و گو و حتی پرخاشگری است . من این پرخاش ها را به جان خریدم و فقط احترام گذاشتم ، سکوت کردم و پاسخ کسی را ندادم . شاید بزرگترین دستاورد من احترامی بود که به خودم و به دیگران گذاشتم و شادمانم که سربلند با این احترام از این جشنواره خداحافظی می کنم .“

سعید اسدی در رابطه با دبیری سی و ششمین دوره جشنواره تئاتر فجر گفت : “ برای دوره سی و ششم جشنواره باید ببینیم که دنیا به چه دوری می چرخد ، ولی برای من فرصت به پایان رسیده است . من ترجیح می دهم کار هنری انجام دهم .“

وی در پایان افزود : “ در رابطه با سیر جشنواره ، تغییر مجدد دبیر و لطمات احتمالی نباید بدبین باشیم . من نیز ادامه دهنده راه دیگران بودم . مزایای خوب آن را حفظ کردم ، البته تلاش کردم کار آنها را ارتقا دهم ، کارشان را اصلاح نکردم . چون هر کدام از آنها با نیتی خیر و با یک تفکر و منطق این کار را انجام داده اند . البته ممکن است در طول تاریخ ضرورت ها عوض شود ، نیاز باشد که منطق ها دگرگون شود و ضرورت های جدیدی ایجاد شود ، ولی آنچه مهم است اینکه فردی که پس از من هم بیاید ، حتما وامدار این تاریخی خواهد بود ، که ما برای آن زحمت کشیده ایم.“



حاشیه های اختتامیه سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر :

اختتامیه ای پر از ناگفته ها ، اما بی صدا

سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر ،
۱۲ بهمن با حضور مدیران و هنرمندان
عرصه ی تئاتر در تالار وحدت به خط
پایان رسید .



به گزارش **تئاتر فستیوال** ، مراسم اختتامیه سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر با حضور هنرمندان و مسئولینی چون سید رضا صالحی امیری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ، علی مرادخانی معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، مهدی شفیع ، مدیر کل اداره هنرهای نمایشی ، مجید رجبی معمار ، پیمان شریعتی ، اتابک نادری ، سعید اسدی ، علی رفیعی ، پری صابری ، سیاوش طهمورث ، مریم معترف ، مسعود فروتن ، ناصر آقایی ، ایرج راد ، مهرداد رایانی ، مخصوص ، پروفسور عطاالله کوپال ، خسرو احمدی ، مسعود دلخواه ، افسر اسدی ، محمدمیر یاراحمدی و ... که در تالار وحدت برگزار همچون هر مراسم دیگری همراه با حاشیه هایی همراه بود .

- مراسم با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با نیم ساعت تاخیر در ساعت ۱۹ آغاز شد . طبقه همکف تالار وحدت و سه بالکن آن به طور کامل پر شده بود و حتی عده ای ایستاده مراسم را دنبال می کردند .

- در همان آغاز مراسم و پیش از اعلام برگزیدگان ، احسان کرمی که اجرای برنامه را بر عهده داشت ، با شوخی و کنایه رو به حاضران گفت : " کنداکتوری که به من دادند ، یک کنداکتور ۲۰۰ دقیقه ای است و من در همین جا جایزه ام را به همسرم ، پدر و مادرم ، تمام کسانی که تا به اینجا برای من زحمت کشیده اند و ... تقدیم می کنم." دوستان به جای همه ی شما تشکر کردم و لطفا فقط بیایید جایزه هایتان را بگیرید و زمانی برای صحبت کردن برگزیدگان باقی نمی ماند .

- اتابک نادری ، مدیر بخش استان های جشنواره از جمله افرادی بود که ایستاده مراسم را دنبال کرد و در رفت و آمد بود . پیمان شریعتی مدیر اجرایی جشنواره نیز مانند همیشه در تکاپو برای سامان دادن اوضاع بود و پشت صحنه به کارها رسیدگی می کرد .

- با شروع شدن اعلام برگزیدگان و همراهی گروه موسیقی گلک به سرپرستی احسان تارخ، تالار وحدت یک پارچه هیجان بود و گروه های مختلف نام کاندیدای خود در بخشی که اعلام می شد را فریاد می زدند .

- مجید ادراکی پس از دریافت جایزه در بخش مرور برای گریم نمایش "مرگ آنجل ها" به جلوی سن آمد و گفت : "از اینکه میکروفون ندارم ، عذرخواهی می کنم . از استادم آقای معیریان تشکر می کنم و ... " و در حالی که او مشغول صحبت بود ، آهنگی شروع به پخش شدن کرد و جلوی ادامه ی صحبت های او را گرفت !



- ماریتا گولومهاوا برای نمایش "من سیزیف" در بخش طراحی گریم و ماسک تقدیر شد و به نمایندگی او فردی از سفارت بلغارستان به روی سن آمد و پشت میکروفون قرار گرفت و به فارسی گفت : از طرف سفارت بلغارستان به همه ی شما تبریک می گویم !

- سارا اسکندری نیز که برای نمایش "رویای شب نیمه تابستان" دیپلم افتخار و تندیس بخش گریم جشنواره را گرفت ، پس از گرفتن جایزه خود شروع به صحبت کرد ولی چون پشت میکروفون نرفته بود و با صدای آهسته صحبت می کرد ، دکتر مسعود دلخواه که در ردیف اول نشسته بود ، حرف های او را تکرار می کرد که این مسئله باعث خنده ی حضار شد .

- زمانی که احمد جعفری برای نمایش "مستند پخش نشده میرزا" تندیس بخش موسیقی جشنواره را دریافت کرد ، موقع گرفتن جایزه دستان هادی مرزبان را بوسید و جایزه اش را به آتش نشانان فاجعه پلاسکو و کولبران سردشت تقدیم کرد .

- گروه موسیقی گلک در زمان اهدای جوایز بخش موسیقی سنگ تمام گذاشت و حاضران در سالن را حسابی بر سر شور و شوق آورد .

- در زمان اعلام موسیقی بخش بین الملل احسان کرمی گفت : اعلام برگزیده این بخش برایم سخت است چون ۲ نفر از کاندیداها فرشاد فروزی و هانا کامکار هستند که با آن ها همکاری داشتم .

- بسیاری از برگزیدگان زمانی که اسم شان اعلام می شد چون یا در انتهای سالن نشسته بودند و یا در بالکن ها بودند ، خیلی طول می کشید که به روی سن بیایند ، احسان کرمی گفت : گویا هر چی برنده است ردیف ۵۰۰ به بالا نشسته است .

- احسان کرمی پیش از تقدیر از شهید ثنائری مسعود متواضع گفت : خدایا شکر که در سرزمینی زندگی می کنیم که در این آشوب هایی که در کشورهای اطراف مان وجود دارد ، امنیت سایه ی خودش را بر سر ما چتر کرده است . این بخش را تقدیم به کسانی می کنم که خون خودشان را پیشکش آبادی و آزادی سرزمین پارس کردند .



- بهنام کاوه کارگردان نمایش "کوچ" از آبادان پس از دریافت تقدیرنامه خود گفت: "این جایزه را تقدیم می کنم به رفیقم ، رفیقی که خیلی خاص است و در سوریه شهید شد."

- زمانی که که داود مورگان (نمایش "یتیم خانه فونیکس" برای دریافت تندیس موسیقی بخش مرور به روی صحنه آمد گفت: "این هفتمین تندیس مشهد است." و کرمی گفت: "مشهد باید هشتمین جایزه را هم بگیرد. مشهد است و یک امام رضا."



- نمایش "روپای شب نیمه تابستان" در بخش طراحی صحنه برگزیده شد. احسان کرمی گفت: "این نمایش چند مصدوم داشت. ۲ یا ۳ پا شکست اما نمایش فوقی بود."

- کلیپی از درگذشتگان عرصه ی تئاتر در سالی که گذشت پخش شد که در میان آن ها داوود رشیدی ، جعفر والی ، سعید کشن فلاح ، رکن الدین خسروی و دنیا فنی زاده مورد تشویق بسیاری توسط حاضران در سالن قرار گرفتند. رضا کیانیان و سیاوش طهمورث زمانی که برای اعلام برگزیدگان بازیگری مرد به روی سن آمده بودند ، با تشویق مردم و گروه موسیقی ضرب گرفتند و با حرکت دست خود به سمت جمعیت سعی کردند ، حاضران را به وجد بیاورند.

- محمدهادی عطایی زمانی که برای دریافت تقدیرنامه خود به روی سن آمد ، در واقع در پاسخ به صحبت اولیه ی احسان کرمی گفت: "جالب است برای سینما وقت است اما برای تئاتر نیست. از پدرم ، مادرم و خواهر تشکر می کنم و همسرم خانم فضلی تشکر ویژه دارم. لطفا بگذارید صحبت هم صنفی هایتان تمام شود بعد او را تشویق کنید."

- زمانی که امین چاه شوری برای نمایش "هر چی سنگه مال پای لنگه" مورد تشویق قرار گرفت ، تشویق ها به گونه ای بود که احسان کرمی به شوخی گفت: انگار بچه ها از استادپوم آمده اند. تشویق در تئاتر فرق کرده است!

- زمان دست دادن عرفان احمدی زاده با رضا کیانیان نیز جالب بود. کیانیان دست او را رها نمی کرد و به طور مداوم دستش را تکان می داد تا آنکه سیاوش طهمورث به صورت نمایشی دست های آن ها را به زور از هم جدا کرد. هدایت هاشمی پس از گرفتن جایزه بازیگری مرد برای نمایش "افسانه ببر" گفت: نمایش "افسانه ببر" نمایشی است که به شدت مدیون هادی عامل و ایده های او است من می خواستم این را بگویم چون خیلی "افسانه ی ببر" به نام من دارد تمام می شود. برادرم هادی عامل صاحب "افسانه ی ببر" است.

- جایزه ویژه بازیگری مرد نیز به اصغر همت رسید که پسرش به نمایندگی او برای دریافت جایزه به روی سن آمد. هنگامی که او به مقابل مرضیه برومند رسید به وی سلام نظامی داد.

- پارسا پیروزفر هم که تندیس بازیگری مرد را از آن خود کرد در مراسم حضور نداشت و به نمایندگی او نورالدین حیدری ماهر به روی سن آمد و گفت: "آقای پیروزفر عذرخواهی کرد که نتوانست بیاید -



چون برای اجرای آخر "ماتریوشکا" آماده می شد . از هیئت داوران و کل عوامل اجرایی نمایش "ماتریوشکا" تشکر کرد .

- احسان کرمی پس از رفتن حیدری ماهر به شوخی گفت :
"چون ایشان جزو مدیران تولید و تهیه کنندگان تئاتر هستند ، من حرفی نزدیم .(اشاره به اینکه به کسی اجازه ی حرف زدن نمی داد.)



- زمانی که مرضیه برومند می خواست از روی سن به پایین برود گفت : "احسان کرمی در تلویزیون ادای من را درآورد. من هم یک روز ادای او را در می آورم ." و همان لحظه با صدای خاصی گفت تقدیر می شود از ...

- زمانی که اعلام برگزیدگان بازیگری مرد به اتمام رسید حاضران روی سن به صندلی های خود بازگشتند ، تنها از رضا کیانیان خواسته شد که بر روی سن باقی بماند . او نیز زمانی که سن تالار وحدت در حال تعویض شدن بود با حالتی طنز و نمایشی گویی یواشکی به همراه سن دارد می رود حرکت کرد که موجب خنده ی حضار شد .

- یکی از بهترین بخش های مراسم اختتامیه مربوط به بزرگداشت دکتر علی رفیعی بود . طراحی مراسم به گونه ای بود که سن تالار وحدت از قسمت پایین شروع به بالا آمدن می کند و زمانی که به سطح همکف می رسد با فضایی روبرو می شویم که در آن تصاویر دوران مختلف زندگی علی رفیعی قرار داده شده است و بازیگران نمایش های مختلف او روی صندلی هایی نشسته اند و هر کدام دیالوگی از نقش خود را می گویند . در واقع یک قطعه ی نمایشی اجرا شد که هنرمندانی چون رویا تیموریان ، ستاره اسکندری ، افشین هاشمی ، محمد چرمشیر ، حمیدرضا پورآذری ، یلدا عباسی ، سارا رسول زاده و ... در آن حضور داشتند .

- سپس دکتر علی رفیعی در میان تشویق حضار که به احترام او به پا خواسته بودند به همراه پیمان شریعتی به روی سن آمد . و در میان اشک هایی که از سر شوق بر گونه هایش روان شده بود مورد استقبال شاگردانش قرار گرفت . تقریباً پس از تقدیر از دکتر رفیعی و در واقع اعلام برگزیدگان قسمت اعظم جشنواره ، عده ی بسیاری سالن را ترک کردند و بالکن ها رو به خالی شدن رفتند .



- زمانی که مسعود براهیمی برای نمایش "زیرزمین" به روی سن آمد، گفت: مادر و برادر من الان در سالن هستند و پدرم سرکار از تلویزیون مراسم را دنبال می کند. دو سال است که حق دلارام ترکی خورده می شود و این جایزه برای او است.



- افشین زمانی کارگردان نمایش "خاطرات هنرپیشه نقش دوم" پس از دریافت تندیس خود گفت: از ابتدای مراسم از بسیاری از بزرگان نامم برده شد ولی از بهرام بیضایی نام نبردیم.

- امین براهیمی که برای نمایش "زمستان بود" در بخش مرور تقدیر شد، گفت: این جایزه را به بچه های تئاتر شهرستان که اجازه نمی دهند ۳۰ ثانیه حرف شان را بزنند، تقدیم می کنم. حسین مسافر آستانه زمانی که عامر مسافر آستانه برای نمایش "صوراسرافیل" به روی سن آمد، به شوخی در گوشش زد.

- و پایان بخش مراسم اختتامیه سی و پنجمین جشنواره تئاتر فجر اعلام نمایش های "خانه ابری" به کارگردانی مشترک سیامک احصایی و حمید پورآذری و نمایش "همسرای یتمان" به کارگردانی جرسی ژون از لهستان به عنوان جایزه ویژه بخش بین الملل بود.



اهدای جوایز بخش طراحی صحنه و لباس / گزارش تصویری ۳



اهدای جوایز بخش بازیگری زن و مرد / گزارش تصویری ۴



اهدای جوایز بخش نمایشنامه نویسی و کارگردانی / گزارش تصویری ۵



برترین های بخش مسابقه مرور تئاتر ایران از نگاه منتقدین تئاتر فستیوال



همواره نقد و رسانه دو عامل مهم برای بیشتر دیده شدن هر جشنواره ای به شمار می روند و رسانه **تئاتر فستیوال** تنها رسانه تخصصی تئاتری در جشنواره تئاتر فجر است که هر دو عامل را تمام و کمال پوشش می دهد.

دپارتمان نقد **تئاتر فستیوال** نیز طبق عادت همه ساله خود برای همه جشنواره ها، بهترین ها را از زاویه دید و بر اساس شاخصه های نقد خود، به علاقه مندان و مخاطبانش معرفی می کند. بهترین نمایش های جشنواره فجر تنها و تنها از زاویه دید دپارتمان نقد **تئاتر فستیوال** و طبق شاخصه های نقد این پارتمان معرفی می شوند.

بدیهی است که سلیقه شخصی منتقدین در دپارتمان نقد **تئاتر فستیوال** حاکم بر این گزارش است و قطعاً می تواند با نظر داوران محترم و صاحب سبک جشنواره تئاتر فجر سی و پنجم، تفاوت داشته باشد.

این نوشته در زمانی نگاشته می شود که تصمیم داوران گرفته شده و مراسم پایانی جشنواره فجر سی و پنجم نیز به پایان رسیده است، تا شائبه تأثیر این نظرات بر رای مسئولین محترم جشنواره نیز پیش نیاید.

نام منتقد		مسابقه مرور تئاتر ایران
نسترن داوودی	بهترین نمایش	—
	بهترین نمایشنامه	فرهاد نقدعلی (خرمهره)
	بهترین کارگردانی	—
	بهترین بازیگر مرد	اصغر همت (پرتره مرد ریخته)
	بهترین بازیگر زن	—
	بهترین موسیقی	عنایت الله خادم بشیری (ناسور)
	بهترین طراحی صحنه	سینا ییلاق بیگی (ناسور)
	بهترین گریم	مرتضی غلامی (آکواریوم کانگرو)
نام منتقد		مسابقه مرور تئاتر ایران
المیرا نداف	بهترین نمایش	نمایش افسانه بیر
	بهترین نمایشنامه	فرهاد نقدعلی (خرمهره)
	بهترین کارگردانی	هادی عامل (افسانه بیر)
	بهترین بازیگر مرد	هدایت هاشمی (افسانه بیر)
	بهترین بازیگر زن	نسیم ادبی (ناسور)
	بهترین موسیقی	میلاد آرین (خرمهره)
	بهترین طراحی صحنه	مرتضی نجفی (قاقمان)
	بهترین گریم	کامبیز مومن خانی (پرتره مرد ریخته)

نام منتقد		مسابقه مرور تئاتر ایران
سعید خالقی	بهترین نمایش	افسانه زمانی (ناسور)
	بهترین نمایشنامه	دولت آبادی ، بارسقیان (پرتره مرد ریخته)
	بهترین کارگردانی	هادی عامل (افسانه بیر)
	بهترین بازیگر مرد	اصغر همت (پرتره مرد ریخته)
	بهترین بازیگر زن	—
	بهترین موسیقی	عنایت الله خادم بشیری (ناسور)
	بهترین طراحی صحنه	مرتضی نجفی (قاقمان)
	بهترین گریم	گامبیز مومن خانی (پرتره مرد ریخته)
نام منتقد		مسابقه مرور تئاتر ایران
مرجان سادات هاشمی	بهترین نمایش	نمایش خواب زمستانی
	بهترین نمایشنامه	—
	بهترین کارگردانی	—
	بهترین بازیگر مرد	مسعود شاکرمی (چیدا)
	بهترین بازیگر زن	نسرین درخشان زاده (خواب زمستانی)
	بهترین موسیقی	—
	بهترین طراحی صحنه	—
	بهترین گریم	مجید ادراکی (مرگ آنجل ها)

نام منتقد		مسابقه مرور تئاتر ایران
محمد جواد حبیبی	بهترین نمایش	—
	بهترین نمایشنامه	—
	بهترین کارگردانی	راشین امامی (مهرآوه عشق)
	بهترین بازیگر مرد	—
	بهترین بازیگر زن	نسیم ادبی (ناسور)
	بهترین موسیقی	گروه موسیقی نمایش آبگوشت زهرماری
	بهترین طراحی صحنه	—
	بهترین گریم	نگین خلیلی (آبگوشت زهرماری)
نام منتقد		مسابقه مرور تئاتر ایران
فرهاد ابراهیمی والا	بهترین نمایش	نمایش ناسور
	بهترین نمایشنامه	فرهاد نقدعلی (خرمهره)
	بهترین کارگردانی	هادی عامل (افسانه بیر)
	بهترین بازیگر مرد	اصغر همت (پرتره مرد ریخته)
	بهترین بازیگر زن	الهام شعبانی (خواب زمستانی)
	بهترین موسیقی	عنایت الله خادم بشیری (ناسور)
	بهترین طراحی صحنه	سینا ییلاق بیگی (ناسور)
	بهترین گریم	کامبیز مومن خانی (پرتره مرد ریخته)

مسابقه مرور تئاتر ایران		نام منتقد
بهترین نمایش	پرتره مرد ریخته	آرزو شفق
بهترین نمایشنامه	فرهاد نقدعلی (خرمهره)	
بهترین کارگردانی	افسانه زمانی (ناسور)	
بهترین بازیگر مرد	اصغر همت (پرتره مرد ریخته)	
بهترین بازیگر زن	الهام شعبانی (خواب زمستانی)	
بهترین موسیقی	عنایت الله خادم بشیری (ناسور)	
بهترین طراحی صحنه	سینا ییلاق بیگی (پرتره مرد ریخته)	
بهترین گریم	—	

برترین های بخش مسابقه جوانان از نگاه منتقدین تئاتر فستیوال



همواره نقد و رسانه دو عامل مهم برای بیشتر دیده شدن هر جشنواره ای به شمار می روند و رسانه **تئاتر فستیوال** تنها رسانه تخصصی تئاتری در جشنواره تئاتر فجر است که هر دو عامل را تمام و کمال پوشش می دهد.

دپارتمان نقد **تئاتر فستیوال** نیز طبق عادت همه ساله خود برای همه جشنواره ها، بهترین ها را از زاویه دید و بر اساس شاخصه های نقد خود، به علاقه مندان و مخاطبانش معرفی می کند. بهترین نمایش های جشنواره فجر تنها و تنها از زاویه دید دپارتمان نقد **تئاتر فستیوال** و طبق شاخصه های نقد این پارتمان معرفی می شوند.

بدیهی است که سلیقه شخصی منتقدین در دپارتمان نقد **تئاتر فستیوال** حاکم بر این گزارش است و قطعاً می تواند با نظر داوران محترم و صاحب سبک جشنواره تئاتر فجر سی و پنجم، تفاوت داشته باشد.

این نوشته در زمانی نگاشته می شود که تصمیم داوران گرفته شده و مراسم پایانی جشنواره فجر سی و پنجم نیز به پایان رسیده است، تا شائبه تأثیر این نظرات بر رای مسئولین محترم جشنواره نیز پیش نیاید.

نام منتقد		مسابقہ تئاتر جوانان
نسترن داوودی	بہترین نمایش	کابوس شب نیمہ تابستان
	بہترین نمائشنامہ	نغمہ ثمنی (نگاہمان می کنند)
	بہترین کارگردانی	محمد رضا اصلی (نگاہمان می کنند)
	بہترین بازیگر مرد	وحید آقا پور (دوازده)
	بہترین بازیگر زن	—
	بہترین موسیقی	جواد رضایی (چرخہ سودایی)
	بہترین طراحی صحنہ	داریوش پیرو (نگاہمان می کنند)
	بہترین گریم	سوگل بہرام پور (چرخہ سودایی)
نام منتقد		مسابقہ تئاتر جوانان
المیرا نداف	بہترین نمایش	یتیم خانہ فونیکس
	بہترین نمائشنامہ	مہدی اسدزادہ (کابوس شب نیمہ تابستان)
	بہترین کارگردانی	افشین زمانی (خاطرات ہنریشہ نقش دوم)
	بہترین بازیگر مرد	کاظم سیاحی (ہاروی)
	بہترین بازیگر زن	—
	بہترین موسیقی	—
	بہترین طراحی صحنہ	طراحی نمایش دال
	بہترین گریم	—

نام منتقد		مسابقہ تئاتر جوانان
محمد جواد حبیبی	بہترین نمایش	خاطرات ہنر پیشہ نقش دوم
	بہترین نمائشنامہ	—
	بہترین کارگردانی	زہرا تنوری (۱۵)
	بہترین بازیگر مرد	محمد بیڑنی نسب (۱۵)
	بہترین بازیگر زن	—
	بہترین موسیقی	—
	بہترین طراحی صحنہ	محمد بیڑنی نسب (۱۵)
	بہترین گریم	—
نام منتقد		مسابقہ تئاتر جوانان
فرہاد ابراہیمی والا	بہترین نمایش	یتیم خانہ فونیکس
	بہترین نمائشنامہ	ساغر خواجہ امیری (چہل گیس و حسن کچل)
	بہترین کارگردانی	محمد نیازی (یتیم خانہ فونیکس)
	بہترین بازیگر مرد	کاظم سیاحی (ہاروی)
	بہترین بازیگر زن	ندا محمدی (یتیم خانہ فونیکس)
	بہترین موسیقی	بہنام رحیمی (چہل گیس و حسن کچل)
	بہترین طراحی صحنہ	طراحی صحنہ (کابوس شب نیمہ تابستان)
	بہترین گریم	سمیہ ارقبایی (یتیم خانہ فونیکس)

نام منتقد		مسابقه تئاتر جوانان
آرزو شفق	بهترین نمایش	هاروی
	بهترین نمایشنامه	رجینالد رز (دوازده)
	بهترین کارگردانی	شکوفه طاهری (کابوس نیمه شب تابستان)
	بهترین بازیگر مرد	مسعود کرامتی (نگاهمان می کنند)
	بهترین بازیگر زن	ملودی آرام نیا (لوسیا)
	بهترین موسیقی	میلاد قنبری (یتیم خانه فونیکس)
	بهترین طراحی صحنه	امیرحسین دوانی (هاروی)
	بهترین گریم	الهام صالحی (نگاهمان می کنند)

برترین های بخش مسابقه بین الملل از نگاه منتقدین تئاتر فستیوال



همواره نقد و رسانه دو عامل مهم برای بیشتر دیده شدن هر جشنواره ای به شمار می روند و رسانه **تئاتر فستیوال** تنها رسانه تخصصی تئاتری در جشنواره تئاتر فجر است که هر دو عامل را تمام و کمال پوشش می دهد.

دپارتمان نقد **تئاتر فستیوال** نیز طبق عادت همه ساله خود برای همه جشنواره ها، بهترین ها را از زاویه دید و بر اساس شاخصه های نقد خود، به علاقه مندان و مخاطبانش معرفی می کند. بهترین نمایش های جشنواره فجر تنها و تنها از زاویه دید دپارتمان نقد **تئاتر فستیوال** و طبق شاخصه های نقد این پارتمان معرفی می شوند.

بدیهی است که سلیقه شخصی منتقدین در دپارتمان نقد **تئاتر فستیوال** حاکم بر این گزارش است و قطعاً می تواند با نظر داوران محترم و صاحب سبک جشنواره تئاتر فجر سی و پنجم، تفاوت داشته باشد.

این نوشته در زمانی نگاشته می شود که تصمیم داوران گرفته شده و مراسم پایانی جشنواره فجر سی و پنجم نیز به پایان رسیده است، تا شائبه تأثیر این نظرات بر رای مسئولین محترم جشنواره نیز پیش نیاید.

نام منتقد		مسابقه بین الملل
نسترن داوودی	بهترین نمایش	نمایش همسرایی یتیمان
	بهترین نمایشنامه	مهین صدری (از زیر زمین تا پشت بام)
	بهترین کارگردانی	آروند دشت آرای (درباره تصویر از...)
	بهترین بازیگر مرد	حمید لاجوردی (راهبان معبد وانگ)
	بهترین بازیگر زن	پانته آ پناهی ها (نامه های عاشقانه از ...)
	بهترین موسیقی	هانا کامکار (نامه های عاشقانه از ...)
	بهترین طراحی صحنه	شهاب افتخاری (بیستون می تازد)
	بهترین گریم	سمیه ارقبایی (بیستون می تازد)
نام منتقد		مسابقه بین الملل
المیرا نداف	بهترین نمایش	نمایش درباره تصویر از من تجدید نظر کن
	بهترین نمایشنامه	نغمه ثمینی (درباره تصویر از من تجدید نظر کن)
	بهترین کارگردانی	جرزی زون (همسرایی یتیمان)
	بهترین بازیگر مرد	مرتضی اسماعیل کاشی (مستاجر)
	بهترین بازیگر زن	پانته آ پناهی ها (نامه های عاشقانه از ...)
	بهترین موسیقی	موسیقی نمایش همسرایی یتیمان
	بهترین طراحی صحنه	امیرحسین دوانی (صور اسرافیل)
	بهترین گریم	ماریتا گولومهوا (من ، سیزیف)

نام منتقد		مسابقه بین الملل
سعید خالقی	بهترین نمایش	نمایش صور اسرافیل
	بهترین نمایشنامه	جرزی زون (همسرایی یتیمان)
	بهترین کارگردانی	
	بهترین بازیگر مرد	پارسا پیروزر (ماتریوشکا)
	بهترین بازیگر زن	نانا بوتخوزی (در اعماق)
	بهترین موسیقی	موسیقی نمایش همسرایی یتیمان
	بهترین طراحی صحنه	امیرحسین دوانی (صور اسرافیل)
	بهترین گریم	سهیلا باجلان (خوشبختی های کوچک ...)
نام منتقد		مسابقه بین الملل
مرجان سادات هاشمی	بهترین نمایش	نمایش ماتریوشکا
	بهترین نمایشنامه	ماکسیم گورکی (در اعماق)
	بهترین کارگردانی	پارسا پیروزر (ماتریوشکا)
	بهترین بازیگر مرد	پارسا پیروزر (ماتریوشکا)
	بهترین بازیگر زن	—
	بهترین موسیقی	—
	بهترین طراحی صحنه	بهاره صدیقیان (ماتریوشکا)
	بهترین گریم	—

یہ سب کچھ (کچھ)

مسابقه بین الملل		نام منتقد
نمایش ماتریوشکا	بهترین نمایش	آرزو شفق
ماکسیم گورکی (در اعماق)	بهترین نمایشنامه	
جرزی زون (همسرایی یتیمان)	بهترین کارگردانی	
مرتضی اسماعیل کاشی (مستاجر)	بهترین بازیگر مرد	
پافته آ پناهی ها (نامه های عاشقانه ...)	بهترین بازیگر زن	
ابراهیم اثباتی (کابوس های حضرت اشرف)	بهترین موسیقی	
جوانا جاسکوروکا (همسرایی یتیمان)	بهترین طراحی صحنه	
—	بهترین گریم	

حاشیه های اختتامیه / گزارش تصویری ۳



برگزیدگان بخش مسابقه مرور تئاتر ایران جشنواره تئاتر فجر

بازیگری مرد

جایزه ویژه : «اصغر همت» برای بازی در نمایش «پرتله مرد ریخته»
برگزیده : «اصغر همت» برای بازی در نمایش «پرتله مرد ریخته»
تقدیر : «علیرضا آراء» برای بازی در نمایش «ناسور»

تقدیر : عرفان احمدی زاده برگزیده نوجوان
تقدیر : «سعید زندی» برای بازی در نمایش «گاهی»

بازیگری زن

برگزیده : «نسیم ادبی» برای بازی در نمایش «ناسور»
تقدیر : «الهام نامی» برای بازی در نمایش «پرسه‌های موازی»
تقدیر : «الهام شعبانی» برای بازی در نمایش «خواب زمستانی»

نمایشنامه نویسی

برگزیده : هیأت داوران در این بخش برگزیده ای ندارد.
تقدیر : «پیام لاریان» برای نگارش نمایشنامه «پرسه‌های موازی»
تقدیر : «باقر سروش» برای نگارش نمایشنامه «پستو»

کارگردانی

برگزیده: هیأت داوران در این بخش برگزیده ای ندارد.
تقدیر : «پیام لاریان» برای کارگردانی نمایش «پرسه‌های موازی»
تقدیر : «امین ابراهیمی» برای کارگردانی نمایش «زمستان بود»



طراحی گریم

تقدیر : «مجید ادراکی» برای طراحی گریم نمایش «مرگ آنجل‌ها»

موسیقی

برگزیده : «احسان آنالویی» برای موسیقی نمایش «چیدا»

طراحی لباس

برگزیده : «سمانه احمدی مطلق» برای طراحی لباس نمایش «چیدا»

طراحی نور

برگزیده : «علی قربانی فرد» برای طراحی نور نمایش «افراسیاب»

طراحی صحنه

برگزیده : «مرتضی نجفی» برای طراحی صحنه نمایش «قاقمان»
تقدیر : «روح‌الله امامی» برای طراحی صحنه نمایش «چیدا»



برگزیدگان بخش مسابقه جوانان جشنواره تئاتر فجر

موسیقی

برگزیده: «میلاد قنبری» برای موسیقی نمایش
«یتیم خانه فونیکس»
تقدیر: «بهنام رحیمی» برای موسیقی نمایش
«چهل گیس و حسن کچل»

نمایشنامه نویسی

برگزیده: «محمد رضا طاهری» و «فاطمه رضایی»
برای نگارش نمایشنامه «دا»
تقدیر: «مهسا غفوریان» و «مهدی ضیاء چمنی»
برای نگارش نمایشنامه «اکسیژن»

کارگردانی

برگزیده: «افشین زمانی» برای کارگردانی
نمایش «خاطرات هنرپیشه نقش دوم»
تقدیر: «شکوفه طاهری» برای کارگردانی
نمایش «کابوس شب نیمه تابستان»



طراحی گریم

برگزیده: «سمیه ارقبایی» برای طراحی گریم
نمایش «یتیم خانه فونیکس»

طراحی لباس

برگزیده: «سیامک دورانی» برای طراحی لباس
نمایش «یتیم خانه فونیکس»

طراحی نور

برگزیده: «شهاب مهربان پور» برای طراحی نور
نمایش «لوسیا»

طراحی صحنه

برگزیده: «داود مورگان» برای طراحی صحنه
نمایش «یتیم خانه فونیکس»
تقدیر: «سیاوش عالی پور» برای طراحی صحنه
نمایش «سرگذشت نا به هنگام زنی که مدام
می خندید»



برگزیدگان بخش مسابقه بین الملل جشنواره تئاتر فجر

تقدیر : «مصطفی کوشکی» برای طراحی صحنه
نمایش «رویای نیمه شب تابستان»

بازیگری مرد

برگزیده : «پارسا پیروزفر» برای بازی در نمایش
«ماتریوشکا»
تقدیر : «علیرضا کیمنش» برای بازی در نمایش
«رویای نیمه شب تابستان»

بازیگری زن

برگزیده : «فاطمه نقوی» برای بازی در نمایش
های «صور اسرافیل» و «دیابولیک رومئو و ژولیت»
تقدیر : «نانا بوتخوزی» برای بازی در نمایش «در
اعماق»

نمایشنامه نویسی

برگزیده: «حسین پاکدل» برای نگارش نمایشنامه
«کابوس حضرت اشرف»
تقدیر : (نمایشنامه اقتباسی) «سیاوش پاکراه» برای
نگارش نمایشنامه «صور اسرافیل»

کارگردانی

برگزیده : «جرزی زون» برای کارگردانی نمایش
«همسرایی یتیمان»
تقدیر : «عامر مسافر آستانه» برای کارگردانی
نمایش «صور اسرافیل»

جایزه ویژه بین الملل

برگزیده : نمایش «خانه ابری» به کارگردانی
مشترک «سیامک احصایی» و «حمید پوراذری» از
ایران ، نمایش «همسرایی یتیمان» به کارگردانی
«جرزی زون» از لهستان



طراحی گریم و ماسک

برگزیده : «سارا اسکندری» برای طراحی گریم
نمایش «رویای نیمه شب تابستان»
تقدیر : «ماریتا گولومهوا» برای طراحی ماسک
نمایش «من، سیزیف»

موسیقی

برگزیده : «فرشاد فزونی» برای موسیقی نمایش
«خوشبختیهای کوچک سوسک شدن»

طراحی لباس

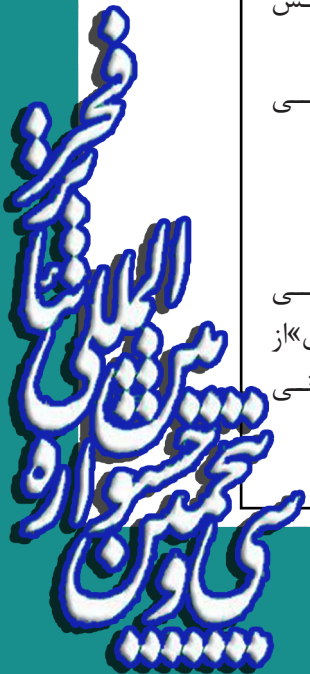
برگزیده : «شیما میرحمیدی» برای طراحی لباس
نمایش «رویای نیمه شب تابستان»

طراحی صدا

برگزیده : «لیزاوربلن» برای طراحی صدا نمایش
«یک»

طراحی صحنه

برگزیده : «امیرحسین دوانی» برای طراحی صحنه
نمایش «صور اسرافیل»



برگزیدگان بخش مسابقه نمایش های محیطی جشنواره تئاتر فجر

تئاتر محیطی

طراحی فضا و فضا سازی

برگزیده : «سعید بهنام» و «نسیم ریاضی» و «نسرین فرشلاف» برای نمایش «برگرد مرا ببین»

موسیقی

هیأت داوران در این بخش انتخابی ندارد.

طرح و ایده

برگزیده : «حسین توازنیزاده» برای طرح و ایده نمایش «پروانه»

بازیگری زن

برگزیده : «تینا یونس تبار»، «پرستو قربانی» و «آبان حسین آبادی» برای نمایش «پروانه»
تقدیر : «مارال عبادی» و «تیلوفر ندایی» برای نمایش «برگرد مرا ببین»

بازیگری مرد

برگزیده : «بانی پال شومون» برای نمایش «برگرد مرا ببین»
تقدیر : «مرتضی ضرابی» برای نمایش «خرده ریز»

کارگردانی

برگزیده : «سعید بهنام خانیکی» و «نسیم ریاضی» و «شیرین فرشلاف» برای کارگردانی نمایش «برگرد مرا ببین»

جایزه ویژه محیطی

گروه نمایش «بزم و رزم» به کارگردانی «ابوالفضل طبسی» از سبزوآر



تئاتر شورایی

برگزیده : گروه نمایش «داستان مردم» به کارگردانی «پیام عزیزی»

نمایش های آلترناتیو

برگزیده : گروه نمایش «موزه گردی» به کارگردانی «رضا غیور»

برگزیدگان بخش مسابقه نمایش های محیطی جشنواره تئاتر فجر

بازیگری زن :

برگزیده : «رستا رضوی» برای نمایش «فیش»
تقدیر : «دلارام ترکی» برای نمایش «زیرزمین»

بازیگری مرد :

برگزیده : «فرامرز قلیچ خانی» برای نمایش «فیش»
تقدیر : «مهدی ضیائی پور» برای بازی در
نمایش های «مستند پخش نشده میرزا» و «چهار
طبقه»
تقدیر : «محمد هادی عطایی» برای نمایش «چهار
طبقه»
تقدیر : «امین چاه شوری» برای نمایش «هرچی
سنگه مال پای لنگه»

کارگردانی

جایزه ویژه داوران : «ابوالفضل طبسی» برای نمایش
«بزم و رزم»
برگزیده : «مسعود براهیمی» برای نمایش
«زیرزمین»
تقدیر : «محمد هادی عطایی» برای نمایش
«چهار طبقه»



تئاتر خیابانی

موسیقی

برگزیده : «احمد جعفری» برای نمایش خیابانی
«مستند پخش نشده میرزا»
تقدیر : «علی سینا رضانیا» برای نمایش «فیش»

طراحی فضا و فضا سازی :

برگزیده : «مسعود براهیمی» و «جلال کاشانی»
برای نمایش «زیرزمین»

طرح و ایده :

برگزیده : «کاوه مهدوی» برای طرح و ایده نمایش
«فیش»
تقدیر : «مسعود براهیمی» برای طرح و ایده نمایش
«زیرزمین»

دریافت جلد اول ویژه نامه ی سی و پنجمین جشنواره ی تئاتر فجر



برای دریافت جلد اول ویژه نامه تئاتر فستیوال کلیک کنید

Theaterfestival.ir

telegram.me/theaterfestival

www.instagram.com/theaterfestival.ir

www.instagram.com/theaterfestival_rd

